



رسانه‌شناسی آرمان‌گل

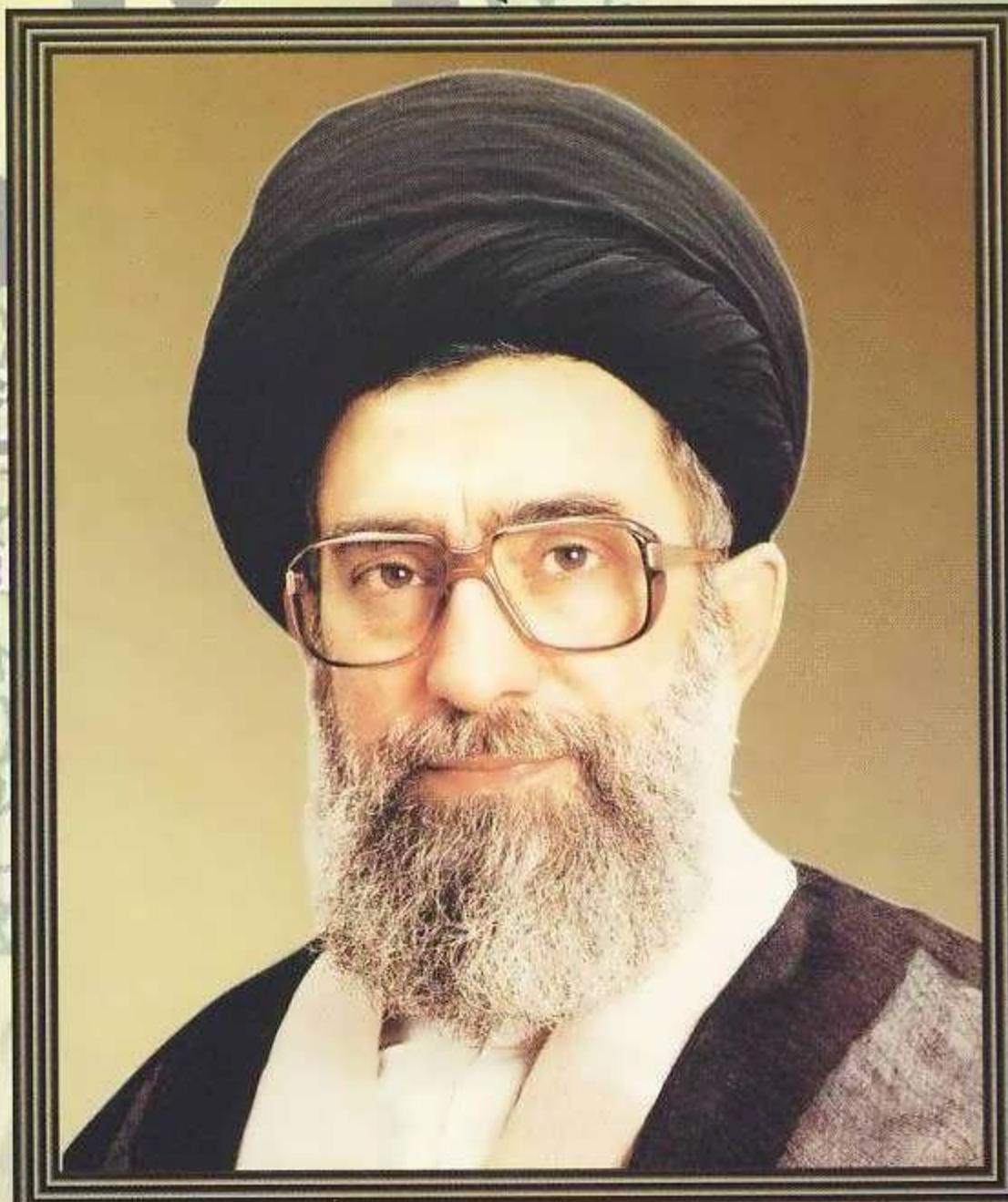
فصلنامه ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه متون
سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۷، ۲۰۰ تومان

نکاتی چند از تفسیر شهرستانی / دکتر پرویز اذکائی
نقد و بررسی احیای حکمت / دکتر سید جعفر سجادی
گمشده خوارزم / دکتر حامد صدقی
گلگشته در دیوان غالب دهلوی / دکتر محمدحسن حائری
انجیل به روایت میرمحمد باقر / فرج امیریار
علامه قزوینی / جبریل شادان
روش علمی در نقد و تصحیح متن ادبی / دکتر عبدالحسین زرین کوب
مجله‌های نسخه خطی / ایرج افشار
سفر به ازبکستان و تاجیکستان / اکبر ایرانی

مکتوب

The Written He

بر جسته اسلام و ایران



قطیع میرداماد، ملا صدرا، عبد الرحمن جامی، حزین لاهیجی،
قطب الدین لاهیجی، عبدالکریم شهرستانی، حافظ ایرو،
عماد طبری، عماد کاتب اصفهانی، قاضی صاعد اندلسی
بزرگ دیگر.

دیدار با مقام معظم رهبری

مدیر دفتر نشر میراث مکتوب روز دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۷ با مقام معظم رهبری دیدار کرد و ضمن ارائه گزارشی از فعالیتهای تحقیقی و انتشاراتی این دفتر در سه ساله اخیر، بابیان اینکه تاکنون ۵۰ اثر را چاپ و اغلب آنها برای اولین بار تحقیق و تصحیح و منتشر شده است، پنج عنوان از کتابهای تازه نشر یافته را با دو شماره از پیش شماره خبری آینه میراث تقدیم حضور معظم له کرد. سپس رهبر معظم انقلاب خطاب به مسئول این دفتر فرمودند:

«من کارهای این دفتر را دیده‌ام و استفاده کرده‌ام، امیدوارم موفق باشید. آثار خوبی منتشر کرده‌اید که مفید هستند. انجام این کارها لازم است. اینکه یکدست و یک شکل و زیبا است، هم خوب است.»

تهر

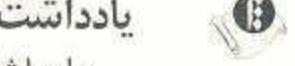
بین خیابان

شماره ۱۱۷۸

دورنويis

صندوق پستی: ۱۳۱۸۵ - ۵۶۹



| | |
|--|--|
| <p>یادداشت یادداشت آینه مقاله رویکرد آگاهانه به میراث کهن/ جویا جهانبخش نقد و معرفی کتاب نکاتی چند از تفسیر شهرستانی/ دکتر پرویز اذکائی ۶ نگاهی به تذکرة المعاصرین/ علیرضا ذکاوی قراگزلو ۱۱ نقد و بررسی احیای حکمت/ دکتر سید جعفر سجادی ۱۴ آثار احمدی در میزان نقد/ دکتر نورالله کسائی ۱۷ به امید قبی/ جویا جهانبخش ۱۹ گمشده خوارزم/ دکتر حامد صدقی ۲۱ گلگشته در دیوان غالب دهلوی/ دکتر محمدحسن حائری ۲۶ تأملی در قاموس البحرين/ احمد عابدی ۲۹ انجیل به روایت میرمحمد باقر/ فرخ امیریار ۳۱ از لایه لای متون برگزیده آثار بیرونی ۳۴ هزار صندوق مگس کوه گیلو ۳۶ در آستانه تحقیق و نشر گذری بر رسائل حزین لاھیجی/ علی اوجی ۳۸ آشنایی با مصححان و محققان علامه قزوینی/ جبریل شادان ۴۰ یک شاخه گل/ محمد اسفندیاری ۴۲ درباره تصحیح متون روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی/ دکتر عبدالحسین زرین کوب ۴۶ مراکز علمی و فرهنگی آشنایی با « مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامي » ۵۴ نشریات و مجله های پژوهشی مجله های نسخه های خطی/ ایرج افشار ۵۷ محله « التراث » ۵۹ خبرنامه « الفرقان »/ ایرج افشار ۶۰ محله « مجمع اللغة العربية » سوریه ۶۱ آثار دفتر نشر میراث مکتب نمایه آثار دفتر نشر میراث مکتب ۶۲ تازه های میراث مکتب ۶۷ گزارش گزارش سفر به ازبکستان و تاجیکستان/ اکبر ایرانی ۶۸ خبر ۷۴ نامه ها ۷۴ چکیده مطالب به زبان عربی ۸۲ چکیده مطالب به زبان انگلیسی ۸۸ </p> |           |
|--|--|



وابسته به

انجمان آثار و مفاخر فرهنگی

آزمیزی

فصلنامه ویژه نقد کتاب، کتاب‌شناسی
و اطلاع‌رسانی در حوزه متون

سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۷

صاحب امتیاز: دفتر نشر میراث مکتب

مدیر مسئول: اکبر ایرانی

هیئت تحریریه: محمود ارومیه چی‌ها،

جویا جهانبخش، عبدالحسین مهدوی،

علی اوجی، محمود نظری

طرح و صفحه‌آرایی: هادی نوید

حروف‌چینی: محمود خانی

لیتوگرافی: نقره‌آبی

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مقالات مندرج در آینه میراث صرف‌آمیخت
آراء نویسنده‌گان آنهاست.

مقالات و مطالبی که برای آینه میراث
ارسال می‌شود باید بر یک روی کاغذ نوشته
شود و متن اصلی مقالات ترجمه شده
ضمیمه گردد.

آینه میراث در ویرایش مطالب آزاد است.

مطالب دریافت شده بازگردانده نمی‌شود.

استفاده از مطالب آینه میراث با ذکر مأخذ
آزاد است.

نشانی دفتر:

خیابان انقلاب اسلامی، بین صبای جنوبی
و فلسطین، شماره ۱۱۷۸، تهران ۱۳۱۷۵

نشانی پستی:

صندوق پستی ۵۶۹-۱۳۱۸۵، تهران

تلفن: ۶۴۱۴۸۳۴

دورنگار: ۶۴۱۵۰۵۲

پیام‌نگار:

mirasmaktoob@apadana.com

<http://www.apadana.com/MirasMaktoob>

یادداشت آینه



با توجه به این ضرورت، در اوخر سال ۱۳۷۳ «دفتر نشر میراث مکتوب» به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان و با مشارکت مراکز علمی و تحقیقی و مؤسّسات نشر، در داخل و خارج از کشور، سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به پژوهندگان و فرهنگ دوستان تقدیم دارد.

به منظور آشنایی بیشتر با این دفتر در اینجا به اهداف و وظایف آن به اجمال اشاره می‌شود:

اهداف

- شناسایی و معرفی آثار خطی ارزشمند دانشمندان و متفکران حوزه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران
- تحقیق و نشر نسخه‌های ارزشمند متون اسلامی و ایرانی
- تحقیق و نشر رساله‌های خطی و متون چاپ سنگی
- کمک به ایجاد زمینه‌های مناسب جهت تبادل آراء مصححان و محققان و مراکز تحقیقاتی در داخل و خارج کشور
- حمایت از محققان، مصححان و ناشران داخلی و خارجی در احیای متون
- کمک به گسترش آموزش مبانی و اصول تصحیح انتقادی متون، تأثیف و ترجمه متون تخصصی
- کمک به گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی آثار خطی
- کمک به تنظیم و انتشار فهرس نسخه‌های خطی مجموعه‌های فهرست نشده
- انتشار نشریات ادواری اطلاع رسانی و تخصصی درباره متون خطی و تحقیقات در این زمینه
- تلاش در جهت تدوین و تصویب قانون ملی حمایت از میراث مکتوب
- تلاش در جهت تدوین و تصویب حقوق مصححان و محققان آثار خطی

نسخه‌های خطی اسلامی در حقیقت کارنامه دانشمندان بزرگ و نوابع فکری عالم اسلام و هویت نامه مسلمانان جهان، از جمله ایرانیان است. بر عهده هر نسلی است که این میراث پر ارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

افسوس که بخل گنجوران، پراکندگی دستنوشتها در بلاد، غرابت خط و زبان، منحصر به فرد یا کم شمار بودن نسخه‌ها، تشیت و اختلاف سرگیجه آور ضبطها و موجباتی از این دست، این گنجینه بیکران را از دسترس آرزومندان و مشتاقان دور نگه داشته است. از این روی تصحیح متون، به خلاف آنچه به طنز گفته‌اند، «نش قبر» نیست، گنجیابی و احیای فرهنگ است. باید گفت اقدامی است ناگزیر و برخی از صاحب نظران حُسن اجرای برنامه‌ها و طرحهای پژوهشی در عرصه زبان و ادب و تاریخ مارانتها زمانی عملی شمرده‌اند که بر ویرایشهای انتقادی معتبر از متون مبتنی باشد.

با آنکه بیش از یک قرن از ورود صنعت چاپ به ایران می‌گذرد، هنوز بسیاری از میراث فرهنگی قلمرو زبان فارسی و ایران اسلامی در میان اوراق و کتب خطی در کتابخانه‌های عمومی یا مجموعه‌های خصوصی در گوشه و کنار جهان نهفته است.

به قول استاد فروزانفر، «بعضی کتب فسانه سیمرغ است، نام آن همه جا مذکور و خود در میان نه، و آنچه هست در جاهایی است که دسترسی به آنها مشکل است».

بازیابی و تصحیح هزاران متن شناخته و ناشناخته، که از هزاران سال باز انباسته و اندوخته شده، کاری است بس خطیر؛ چه مایه همت و نقد عمر و رمق فرهنگی و سرمایه‌مادی می‌خواهد، خدا می‌داند و بس! با همه کوشش‌هایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبیع در آنها انجام گرفته و صدها کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته، هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگر چه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و به تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

وظایف

- سرمایه‌گذاری و مشارکت در اجرای طرحهای پژوهشی و اقدام به تأسیس و راه اندازی مراکز و تشکلهای تحقیقی در جهت ارتقاء تواناییها و تثبیت بنیهٔ مالی مرکز در چارچوب مقررات مربوط

*

دفتر نشر میراث مکتوب در چهارمین سال فعالیت خود توفیق آن را داشته تا با همکاری محققان و مصححان فرزانه و مشارکت ناشران فرهیخته قریب به ۶۰ اثر مکتوب را در شش مجموعهٔ علوم و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، میراث ماوراءالنهر، تاریخ و جغرافی، علوم و فنون، کتابشناسیها و فهرستهای متون خطی به جامعهٔ فرهنگی عرضه نماید و بیش از ۶۰ اثر دیگر را در دست تصحیح و آماده سازی فنی و در آستانهٔ چاپ و نشر داشته باشد.

ضرورت اطلاع رسانی و نبود مجله‌ای خاص دربارهٔ نسخه‌های خطی به زبان فارسی موجب شد که این دفتر در کنار کارهای پژوهشی خود به انتشار نشریه‌ای به نام آینهٔ میراث، ویژهٔ نقد کتاب، کتابشناسی و اطلاع رسانی در حوزهٔ متون اقدام کند. پس از انتشار دو شماره به صورت ماهانه، اکنون نخستین شمارهٔ آن با شکلی جدید و در قلمرویی وسیعتر و تخصصی‌تر به صورت فصلنامه در پیش روی علاقه‌مندان قرار دارد. نشر تحقیقات و بررسیهای محققان دربارهٔ نسخه‌های خطی، به ویژه دربارهٔ نسخهٔ شناسی و تصحیح انتقادی متون، بررسی شیوه‌های علمی و کارآمد تصحیح و تحقیق، معرفی کتابهای تحقیق شده و آثار در آستانهٔ تحقیق و نشر برای ارج گذاری به کار محققان، نقد عالمانه و جلوگیری از تکرار کارهای پژوهشی، معرفی تازه‌ترین کتابها و مقالات تحقیقی نشریات تخصصی، معرفی آثار منتشر شده و در دست تصحیح و انتشار دفتر نشر میراث مکتوب، معرفی مصححان و محققان، شناساندن مراکز علمی و تحقیقی و اخبار پژوهشی و فرهنگی در حوزهٔ متون از موضوعات مورد بحث در این نشریه خواهد بود. وبالاخره فصلنامه در پی آن است که آثار گرانبهای محققان را که در گوشةٔ کتابخانه‌ها از دیده‌ها پنهان مانده، شناسایی کند و متون باستهٔ تصحیح را بشناساند و همتهای بلند را برای تحقیق فراخواند. همچنین در میان آثار گرانقدر گذشتگان، گاه رساله‌هایی کوتاه یافت می‌شود که به این لحاظ نشر مستقل را بر نمی‌تابند. تحقیق دقیق و نشر شایستهٔ این گونه رساله‌ها نیز از برنامه‌های آتی دفتر است که بخش دیگری از فصلنامه را به خود اختصاص می‌دهد. در پایان امید است تلاش‌های این دفتر در نشر آثار ارزشمند ایران اسلامی و عرضه آنها به مشتاقان و پژوهندگان - که از یک سو به منزلهٔ قدردانی از خدمات گرانبهای دانشمندان سرزمین دانش خیز ایران است و از سوی دیگر دستمایه‌هایی است که پژوهشگران را در کار تحقیق یاری می‌رسانند - سپاسی باشد از نامورانی که در طول سالیان این آثار را فراهم آورده‌اند.

دفتر نشر میراث مکتوب، صمیمانه و به احترام، چشم انتظار مقالات، نقدها و نظرهای محققان و مصححان ارجمند در جهت پربارتر

شدن این نشریه است.

- برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات با مراکز و مؤسسات مرتبط با متون خطی و سایر مؤسسات علمی در داخل و خارج کشور به منظور شناسایی و معرفی آثار خطی و انجام مبادلات فرهنگی از طریق مبادله خدمات و کالاهای فرهنگی (کتاب و...)
- تهیهٔ میکرو فیلم، عکس و کپی از نسخه‌های خطی داخل و خارج کشور
- مشارکت و سرمایه‌گذاری با سایر مراکز و مؤسسات داخل و خارج کشور در تحقیق و تصحیح متون و نیز سایر طرحهای مطالعاتی مورد نیاز مرکز
- همکاری با کنگره‌های بزرگ‌داشت مفاخر علمی و فرهنگی در جهت احیا و نشر آثار آنان
- مشارکت و سرمایه‌گذاری با اشخاص حقیقی و حقوقی داخل و خارج کشور به منظور تهیه و نشر کتابهای نفیس و مرجع ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت و راهنمایی مصححان بویژه دانش آموختگانی که رسالهٔ تحصیلی خود را به تصحیح متون اختصاص دهند.
- شرکت در مجامع و سمینارهای مرتبط با اهداف مرکز در داخل و خارج کشور
- برگزاری جلسات گفت و گو، میزگردها، سمینارها و کنگره‌های دربارهٔ مسائل و مشکلات تصحیح متون و معرفی آثار خطی ارزشمند و موضوعات مختلف مرتبط با اهداف مرکز
- برگزاری دوره‌های آموزشی اصول و مبانی تصحیح متون و موضوعات مرتبط و نشر جزوای و کتابهای آموزشی
- ایجاد و تأسیس مراکز و شبکه‌های اطلاع رسانی آثار خطی و تحقیقات و دیگر مسائل مرتبط و تسهیل شرایط بهره‌برداری محققان و مصححان از آنها با رعایت ضوابط مربوط به استفاده از اطلاعات مورد نظر
- تأسیس و ادارهٔ کتابخانه‌های تخصصی و تحقیقاتی با اخذ مجوز لازم
- ترجمهٔ متون خطی فارسی ارزشمند به عربی یا زبانهای دیگر
- انجام فعالیتهای انتشاراتی و خدمات فنی و تأسیس مرکز نشر به منظور انتشار کتاب، نشریات و مطبوعات و نیز اقدام به تأسیس و تجهیز چاپخانه با اخذ مجوز لازم
- برپایی نمایشگاه و فروشگاه اختصاصی از آثار و تولیدات مرکز و دایر کردن کتابفروشیها و نمایندگیهای مورد نیاز در سایر نقاط
- قبول و تصدی نمایندگی مراکز و مؤسسات علمی، فرهنگی، اطلاع رسانی، انتشاراتی و مطبوعاتی داخلی و خارجی به منظور توزیع و صادرات و واردات کتاب و کالاهای فرهنگی در داخل و خارج کشور شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی کتاب
- شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی کتاب



رویکرد آگاهانه به میراث کهن

جویا جهانبخش



زده!
نشر سومین ترجمهٔ جامعهٔ باز و استقبال از آن فرخنده است؛
شنیدن این که دانشوری دو دهه در کتابی می‌پیچد تا ترجمه‌ای
دقیق و استوار از آن عرضه کند، مبارک است؛ فروش فوق العاده
کتابهای فلسفی و این عنایت به مسائل فکری، مسرّت بخش است؛
اما آیا همه چیز همین است؟!

این مسرّت و فرخنده‌گی به شرط آن حاصل می‌شود که شما
در بازار روز کتاب، یک ترجمه و فقط یک ترجمهٔ روان از تفسیر
صفی ملا محسن فیض به من نشان دهید! که نیست! جایی
نیمی ازین توجه را به تاریخ بیهقی، نه به عنوان متن تکلیف درسی،
که به عنوان آینه‌ای به یادگار مانده از روزگاری که بر ما (همین
«ما»ی امتداد یافته در تاریخ) گذشته، سراغ کنید! که نمی‌توانید
کرد! در کوی کتابفروشان، پُرسندگان بیشماری را در طلب اساس
الاقتباس خواجه نصیر که شاید هیچگاه گرد کهنگی نپذیرد،
بیابید! که نخواهید یافت! راستی چرا؟!

بیقین اگر بخواهید از میان مؤلفات بیشمار مسلمانان، تنها
صد اثر گلچین کنید، تفسیر کبیر فخر رازی از آن صد خواهد بود؛
و اگر پنجاه، به احتمال قریب به بیقین، از آن پنجاه؛ و اگر بیست،
هستند مدفّقانی که تفسیر فخر را یکی از آن بیست اثر بشمارند.
زبان فارسی هزار سال انتظار کشید تا تفسیر فخر ترجمه شود و
اینک ترجمه سه مجلد آن منتشر شده؛ تفسیری که هیچ طالب
راستین آگاهی اسلامی از آن مستغنی نیست؛ پس چرا این سه
دفتر نشريافتنه نایاب نشد و همچنان زینت بخش قفسه‌های
کتابفروشی است؟!

هر گاه این بسنده گری و خرسندی پوشالی خودمان - یعنی:
دوستداران و مدافعان «سنّت» و «تجدد سنّت» - را نیک نظر
می‌کنم به یاد حکایت «مردی که می‌خواست تازی گوید» در کلیده

اخیراً سومین ترجمهٔ کتاب معروف کارل پوپر (پاپر) جامعهٔ باز و
دشمنان آن منتشر شد، ترجمه‌ای که به گواهی مقدمهٔ مترجم،
بیش از دو دهه مشغولیت ذهنی و قلمی، برای او پدید آورده بوده
است. بنده هم مانند هر دوستدار صادق اندیشه و فرهنگ، از خبر
انتشار آن شادمان شدم و اگرچه از ارادتمندان این اندیشه گر
اتریشی («ارادتمند» به معنای امروزی آن) نیستم، آن را رویدادی
فرخنده تلقی نمودم.

مدتی است در بازار کتاب در راستهٔ اندیشه گران مغربی و
جانب غربی، همه‌های برخاسته و رویکردی روزافزون به نشر و
فروش و خرید متعاق قلمی ایشان پدید آمده که بخودی خود نه تنها
معضلی بشمار نمی‌آید، می‌تواند نمودار بلوغ و رسیدگی فکری
جامعهٔ ما باشد.

دریغ اینجاست که داستان به پُر خریداری کالای اندیشگی
باختری، ختم نمی‌شود، و وضعیت کنونی، دیدهٔ دیده و روان را از دو
جانب، نگران می‌دارد:

۱. اقبال خوانندگان و خریداران کتاب و بهره‌وران از آن، به
این رویهٔ نوآشنای فکرت، مع الأسف، لااقل در مواضعی بیش از
آنکه مبتنی بر بصیرت و انتخاب آگاهانه باشد، تابع هیاهو و غوغای
«مُدِّ» فکری نوظهوریست که پرده‌ای از غفلت و یکسونگری بر
چشمان جامعهٔ کتابخوان ما می‌کشد - و تفصیل این اجمال خود
سُخن‌نایه دفترهایست!

۲. سوق توجه جامعهٔ کتابخوان، به شهادت کیفیت کنونی
بازار کتاب، چندان معتدل نبوده است. این سویمندی به نوعی
افراط و تفریط خطرناک در عرضه و تقاضا و تولید والاترین متعاق
فرهیختگی بشر، یعنی: کتاب، دامن زده، چنانکه لعل و خرف را
گاه همبَر کرده و خرمهره و دُر را به یک رشته کشیده و حتی آفتاب
گیتی افروز را وانهاده، دست در دامن پیه سوز مشام آزار چشم‌ستیز،

بهرامشاهی می‌افتم:

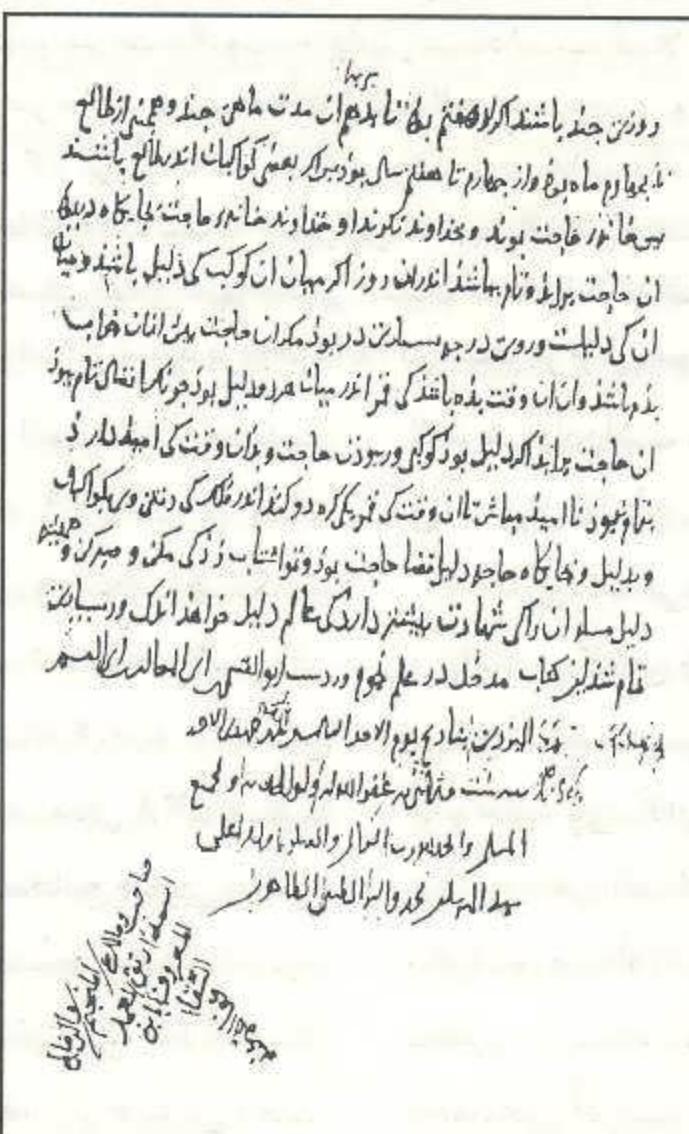
«مردی می‌خواست که تازی گوید، دوستی فاضل ازان وی تخته‌ای زرد در دست داشت؛ گفت: از لغت تازی چیزی از جهت من بران بنویس. چون پرداخته شد، به خانه برد، و گاه گاه دران می‌نگریست و گمان بُرد که کمال فصاحت حاصل آمد. روزی در محفلی سخنی تازی خطای گفت، یکی از حاضران تبسیمی واجب دید. بخندید و گفت: بر زبان من خطای خود و تخته زرد در خانه من است؟» (چاپ مینوی ص ۳۹ و ۴۰) (در جایی که تخته زرد در خانه من است چگونه ممکن است خطای بگویم؟!).

حال ما، حال صاحب تخته زرد است؛ کارکهایی کرده‌ایم و

بدین دل خوش داشته که طاووس علیین گشته‌ایم و راه مخاصمت بر دشمنان خویش بسته. خاستگاه پندار باطلی که داریم این است که اندوخته و داشته و بوده خویش را غنی و توانگردیده‌ایم و الحق در این یافت و دریافت خطانکرده‌ایم؛ لیک در مستغنى پنداشتن خویش به خط رفته‌ایم؛ چرا که ندانسته ایم متاع خویش را چگونه عرضه داریم؛ کجا بپوییم، چه بگوییم، و چه بخواهیم؟!

ضرورت احیاء نگارشها را، بدروست و چونان حقیقتی مسلم - که چنین هم هست - شناخته‌ایم؛ لیک ازین مرحله گذر نگردیم و نگارش را واسطه وصول به نگرش نساختیم. اینهمه در قامت و قیمت دستنوشتها و نقد و تصحیح متون

پیچیدن، و نسخه سقیم افتاده را به تصرف نظر به صلاح آوردن، برخلاف رأی سهل انگار انکارپیشگان ناآشنا، درست و بجا بوده است! اما، مطلب اقصی و عمده علیا، این مقام نیست! احیاء تراث - در معنای راستینش - قشر بازی و پوست ورزی نیست! که رسیدن به لب لباب و مغز نفر «نگرش و نگارش» پیشینیان و دیرینیان است. سر رشته تدبیر وقتی به دست می‌افتد که آین عرضه سنت را با اقتضایات روزگاری اش بدانیم و مراعات کنیم. در نخستین گام، متهای بازمانده از کشاکش ایام را بشناسیم و صورتی مُنّقح و مُصحح از آنها عرضه داریم، سپس به نقد روشنداشتن آین متون بنشینیم و «نگارشها» را از جای جای سطور «نگارشها» برآوریم. تازمانی که راههای صحیح عرضه سنت را - در قالب



روشن بگوییم: ازین بی اعتمایی و بی اهتمامی به سنت و رهایدهای آن، ملول و بیمناکم، و گمان می‌کنم کثیری از پژوهندگان و دوستداران فرهنگ این بوم و بَر، تصویر روشنی از بُحران موجود و ملموس روزافزون جامعه دانش آموخته، ندارند.

نمی‌دانم «آخرین درس» آلفونس دوده را خوانده اید یا نه؟^۱ حالت امروزی ما سخت به حال غافلانه دانش آموز

بازیگوش داستان «دوده» می‌ماند که پیش از روز سرنوشت، از درس و بحث مدرسه دلگیر است و اعلان هشدار دهنده پیش خانه کد خدا را نمی‌بیند؛ و عاقبت در روز سرنوشت، روز درس آخرین، جُز حسرت و بعض گزنه خود و خاطره درد و دریغ همدرسان، معلم و بزرگان روستا، چیزی به خانه نمی‌برد. سخن کرانه ندارد ...

پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حُسن

بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبیست؟!

۵۶

پی‌نوشت:

۱. اگر خوانده‌اید، حتماً در کتاب حکایت همچنان باقی استاد زرین کوب (تهران، ۱۳۷۶) - به ترجمه روان استاد - بخوانید و محظوظ گردید!



نکاتی چند از تفسیر شهرستانی

دکتر پرویز اذکائی

تفسیر گرانسینگ مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار مرحوم شهرستانی که به تصحیح دکتر آذرشپ و به همت دفتر نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است، قبلاً در سال ۱۳۶۸ نسخه منحصر به فرد آن در دو مجلد با مقدمه آقای عبدالحسین حائری و به انصمام فهارس فنی کتاب که بازحمات دکتر پرویز اذکائی ترتیب یافته بود، چاپ عکسی گردید. مقاله‌ای که در پیش روی دارد با توجه به نسخه خطی این تفسیر نگارش یافته، هدفمند به شیعی بودن و خصوصاً اسماعیلی بودن شهرستانی است و به لحاظ آنکه آقای اذکائی در آن به محتوا و ویژگیهای این کتاب ارزشمند پرداخته‌اند، در اینجا درج می‌شود.

جوینی یادداشت مزبور را در چهارم شعبان همان سال (۶۶۷ هـ) اسم این تفسیر مشتهر شونده تاج الدین ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (ولادت - صحیحاً - ۴۷۹ هـ. ق، وفات ۵۴۸ هـ. ق)، صاحب کتاب مشهور الملل و النحل، چنانکه بر ورق اول نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه مجلس (ش ۸۰۸۶) و نیز در مقدمه خود شهرستانی یاد گردیده، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار است. شهرستانی در سال ۵۳۸ هـ ق به تصنیف آن آغاز نموده، زیرا در یادداشت ابوالمجامع حموی جوینی، بنا به قرائت رقم این سطور آمده است: «اتَّفَقْتُ بِدَيْأَةٍ هَذَا التَّصْنِيف فِي شَهْوَرِ سَنَةِ ثَمَانِ وَثَلَاثِينَ وَخَمْسِ مَائَةٍ، نَقْلَتُهُ مِنْ خَطَّ الْمَصْنَف...، اسْتَنْسَخَهُ لِنَفْسِهِ عَبِيدُ اللَّهِ الدَّаيمُ بِلْطَفْهِ: أَبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُؤَيَّدِ أَبْوَالْمَجَامِعِ الْحَمُويِّ الْجَوَيْنِيِّ حَمَاءُ اللَّهِ وَهَدَاهُ وَوَقَّهَ لِمَا... إِلَى رَضَاهُ...» (برگ ۱ الف)، و ظاهرآ در سال ۵۴۱ یا ۵۴۰ هـ ق از آن پرداخته است. زیرا کاتب نسخه در ابتدای مجلد دوم به نقل از خط مصنف آورده: «وَهِيَ بِدَيْأَةِ الْمَجَلَّدَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ التَّفْسِيرِ... خَتَّمَ الْمَجَلَّدَةَ [الْأَوَّلِ؟] فِي الْمُحْرَمِ سَنَةِ أَرْبَعينِ وَخَمْسِ مَائَةٍ [= ۵۴۰] فَتَحَّلَّهَا اللَّهُ بِالْخَيْرِ وَخَتَّمَهَا بِالسَّعَادَةِ، نَقْلَهُ مِنْ نَسْخَةِ الْأَصْلِ بِخَطَّ الْمَصْنَفِ، الْمَجَلَّدَةُ الثَّانِيَةُ مِنَ مَصَابِحِ الْأَبْرَارِ وَمَفَاتِحِ الْأَسْرَارِ» (حاشیه ۲۴۱ الف).

باری، تفسیر شهرستانی از همان زمان تصنیف اشتهر یافته، وزبانزد مورخانی چون ابن ارسلان خوارزمی، سمعانی مروزی، بیهقی ششمدمی، یاقوت حموی، و جز اینان شده است. در باب آرا و عقاید وی، آقای محمد تقی دانش پژوه در گفتار ممثُع خود با عنوان «داعی المدعاة تاج الدین شهرستانی» ضمن آنکه اهم مراجع را فراموده، ادلۀ نقلی و عقلی در خصوص تشیع و بل مراتب گرایش باطنی - اسماعیلی و داعی دعاتی او را بیان داشته است.^۱ محمدعلی آذرشپ هم، تبعات خود راجع به موضوعات کلامی مطرح در تفسیر مزبور - به طور عمده مبنی بر مقدمات آن - را نشر داده، اخیراً گفتار عربی «أهل البيت (س) فی رأی صاحب الملل و النحل» را به ویژه در باب تشیع وی نگاشته است.^۲

آنچه اینک تحت عنوان مذکور در فوق، گزیده وار و با اشارت و اختصار تمام بیان می‌گردد، بهری از نتایج کار رسیدگی و فهرست نگاری برای تفسیر مورد بحث است.^۳ اما قبل از ایراد بعض نکات و فواید آن، نقل فقراتی که متنضم شناسایی دیگر و بیشتر صاحب الملل و النحل است، در این گفتار ضروری به نظر می‌رسد. از جمله، بیهقی ششمدمی (که همان «ابن فندق» معروف باشد) در شرح احوال و آثار شهرستانی گوید که «وی در خوارزم مجلسی منعقد کرده بود که طی آن اشارات و اصول حکمت بیان نموده، و

عبدالکریم شهرستانی (ولادت - صحیحاً - ۴۷۹ هـ. ق، وفات ۵۴۸ هـ. ق)، صاحب کتاب مشهور الملل و النحل، چنانکه بر ورق اول نسخه خطی منحصر به فرد آن در کتابخانه مجلس (ش ۸۰۸۶) و نیز در مقدمه خود شهرستانی یاد گردیده، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار است. شهرستانی در سال ۵۳۸ هـ ق به تصنیف آن آغاز نموده، زیرا در یادداشت ابوالمجامع حموی جوینی، بنا به قرائت رقم این سطور آمده است: «اتَّفَقْتُ بِدَيْأَةٍ هَذَا التَّصْنِيف فِي شَهْوَرِ سَنَةِ ثَمَانِ وَثَلَاثِينَ وَخَمْسِ مَائَةٍ، نَقْلَتُهُ مِنْ خَطَّ الْمَصْنَف...، اسْتَنْسَخَهُ لِنَفْسِهِ عَبِيدُ اللَّهِ الدَّايمُ بِلْطَفْهِ: أَبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُؤَيَّدِ أَبْوَالْمَجَامِعِ الْحَمُويِّ الْجَوَيْنِيِّ حَمَاءُ اللَّهِ وَهَدَاهُ وَوَقَّهَ لِمَا... إِلَى رَضَاهُ...» (برگ ۱ الف)، و ظاهرآ در سال ۵۴۱ یا ۵۴۰ هـ ق از آن پرداخته است. زیرا کاتب نسخه در ابتدای مجلد دوم به نقل از خط مصنف آورده: «وَهِيَ بِدَيْأَةِ الْمَجَلَّدَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ التَّفْسِيرِ... خَتَّمَ الْمَجَلَّدَةَ [الْأَوَّلِ؟] فِي الْمُحْرَمِ سَنَةِ أَرْبَعينِ وَخَمْسِ مَائَةٍ [= ۵۴۰] فَتَحَّلَّهَا اللَّهُ بِالْخَيْرِ وَخَتَّمَهَا بِالسَّعَادَةِ، نَقْلَهُ مِنْ نَسْخَةِ الْأَصْلِ بِخَطَّ الْمَصْنَفِ، الْمَجَلَّدَةُ الثَّانِيَةُ مِنَ مَصَابِحِ الْأَبْرَارِ وَمَفَاتِحِ الْأَسْرَارِ» (حاشیه ۲۴۱ الف).

کاتب نسخه محمدبن محمدالبرانجی [که آقای دانش پژوه با استفهام «الزانجی» خوانده] کتابت نسخه را در سلیمانیه رجب سال ۶۶۷، از روی نسخه اصل به خط مصنف «الامام العارف

سه سال در بغداد اقامت کرد، که در نظامیه وعظ گفت، و نزد عوام قبولی یافت، و همانجا مدرس شد...»^۵

اما فخرالدین رازی در مسأله دهم از مناظرات خوبش، در باب الملل و النحل شهرستانی اظهارنظر کرده بدین که «آن کتابی نامعتمد است. زیرا شرح مذاهب اسلامی را از کتاب الفرق^۶ بین الفرق استاد ابومنصور بغدادی نقل نموده، که نسبت به مخالفان تعصی شدید داشته، و شرح مذاهب فرق اسلامی را بوجه صحیح نیاورده، فلذا نقل شهرستانی هم در این فقرات خالی از خلل نیست...، تنها نقلی که کتاب شهرستانی بدان اختصاص یافته، همانا رساله فارسی الفصول الأربعه حسن بن محمد صباح [اسماعیلی] است که شهرستانی آن را به عربی ترجمه کرده، و در باب هذیانات آن فصول داد سخن داده است.»^۷ دکتر فتح الله خلیف در تعلیقات خود بر مناظرات رازی، این نظر را که شهرستانی چشم بسته از بغدادی پیروی نموده رد کرده و نگره رازی را در این خصوص درست ندانسته است.^۸ ولی اینکه شهرستانی رساله حسن صباح را در دست داشته، که - به اصطلاح امروز - یک سند درون سازمانی بوده، خود دلیلی دیگر بر اسماعیلی بودن وی به شمار تواند آمد، و اطلاعات او در خصوص آن فرقه از زمرة دانستنیهای «أهل البيت أدرى بما في البيت» است.

اینک آنچه در خصوص تفسیرش بیان کرده، با مختصر تصرف و تلخیصی در اینجا نقل به معنی می گردد: «صحابه (رض) در اینکه علم قرآن مختص به اهل بیت (س) باشد، همداستان بوده‌اند. چون از علی بن ابی طالب (رض) در این خصوص پرسیدند، فرمود جز این نباشد «لا والذی فلق الحبة و برأ النسمة الا بما في قراب سيفی»، همین خبر که حاکی از وجه تخصیص قرآن باشد، دلیل بر اجماع آنان است بدین که علم و تنزیل و تأویل آن اختصاص به ایشان یافته است...، و من در جوانسالی تفسیر قرآن را از مشایخ خود می شنیدم، تا آنکه به حلقة درس استادم ناصر السنّة ابی القاسم سلمان بن ناصر انصاری (رض) پیوستم، که مرا بر کلمات شریفة اهل بیت و اولیای ایشان (رض) و بر اسرار دفین و اصول متین در علم قرآن آگاهانید، و به کرانه وادی ایمن در خجسته بقعة «شجرة طیبه» نویدم داد. پس چون طلب عاشقان به جستجوی صادقان پرداختم، بنده‌ای از بندگان صالح خدارا،

من از آن تعجب می کردم، تا آنکه مرا با وی اتفاق مجلس افتاد در حضور امام ابوالحسن عبادی، موقق الدین لیثی و شهاب الدین واعظ، در اقسام تقدّمات بحثی می رفت. از وی پرسیدم که چرا اجزاء انفال را منحصر در اقسام سنته دانستی؟ پاسخ داد: فرق است میان متقدم بالذات و متقدم بالوجود، و آغاز تحقیق نهاد فرق میان متقدمین را. گفتم: من از مطلب «هل» سؤال می کنم، توبیان مطلب «ما» می کنمی در غیر موضع نزاع، می گویم که چرا گفتی این انفال حقیقت است؟ می گویی که فرق است میان فلان جزء منفصله و میان فلان جزء، تاطول کلام به تمادی کشید. در آن وقت، وی تفسیری می نوشت و آیات را بر قوانین شریعت و حکمت تأویل می کرد. گفتم که این تفسیر از صواب دور است. زیرا که حکمت امری است از طریق تفسیر دور، و وجه تفسیر چنان باید کرد که از سلف به ما رسیده، و اجماع صحابه و تابعان بر آن بوده، و اگر کسی خواهد که میان حکمت و تفسیر جمع کند، بهتر از آن که حجۃ الاسلام غزالی... جمع کرده، صورت ندارد، و کس را مثل آن توقع نباید داشت. او از این سخن برنجید، رنجیدنی درشت، و سلطان سنجر او را عزیز داشتی و «صاحب سر» خود دانستی، و در شهرور سنه ۵۴۸ در شهرستانه وفات یافت.^۹

یاقوت حموی در شرح «شهرستان» نسای خراسان، به نقل از تاریخ خوارزم ابن ارسلان آورده است که «شهرستانی متکلم و فیلسوف، چون در آن سرزمین اقامت گزید، جمعی نیک محضری او را دریافتند، الا آنکه از تخطیط وی در اعتقاد و تمایل او به الحاد تعجب نمودیم، که پیشوایی چون او با آن همه فضل و کمال عقلی چگونه به چیزی گراییده است که بنیادی ندارد، و امری برگزیده است که هیچ دلیلی عقلی یا نقلی بر آن مترتب نیست، پناه بر خدا از آن همه خواری و مهجوری از پرتو ایمان، و جز این نباشد که همانا وی از نور شریعت روی برداشته، و به ظلمات فلسفه پرداخته است. میان ما (خوارزمیان) و او مناظرات و مفاوضات رخ داد، و همو مذاهب فیلسوفان را حمایت می کرد و از ایشان دفاع می نمود. من خود (ابن ارسلان) در چندین مجلس وعظ او حضور یافتیم، لفظ «قال الله» در آنها وجود نداشت، و «قال رسول الله» گفته نیامد، پاسخی به مسائل شرعی داده نشد. خداوند به حال او داناتر است. به سال ۵۱۰، از خوارزم برفت و حج گزارد، و سپس

مفاتیح الاسرار و مصابيح الابرا

مسن

لیل العین مسند بن عبد الرحمن شهرستانی
تزلیل ۱۳۶۸ هجری

جواب

باب سکون زوری و خصم زوری، و بحاجت بعدهما ایلکا

مسن

پژوهشگاه اسلامی

مسن

پژوهشگاه اسلامی

کتابخانه

من ۱۴۰۹ هجری

بسیار و آشکار منطوقی در متن نیز هویداست. اما مراتب باطنی گری و مشرب فلسفی وی، چنانکه به نقل از معاصران خود او گذشت، در فقرات تأویلیه - تفسیریه نمایان می‌گردد.

انتساب مکتبی گرایش‌های مزبور چنانکه را قم این سطور دریافته، باید به حوزه فلسفی اخوان الصفا باشد که کمابیش همانند آنهاست^{۱۱}، یعنی به خود او: «باطنیان قدیم که کلام خود را با بعض کلام فلاسفه در آمیخته‌اند، و کتابهای خود را بر این روش نوشته‌اند». ^{۱۲} بدیهی است که آراء فلسفی شهرستانی نمی‌تواند مبانی مشایی یا صبغه ارسطوی داشته باشد، زیرا در غیر این صورت کتاب مصارعه الفلاسفة را در رد «ابن سینا» راجع به هفت مسئله الهیات (در وجود و واجب و حدوث) نمی‌نوشت. نصیرالدین طوسی در مصارعه خویش ضمن مسئله پنجم (حدوث عالم) که شهرستانی قائل به قدم کلمات و حروف شده، آشکارا گفته است: «این معتقد باطنیه باشد که مصنف [شهرستانی] به ایشان گرایش دارد». ^{۱۳}

باری، اگر از عالم علوی آغاز کنیم، مقولات نفوس فلکی (برگ ۱۷ ب) یا نفوس افلاک (برگ ۲۰۸ ب)، اجسام نورانیه (برگ ۱۶۹ ب)، اقسام عقول (برگ ۱۱۰ ب، ۲۰۹ الف، ۲۷۳ الف) - عقل اول و عقل فعال (برگ ۱۲۰ الف - ۱۲۱ ب، ۱۲۵ ب، ۲۷۳ الف)، جواهر عقلی (برگ ۲۰۸ ب)، عقل کلی و نفس کلی (مکرراً) جملگی مؤول آیاتی است که به قول خود او «بواطن تأویلیه» (برگ ۳۶۴ الف) باشند، و تمام این مقولات و مرادفات آنها بعینها همانهاست که خود در شرح آراء و عقاید «اسمعاعیلیه» بیان داشته است. ^{۱۴}

تشیع «سبعیه» یا اسماعاعیلیه شهرستانی، در مقولات هیاکل علوی (برگ ۱۶۹ ب، ۱۷۰ الف، ۲۵۶ ب)، هیاکل روحانی (برگ ۱۴۷ ب)، آثار عقلی (برگ ۲۰۹ الف)، جسمانیات سبعه (برگ ۱۴۸ الف، و مکرراً)، روحانیات سبعه (ایضاً و مکرر)، و اینکه فلك تاسع (العرش) فاصل بین عالم روحانی و عالم جسمانی (برگ ۱۹۵ ب) [مانند «انفران» در نگره زروانی - زردشتی]، به طور کلی الآسباع / السبعات (برگ ۱۲ الف - ب، ۴۸ الف - ب، ۳۳۹ ب) - شامل جسمانیات، حروف، سفلیات، علوبات (برگ ۳۳۹)، الأدوار - از جمله - «دور سابع» = دور قیامت، و الطور السّابع = خلق آخر (برگ ۲۴۳ ب)، خصوصاً مقوله «نور محمدی» (برگ ۱۴۰ الف) وبالاخص نور مخفی که در اولاد اسماعیل بن ابراهیم بوده، و محمدبن عبدالله النبی صلوات الله عليه و آله و سلم هم از آن برخوردار گردیده (برگ ۱۴۵ ب - ب، ۲۴۳ الف - ۲۵۳ ب)، و جز اینها،

همان طور که موسی صلوات الله عليه و آله و سلم به طلب برخاست، بیافتم... روش‌های خلق وامر، مراتب تضاد و ترتیب، دو وجه عموم و خصوص، و دو حکم مفروغ و مستأنف را ازوی آموختم...، تا به زبان قرآن، یعنی نظم و ترتیب و بلاغت آن ره یافتم، سپس که به عبارت هم راه جستم، معنای «علم» را دریافتم...، اسرار را شنیدم و در آنها ژرفش نمودم...، تا آنکه فصولی در دانش قرآن بپرداختم، که مفاتیح عرفان است...، و این تفسیر را مفاتیح الأسّار و مصابیح الابرار نامیدم...، و چنانکه در کتاب الکافی [للکلینی] از ابوعبدالله صادق صلوات الله عليه و آله و سلم روایت شده... الخ. (برگ ۲ الف - ۲ ب).

در اشاره به چگونگی تفسیر خود گفته است: «جمله تفاسیر را مبتنی بر مذاهب متبوع می‌یابی، چنانکه قدریان آیات قدر را موافق با مذهب خود گزارند، و اشعریان هم مطابق مذهب خویش، و مشبهیان متمسک به ظاهر شوند و گویند که ظاهر با ماست و تأویل مظنون باشد.» (برگ ۲۵ ب) «اما من ظاهر لفظ را، به امری مظنون ترک گویم، والبته غرض آن نیست که یکسره از ظاهر عدول کرده بر تأویل اثکاء نمایم، و با ترک ظاهر به تعطیل روم...» (برگ ۲۶ الف). جای دیگر ضمن اشاره به توانیابی خویش در هدایت به سوی کلام نبوت و شناخت زبان رسالت، باز از رهیابی به اسرار کلمات قرآن مجید یاد کرده، و گوید که آن را به رأی تفسیر نمی‌کند... (برگ ۳۴ الف).

فصلهای یکم تا هفتم از مقدمه تفسیر شامل مباحث در چگونگی جمع قرآن، اختلاف راویان در ترتیب نزول سوره‌ها، ترتیب سوره‌ها حسب قرأت سبع، ذکر ولاء سوره‌ها در مصاحف، أسباع سُورَ، قرأت، أعداد سوره‌ها، بر شماری مفسران صحابی و جزاینان (برگ ۲ ب - ۱۸ الف) به لحاظ تاریخ قرآن، چگونگی تکوین دانش‌های قرآنی، مصاحف مختلف، طبقات مفسران، و جز اینها بسیار مهم و مغتنم است. فی المثل در خصوص ترتیب سُورَ در مصحف امام صادق (ع)، زنجانی یکسره از این تفسیر نقل نموده، همچنین در باب مصحف امام علی صلوات الله عليه و آله و سلم و جز اینها.^۹ شاید یکی از دلایل تشیع شهرستانی هم عدم ذکر مصحف عمر بن خطاب در جزو مصاحف باشد، برخلاف سجستانی (-كتاب المصاحف، ص ۴۹ و ۵۰) و سایر مصاحف اهل سنت (ص ۱۸۰). ^{۱۰}

این روایت منقول از ائمه (س): «نحن الناس و شيعتنا أشباه الناس و سائر الناس ننسناس» را دوبار با اسناد آن به امام صادق صلوات الله عليه و آله و سلم (برگ ۷۱ ب، ۳۳۵ ب) ویک بار با اسناد آن به امام باقر صلوات الله عليه و آله و سلم (برگ ۳۹ الف) به نقل آورده است. خلاصه، مراتب تشیع وی بجز این فقرات، وعلاوه از ذکر اصطلاحات شیعی «خاصه» و «عامه»، از قرائی

عجم بود که شاهان بزرگ خود را به نامی نامند که آن ترجمه‌نام خدا باشد، پس «خداوند» و «خدایگان» گویند، و این نام بر موسومی که به صفات شکوه و بزرگی موصوف باشد دلالت کند» (برگ ۳۲ الف).

همین جایادآور شویم که - به اصطلاح - فارسیات یا ایرانیاتِ دخیل در این تفسیر، گذشته از مفاهیم اساسی بسیاری که فقط شطری اشاره رفت، از لحاظ الفاظ و مصطلحات هم اندک نیست، از آن جمله است: آفریدن (برگ ۱۰۶ ب)، آفرین - آفرینش (برگ ۲۰۴ الف)، اهرمن (برگ ۸۹ الف، ۱۲۰ الف، ۱۲۱ ب، ۲۰۴ ب)، بیدخت (برگ ۲۱۳ ب)، خداوند - خدایگان (برگ ۳۲ الف)، فردوس (برگ ۹۳ ب، ۹۵ الف)، قهرمان - من جنود ملک فارس (برگ ۴۰۵ الف)، کشینیخ (برگ ۱۵۶ ب)، مهرجان (برگ ۲۰۴ ب)، نآفرین (برگ ۲۸۳ ب)، نفرین (برگ ۲۸۳ الف)، نوروز (برگ ۲۰۴ ب)، نیرنجات (برگ ۲۱۰ الف - و...)، نیست (برگ ۲۰۴ ب)، یزدان (برگ ۱۲۰ الف، ۱۲۱ ب، ۲۰۴ ب). با این حال، باید گفت که اسرائیلیات و اخبار و روایات یهودی، به حدّستوه آوری بر سراسر متن تفسیر مفاتیح غالب است.

پی جویی منابع شهرستانی خود می‌تواند موضوع رساله مستقل و مفصلی باشد، فهرست تفصیلی «اعلام الرجال» و «الكتب والأسفار» این جانب برای تفسیر وی، مدد رسان خواهد بود. لیکن نباید گذشت که اولاً بسیاری از رجال سند او مربوط به منابع دسترس وی و مذکور در تفاسیر متقدم است، ثانیاً بسیاری از نقول و مرویات هم صورت نقل مستقیم از مأخذی که ذکر می‌کند ندارد. با این حال، شماری از منابع یا تفاسیری که از آنها یاد و نقل می‌کند، در کتب طبقات مذکور نیست و یا اینک نسخه آنها بر جای نمانده است. از آن جمله است تفسیر «ابن بحر» اصفهانی (برگ ۱۸ الف) که بیش از بیست فقره از آن، بدون ذکر اثر، و تنها بدین صورت «قال ابن بحر» به نقل آورده است (برگ ۱۴۱ ب، ...، ۴۳۰ ب). اما وی کسی جز ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی کاتب معترزلی (۲۵۴-۳۲۲ هـ) نیست، که به گفته ابن ندیم: دبیری رسانویس و متكلّمی جدلی بود، از جمله کتابهایش جامع التأویل لمحک التنزیل است که تفسیری کبیر بنابر مذهب معترزله باشد.^{۱۸} یاقوت حموی به نقل از حمزه اصفهانی یاد می‌کند که وی با وزیر

همان نگره‌هاست که خود در شرح «اسماعیلیه» آورده، و گوید «الائمه تدور أحكامهم على سبعة أيام الأسبوع والسموات والكواكب السبعة». ^{۱۵} عین این اقوال رانیز در مصارعه خود با ابن سینا، در مورد موجودات علویه که مظاهر کلمات تمام‌اند، و فروتر از آنها کواكب و افلک متحرک باشند که خود هیاکل آن روحانیات‌اند، بیان کرده است.^{۱۶}

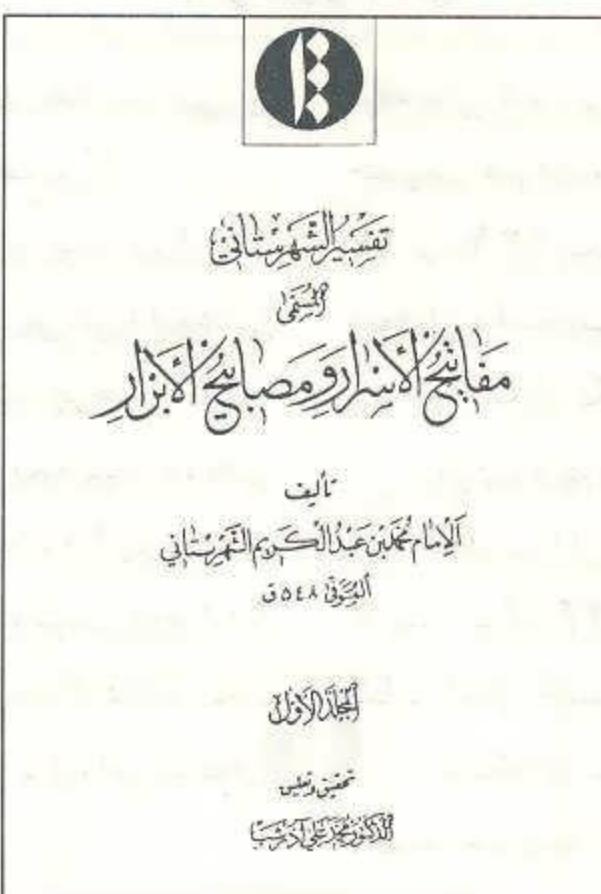
علم اول، علم مکنون (برگ ۲۰ ب، ۱۲۳ ب، ۲۰۸ ب، ۲۶۵ الف)، علم الكتاب (مکرراً)، سرّ مخزون (برگ ۲۰۸)، کلمات تمام (۳۴۶ الف)، کلمات علویه (برگ ۴۸ ب) و قدسیه (مکرراً)، موضوع قاب قوسین (برگ ۱ ب، ۱۱۸ الف، ۱۳۲ ب، ۲۴۳ الف)، اسرار حروف: حروف قدسیات و علویات (برگ ۳۱ الف، ۳۵ ب، ۴۵ ب - ۴۸ ب، ۵۰ الف، ۳۴۶ ب، ۲۳۹ ب)، جملگی مقولات باطنیه

و معمول بین اصحاب تأویل عرفانی است. موضوع «امامة» (برگ ۸۵ ب، ۱۰۱) و مواضع بسیار دیگر) و مسأله الامام الحاضر/ الحی / الغایب/ القائم/ الوقت (برگ ۱۲۱ ب)، و نایب الامر و ظهور آن (برگ ۱۲۱ الف) تردیدی در تشیع تعلیمی یا اسماعیلی صاحب تفسیر بر جای نمی‌گذارد.^{۱۷}

یکی از نکات تاریخی این تفسیر در مواضع ذکر «صابئه» آنکه نحله مزبور را با اصحاب دین حنیف یاملت ابراهیم یکی می‌داند (برگ ۱۴۷ ب، ۱۶۸ الف - ب، ۱۷۰ الف - ب). آنچه هم از مفهوم «حنیف» (مواضع مکرر) در مقابل «الصبوة» (برگ ۱۴۷

الف - و...) به مثابة «دین پاک» مستفاد می‌گردد (برگ ۲۵۶ الف - ب) اگر اشتباه نکنم چنین می‌نماید که با مفهوم ماقبل اسلامی «پوریو تکیشان» (=پیروان کیش ناب تختین) معادل باشد، که البته این فقره مستلزم تحقیق بیشتر است.

او صاف ملکان ساحران «هاروت» و «ماروت»، که به تفصیل بررسی کرده (برگ ۲۱۳ الف - ۲۱۵ الف) و منشأ «الزهرة» - نجمة الله/ بیدخت [= بَعْدُخْت] الفارسیه از فارس (برگ ۲۱۲ الف به بعد) بالجمله ناظر به او صاف «خرداد» و «امرتا» و «اناہید» اوستایی است، که این موضوع را قبلًا ایرانشناسان و برخی از محققان ایرانی پژوهیده‌اند. یک جا به مناسبت گوید که: «عادت عرب بود که آنچه را بزرگ می‌داشت «الله» می‌نامید، از این رو بتھایی را که می‌پرستیدند، «آلله» می‌نامیدند. همچنین عادت



الف)، دور آدم، دور نوح، دور ابراهیم، دور موسی، دور عیسی (۳۹۴ الف)، دورالکشف، دورالقیامه(برگ ۲۲۱ ب) = الدورالسّابع/ الطورالسّابع = الخلق الآخر (برگ ۲۴۳ ب).

همچنین، الأدوارالسبعة (برگ ۲۸۶ ب)، الأدوارالزمنية (برگ ۴۹ ب)، أدوارالانبیاء(برگ ۳۹۴ الف)، أدوارالشّرایع (برگ ۲۴۳ ب)، أدوارالکشف (برگ ۱۱۱ الف) و جز اینها.

یکی دیگر از اصطلاحات باطنی -

اسماعیلی، «العزائم» است (برگ ۲۱۱ الف) که شهرستانی اقسام «القدسیة» و «القولیة» و «الفعلیة» آنها را یاد کرده است (برگ ۲۱۵ ب - ۲۱۶ الف). بار دیگر به «اسرارالحرف»

فرقه های گنوسي و باطنی اشاره می رود، که شهرستانی در اين خصوص هم داد سخن داده است (برگ ۳۱ الف، ۳۵ ب، ۴۵ ب، ۴۷ ب، ۲۳۹ ب). «النقطة» (برگ ۴۷ ب) نیز دانسته است که صوفیان و اصحاب نحله های عرفانی تا چه حد بر آن تأکید ورزیده، و بدان استغلال فکری داشته اند.

باری، شهرستانی در تفسیر خود، یک جا ضمن اشاره بدان (هذا التفسیر) از این آثار خود: كتاب التّاریخ، و كتاب العیون و الانہار (برگ ۱۲۶ ب) و جای دیگر در شرح مذهب الصابئة از كتاب الملل خویش یاد کرده است (برگ ۱۷۰ ب).

مشکلات بسیاری فراراه مقابله و قرائت متن نسخه وجود داشته، خصوصاً در مورد احرازهويت کامل ۶۰۰ فقره نامشخص از حدود ۷۵۰ اعلام رجال مذکور در متن تفسیر، که بالجمله از غریال تحقیق گذشته و بتفصیل در قید فهرست آمده اند. شاید بتوان نمونه وار از «نون عليه السلام» یاد کرد (برگ ۵ ب) که صاحبینظران صحّ تحقیق و تطبیق اینهمانی آن را - که «نوح» هم خوانده می شود - در مورد را قم این سطور تأیید کرده اند، و بدین صورت در فهرست به ضبط آمده است:

نون (بن افرائیم بن یوسف بن یعقوب/ اسرائیل، و هو والدیوش بن نون خلیفة موسی) النبی للیهود. گذشته از اینها، گمان می رود که فهرست گرانبار مصطلحات و موضوعات، خود بهری نه اندک از مواد و مدخلهای یک دانشنامه فلسفی - عرفانی فرادست نموده باشد.

معارف، دوره پنجم، شماره ۳ (آذر - اسفند ۱۳۶۷)

بقیه در صفحه ۱۳

ابوالحسن ابن الجراح پیوسته بود، و هم در زمان خلیفه المقتندر کارگزار اصفهان و فارس شد، تفسیر جامع الثّاویل او در ۱۴ مجلد باشد.

اشعاری فارسی هم سروده، و علی بن حمزه اصفهانی در رثای او قصیده ای گفته است.^{۱۹}

قمی او را کارگزار شهر قم (در ۳۰۹ هـ) یاد کرده، و بتفصیل از مراتب نیک رفتاریش با علویان موسوی و رضوی آنجا سخن گفته است.^{۲۰} ابن اسفندیار وی را از ندیمان داعی کبیر محمدبن زید علوی پادشاه طبرستان (۲۷۰-۲۷۸ هـ) برشمرده^{۲۱}، و ابن عنبه گوید که کاتب و متولی امر داعی بوده است.

^{۲۲} باری، تفسیر جامع الثّاویل وی بر جای نمانده^{۲۳}، ولی دیده ام که قبل از شهرستانی ابوريحان بیرونی در کتاب افراد المقال خود از آن یاد و نقل کرده است.^{۲۴}

شهرستانی چند جا از «صاحب النّظم» یاد کرده (برگ ۱۸ الف، ۳۲ ب، ۳۹ ب,...) که در دو مورد تختستین اورا ابوعلی الحسن بن یحیی بن نصر الجرجانی نام بردہ است. جرجانی مذکور دقیقاً بدین نام و نسبت در منابع دسترس به دیده نیامد، ولی ابن ندیم ابوعلی الحسن بن علی بن نصر [الفهرست، ۴۱] و داوودی همین را به اضافه ابن منصور الطوسي معروف به «کردش» (م ۳۰۸ هـ) صاحب نظم القرآن [طبقات، ۱۳۸/۱] یاد کرده اند. بجز این، صاحبان نظم القرآن عبارت اند از: جاحظ بصری، ابوزید بلخی و ابوداود سجستانی.^{۲۵}

اما «صاحب الثّاویل» (برگ ۹۵ الف، ۳۳۶ الف - ب، ۳۳۸ الف) از تعابیر باطنیه است، همچنین «الصادق الاول» (برگ ۱۳۸ الف) از مصطلحات ایشان به شمار می رود. «الابدال» (برگ ۳۳۰ ب) شاید پس از حکیم ترمذی (م ۲۸۵ هـ) جزو موارد اولیه ذکر این اصطلاح صوفیانه باشد.^{۲۶} فرقه های اسلامی هریک خود را «الفرقۃ الناجیة» (برگ ۲۴۰ ب، ۲۴۱ الف، ۲۷۰ الف) و دیگر فرق را «الهالکة» (برگ ۲۴۱ الف، ۲۷۰ الف) دانسته اند، ولی اسماعیلیه از آن جمله خود را «الامة الهادیة» پنداشته اند، که شهرستانی همین را به کار بردہ است (برگ ۲۶۸ الف).

هم از مصطلحات اسماعیلیان، چنانکه پیشتر هم اشارت رفت، «دور» و «أدوار» است که از مقولات اساسی اندیشگانی و جهان بینی ایشان به شمار می رود [همچون أدوار کونی در معتقدات زروانی - زردشتی]: الدورالاول و الدورالآخر (برگ ۱۱۱

عکس صفحه اول از نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی



نگاهی به تذکرة المعاصرین

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

شیخ محمدعلی حزین لاهیجی (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ هـ. ق.) از صدیق حزین با نادر شاه بیشتر بدان جهت است که حزین از منسوبان خاندان صفویه بوده است و مثل اکثر علمای شیعه، صفویه را صاحب حق در حکومت تلقی می‌کند و نادر را غاصب. در حالی که حق آن است که نادر در سال ۱۱۴۸ قمری به عنوان بر جسته ترین عنصر یک قیام ملی ضد بیگانه بر سر کار آمد. و تلقی آن روز مردم از نادر یک قهرمان بود که روسها و عثمانیها را از ایران بیرون ریخت و ازبکها و افغانها را ادب کرد و مرکزیت و امنیت را برگردانید. علمای متاخر صفویه و از جمله حزین، این اندازه را هم نمی‌پذیرفته‌اند. شاید همچنانکه یکی از تاریخ‌شناسان تصريح کرده است، اگر عالمان متاخر عصر صفوی چنان برخورد خصم‌انه و غاصبانه‌ای با نادر نمی‌کردند، نادر منحرف نمی‌شد یا دست کم، به آن سرعت منحرف نمی‌شد. نادر وقتی «تلقی به قبول» را از ناحیه راهنمایان فکری مردم دریافت نکرد، به فکر جلب نظر تبعه و حتی همسایگان سنتی مذهب خود افتاد. حال آنکه اگر در محیط داخلی، کار خود را محکم می‌دید، چه بسا به فکر آباد کردن مملکت می‌افتد (کاری که شاه عباس اول کرد). رویکرد نادر به هند نیز شاید برای بزرگنمایی، و جبران تحیری که در باطن بر او روا می‌داشتند و او را لایق سلطنت نمی‌انگاشتند بود. این ابلهانه‌ترین طرز فکر بود که فی المثل طهماسب بی‌لیاقت و فاسدالاخلاق را در برابر نادر (که تا سال ۱۱۴۸ نشان داده بود مردی استوار، وطن دوست، شایسته و یک نابغه نظامی است) حمایت کنند. به هر حال، آنچه گفتیم برای فهم احوال

اولاد شیخ زاہد گیلانی (مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی، جد صفویه) از شخصیت‌های چند جانبه‌ای است که خوشبختانه قدر او بتدريج دارد شناخته می‌شود. حزین عالم دینی و مورخ و ترجم‌نويس و عارف صاحب مکتب و همچنین شاعری پراحساس و توانا بوده است. آثار او که غالباً به صورت رسالات کوچک است، از جهت تعداد فراوان و از جهت موضوعات متنوع‌است. علت اینکه رسالات حزین کوچک و کم حجم است یکی زندگی در به در و آواره‌است، و دیگر اینکه در اواخر دوره صفویه، تعلیقه نویسی و حاشیه‌نویسی و پدید آوردن رسالات مفرد در موضوع خاص باب شده بود و حزین هم از همین شیوه پیروی کرده است.

حزین، در شاعری، از افراد کاریهای دوره انحطاط سبک هندی برکنار بود و به نظر من اگر در ایران می‌ماند شاید پیشوای مکتب «بازگشت» می‌شد. (رک: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، برگزیده اشعار سبک هندی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۲).

نشر حزین موجز و زیبا و پرمطلب است و از تکلفات منشیانه درباری، و نیز از بی‌رنگ و رویی و عوامانه بودن نثر کتابهای مذهبی عامیانه آن عصر، عاری است یعنی ضمن آنکه ساده است، پیداست به قلم ادبی نوشته شده است. اطلاعاتی که حزین در تذکره و تاریخ‌ش درباره زمانه خودش می‌دهد، نوعی گواهی صادقانه است و ملاحظه می‌شود که حتی مورخان شوروی سابق بر نوشته‌های او تکیه و استناد کرده‌اند (رک: دولت نادر شاه، ترجمه حمید

تذکرة المعاصرین

تألیف

محمدعلی بن ابی طالب حزین لاهیجی
(۱۱۰۳-۱۱۸۰ هـ. ق.)

مقدمه و تصحیح و تعلیقات:
مصطفی سالک

تألیف: محمدعلی بن ابی طالب حزین لاهیجی
(۱۱۰۳-۱۱۸۰ هـ. ق.)

ناشر: سایه
با همکاری دفتر نشر میراث مکتب
قطع وزیری، ۴۲۹ ص.
شمار: ۳۰۰۰ نسخه

بايستی دور نادر جمع می شدند و اورا به راه خیر و صلاح و حق هدایت می کردند و نیروی عظیم جنبش نادری را به راه سازندگی می انداختند. توجه داشته باشید که حزین از روز اول با نادر مخالف بوده است نه اینکه به واسطه جنایتهای بعدی نادر با او مخالف شده باشد، چون حزین در سال ۱۱۴۰ از ایران بیرون رفته، و نادر تا ۱۱۴۸ کارهایش بلا اشکال است.

بگذریم، اینکه در هند از شعر حزین بشدت انتقاد کرده‌اند (برای مثال، بنگرید به آینهٔ پژوهش، شماره ۳۸، ص ۳۹) از این جهت بوده است که حزین مرحلهٔ انحطاط سبک هندی را نمی‌پسندیده است؛ البته به قول احمد بهبهانی، حسادت هم در آن است: «نظر به آنکه علاوه بر مراتب فضل، مت و در این کشور [یعنی هند] به دست بوده است ...» (جهان‌نما، ص ۴۶۶). نکات اشاره می‌شود که شاید در چاپ آتی تاب مفید باشد.

همچنانکه خود اشاره کرده‌اند، بعضی از شعرهای عربی درست ضبط نشده، که اگر با تذکره حزین چاپ اصفهان مقابله می‌شد، در مواردی قابل تدارک می‌بود. مثلاً «العجب العجائب» غلط و «العجب العجب» صحیح است (ص ۱۰۰).

غلطهای چاپی و غیر چاپی زیاد است. اینک چند شعر را به صورت صحیح می‌آوریم که ضمن اصلاح اغلات، نمونه‌ای هم از اشعا، آئیه شده باشد:

هر جاده مرا در طلبت راهنمائی است
هر چشم نشان قدم آبله پائی است
(۲۰۱)

در همان صفحه (سطر ۱۷) «جد دارند» غلط و «جدوارند» صحیح است، چون در بیت قبلی هم می‌گوید: «چون والد خویش

بلاهه نوش جان کن شد خون عاشقان نوشی
بعد از این چو می با او می توان زدن جوشی
(ص ۲۲۷)

نسخہ موزہ ملی پاکستان

حزین مفید است و دیده نشده است که
حقیقان به این وضوح بدان پرداخته باشند.
تذکرهٔ حزین و تاریخ حزین هر دو قبلاً
در اصفهان به اهتمام محمد باقر الفت چاپ
شد و پس از آن نیز احتمالاً افست شده است.
این چاپ از تذکرهٔ حزین، به لحاظ داشتن
تعليقات و حواشی و زحماتی که محقق کتاب
در تصحیح کشیده، بهتر است؛ اما شایسته بود
که از چاپ قبلی یاد می‌شد و حتی برای
بازخوانی بعضی کلمات یا بهگزینی نسخه
بدلها بدان نیز رجوع می‌شد. اصولاً این سنت
خوبی است که از کارهای گذشتگان یاد کنیم.
با توجه به اینکه طبق مندرجات مقدمهٔ کتاب،
مصحح از وجود این چاپ اطلاع داشته است؛
هر چند اگر هم اطلاع نداشت خود نقصی در
کار او می‌بود.

از نکاتی که باز هم به نظر می‌آید محقق کتاب کمتر به آن توجه کرده، شرح حالی است که احمد بھبھانی در مرأت الاحوال جهان نما (ج ۱، ص ۴۶۰ - ۴۶۶) راجع به او نوشته است و جالب اینکه احمد بھبھانی از حزین که از سوی قشريان و کوتاه‌اندیشان در هند تکفیر شده بود دفاع می‌کند. البته بعضی هم حزین را در حد اولیاء الله می‌ستودند و قبرش زیارتگاه بوده است (خصوصاً در شبهاي دوشنبه و پنج شنبه). حزین دانشمندی صاحب معرفت و اهل حال تلقی می‌شد.

اگر داستان حمله افغان و سقوط صفویه پیش نمی آمد،
حزین در ایران مانده بود و یک زندگی آرام همچون پدران خود
می داشت. حزین که افسوس گذشته را دارد چرا توجه نمی کند
که ستم عوامل صفویه بر بعضی از رعایا و بی لیاقتی مرکزیت صفوی
در سر و سامان دادن به امور، باعث آن شکست مصحح و عواقب
گریه آور آن گردید. به قول شاعر آن عهد:

منشان نهال ظلم که افغان شود بلند (ص ۱۸۵)
«افغان» به علت ظلم بلند شد.

پس اینکه محقق کتاب، حزین را «اندیشمندی مصلح که فراتر از زمان خود می‌اندیشیده» می‌نامد (ص ۱۴) تعارفی بیش نیست. شاید حزین و کسانی که مثل او به بازگشت صفویه می‌اندیشیدند، خیال پرست بودند؛ زیرا اگر آینده را می‌دیدند

حسن ابتدائی بذکری جیره‌الحرم
له براعة شوقی یستهل دمی
(ص ۲۳۱)

*

از یک نظر عاشق رندی آخر
هم از خود و هم ز غیر خود وارستیم
(ص ۲۴۶)

*

گو میرد از خمار و نبیند کسی به چشم
ابرو بلند کردن موج سراب را
(ص ۲۴۸)

*

دل عاشق، وجود از هر چه یابد زان فنا گردد
از آن آبی که گندم سبز گردد آسیا گردد
(ص ۲۹۹)

*

یک بار اگر رخ خود آن دلربا ببیند
عاشق اگر نگردد از چشم ما ببیند
(ص ۳۵۰)

*

از کلامم دیگران مستند و من خمیازه کش
نشوه‌ای از باده خود نیست چون مینا مرا
(ص ۳۵۶)

*

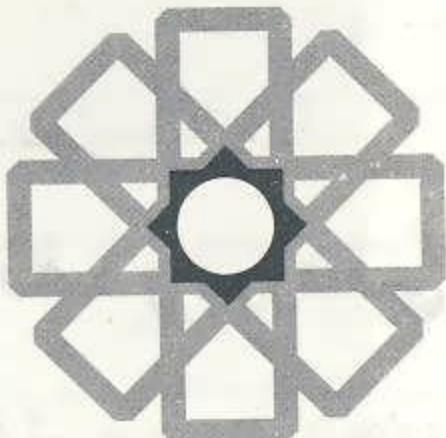
منت احسان صاحب حرمتانم کُشته بود
گر نمی‌شد دستگیر از فقر بی دامانیم
(ص ۳۶۸)

*

کشیدم رنجها تا آنکه ویران ساختم خود را
از آن ترسم که باز آلوده سازندم به تعمیری
اگر راهب تمنای طواف کوی او داری
بزن گامی به ره تا کی سراغ یار می گیری؟
(ص ۳۸۰)

توفيق محقق محترم و ناشر را خواهانیم و اهل تحقیق در
ادبیات را به ملاحظه این کتاب توصیه می کنیم.

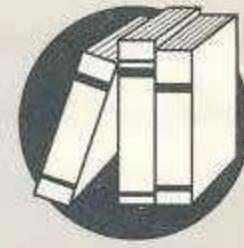
آینه پژوهش، سال هفتم، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۰، (مهر-آبان ۱۳۷۵)



باقیه از صفحه ۱۰

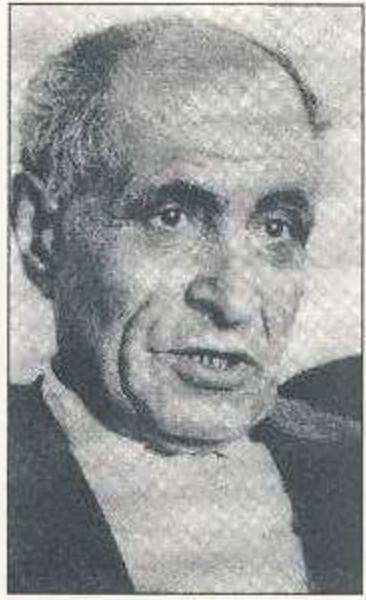
پی‌نوشت:

۱. نگاه کنید به نامه آستان قدس رضوی، ج ۷ (۱۳۴۷ هـ)، ش ۳/۲، ص ۸۰-۸۱، ش ۴، ص ۷۱-۶۱.
۲. تراثنا، نشرۀ فصلیۀ تصدرها مؤسسه آل البيت (ع)، السنة ۳، العدد ۱۲ (۱۴۰۸ هـ)، ص ۲۱-۷.
۳. طبع عکسی (فاکسیمیله) متن تفسیر مفاتیح الاسرار شهرستانی با مقدمه آقای عبدالحسین حائری و منضم به فهارس تفصیلی ششگانه‌ای که اینجانب تهیه گرده است: أعلام الرجال، الامكنة والبقاء، الملل والنحل، الطوائف والجماعات، الموضوعات والمصطلحات، والكتب والأسفار قریباً از طرف مرکز انتشار نسخ خطی به اشراف بنیاد دائرة المعارف اسلامی نشر خواهد یافت.
۴. درة الأخبار/ترجمة تتمة صوان الحكمة، ص ۸۷-۸۶.
۵. معجم البلدان، طبع ووستنفلد، ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۳.
۶. مناظرات فخرالدین الرازی، تحقیق دکتر فتح الله حلیفه، دارالمشرق، (افست، تهران ۱۴۰۶ هـ، زمستان ۱۳۶۴) بیروت ۱۹۶۶، ص ۴۰-۳۹.
- Ibid, commentaries, pp. 144-145.
۸. نگاه کنید به الملل والنحل، طبع بدرا، قاهره ۱۹۵۶ م، ج ۱، ص ۱۷۶.
۹. نگاه کنید به تاریخ قرآن «رامیار»، ص ۴۷۹ و ۴۸۷-۴۸۵.
- Cf: Jeffery, Material for the History of the Text of the Quran, pp.39-40
۱۱. هرچند که مذهب سبعیان مورد تعریض ایشان شده است.
۱۲. الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۷۲.
۱۳. مصارع المصارع، طبع قم، مکتبة آیة الله المرعشی، ص ۸۲ و مقایسه کنید با فصل «اسماعیلیه» و «اسماعیلیه و تصوّف» در تاریخ فلسفه اسلامی هانری کربن، ترجمه مبشری، ص ۹۸ تا ۱۳۴.
۱۴. الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۷۳ پیش و پس.
۱۵. همان، ص ۱۷۲.
۱۶. مصارعة الفلسفة (قسم اول) مصارع المصارع، ص ۱۱۶.
۱۷. نگاه کنید به مصارع المصارع طوسی، ص ۸۲ و مقایسه کنید با فصل «اسماعیلیه» و «اسماعیلیه و تصوّف» در تاریخ فلسفه اسلامی هانری کربن، ترجمه مبشری، ص ۹۸ تا ۱۳۴.
۱۸. الفهرست، طبع تهران، ص ۱۵۱.
۱۹. معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۲۰۵، ج ۱۸، ص ۳۸-۳۵.
۲۰. تاریخ قم، ص ۱۴۲-۲۱۸، ۲۱۷.
۲۱. تاریخ طبرستان، ص ۲۵۲-۲۵۱.
۲۲. عمدة الطالب، طبع نحف، ص ۹۳.
۲۳. تاریخ الادب العربي لبروکلمان، ج ۴، ص ۱۸-۱۷.
۲۴. رجوع کنید به: ترجمه انگلیسی کنندی با عنوان: The Exhaustive Treatise on Shadows, Vol.I, p.21/Vol. II,p.7.
۲۵. رجوع کنید به: الفهرست، ص ۱۵۳، ۲۱۰، ۲۸۸.
۲۶. دوست دانشورم علیرضا ذکاوی، مرا بدمی نکته متوجه ساخت.



نقد و بررسی احیای حکمت

دکتر سید جعفر سجادی



روایت «طلب العلم» پاره‌ای گفته‌اند عبارت «علی کل مسلمه» نیامده است. و البته قاعده باب تغليب این بوده که در احکام اجتماعی جمعی، ضمایر جمع مذکر آید و از این رو است که در طول تاریخ تمدن اسلامی زنان نامی و دانشمند بسیار بوجود آمدند که تعدادی از آنها در کتاب خیرات الحسان گرد آوری شده است.

در تاریخ معاصر ما بویژه بعد از انقلاب اسلامی چهره‌های درخشانی در تمام شؤون علمی در بین زنان درخشیده‌اند. زنان بسیاری در رشته‌های طب، داروشناسی،

احیای حکمت تألیف علی قلی پسر قرقغای خان از آثار فلسفی قرن یازدهم هجری است. این کتاب مشتمل بر یک دوره مباحثت حکمت طبیعی و الهی است؛ با این ویژگی خاص که به نقد و بررسی آرای حکماء نامدار گذشته پرداخته وی ضمن اینکه با اندیشه‌ها و آثار ملاصدرا بخوبی آشنا بوده در بعضی از مسائل وجود و در مسئله حرکت جوهری که از اندیشه‌های خاص ملاصدرا است مخالفت خود را ابراز کرده است. وی در خصوص بعضی از مسائل فلسفی از قبیل جعل، اصالت ماهیت یا وجود، اشتراک لفظی یا معنوی مفهوم وجود، مساوقت وجود و وجود، حدوث عالم، مباحثت مربوط به نفس و تناسخ، آرای بدیع و خاص خود را دارد. البته وی در بعضی از آنها بویژه در ارائه و دفاع از نوعی الهیات تنزیه‌ی تاثیر تعالیم استاد خود ملارجب علی تبریزی بوده است. همچنین در مسئله کثیر از واحد، بیان سلسله مراتب صدور و حدوث عالم تأثیر اندیشه‌های میرداماد در او بخوبی مشاهده می‌شود. نظرگاه وی در مسئله وجود، رابطه واجب با مخلوقات و معلولاتش، علم باری تعالی و موارد دیگر، بهره‌گیری وی را از اندیشه‌های نوافلاطونی بویژه از طریق اثولوچیانشان می‌دهد.

مؤلف بسیار کوشیده تا مسائل فلسفی را با مدلیل آیات الهی و احادیث و تعالیم ائمه معصومین (ع) ممزوج و مستدل سازد، از این رو بارقه‌هایی از حکمت شیعی در آن بخوبی نمایان است.

علوم مثبته و بالآخره علوم ادبی و حقوق و فلسفه درخشیده‌اند که بسیاری از کارهای علمی و فنی مورد نیاز جامعه را بعهده دارند. از جمله کسانی که در حال حاضر از چهره‌های تابنده‌اند و امید آن هست که واجد کمالات و مقامات علمی افزونتری شوند سرکار علیه عالیه فاضلۀ ارجمند فاطمه فنا می‌باشد که در رسته علوم فلسفی گامهایی برداشته‌اند و با همت عالیه خود اقدام به تصحیح و مقابله و اصلاح تحشیه کتاب حاضر و در واقع احیاء احیای حکمت تألیف فیلسوف عالی مقام عصر صفوی علی قلی خان نموده‌اند که در دو مجلد شامل حدود ۱۴۰۰ صفحه بوسیله دفترنشر میراث مکتوب وابسته به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ و نشر شده است. البته این کار به عنوان رساله پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد سرکار علیه فاطمه فنا محسوب شده است.

مؤلف احیای حکمت - که یکی از کتب فلسفی مهم به زبان فارسی است - کمتر معروفیت داشته است. وی از فلاسفه مهم و

بزرگترین تحول تاریخی و فرهنگی با ظهور آیین اسلام به وقوع پیوست. می‌گویند و می‌نویسند که اسلام با بت و بت پرستی و بت پرستها مبارزه کرد. این امر بدان معنی نبوده و نیست که بانی شریعت اسلام با چند قطعه چوب و سنگ مصنوع دست انسانهای جاهل مبارزه کرد، مبارزه واقعی اسلام جنگ و سریز با بت‌های انسان نما از نوع ابوسفیانها بود که: «بت پرستیدن به از مردم پرست». بزرگترین تحول فرهنگی صدور منشور همگانی کردن علم آموزی بود که به طور صریح فرمودند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» و به طوری که از منابع تاریخی بدست می‌آید این امر در هیچ یک از مدنیتهای کهن مسبوق به سابقه نبود و از توابع اعلام همگانی بودن دانش اندوزی شکسته شدن بت‌های طبقاتی بود که فرمود: «ان اکرمکم عند الله اتقیکم». آنچه از دیدگاه اسلام مهم و مورد احترام است علم و تقواست. صدھار روایت و خبر درست در این ابواب وجود دارد به اضافه بیش از چند صد مورد در قرآن کریم که در آنها به علم اندوزی و اندیشه و تعقیل اشاره شده است. در مورد

شدن بر شمرده است (ج ۱، صص ۱۱۸، ۱۱۹) توضیح این که وجود شرایط در حکمت قدیم برای شاخص شدن در هر مورد لازم بوده است، یعنی در هر بخش از امور اجتماعی و علمی شرایطی خاص ذکر می‌شده است از جمله در باب قاضی و قضا حدود چهارده شرط ذکر کرده‌اند. فارابی برای رئیس مدینه فاضله حدود چهارده شرط آورده است. شهاب الدین شهروردی برای رئیس جامعه و هدایت، شرایطی را ذکر کرده است. بنابر حکمت عملی خواجه نصیر، رئیس باید شرایطی را حائز باشد. بابا‌فضل کاشانی در رساله شاهان پرمایه، برای زعیم یا ملک شرایطی را آورده است. وبالجمله در وصایای فلاسفه برای فیلسوف شدن و حتی پرداختن به دانش فلاسفه شرایطی را گنجانده‌اند و بر آن بودند که اهلیت در هر فنی بویژه فلاسفه، شرط اساسی است.

باری احیای حکمت را می‌توان در بردارنده نوعی فلسفهٔ تلفیقی به حساب آورد که از کلمات فلاسفه بزرگ یونان و مصر نقل قول‌های بسیار شده است. وی می‌گوید: دیوجانس نقل کرده است که پایه و مایهٔ حکمت در دنیا بوسیله هرمس الهرامسنه نهاده شده است. هر چند ظاهراً ادريس را که همان جرجیس نبی باشد، پاره‌ای یونانی دانسته‌اند، لکن به ظن قوی اهل مصر بوده است و بدین طریق ریشه علوم عقلی را

به مصر و بابل باید نسبت داد.

وی ارسطور را گویا از طریق ابن‌رشد و یحیی بن عدی می‌شناخته است و به فلسفه او آشنا شده است (ج ۲، ص ۲۲۱) و این بدان معنی است که اعتماد او به ابن‌سینا کمتر از ابن‌رشد بوده است. هر چند قسمتهای زیادی از مسائل کتاب را از ابن‌سینا به ویژه شفانقل کرده است. در باب اجسام (ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۳) گوید: «آنچه شیخ اشراق گوید که جسم سماوی و عنصری عین جوهر منبسط الذات است باطل است و آنچه شیخ الرئیس گوید: مرکب از ماده و صورت جسمی و صورت نوعی است باطل است؛ از آن جهت که وجود صورت جسمی لغو و معطل است. و آنچه ابن‌رشد در اجسام عنصری از ارسطو گوید که مرکب از ماده اولای مستعد به استعداد جسم تعليمی و از صورت نوعی عنصری است، فقط حق است». و معلم ثانی در مدینه فاضله نیز قائل به این مذهب است و بدین ترتیب صاحب کتاب اقوال ابن‌رشد را در

خوش ذوق قرن یازدهم هـ ق است. در سرآغاز و مقدمهٔ فاضل معاصر حضرت آقای دکتر ابراهیمی دینانی درباره مؤلف کتاب یادشده (احیای حکمت) آمده است: «از جمله اندیشمندان بزرگ و در عین حال گمنامی که تحت تأثیر افکار و عقاید حکیم تبریزی (ملأ رجب علی تبریزی) قرار گرفته است علی قلی بن قرقغای خان را باید نام برد. این حکیم متالله که از اندیشمندان بزرگ عصر صفوی محسوب می‌شود در سطح وسیع و گسترده‌ای افکار و عقاید شیخ رجبلی تبریزی را ضمن آثار و تألیفات متعدد خود بیان داشته است». وی اضافه می‌کند که این حکیم بواسطهٔ رفاه نسبی که در زندگی داشته است تقریباً به همه آثار فلسفی گذشتگان دست یافته است و از بیانات و افکار آنها برخوردار شده است و به قول خود او هم از حکماء متقدم - یعنی ارسطو و افلاطون و سocrates - بهره‌مند گشته و هم از حکماءٔ متاخر - مانند ابن‌سینا و فارابی و یحیی بن عدی و غیره - برخوردار بوده است. (ر. ک. به صفحات ۳۱۶، ۳۳۰ مجلد دوم)

این کتاب به نظر فارسی شیرین و قابل فهم نوشته شده است و حاوی نظریات و افکار تقریباً همهٔ فلاسفه مهم و بزرگ جهان یونان و اسلام است. می‌دانیم که یکی از فلاسفه بزرگ جهان اسلام در خطهٔ اندلس ابن‌رشد است. وی از فلاسفه و اطبایی است

که حلقهٔ اتصال بین شرق و غرب بوده است و در عداد فلاسفه و اندیشمندانی که غربیان عمدتاً از طریق وی با علم و فرهنگ و تمدن اسلامی آشنا شدند. این فیلسوف بزرگ که در تمدن اسلامی در خطهٔ اندلس شهرت بسزایی داشت و مسأله برانگیز شد، تا آنچه که خلیفهٔ موحدین اورانفی بلد و تبعید کرد و منشور تحریم فلسفه را به خاطر او صادر کرد. با تمام این احوال در کتب فلاسفه این سوی جهان اسلام تا عصر حاضر کمتر و یا بسیار ندرتاً از او نام برده شده بود. در کتب فلسفی فلاسفه مانند حاج ملا‌هادی سبزواری به اقوال و افکار او استناد نشده است. در چهار جلد اسفار و کتب دیگر ملاصدرا مشخصاً نامی از ابن‌رشد نیامده است در حالی که ملاصدرا تقریباً از همهٔ عارفان و فلاسفه مشاء و اشراق قبل از خود نام برده است و به نظر می‌رسد که تنها کسی که در قرن یازدهم کراراً از ابن‌رشد نام برده است و از کلمات و افکار او بهره‌مند شده است همین حکیم باشد. وی دوازده شرط برای حکیم

احیای حکمت

هشتم علمیات،

علیقلی بن تیجای خان
دکتر شیرازی، ۱۳۷۸

جلد اول

پاسخگویی شیرازی، ۱۳۷۸
تیر ۱۳۷۸، ناشر: ناشر

وجود و عالم امر و خلق را نور الانوار می داند. در این بین فیلسوف بزرگ دیگر عصر صفوی ملا صدر افایل به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت شده است.

وبالجمله صدرالدین شیرازی و پاره‌ای از فلاسفه بزرگ بعد از او که مکتب اورادنیال کرده اند مانند حاج ملا هادی سبزواری گفته اند که اصالت از آن وجود است؛ یعنی مجعلو بالذات نخست وجود است و ماهیت به تبع وجود مجعلو بالعرض است و از اعتباریات است؛ و عمدۀ استدلال آنها در اصالت وجود مسئله وجود و توحید ذات و صفات است و گویند ماهیات فطرتشان وحدت و توحید ذات و صفات است و اصیل ماهیات اثبات و اثبات اخلاق و تباين است و آنچه شبیه اشیاء مخالفه به آن است، ماهیت اشیاء است وجود جنبه وحدت اشیاء مخالفه است، آنچه مایه وحدت و اتصال و پیوستگی بخشیدن به اشیاء مخالفه است وجود است و اگر این جنبه توحید و وحدت اشیاء اصیل نباشد، لازم آید که ذات و صفات حق اصیل نباشد.

لولم يؤصل وحدة ماحصلت

إذ غيره مثار كثرة آتت

و باید توجه داشت که در باب جعل بسیار بحث کرده اند و اصالت ماهیتی ها گفته اند مجعلو بالذات ماهیت است و قائلان به اصالت وجود گفته اند وجود مجعلو بالذات است و یا گفته اند کسی قائل به اصیل بودن هر دو و یا اعتباری بودن هر دو نشده است. مطلب این

جاست که حکیم ما علی قلی صاحب احیای حکمت به اعتباریت هر دو قائل است. وی اصولاً برای عالم شهادت اصالتی قائل نیست و همانطور که بیان شد عالم شهادت را عالم اظلال و سایه های عالم غیب می داند. وی در این باب کاملاً متاثر از کتاب اثولوچیان افلوطین است که برای عالم محسوس و ناسوت مطلقاً اصالتی قائل نمی باشند.

همانطور که اشارت رفت مؤلف این کتاب از بین فلاسفه ای که از آنان نقل قول کرده است به یحیی بن عدی و ابن رشد و صدرالدین قونوی و فارابی توجه بیشتر داشته است و اغلب آرای این سینارا مورد جرح و نقض قرار داده است.

توفیق و سعادت سرکار علیه خانم فاطمه فنارا در خدمت به علم و فلسفه از خداوند خواستارم.

اصالت ارسسطوئی بر ابن سینا رجحان داده است. هر چند کتاب احیای حکمت را به طور اصولی می توان منعکس کننده افکار مشائی دانست لکن از جنبه های اشرافی و عرفانی نیز کاملاً تهی نیست؛ از قول عارفانی مانند صدرالدین قونوی (ج ۲، ص ۳۳) نقل قولهایی کرده است، به آیات و روایات بسیاری هم استناد کرده که به آن جنبه های ذوقی داده است. او از اخوان الصفا نیز نقل قول کرده است. در باب اصالت وجود و ماهیت بحث مفصل کرده است. (ج ۲ ص ۱۲۷ و بعد) و چنان نموده می شود که وی وجود و ماهیت را اعتباری می داند و علم الهی را اصیل می داند. (ج ۲، ص ۱۳۰) و گوید: «اویل باید دانسته شود که اصل و مبدأ اظلال و معلومات الهی علم الهی است به مثالات قائم بذات آن اظلال که عین ذات قائم بذات اوست به عنوان وحدت و بساطت صرف به نحو اعلا و اشرف».

وی توضیحات بسیاری در این باب داده است و گوید: مجعلو بالذات به نحو وحدت و بساطت دفعه وحدة شیء مرکب از وجود و ماهیت است. پس اصل علم خدا است و ماهیت وجود به یک جعل واحد بسیط مجعلو اند. (ج ۲، ص ۱۳۲) چون همه موجودات عینی خارجی را موجود به وجود ظلی می داند و برای هیچ امری اصالتی قائل نیست مگر علم خداوند، او وجود و ماهیت را متعاكس الوجود می داند.

توضیح اینکه فلاسفه اسلام گفته اند: «کل شیء زوج ترکیبی له وجود و ماهیة» هر شیء، مرکب از دو امر است: وجود و ماهیت. پس از این اصل اختلاف کرده اند که در عالم شهادت کدام یک از این دو امر اصیل و کدام یک از وجود و ماهیت اعتباری اند. عموم فلاسفه گفته اند وجود از مفاهیم اعتباری انتزاعی است و بالجمله یک رابطه بین موضوعات و محمولات. مثلاً گفته می شود «زید هست»، «حسن شجاع هست»، «تقی شجاع نیست»، «فلان امر موجود هست، و یا موجود نیست و این هست ها و نیست ها روابطی بیش نمی باشند و آنچه در جهان محسوسات اصالت دارد شبیه اشیاء است نه ماهیات مخالفه آنها. این نظر را حتی اشرافیان مانند شهاب الدین سهروردی تأیید کرده اند و البته می دانیم که سهروردی هر چند اصالت وجود را مردود می داند لکن خود برای حل مسائل مربوط به توحید ذات و صفات و وحدت بخشیدن به موجودات قائل به اصالت نور است و اساس





آثار احمدی در میزان نقد

دکتر نورالله کسائی

است، بیشترین بهره را از کتاب روضة الالباب جمال الدین عطاء الله دشتکی شیرازی گرفته است. (ص ۱۰) علاوه بر این در چندین جا از سیر کمال الدین حسین خوارزمی (ص ۸۲، ۹۴، ۲۱۳) به عنوان مأخذ مورد استفاده خود یاد کرده است که مصحح در فهرست کتابهای وارد در متن (ص ۵۸۹) به توضیح آن نپرداخته و در فهرستها و تذکره‌ها نیز از سیره نویسی به این نام ذکری نیامده است و فقط از نام حسین خوارزمی ملقب به کمال الدین مقتول (۸۴۰ق) مشخص است که شارح قصیده بُردہ و مثنوی مولوی به فارسی بوده است.

کوشش مصحح ارجمند در ضبط درست و دقیق اعراب کلمات آیات و احادیث و عبارات عربی و ارجاع به سوره‌ها و شماره آیات، بسیار ریزبینانه و عالمانه است. از این رو، شیوه تصحیح و عاری بودن کتاب از اغلاظ چاپی در خورستایش است. در عین حال، پیش از اشاره به مواردی اندک درباره متن یا تصحیح، یادآوری دو نکته ضروری می‌نماید: نخست اینکه، ارجاعات در زیرنویسها بیشتر به منابع امروزی است تا کهن، برای مثال در صفحات: ۴۳، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۶۳، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۳۳ و ۲۳۶... ارجاع فقط به تاریخ پیامبر اسلام ﷺ است، و ارجاعات در زیرنویس‌های صفحات: ۴۳ و ۵۷ به هروج الذهب و التنبيه و الإشراف مسعودی و تاریخ یعقوبی است که در فهرست منابع (চص ۵۹۱ - ۵۹۵) به منابع تصحیح و مشخصات چاپی آن اشاره‌ای نشده است.

دوم آنکه، رسم الخط صحیح «اب» در زبان فارسی، به صورت رفعی است که باید به صورت «ابو» نوشته شود، حال آنکه در جای جای متن اغلب به صورت «ابی» یا «ابا» نوشته شده است؛ مانند: ابی بکر، ابی ذر، ابی سفیان، ابی‌بکر، ابادر و کمتر به صورت درست آن «ابوبکر» یا «ابودر» نوشته شده، که می‌بایست به صورت

تاج الدین استرآبادی، مؤلف کتاب - چنانکه از پیشگفتار مصحح برمی‌آید - از نویسنده‌گان سده دهم هجری است (ص ۹). از تاریخ زاد و مرگش نشانه‌ای به دست نیامده است.

کتاب را نثری است آسان و نگارشی روان، آراسته به اشعاری در تفسیر رویدادها، بیشتر از خود نویسنده و نه چندان استوار، با سرآغازی در سپاس خدا و ستایش خاتم الانبیا ﷺ. محتوای کتاب مطالبی است در سرگذشت روزگار کودکی حضرت محمد ﷺ و نوجوانی او و آنگاه ازدواج با خدیجه، بعثت و آغاز دعوت و رویدادهای فاصله بعثت تا هجرت، ورود به مدینه، مهاجر و انصار، غزوات و سرایا، دعوت از سران کشورهای مجاور به پذیرش اسلام و سرانجام، حجۃ‌الوداع و اطنابی مملأ از آغاز بیماری رسول خداتا رحلت آن حضرت، آنگاه ایجازی محل از شکل گیری سقیفه، خلافت شیخین و عثمان، خلافت امیر مؤمنان علیؑ و در پایان نیز اشارتی به زندگانی یازده امام، از فرزندان مولای متقيان تا امام زمان (س). از مضمون روایات و اشاره به یکایک رویدادها چنین برمی‌آید که نویسنده از آثار اسلام در این باب نیک‌آگاهی داشته است. آثار احمدی نوشته‌ای است مربوط به سده‌های اخیر و آغاز دوران رونق و قدرت تشهیع در سرزمینهای شرقی ایران؛ از این رو تضادها و دوگانه گویی‌های موجود در آن نه نماینده تسامح مذهبی مورخان سده‌های نخستین اسلام است و نه سازگار با جانبگیریهای فرقه‌ای رایج از روزگار صفویان تا زمان ما. به این دلیل، در تصویر چهرهٔ صحابه و تابعین و ترسیم موضع‌گیریهای درست یا نادرست آنان، داد و ستد های امتیازی او، با شیوهٔ تاریخنگاری و امانتداری خصوصاً از نوع روایی آن سازگار نمی‌نماید.

مؤلف جز در مواردی اندک، در استناد به واقعی و روایانی مبهم چون ابوالقاسم (ص ۵۵۵)، یا ابن مزاحم (ص ۵۵۸)، چنانکه خود یادآور شده و مصحح محترم نیز به آن اشاره کرده

یکنواخت تصحیح و مراجعات می شد.

و اینک چند توضیح ضروری:

صص ۵۴ - ۵۲: داستان رفتن عبدالملک به جانب یمن به دیدن سیف بن ذی یزن و شنیدن اخبار نبوت از او در سال هفتم از ولادت محمد ﷺ. در سیره ابن هشام (ج ۱، ص ۲۰۹) فقط به پیشگویی کاهنی در یمن در بعثت آن حضرت اشاره شده است که یعقوبی نیز بدان اشاره کرده است (ج ۲، ص ۱۲). بنابراین، نسبت دادن پیشگویی به سیف بن ذی یزن حکمران یمن که درست مقارن همین سالها از ظلم حبسیان غالب بر یمن، به دربار خسرو انشیروان پناهندۀ و شاکی شده بود و نیز نسبت کهانت، به او، درست نمی نماید.

صص ۶۵ - ۶۷: داستان ازدواج حضرت محمد ﷺ با خدیجه و اینکه خدیجه تورات آراسته از درّ و یاقوت را بر کرسی نهاد...، واقعیت ندارد. زیرا در منابع، اشاره‌ای به یهودی بودن این زن نشده است، و ابن هشام، عمومی او ورقة بن نوفل را از نصارا نوشته است (ج ۱، ص ۱۹۱).

صص ۱۱۰ - ۱۱۱: «چون سال دهم از بعثت درآمد ابوطالب بیمار شد... و رحلت کرد... و هم در این سال بعد از سه ماه یا کمتر از فوت ابوطالب، خدیجه وفات یافت.» حال آنکه یعقوبی، در گذشت ابوطالب را در ۸۶ سالگی و سه روز پس از خدیجه نوشته است (ج ۲، ص ۳۵).

کتابخانه
متون

این اثر مجموعه سخنرانی‌های دکتر هلال ناجی برای جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های بغداد است که در خلال سالهای ۹۳ - ۱۹۹۲ میلادی ایراد شده است. در سخنرانی اول، با ذکر شواهد و نمونه‌های متعدد به بیان اهمیت تحقیق پیرامون عنوان یک نسخه و نام مؤلف پرداخته است.

سخنرانی دوم پیرامون اهمیت تحقیق بر روی نسخه‌های منحصر و چگونگی آن است. بخش‌های بعدی کتاب به موضوعاتی نظری: تصحیف و تحریف، کسانی که در این باب کتابی نوشته‌اند، سیر تاریخی این دو اصطلاح، نوادری در تصحیف و تحریف، نمونه‌هایی از تصحیف و تحریف نزد معاصران اختصاص دارد.

محاضرات فی تحقیق النصوص

پندت
الاستاذ هلال ناجي
پرسپولیسیون دانشگاه علم و تکنیکی
دانشگاه علوم اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی



محاضرات فی تحقیق النصوص

هلال ناجی
بیروت: دارالغرب الإسلامی
الطبعة الأولى، ۱۹۹۴ م
۱۶۶ ص.



به امید قبیلسی...^۱

جویا جهانبخش

است که آثار میر چنان که در مورد حکیمی نامدار و بنیانگذار چون او انتظار می‌رفته، رواج نیافته؛ و این با آوازه و حضور مع الواسطه اندیشه‌های حکیم جلیل ما منافاتی ندارد. در چند قرن اخیر، به علی دیگر، نگارشها کثیری از اجله مشاهیر علمای اسلام، یا به رواج شایسته نرسیده یا از رواج سزاوار افتاده؛ و از این قسم واپسین، نگارشها پیر پروپیشگان، سید بن طاووس، است.

پُر دور نیفتیم؛ میرداماد که به قول اسکندر بیک منشی، تاریخنگار همروزگارش، «در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار خود» بود، از مؤثرترین شخصیت‌های اسلامی در تعالی فلسفه می‌باشد. مورخ پیشگفته (اسکندر بیک) در وصف جناب میر گوید: «الحق جامع کمالات صوری و معنوی است، و کاشف دقایق انسانی و آفاقی، و در اکثر علوم حکمیّات و فنون غریبیّه ریاضی و فقه و تفسیر و حدیث درجهٔ علیاً یافته؛ رتبهٔ عالی و اجتهاد دارد، و فقهای عصر فتاوی شرعیه را به تصحیح آن جناب معتبر می‌شمارند.»

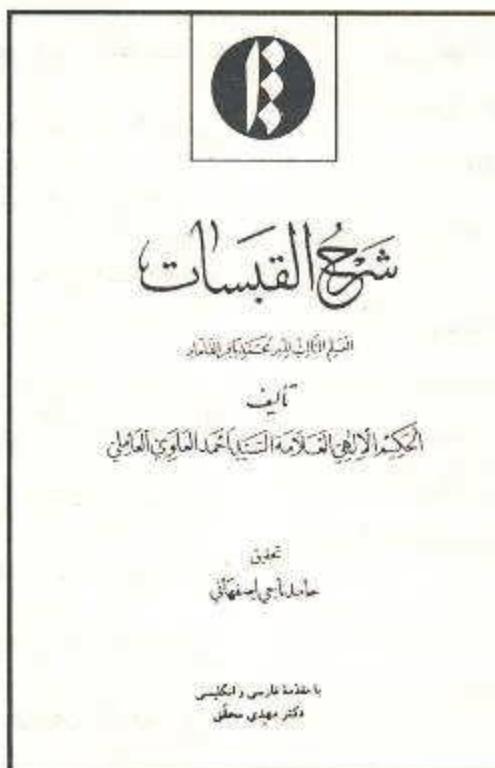
به قولی شاهکار و بزرگترین و پراهمیت‌ترین اثر میرداماد، کتاب قبسات اوست.

موضوع بنیادین «قبسات» پُر سمان حادث یا قدیم بودن عالم است. اینکه «عالم (یعنی: ماسوی الله)، حادث است یا قدیم؟ و چرا؟» از دیرباز محل گفتگو و مناظره و مباحثه اندیشمندان عرصه حکمت و کلام بوده و میرداماد در قبسات که به خواهش دوستی پرسشگر در زمینهٔ یاد شده، نگاشته آمده، در باب حدوث و قدم عالم داد سخن داده و این پُر سمان

حضرت استاد آقای دکتر ابراهیمی دینانی-در مجلس بزرگداشت حکیم و فقیه فقید، مرحوم آیة الله ارباب، (قدس سرہ)-، اصفهان را برای حکمت اسلامی، چون آتن برای فلسفه یونانی دانستند. آری! اصفهان بحقیقت آتن ایران و اسلام است و بلکه فراتر از آن؛ ولی دریغ که هنوز میراث فلسفی اش بتمامی به قید دراسه و تحقیق در نیامده تا ماده مستعد بازشکافتن و بررسی همه سویه «مکتب اصفهان» و حکمت متعالیه باشد و فهم مطالب و گشایش غوامض این شیوه اندیشگی را بر تشهه کامان جویان، آسان نماید.

از میان نگارشها مکتب اصفهان، احیاء آثار حکیم فرزانه و عالم ربّانی، میر محمد باقر داماد، سخت ضرور به نظر می‌رسد و در چند دهه اخیر حکمت پژوهان به گونه‌ای دیگر متوجه این مکتوبات شده‌اند؛ زیرا که میر، نه تنها از مهمترین نگارشایش آبخور کثیری از کلمات فاخر و خوشنوش و آبدار دیگر حکیمان نحله یاد شده است، متأسفانه آثار او نسبتاً مغفول و بی‌رواج واقع شده‌اند.

دور نیست که خواننده از استاد وصف «مغفول و بی‌رواج» به آثار مردی که نام و یادش سامعه و حافظه هر حمکت پژوه را آکنده، غرق حیرت گردد؛ از این روی، می‌افزاییم: به علی از جمله پیچیدگی زبان و تنوع اعجاب انگیز لغوی در آثار میر (که حتی مایه دست برخی لطیفه سازان و طنز پردازان گشته)-، نگارشها میر کتاب بالینی طالبان علم نشد و همگان بدین ینابیع حکمت اقبال ننمودند. پس خواست ما از آن اشارت، تنبیه بدین حقیقت



تألیف: الحکیم الالهی العلامہ السيد احمد المعلوی العاملی
تحقيق: حامد ناجی اصفهانی
چاپ اول: ۱۳۷۶
ناشر: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران
با همکاری دفتر نشر میراث مکتب
قطع وزیری، ۷۴۷ ص. ■ شمار: ۲۰۰ نسخه

دشواریهای عبارات قبسات را می‌گشاید.

ساختار شرح، به صورت «قال» و «أقول» است، و -چنانکه مصحح گوید- هر جا در شرح از قول مaten مستقیماً استفاده شده، شارح لفظ «أَفِيد» را به کار می‌برد (سنجد: ص ۷۴ و مثلاً ص ۵۴۵).

بهره‌ای در خور اعتنای فوائد شارحانه میرسید احمد، فرائد و توضیحات ادبی و لغوی است و این بازگشت به پیچیدگی زبان آثار میرداماد و گونه‌گونی ویژه لغوی متون او دارد.

سخن کوتاه می‌کنیم و در یک کلام می‌گوییم: دیدن و بررسیدن شرح القبسات برای خواستاران دانش فلسفی - به ویژه کسانی که به مکتب فلسفی اصفهان و میرداماد علاقه دارند و می‌پردازند -، مغتنم است.

طبع و آرایش کتاب پاکیزه و جاذب است و فهارس افزوده در پایان متن خواننده کاونده را سود می‌رساند.

همکاری مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ISTAC) واحد تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی با دفتر نشر میراث مکتوب در نشر اثر مورد بحث، سزای ثناست.

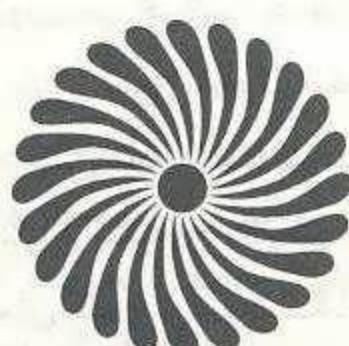
به امید آن که عاشقان حکمت را همه سرمست خدایی گردد!

قدحی می‌گُزیده، ز کف خدارسیده

چو خوری چُنان بیفتی، که به حشر بر نخیزی!^۳

پی‌نوشت:

۱. به یاد کرد و وام کرد از بیت خواجه:
راتش وادی ایمن نه منم خرم و بس
موسی آنجا به امید قبی می‌آید
۲. دوست دانشور و حکمت پژوه ما، آقای اوجبی، متن کشف الحقائق را همراه تقویم الایمان میر و تعلیقات جناب ملائی نوری، تصحیح و تحقیق نموده اند و عن قریب در رشته همکاری ISTAC و مؤسسه مطالعات اسلامی (تهران) و دفتر نشر میراث مکتوب، نشر خواهد یافت.
۳. از دیوان کبیر.



دشوار و گردنۀ ناهموار - به عنایت سبحانی - بر پرسندگان و جویندگان، آسان نموده است. بیقین قبسات از سودمندترین و مشکل گشایشی نگارش‌هایی است که درباره پرسمان حدوث و قدم عالم پدید آمده و میرداماد براستی در این تصنیف عزیز، حکیمی نوآور و نوآندیش و ناقدی بصیر و خبیر است. او اثر ارزش‌آفرین ده باب - که هر یک را «قبس» نام کرده و بخشندیهای خردتر را، به ترتیب، «ومضّة» و «ومیض»، - سامان داده است.

خوشبختانه متن انتقادی کتاب القبسات (به اهتمام دکتر مهدی محقق، دکتر موسوی بهبهانی، پروفسور ایزوتسو، دکتر دیباچی) به سال ۱۳۵۶ نشر یافت، ولی چنان که در مقدمۀ چاپ دوم همین متن (ص ۹)، استاد ما حضرت آقای دکتر محقق، هم گفته‌اند جای نشر شروح و حواشی و نسخه بدلهای آن هنوز خالی بود؛ و اینک شرحی سودمند - که طباعان متن قبسات را نیز بدان عنایتی تمام بوده (همان ص ۹) -، دلیل راه کسانی گشته که به امید برگرفتن قبی می‌پای به وادی مقدس و طور حکمت میر محمد باقر حسینی (مدعویه: داماد) می‌نهند؛ مراد ما شرحی نیست جز: شرح القبسات، نگاشته مرحوم سید احمد علوی، شاگرد میرزا و داماد معزز صاحب قبسات، که خود در معالم دین و معارف یقین عالمی دگرست!

آقای حامد ناجی اصفهانی، صدیق دانشور ما، که خود از محییان میراث مکتوب خاندان میرداماد بشمارست و پیش از این اثر ذهن و قاد و طبع نقاد این عزیز را در احیاء نبرانی الضباء و شرح تقدمة الایمان و مصدق صفا و غیر اینها، دیده ایم، با همتی در خور شرح نفیس و ممتاز پیشگفته را تصحیح کرده و با پیشگفتاری خواندنی و فهارسی کارآمد در زنجیره منشورات «دفتر نشر میراث مکتوب» عرضه نموده.

میرسید احمد علوی عاملی فرزند سید زین العابدین (از علمای امامی عاملی و شاگرد و داماد محقق کرکی) است. میرسید احمد، خاله زاده میرداماد است، داماد او نیز هست. وی نزد مردانی چون میرداماد و شیخ بهائی دانش آموخته و آثار فراوانی چون لطایف غیبیه و مصدق صفا و شرح القبسات و کشف الحقائق^۲ و ... پدید آورده است (نگر: شرح القبسات: صص ۶۰-۷۲).

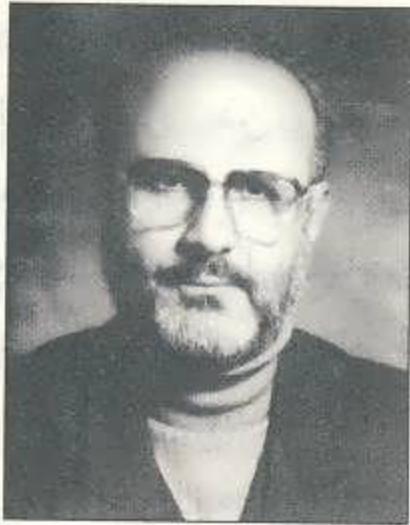
شرح القبسات را او به درخواست خود میرداماد نگاشته ولی مسلم است که دست کم تحریر نهایی آن پس از وفات میر-أعلى الله مقامه - صورت پذیرفته. (سنجد: همان، ص ۷۲ و ۷۳).

این اثر، تحلیل مسلسل عبارات قبسات نیست، بلکه مجموعه‌ای از تعلیقات و حواشی منظم و پیاپی می‌باشد که



گمشدهٔ خوارزم

دکتر حامد صدقی



عباسی دچار ضعف شده و دولتها و حکومتهای گوناگونی در سراسر جهان اسلام به وجود آمد که فرمانبرداری آنها از دارالخلافه عباسی شدت و ضعف داشت. این مسئله تا حدود زیادی باعث زوال شوکت خلافت عباسی گردید و شاعران را در انتقاد از این دولت گستاختر ساخت. از این رو بسادگی می‌توان به انگیزه این شاعر در عدم مدح خلفای عباسی و انتقاد از آنان و نیز

محمد بن عباس، مشهور به ابویکر خوارزمی، ادیب و شاعر فرزانه ایرانی تبار سده چهارم هجری و معاصر صاحب بن عباد وزیر دانشمند آل بویه است که خاستگاهش شهر آمل از خطهٔ خوارزم می‌باشد. او که از پدری خوارزمی و مادری طبرستانی به وجود آمده بود، گویند که در نحو، لغت، شعر، انساب و فنون ادب از مشاهیر بود.

خوارزمی در پی کسب دانش بترک دیار مألف گفت و به سوی ایران و عراق و شام شتافت. چنین می‌نماید که شرایط محیط حلب و شام بیشترین اثر را در رشد و تکامل استعدادهای ادبی و فکری او داشته، زیرا آنجا مجمع اندیشمندان، فیلسوفان، ادبیان و شاعران بوده است. عنوان شاعری ابویکر خوارزمی در گذر زمان و در پی فقدان دیوان اشعارش اندک اندک از حافظهٔ تاریخ ادبیات عرب محو شد. گردآوری سروده‌های پراکندهٔ موجود خوارزمی از کتب و منابع مختلف به صورتی که در این کتاب فراهم آمده است تلاشی است در راه احیا و معرفی چهرهٔ شاعرانه این ادیب و شاعر گرانمایه.

ابویکر محمد بن عباس معروف به خوارزمی (در گذشته ۳۸۳ هـ)

از جمله مهمترین دولتها و امیرنشیان همروزگار خوارزمی که بر شعر او تأثیر مثبت و منفی گذاشته‌اند، دولت سامانیان در خراسان و ماوراء النهر، دولت آل بویه در ایران و عراق، دولت بنی حمدان در شام و دولت زیاریه در طبرستان بوده است. در این فصل روش می‌شود که رابطهٔ خوارزمی شاعر با دولتمردان سامانی یکسان نبوده و به تناسب زمان و حکام وقت گاه بهبودی یافته و گاه تیره شده است. ولی عموماً وی چندان گرایشی به سامانیان نداشته و این امر را می‌توان در نامه‌ها و ابیات او بوضوح دریافت. از سوی دیگر، خوارزمی زمانی کمتر از یک دهه را با دولت حمدانیان به سر بردا. به نظر می‌رسد که روابط او با حاکمان، درباریان، دولتمردان، عالمان، شاعران و نویسنده‌گان درباری، حسن‌بوده است، و هیچگونه سندی دال بر موضع‌گیری خوارزمی در مقابل این دولت و مخالفت با آن در دست نیست.

همچنین در این قسمت به این نتیجه می‌رسیم که خوارزمی و برخی از رجال دولت آل بویه، بویژه در ایران ارتباط خوبی داشته است تا بدانجا که وی را به دلیل مناسبات حسن‌بوده با رجال آل بویه،

شاعر، نویسنده و دانشمندی است که در جهان ادبیات عرب پرآوازه شد. کمتر کتاب یا پژوهشی است که درباره سومین دوره ادبیات عصر عباسی، و یا به تعبیر بعضی دوران «دول و امارات» پرداخته و درباره این شاعر دانشمند - که در دوران زرین تمدن اسلامی می‌زیسته - سخنی به میان نیاورده باشد. با این حال کنکاشها و پژوهش‌های خاص درباره این شخصیت ادبی، انگشت شمار و چندان عمیق و استوار نبوده و جنبهٔ تفسیری و تحلیلی در آنها به چشم نمی‌خورد، که این امر با شهرت این اندیشمند و توانمندیهای بیشمار ادبی او در نظم و نثر هیچگاه تناسب ندارد. از این رو، در این کتاب بر آن شدم تا سهمی در رفع این نقص به ویژه در زمینهٔ شعر وی داشته باشم.

این اثر مشتمل بر مقدمه و سه فصل است: فصل نخست دربارهٔ عصر خوارزمی است که از سه قسمت تشکیل می‌شود: در قسمت اول به بیان شرایط سیاسی دوران خوارزمی پرداخته، و در آن به این نتیجه می‌رسیم که در این دوره خلافت

زیرا این محیط سرشار از عالمان، اندیشمندان، فیلسفان، ادبیان و شاعران بوده است. در این زمینه ثعالبی می‌گوید که خوارزمی خود نیز به این حقیقت اذعان دارد، ولی در نامه‌ها و اشعار خوارزمی اشاره‌ای به این محیط فرهنگی و رجال آن یافت نمی‌شود، هر چند که وی با بسیاری از شعراء و علمای آن محیط ارتباط داشته است.

همچنین خوارزمی با برخی از شعراء و ادبای خوارزم در تماس بوده و اشعار شماری از آنان را بازگو کرده است.

اما در محیط عراق، او نزد بعضی از علمای آن دیار به فراغیری علم پرداخت و در عین حال با شماری از شعراء و ادبای محیط فرهنگی ایران مرتبط بود.

به نظر می‌رسد که خوارزمی در دو محیط فرهنگی عراق و شام مانند متعلمی بود که سعی در رشد شخصیت علمی و ادبی خود داشت، به همین دلیل یا به دلایل ناشناخته دیگری، در این دو محیط هیچگونه اثر ادبی از وی بر جای نمانده است. محیط ایران و خراسان و ماوراءالنهر برای ارائه آثار منثور و منظوم مساعد بود وی بیشترین آثار خود را در این دیار عرضه کرده است.

فصل دوم شامل زندگی خوارزمی است از تولد تا وفات. در این فصل آمده است که نام خوارزمی محمد بن عباس و کنیه اش ابوبکر والقابش به گونه‌ای که خود گفته است «طبری» و «خوارزمی» است. عده‌ای با ترکیب این دو لقب وی را طبرخزمی و سپس با حذف میم طبرخزی نامیده‌اند.

اما درباره تولد او، رأی راجح آن است که او در دهه دوم قرن چهارم هجری در شهر آمل خوارزم به دنیا آمده است. در این فصل نتیجه قاطعی در اینکه خوارزمی خواهرزاده محمد بن جریر طبری و یا محمد بن جریر بن رستم طبری است به دست نیامده، و ظن غالب که چون مادر خوارزمی از سرزمین طبرستان بوده، بنابراین می‌توان مردان طبرستانی را علی العموم، در حکم دایی خوارزمی شمرد.

همچنین در این رساله، اثنی عشری بودن خوارزمی احراز نگردید و با بررسی و پژوهشی نسبتاً عمیق در این موضوع از فحوای نامه‌هایش به دلایلی دست یافتیم، که رجحان دارد اورا شیعه زیدی بدانیم. وی با شیعیان امامی اثنی عشری روابطی خوب و نزدیک داشته و حتی تا اندازه‌ای به آنان گرایش داشته است.

اما در خصوص خاندان خوارزمی اطلاعات چندانی در دست نیست، جز آنکه این خاندان در بدوان مرخه و ثروتمند بوده‌اند، ولی بعدها، فقر و تنگدستی بر آنان سایه افکنده است و تا واپسین

متهم به جاسوسی به نفع آنان بر علیه سامانیان می‌کردند. علی‌رغم تیره شدن روابط خوارزمی و برخی از وزرای آل بویه همچون صاحب بن عباد، این تیرگی لطمہ‌ای به گرایش وی به رجال این دولت وارد نساخت. زیرا آنان عامل اصلی نجات وی از نابسامانی اقتصادی بودند. نامه‌ها و اشعار خوارزمی خطاب به فرمانروایان آل بویه: رکن‌الدوله، عضدالدوله و فخرالدوله، وزرای آل بویه: ابن‌العمید و صاحب بن عباد مؤید این گفته‌هاست.

در روزگار خوارزمی، دولت زیاریه از شکوه و جلال گذشته برخوردار نبود. زیرا نفوذ دولت آل بویه بر سرزمین زیاریان سایه افکنده بود، و این امر باعث شد که «قابوس بن وشمگیر» فرمانروای آل زیار به سامانیان پناه ببرد. با این همه خوارزمی روابط حسنۀ خود را با وی حفظ کرد و وی را در ۳۳ بیت شعر ستوده است.

در قسمت دوم شرایط اجتماعی دوران خوارزمی مورد بررسی قرار گرفته است. در این دوران پدیده‌های اجتماعی بسیاری به چشم می‌خورد از جمله: اختلاف طبقاتی ناشی از رفاه اقتصادی حاکم بر سراسر کشور اسلامی، اختلافات مذهبی و نژادی، شیوع پدیده جشن عید نوروز و مهرگان و بزرگداشت آن دو، پیدایش مظاهر فساد و دوری از ارزش‌های اسلامی، پدید آمدن مسئله خرید غلامان و به بیگاری کشیدن آنان و عشق ورزی به آنها. از سوی دیگر، در کنار اختلافات مذهبی و درگیری بین مسلمانان، پدیده تسامح با پیروان ادیان غیر اسلامی به وضوح به چشم می‌خورد، تا جاییکه مسلمانان در جشنها و اعیاد غیر اسلامی مانند عید فصح شرکت می‌کردند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که خوارزمی نسبت به جامعه و آفات اجتماعية و اخلاقی آن کاملاً بی‌تفاوت بود، زیرا از وی عکس العملی دیده نمی‌شود که نشانه انتقاد از این وضعیت و یا شرکت او در پدیده‌های متداول آن دوران باشد، جز فساد و گرایش به همجنس و تغزل به مذکور که در آن هنگام به شدت رایج بود و او نیز دست کمی از دیگران نداشت. این پدیده آن چنان در آن زمان در میان طبقات گوناگون اجتماعی اعمّ از حاکمان و علماء و ادباء شایع بود که بوی منافات با مبانی اخلاقی از آن به مشام نمی‌رسید.

در قسمت سوم، شرایط فرهنگی دوران خوارزمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این قسمت آمده است که خوارزمی تحت تأثیر سه محیط مهم فرهنگی بوده است: نخست محیط خوارزم و بلاد ماوراءالنهر، دیگری محیط حلب و بلاد شام، و سوم محیط عراق و ایران. به نظر می‌رسد که شرایط محیط حلب و شام بیشترین اثر را در رشد و تکامل استعدادهای ادبی و فکری او داشته.

ابو بکر خوارزمی دربارهٔ شیطان خویش سخن می‌گوید. او برای پاسخ به ندای قلب خویش می‌سراید و می‌نویسد و سپس برای اجابت خواستهٔ شیطان خود شعر و نثر خود را تهذیب و تنقیح می‌کند. او همچنین دربارهٔ صفاتی که شعرابه آنها متصفند سخن می‌گوید. وی نه تنها به اصول و فنون شعر احاطه دارد و برای شاعر برنامه‌ریزی درسی می‌کند، بلکه تاریخ ادبی شعر و حوادثی را که بر شعر در طول تاریخ گذشته، و نیز در گیریهای فرقه‌ای و قومی ای را که در شعر مصدق و تأیید داشته، بخوبی می‌شناخت. در این فصل آشکار می‌شود که خوارزمی دیوانی داشته که بتدریج از بین رفته است، و آنچه در حال حاضر در دسترس ماست چیزی جز گزیده‌ای از شعر او نیست، که آن هم متناسب با اهداف گرد آورندگان آن و موضوعات مورد نظر آنان است.

با مطالعه و بررسی آثار ادبی بسیار، توفیق رفیق شد که ۲۵۱ قطعه شعری از خوارزمی به قرار زیر جمع آوری شود:

۵۵ قطعهٔ تک بیتی.

۹۳ قطعه که هر یک از دو بیت تجاوز نمی‌کند.

۴۰ قطعه که هر کدام دارای سه بیت است.

۱۴ قطعه که هر کدام دارای چهار بیت است.

۱۰ قطعهٔ پنج بیتی.

۱۱ قطعهٔ شش بیتی.

۳ قطعه دارای هفت بیت.

۴ قطعه دارای هشت بیت.

۶ قطعه دارای نه بیت.

دو قطعهٔ یازده بیتی.

دو قطعهٔ سیزده بیتی.

یک قطعهٔ چهارده بیتی.

سه قطعهٔ پانزده بیتی.

یک قطعهٔ شانزده بیتی.

یک قطعهٔ هفده بیتی.

یک قطعهٔ هیجده بیتی.

یک قطعهٔ بیست و دو بیتی.

یک قطعهٔ بیست و چهار بیتی.

یک قطعهٔ بیست و هفت بیتی.

یک قطعهٔ سی و شش بیتی.

و این بدین معناست که حدود ۷۵ درصد مجموع قطعه‌ها، هر یک از سه بیت تجاوز نمی‌کند، و حدود ۱۸ درصد مجموع قطعه‌ها هر کدام از نه بیت فراتر نیست. به عبارت دیگر ۹۳ درصد

روزهای زندگی دامنگیرشان بوده، تا آنجا که عضدالدوله صله‌های فراوانی به خوارزمی بخشید و موجب رفاه افراد خانواده او شد. از خانوادهٔ خوارزمی کسی را جز فرزندی به نام ابو الفضل، یا علی نمی‌شناسیم، و چه بسا این دو - چنانکه پیشتر گفته شد - نام و کنیه یک تن باشد.

با تحقیق به این واقعیت می‌رسیم که دو انگیزهٔ خوارزمی را به سیر و سیاحت در بلاد واداشته است. نخست: رشد و تکامل شخصیت علمی - ادبی از طریق تعلم و یادگیری؛ دوم: دستیابی به صله و هدایا که وضع اقتصادی نابسامان او را بهبود بخشد.

همچنین در این فصل با شخصیتهايی که خوارزمی با آنها در ارتباط بوده و آنان را مدرج یا هجو کرده، آشنا می‌شویم، همچون صاحب بن عباد که روایات مربوط به نحوه و مکان آشنایی خوارزمی با او موجود است. سمعانی نخستین کسی است که دربارهٔ این آشنایی سخن گفته است. وی می‌گوید که خوارزمی در این هنگام بیست نام برای سگ از بر داشته است، در حالی که این خلکان این عدد را پنج برابر دانسته است، و به همین مقدار قطعهٔ شعرهایی در ذمّ و مدح سگ به آن افزوده است. این خلکان در جای دیگری نیز نقل می‌کند که خوارزمی هنگام ورود بر صاحب بن عباد بیست هزار بیت شعر از مردان و همان مقدار از زنان را حفظ کرده بود. گفتنی است که هاله‌ای از شک و تردید این روایات را فرا گرفته است چندانکه تصدیق آنها را دشوار و ناممکن می‌سازد.

همچنین در این فصل اشاره می‌شود که نمی‌توان منقولات بدیع الزمان همدانی را دربارهٔ مناظره اش با خوارزمی پذیرفت. ولی قدر مسلم آن است که این مناظره اثر نامطلوبی بر روحیه و حیثیت خوارزمی گذاشت، و شاید بتوان گفت که یکی از عوامل مرگ زودرس خوارزمی همین مناظره بوده است.

فصل سوم به شعر خوارزمی اختصاص یافته است. در این فصل این نکته بر ما آشکار می‌شود که خوارزمی نه تنها یک شاعر بلکه عالمی است آشنا به اصول و دارای صفاتی است که هر شاعر باید به آن آراسته باشد. ما توانستیم در این فصل آرا و عقاید خوارزمی را دربارهٔ انگیزهٔ شاعر در سرودن شعر بشناسیم. خوارزمی عقیده دارد که شعر باید از شعور و احساس سر چشم به گیرد و از طبیعت و انگیزه‌های روانی آدمی و احساسات عاطفیش در برابر وقایع زندگی سخن بگوید. همچنین شعر باید به انسان و احساسات و مشکلات روحی او بپردازد.

خوارزمی با اعتقاد به لزوم حفظ اشعار عرب، وجود قوّه ابداع و ابتکار را در شاعر ضروری می‌داند.

قطعه‌ها بین یک تا نه بیت است.

گمان می‌رود آنچه در دست ماست بیش از یک پنجم دیوان مفقود او نیست، و این خود دلیلی است بر دشواری کار محقق در زمینه شناخت قدرت شعری خوارزمی و ارزیابی دقیق آن.

و اما مقاصد و اغراض شعری خوارزمی در ابیات موجود به شرح ذیل است:

۱. مدح: از مجموع ۹۱۸ بیت، شمار ابیات مدحیه به

بیت می‌رسد؛ بنابراین می‌توان گفت که ۳۴/۶٪ اشعار دیوان جمع آوری شده در زمینه مدح است.

۲. هجا: که مجموعاً به ۱۴۳ بیت می‌رسد و حدود ۱۵/۶٪ کل اشعار است.

۳. غزل: نزدیک به صد بیت است و حدود ۱۰/۹٪ کل دیوان است.

۴. وصف: حدود ۹۸ بیت است، و ۱۰/۷٪ کل دیوان است.

۵. رثا: حدود ۹۸ بیت است، و ۱۰/۷٪ کل دیوان است.

۶. حکمت: به ۶۵ بیت می‌رسد، و حدود ۷٪ کل دیوان است.

۷. شکایت: ۲۹ بیت است و حدود ۵/۳٪ کل دیوان است.

۸. خمریات: حدود ۲۷ بیت است، و ۳٪ کل دیوان است.

۹. تفاخر به خود: جمعاً ۹ بیت است و حدود ۰/۹۸٪ کل دیوان را تشکیل می‌دهد.

۱۰. مقاصد متفرقه در زمینه‌های اعتذار، معما، طنز و بذله گویی، تلفیق و تشیع که مجموعاً به هفت بیت می‌رسد و حدود ۰/۷۶٪ از کل دیوان است.

شاید فروزنی نسبت مدح در شعر خوارزمی گویای این واقعیت باشد که او به مسائل مادی می‌اندیشید؛ تمایل به رسیدن به جایگاه و منزلتی والا، داشت، و نسبت به دولت آل بویه تعصّب فراوان می‌ورزید. خوارزمی در مدح، مطلع قصیده خود را با اطلاق شروع نمی‌کند، بلکه ابتدا دو سه بیت غزل گونه سروده و سپس بدون مقدمه طولانی وارد مقصود اصلی خود [مدح] می‌شود. انگیزه مشترک خوارزمی در این قبیل قصاید، دستیابی به صله و هدیه ممدوحان خویش بود. و شاید همین انگیزه وی را به هجای افراد نیز و می‌داشت. هجای خوارزمی را می‌توان سه نوع دانست: سنتی، تمسخر آمیز و فاسد. هجای سنتی خوارزمی با دیگر شاعران سنتی که جنبه‌های منفی را بارز می‌کنند، تفاوتی ندارد، ولی او در هجای فاسد (ماجن) الفاظ مستهجن و رکیک رایج در آن زمان را به کار می‌برد.

غزل خوارزمی را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: غزل زمینه‌ساز، غزل سنتی، تغزل به مذکور. در غزل زمینه‌ساز، عاطفه و احساس هیچگونه نقشی ندارد. اما در غزل سنتی شدت و ضعف بیان عاطفه در نوسان است، و ظن غالب این است که منشأ غزل او، احساس رنج و ناشکیبی از عدم وصال به معشوق نبوده است. اما در زمینه تغزل به مذکور، ظن غالب آن است که او با شاعران همروزگار در این زمینه همراه و همنوا بوده، اما از وی فسقی نقل نشده است.

خوارزمی در زمینه وصف، برخی از پدیده‌های طبیعت جاندار و بی‌جان و نیز برخی از پدیده‌های اجتماعی و علمی را توصیف کرده است.

ابوبکر در رثا، شاعری سنت گر است، و همچون دیگران صفات مثبت مرثی را بیان می‌کند. لیکن در برخی موارد، اورثا را با شکوه و عتاب و یا با تمسخر در می‌آمیزد، و گاه نیز حالت تناقضی را که نسبت به مرثی دارد، بر زبان می‌راند: حالت محبت و گلایه، شادی و غم، تبریک و تسلیت.

از آنجا که خوارزمی از حافظه بسیار قوی برخوردار بوده، و از زندگانی تجربه فراوانی اندوخته و با سیر و سیاحت نقاط بسیاری از جهان اسلام را زیر پا گذاشت، و با بسیاری از فضلا و ادباء مصاحبت و مراودت داشته است، شعر حکمی و اندرزهای او سرشار از نکات قابل تأمل است که حکایت از آگاهی و تجربه و رأی و نظر او نسبت به زندگی دارد. ابیات او نمایانگر ژرف‌اندیشی اوست، چه او بیشتر تابع عقل بود نه احساس و به همین لحاظ شعر او، از نظر معیارهای نقد ادبی، طراز اول به حساب نمی‌آمد.

شاید شرایط سخت زندگی خوارزمی، آشفتگی اوضاع سیاسی، اختلاف طبقاتی، درگیریهای فرقه‌ای و قومی، وی را بر آن داشت که ابیاتی را در شکوه از روزگار، دوستان، غربت، فراق و سراجام پیری بسراید.

خوارزمی به شعر و هنر خود، و نیز به خانواده اش مباراک و تفاخر می‌کرد؛ ولی با این همه غالباً از حد اعتدال خارج نمی‌شد و هرگز به گزافه گویی نمی‌پرداخت.

در مجموع می‌توان خوارزمی را بر اساس معیارها و موازین مکانی و زمانی آن روزگار، شاعری برجسته پنداشت. اما بر اساس معیارها و موازین شعری این روزگار - که شعر هنری والا، و تعبیری از تجربه حسی درونی به صورت الهام است - نمی‌توان او را از بزرگان شعرای عرب دانست، بلکه او نویسنده درخشانی است که سعی داشت شهرت ادبی خود را با سروden شعر به کمال رساند، و

شعر او عاری از آرایه‌های بدیعی در رنگهای گوناگون و اشکال متنوع نیست. زیرا طباق، جناس، مقابله، اقتباس و تضمین در آن بوفور یافت می‌شود.

و خلاصه کلام اینکه خوارزمی در شعر خود همانند نشرش شاعری نیست که از یک عقیده دفاع کند، یا از تجربه و احساس درونی زنده‌ای برخوردار باشد که بتواند آن را بازگوید. شاعری نیست که معانی والا انسانی را در جامعه رواج دهد، و نیز شاعری نیست که فساد و اضطراب، تفرقه و از خود بیگانگی جامعه را اصلاح کند، اوضاع مسلمانان را سامان بخشد، و خطر را گوشزد کند. او نتوانسته است با زبان شعر و نثر رسالت خود را در تفهیم اصول و مفاهیم انسانی ایفا کند. خودمحوری بر تار و پود اندیشه او سایه افکنده و این ویژگی در شعر و نثر او کاملاً نمایان است. البته اگر به دیوان مفقود او دست می‌یافتیم، چه بسا در این داوری تجدید نظر می‌شد.

در تدارک این رساله سعی و اهتمام وافر داشته‌ام که گفته‌های علمی، مستند و بکر باشد. در حد توان تلاش کرده‌ام با استفاده از منابع معتبر و مراجعه به آثار منظوم و منتشر خوارزمی کاملترین و واقعی‌ترین تصویر را با نقد و تحلیل از این شاعر ارائه دهم، به نظر قاصر خود ان شاء الله حق علمی مطلب را ادا کرده باشم.

نیز شاید بتوان گفت که او از بسیاری از نویسندهای معاصرش - که شعر نیز می‌سرودند - در زمینه شعر، پر استعدادتر، و به ساحت آن نزدیکتر بود.

اما در خصوص ویژگیهای فنی شعر خوارزمی باید گفت که او در مضمون از پیشینیان تقليد می‌کرد و سرودهایش اشاراتی به حوادث تاریخی و حکایات قدیمی دارد. و تضمینهای بسیاری از سرودهای ادبیات شعرای دیگر در آن به چشم می‌خورد. شعر خوارزمی در مفهوم و معنی از ابتکار در وصف پیری و شراب، بکار بردن مفاهیم اشعار دیگران در شعر خود، و خود محوری و به خود اندیشه برخوردار است. این شاعر به مسائل عمومی، اجتماعی و اسلامی نمی‌اندیشید، و شعرش فاقد مفاهیم عاطفی و احساسات گرم بود. افزون بر این برخی از ابیاتش به دلیل گزافه گویی نفرت دیگران را بر می‌انگیخت و صور خیال و تشبيهات و استعارات شعر اونیز در سطح بالایی نبود که در ک آن مشکل باشد.

و اما از لحاظ شکل، گرچه به قصاید کاملی از او دست نیافته‌ایم، ولی می‌توان گفت که او گاه در یک قصیده چندین مقصد و غرض را جمع کرده است. زیرا در قصاید او جمع بین مدح وهجا، مدح و وصف، مدح و رثا، غزل و وصف به چشم می‌خورد. بیشترین الفاظی را که به کار برده آسان و بی تکلف است. در عین حال از الفاظ مستهجن و رکیک، اصطلاحات علمی و فنی، و واژگان غیر عربی و معرف نیز استفاده کرده است.

۵۰

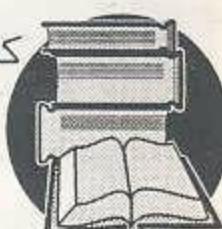
بحثٌ في النقد التراخي

بيان
الأستاذ ميلاد ساجي
رسالة دكتوراه في الدراسات الإنسانية، جامعة
القاهرة، القاهرة، مصر، ٢٠٠٣



بحثٌ في النقد التراخي
هلال ناجي
بيروت: دار الغرب الإسلامي
الطبعة الأولى، ١٩٩٤ م
٢٩٠ ص.

كتابخانه
متون



كتاب با مقدمه‌ای پیرامون نظریات و رویکردهای موجود

در باب نقد میراث ادبی مخطوط آغاز می‌شود.

بیشترین فصلهای کتاب به نقد متون و کتب ادبی عربی که به کوشش برخی از محققان معاصر جهان عرب تصحیح شده، اختصاص دارد. کتابهایی چون: الحارثی حیاته و شعره، حلية المحاضرة، المحبوب، تحفة الوزراء، المخطوطات العربية.

در لابلای مباحث کتاب نیز فصلهایی نظری: کاربرد میراث ادبی کهن در تطوير شعر معاصر، اوهام ابن فارس، راههای نشر میراث ادبی و ادبیات اندلس نیز به چشم می‌خورد.

آذینه

سال اول • شماره اول



گلگشته در دیوان غالب دهلوی

دکتر محمدحسن حائری

داشت، همان سان که در شبہ قاره هند و پاکستان سخن شعر فارسی از لونی دیگر است.

در اوآخر قرن دوازدهم، شاعرانی چون نشاط و صبا و سروش و هاتف و آذر و مشتاق با عنوان بازگشت ادبی از سبک هندی گستیند و به شیوه های عراقی و خراسانی پیوستند. ولی این رویداد ادبی در هند گونه ای دیگر داشت. بدان سان که سخن سنجهانی چون واقف لاھوری، قمرالدین منت، سراج الدین آرزو، درد دهلوی، میر وقتیل و انشاء و مؤمن و شیفت، بیان خویش را به شیوه های شاعری امیر خسرو و سعدی گرایش دادند، در حالی که نتوانستند سبک هندی را بدرود گویند. و چه بسیار شاعران دیگری که بر این صورت و معنی شعر گفتند، و در عین توجه به بازگشت ادبی ایران، گستین از سبک هندی را نپسندیدند که سرآمد آنان میرزا اسدالله خان غالب دهلوی است.

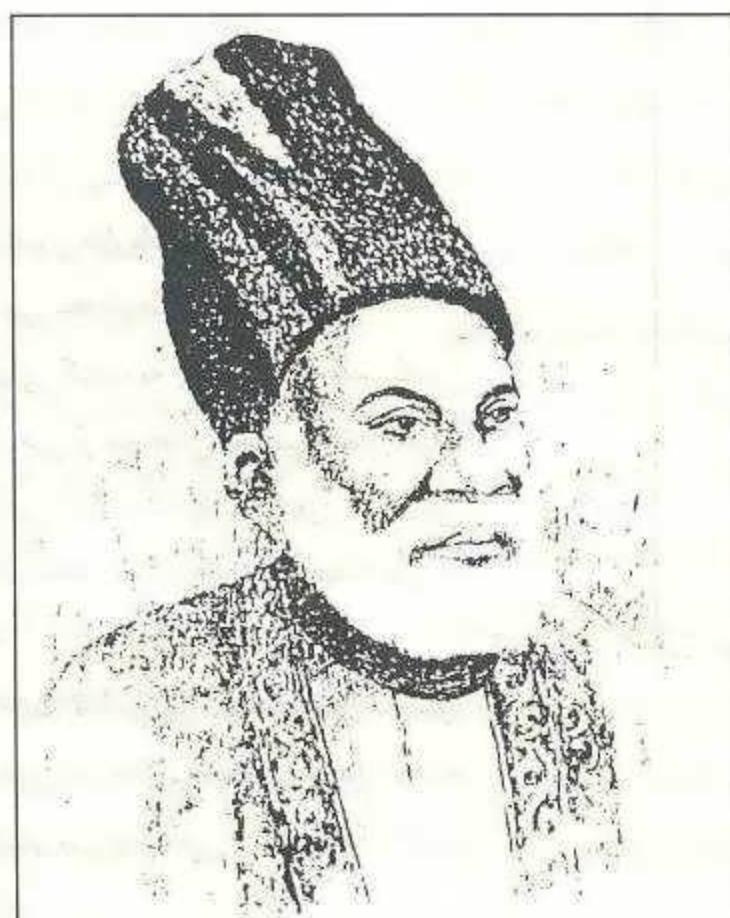
وی که بزرگ سخنور شبہ قاره هند و پاکستان است در فارسی واردو او تک سوار میدان ادب آن سامان شناخته می شود. او در شیوه های رنگارنگ، طرح انگیخته و نقش طبع وی در هر دو زبان جلوه ها نموده است. با این همه خود بر این باور است که: فارسی بین تابیینی نقشه های رنگ رنگ بگذر از مجموعه اردو که بیرنگ منست فارسی بین تابданی کاندر اقلیم خیال مانی و ارزش نگم و آن نسخه ارتنگ منست غالب در غالب انواع سخن بر همگنان خویش غالب گشته است. کلام وی سرشار از موسیقی است و برای این مهم بحره ای مترئم را به خدمت

هند را ند سخن پیشہ گمنامی هست

و اندرين دیر کهن میکده آشامی هست روش سخنوری شاعران پارسیگوی شبہ قاره هند و پاکستان تا قبل از قرن دهم هجری ادامه شیوه های رایج سبک خراسانی و عراقی بود و تقلید ایشان از شاعران بزرگ این دو سبک رواجی چشمگیر داشت.

در قرن دهم هجری که شعر فارسی جستجوگر راهی تازه و طرزی نوشده بود، هند را جایگاه رشد و شکوفایی خویش یافت و در دربارهای سیاسی هند به حاکمیت ادبی نشست. از آن زمان به بعد راه و رسم مردم آن دیار و آداب و رسوم آن سامان و فرهنگ آن سرزمین، حنای شعر فارسی را رنگین ساخت و جامه شهرت شاعران ایرانی را شعله رعنایی بخشید.

این شیوه راهی تازه و بدیع در بیان تشبیهات و استعارات ایجاد کرد، و این همان روشی بود که موشکافیهای هنری را در باریک اندیشه و ابهام و مضمون یابی و ایهام و ایجاز و حُسن تعلیل دیده بود، و می خواست که با استفاده از لذت حل معمماً دست خیال را در گردن عاطفه بیفکند و سر زلف سخن را به قلم شانه زند و از رخ اندیشه به سرانگشت احساس نقاب گشاید و جمال وی را نمایان سازد. بی گمان اگر طرز سخن گسترانی چون صائب و کلیم و عرفی و نظیری و طالب به یاری همگنانشان ادامه می یافت و طرفداران اندیشه های کهن، شعر فارسی را به بازگشت و انمی داشتند، شیوه های سخنوری امروز رنگی دیگر و رویی دیگر



در نظم اردو؛ دیوان اردو، قادر نامه، بیاض غالب و...
در نشر اردو؛ عود هندی، اردوی معلی، مکاتیب، نادر خطوط
غالب و....

در کلیات فارسی غالب ۳۳۴ غزل، ۱۲ مثنوی، ۱۱۶
قطعه، ۷۰ قصیده، ۱۰۶ رباعی و دو ترکیب بند و یک ترجیع بند
جای یافته است.

سبد چین در بر دارنده قصیده، قطعه، رباعی و چند غزل
است. و سبد باغ دودر شامل اشعار سبد چین به انضمام چند
چامه دیگر و بخشی از نشرهای وی است که در کلیات نثرش نیامده
است.

دعاء الصباح ترجمة منظوم دعاء الصباح عربی منسوب به
حضرت علی (ع) است.

کلیات نثر فارسی غالب پنج آهنگ، مهر نیمروز و
دستبنو است. پنج آهنگ مربوط به زبان و خط فارسی و مهر نیمروز
در زمینه تاریخ و دستبنو درباره وقایع زمان شاعر است.

قاطع برهان، نقد و بررسی انتقادی برهان قاطع و درفش
کاویانی درباب فرهنگ نویسی است. و مأثر غالب شامل ۳۲ نامه
فارسی وی است که به دوستانش نوشته است.

درباره غزلهای غالب این نکته گفتنی است که بلندترین غزل
او از نظر تعداد ابیات بیست و کوتاهترین آن شش بیت است و حد
متوسط ابیات غزلهای او در حالت متعارف ده بیت می باشد.
اصطلاحات عرفانی و آرایه های غنایی صوفیانه نه تنها

گرفته است. بویی از تصوّف و عرفان از احساسات شاعرانه او به
مشام می رسد و رنگی از حیرت در اندیشه های فلسفی و پرسش های
عارفانه اش به چشم می خورد.

اقبال لاهوری ضمن ستایش از هنر شاعری و اندیشه های
فلسفی غالب او را همسنگ گوته شاعر آلمانی تصویر کرده و با وی
قابل سنجش دانسته است.

تأثیر غالب از شاعرانی چون نظیری نیشابوری، ظهوری
ترشیزی، صائب تبریزی، عرفی شیرازی، حزین لاھیجی، حافظ
شیرازی، و مولوی و... نشانگر وابستگی اندیشه وی به سرزمین
ایران و فرهنگ و ادب این سامان است. همچنین است تأثیری که
وی از اساطیر ایرانی یافته و آثارش را بدان رنگ و روی داده است.
میرزا اسدالله بیگ خان غالب دهلوی در روز چهارشنبه ۲۷
دسامبر سال ۱۷۹۷ میلادی برابر با ۸ ربیع سال ۱۲۱۲ هجری
در شهر آگرہ دیده به جهان گشود.

وی از سن ده سالگی آثار موزونی طبع یافت و از آن زمان به
هر دو زبان فارسی و اردو شعر سرود. و پس از آن ۶۳ سال از عمر
پر برکت خویش را در خدمت زبان و ادب سپری ساخت و آثاری
بدینسان در ادب فارسی و اردو بجا نهاد:
در نظم فارسی؛ کلیات غالب (میخانه آرزو)، سبد چین، سبد
باغ دو در، دعاء الصباح، رساله فن بانگ و ...
در نثر فارسی؛ کلیات فارسی، قاطع برهان، درفش کاویانی،
مأثر غالب و....

عبارات و اصطلاحات رایج نزد فارسی
زبانان شبه قاره که برای دیگر فارسی
زبان ناماؤوس می نماید.

۲. پیوستها مشتمل بر: بسامد نام شاعران
در غزلیات غالب. کاربرد نقش، طرح،
رنگ و آینه در غزلیات غالب.
۳. برابری نسخه ها مشتمل بر تفاوت نظم
و ترتیب غزلها بر حسب شماره صفحات
در پنج نسخه مورد نظر.

هر چند دیوانی را که دفتر دردست
انتشار دارد از نظر حجمی تنها غزلیات و
رباعیات را در بر می گیرد، لیکن ویژگیهای یاد
شده و آشنایی کامل مصحح محترم با زبان و
شعر شاعر افزون بر والا بی و رجحان غزل و
رباعی در میان دیگر انواع شعری سروده های
غالب مشوق ما در چاپ و انتشار آن می باشد.

مختلف شعر فارسی از آغاز تا دوره شاعر (دوره
بازگشت) پرداخته است.

■ استفاده مصحح از پنج نسخه مطبوع
در تصحیح دیوان غالب و بذل دقت و وسوسات
علمی در ویرایش و تنظیم دقیق فهرست
غزلیات با رعایت ترتیب حروف الفبا ای در
قافیه و ردیف هر غزل. لازم به تذکر است که
در چاپ انتشارات روزنه تنها دو نسخه چاپی
مورد استفاده قرار گرفته است.

■ انضمام تعلیقات مفید و فنی در
انتهای کتاب مشتمل بر:

۱. گزارش برخی واژه ها، نامها و نشانها که
توجه و عنایت به این بخش ضروری
بوده و به درک و فهم سروده های غالب
کمک شایان می کند. بویژه آشنایی با
مفهوم و منظور تعداد قابل توجهی از

درباره چاپ دیوان غالب دهلوی
تذکر این نکته ضروری است که
مراحل حروفچینی و آماده سازی دیوان در این
دفتر انجام یافته و به مرحله لیتوگرافی رسیده
بود که دیوان غالب دهلوی چاپ انتشارات
روزنه به بازار آمد. از این رو دفتر کار چاپ
دیوان را متوقف کرد، لیکن در بررسی که
صورت گرفت، دیوان غالب تصحیح آقای دکتر
محمد حسن حائری که این دفتر از چاپ آن
منصرف شده بود از مزايا و ویژگیهای علمی و
فنی برخوردار بود که مایه رغبت و میل مجدد
دفتر در نشر این دیوان گردید. این ویژگیها
عبارتند از:

■ برخورداری از پیشگفتاری عالمانه و
محققانه که به بررسی دقیق سیر تحويل شعر
فارسی، ظهور و زوال و رواج و کساد سبکهای



دیوان

غالب دهلوی

شاعر غزلیات و رباعیات فارسی

سردهنای: میرزا اسدالله خان گلستانی

تذکرہ تحریر: دکتر محمد حسن خارزی

غزلهای غالب رارنگ و بوی داده
که قصیده‌ها و مثنویهای وی را
نیز آراسته و راهی در این وادی
بر وی گشوده است.

اسدالله خان غالب از
شیعیان عاشق و سرسپردگان
صادق اسدالله الغالب، علی بن
ابیطالب (ع) است و تخلص

«غالب» را برای خود بدان
مناسبت برگزیده بود که وی نیز

اسدالله غالب خطاب شود و با علی بن ابیطالب (ع) در این شیوه
همنامی کرده باشد.

غالب در مقدمه‌ای که بر کلیات خویش نگاشته دلیل والای
سخن خویش را کهنگی صهباً سخن در روزگار خویش دیده و
نازک اندیشان را به سومنات خیال خواهانده و گفته است:

نازههای
نشر

۹. سفرنامه اصفهان و کاشان و قم و طهران؛ میرزا صالح

شیرازی

۱۰. دیوان علی نقی کمره‌ای؛ دکتر ابوالقاسم سری

۱۱. مونس الابرار در رد صوفیان؛ ملا محمد طاهر قمی

۱۲. اشعریان قم؛ محمد علی معلم جیب آبادی

۱۳. فهرست صدوچهار نسخه خطی؛ علی صدرایی خویی

۱۴. سفرنامه عتبات؛ امین الشرع خویی

۱۵. پنج رساله اعتقادی؛ محمدرضا انصاری

۱۶. زندگینامه دوازده امام در المقصد الأقصی فی ترجمة
المستیقی؛ کمال الدین حسینی خوارزمی

۱۷. نصرة الناظرین و نزهۃ الباقرین؛ سید اسماعیل تنکابنی

۱۸. هفتاد و سه نسخه با ارزش در کتابخانه وزیری یزد؛

حسینی مسروت

۱۹. سفرنامه کربلای معلی؛ علی نائینی

۲۰. راههای سیستان؛ منصور صفت گل

۲۱. اللمعة التاریخیة فی بیوتات کربلاء و الغاضریة؛ محمد علی
القصیر الحائری

۲۲. شرح حال میرزا محمد حسن زنوی و معاصران وی؛ از

مؤلفی ناشناخته

میراث اسلامی ایران

به کوشش رسول جعفریان - قم: کتابخانه بزرگ آیة الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۷ ش - ۱۴۱۹ ق. دفتر هفتم، ۸۸۰ ص.

هفتین دفتر از مجموعه ارزشمند میراث اسلامی ایران زیر
نظر محقق گرانقدر حجت الاسلام رسول جعفریان و به کوشش
جمعی از محققان در اوائل سال جاری منتشر شد.
این مجموعه شامل ۲۲ رساله فارسی و عربی به شرح ذیل
است:

۱. رساله در رد بر جماعت صوفیان؛ علی قلی جدید الاسلام

۲. زرنديه (دادستان نظارت مأمورین شیره تریاک در زرند
کرمان در قالب طنز به شیوه موش و گربه عبید زاکانی)

۳. احوال میرزا حسین سبزواری؛ به قلم خودش

۴. رساله فی بیان حکم شرب التن و القهوه؛ محمد بن الحسن الحرس العاملی

۵. رساله در اخلاق؛ از مؤلفی ناشناخته

۶. اجازة الحاج محمد زمان الاصفهانی

۷. اشعار نصرت رازی، شهاب سمنانی و حمزه کوچک
ورامینی همراه با رساله منثور امامیه۸. حالات و اخبار دارالعلم شیراز و سفر به اصفهان؛ میرزا
جان شیرازی



تأملی در قاموس البحرين

احمد عابدی

- در موارد مذکور را ناتمام می‌داند.
۴. در صفحه ۷۴ آمده است: مشابهات دو چیز در جنس را «مجانست»، و در نوع را «مماثلت» و در کیف را «مشابهت» و در کم را «مساوات» گویند؛ و نیز مشابهت دو چیز در اضافه را «مناسبت» و در خاصه را «مشاکلت» و در اطراف را «مطابقت» و در وضع اجزارا «موازات» گویند.
۵. با آنکه حواس ظاهری پنج قسم است، ولی شرع مقدس فقط «سمع» و «بصر» را به خدای متعال نسبت داده است. و در کتابهای فلسفی معمولاً این دو حس را - وقتی به خداوند نسبت داده شوند - به معنای علم به مسمومات و مبصرات می‌دانند. در صفحه ۱۷۶ و ۲۰۰ نیز همین تفسیر آمده است. اما در صفحه ۱۱۱ گوید: چون در لمس و ذوق و شم، ملاقات «حس» با «محسوس» لازم است، این سه حس را نمی‌توان به خدا نسبت داد، اما در سمع و بصر چون «ملاقات» لازم و ضروری نیست، می‌توان آنها را به خدای متعال نسبت داد.
۶. مؤلف کتاب در اکثر بحثهای مورد اختلاف بین فلاسفه و متکلمان، به بیان وجه جمع میان نظریات مختلف و توجیه آنها پرداخته است و تلاش می‌کند در اینگونه بحثها اختلافات را حل کرده یا نزاع را لفظی بداند. مثلاً در صفحه ۶۰ در بحث جواز یا امتناع اعاده معدوم، و در صفحه ۵۸ در اثبات یا انکار وجود ذهنی، و نیز در صفحه ۵۶ بحث اشتراک لفظی یا معنوی وجود و اینکه وجود به معنای «کون» یا «ذات» به کار رفته است، و نیز در صفحه ۱۴۲ در تعریف قدرت از نظر متکلمین و فلاسفه، و... به مصالحه بین اقوال پرداخته است.
۷. موضوعاتی همچون: امکان رویت خدا، کلام لفظی و



این کتاب یکی از متون دقیق کلامی به زبان فارسی است. مؤلف سنتی مذهب آن، در اوایل قرن نهم می‌زیسته است و متأسفانه شرح حال و تاریخچه روشنی از زندگانی او در دست نیست. عبارتهای کتاب، متأثر از کتابهای فخر رازی است و مکرراً با تصريح یا اشاره سخنان رازی را نقل کرده و معمولاً آنها را می‌پذیرد.

علت نامگذاری کتاب به قاموس البحرين آن است که اکثر مطالب این کتاب از کتاب معالم و صحایف گرفته شده است - همان گونه که در مقدمه، ص ۳۲ آمده است - به همین

لحاظ، لازم بود مصحح کتاب، در مقدمه، توضیحی درباره این دو کتاب و مقدار تأثر مؤلف از آنان، بیان می‌کرد و در ضمن مباحث کتاب نیز به آن دو کتاب ارجاع می‌داد؛ حال آنکه به این موضوع پرداخته نشده است.

برخی از ویژگیهای مهم و قابل توجه این کتاب:

۱. در صفحه ۱۸۴ و ۱۸۵، بحثی مفید درباره مسیحیت مطرح شده و لقب «ابن» برای حضرت عیسی (ع) را عنوان کرده و می‌نویسد: این لقب احتمالاً یک لقب تشریفی بوده است؛ همان طور که احتمال دارد از قبیل: «ابن السبیل» باشد، و مقصود این است که آن حضرت دائمًا متوجه خدا و به یاد او بوده است.

۲. در صفحه ۲۱۲ گوید: جمله «لفظ قرآن» یا «نظم قرآن» جمله‌های دقیق و مناسبی نیستند؛ زیرا «لفظ» به معنای دورانداختن است و «نظم» به معنای شعر. بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین جمله درباره کلمات قرآن مجید «عبارت قرآن» است.

۳. در صفحه ۱۱۳، پس از ذکر حواس باطنی (حس مشترک، خیال، وهم، حافظه، متصرّفه)، ادلۀ انحصر حواس آدمی

حیات، و حیات نور مردم است و نور تایید در ظلمت و ظلمت نیافت نور را. انسانی فرستاده شد از جانب خدا که نام او یوحنا بود، آمد به جهت گواهی دادن برای نور تا ایمان آورند همه مردم به نور؛ و یوحنا نبود نور، بلکه آمد تا گواهی دهد برای نور، نور حقیقی کسی است که روشنی دهد هر کسی را که آید به عالم، در عالم بود و عالم از او پیدا شد، عالم اور انشناختند، آمد به جانب مخصوصان خود و او را قبول نکردند؛ و داد به جماعتی که او را قبول کردند سلطنتی بر آن که پسران خدا شوند و ایمان آورند به نام او، و نمودند ایشان از خون و نه از گوشت و نه از خواهش مردی، لیکن از خدا زاییده شدند، و کلمه بدن شد و فرود آمد در میان ما و دیدیم بزرگواری اور امانت بزرگواری فرزند یگانه که از پدر به وجود آید و پر باشد از نعمت و راستی؛ یوحنا گواهی داد برای او و فریاد کرد و گفت: این است که گفتم که بعد از من می آید و بیش از من است زیرا که از من قدیمتر است و از پری او ما همگی گرفتیم و نعمتی به عوض نعمتی، زیرا که دین و کتاب به موسی داده شد و نعمت و راستی برای یسوع مسیح لازم شد.

انجیل یوحنا

باب اول

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود، همان در ابتدا نزد خدا بود، همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت، در او حیات بود و حیات نور انسان بود، و نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را در نیافت، شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی بود، او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند، او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد، آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می گرداند و در جهان آمدنی بود، او در جهان بود و جهان به واسطه او آفریده شد و جهان اور انشناخت، به نزد خاصان خود آمد و خاصانش اوران پذیرفتند، و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتدند، و کلمه جسم گردید و میان ماساکن شد پر از فیض و راستی و جلال اور ادیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر، و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده می گفت: این است آنکه درباره او گفتم آنکه بعد از من می آید پیش از من شده است. زیرا که بر من مقدم بود، و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد اما

رفته در این ترجمه اشاره کرده‌اند، از جمله: «گوشتمند» در برابر جسد، پیکر، جسم؛ «جان پاک» در برابر روح القدس؛ «خواندگان» در برابر مدعیین؛ «در کاویدن» در برابر مباحثه کردن و «شورنده» در برابر تعیید دهنده.^۴

در میان شاهان ایران، ظاهرآشاہ عباس یکم نخستین پادشاهی است که با کتاب مقدس ارتباط مستقیم داشته است. تا پیش از زمان شاه عباس، روابط ایران با جهان خارج از نظر اقتصادی و فرهنگی و سیاسی به شدت و قوت ارتباط زمان او نبوده است. در پرتو همین ارتباط بود که شاه با کتاب مقدس آشنا شد و فرمان ترجمه آن را به فارسی داد. مردی که این وظیفه را بر عهده گرفت، جان تادئوس رئیس مبلغان کرمی در ایران و پس از آن اسقف ایشان در اصفهان بود. نسخه این کتاب ترجمه در کتابخانه آکسفورد هست.⁵

ترجمه انجیل اربعه، ترجمه‌ای است از «عهد جدید» که در زمان شاه سلطان حسین صفوی صورت گرفته است. آقای جعفریان که این کتاب به همت ایشان منتشر شده است در مقدمه‌ای نزدیک به ۷۰ صفحه درباره ادبیات ضد مسیحی در دوره صفوی، شاه عباس و فعالیتهای مذهبی مسیحیان، ادبیات ضد مسیحی در دوره شاه سلطان حسین و مطالبی دیگر در این زمینه بتفصیل توضیح داده‌اند.

مترجم این اثر علاوه بر نسخه‌های متعدد از ترجمه‌های عربی با کمک کشیشانی که در اصفهان بوده‌اند از منتهای لاتین و عبری کتاب مقدس نیز بهره برده است. همچنین در پایان کتاب تعلیقاتی درباره انجیل‌ها آورده است.

در پایان، ابتدا بخشی از این ترجمه و سپس بخشی از ترجمه دوران معاصر را نقل کرده‌ایم تا برای خوانندگان امکان مقایسه‌ای میان این دو فراهم آید.

انجیل یوحنا

به نام پدر و پسر و روح پاک خدای یگانه انجیلی که تألیف نموده آن را پاکی که بزرگ و شاگرد و رسول است؛ یعنی یوحنا پسر زبدی دوست پروردگار ما یسوع مسیحی

فصل اول [باب اول]

در ابتدا بود کلمه، و کلمه بود نزد خدا، و خدا همان کلمه است، این بود همیشه نزد خدا، همه چیز از آن پیدا شده و از غیر آن پیدا نشده چیزی از آنچه پیدا شده؛ و به سبب آن یافت شد

از من شده است که من لایق آن نیستم که بند نعلینش را باز کنم، و این در بیت عَبَرَه که آن طرف اردن است در جایی که یحیی تعمید می‌داد واقع گشت، و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می‌آید پس گفت: اینک برَه خدا که گناه جهان را برمی‌دارد.

جهان کتاب، سال سوم، شماره سوم و چهارم، (بهمن ۱۳۷۶)

پانوشت:

- ۱- یوجین آ. نایدا، اصول و روش ترجمه، ترجمه فریدون بدره‌ای، الفبا، ج ۳، «تهران، امیرکبیر، بی‌تا»، صص ۳۸ و ۳۹.
- ۲- والتر. فیشل، ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل، ترجمه احمد آرام، راهنمای کتاب، س ۲، ش ۵، (اسفند ۱۲۳۸)، ص ۶۷۵.
- ۳- ایرج افشار، ترجمه هفت‌صد ساله انجیل‌های چهار گانه، یغما، س ۴، ص ۵۰۴.
- ۴- همان.
- ۵- فیشل، ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل، ترجمه احمد آرام (قسمت دوم)، راهنمای کتاب، س ۳، ش ۱، (اردیبهشت ۱۳۳۹)، صص ۲۱-۲۳.

فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید، خدا را هرگز کسی ندیده است پس ریگانه‌ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد، و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان و لاویان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی، که معرف شد و انکار ننمود بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم، آنگاه از او سؤال کردند پس چه؟ آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که نی، آنگاه بدو گفتند: پس کیستی تابه آن کسانی که ما را فرستادند جواب ببریم؟ درباره خود چه می‌گویی؟، گفت: من صدای ندا کننده در بیابانم که راه خداوند را راست کنید چنان که اشعیاء نبی گفت، و فرستادن از فریسیان بودند، پس از او سؤال کرده گفتند اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی نیستی پس برای چه تعمید می‌دهی؟، یحیی در جواب ایشان گفت من به آب تعمید می‌دهم و در میان شما کسی ایستاده است که شما اورانمی شناسید، و او آن است که بعد از من می‌آید اما پیش

کتابخانه
متون



مجموعه نسخه‌های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان

زیرنظر سیمیونوف آ.

مترجم عارف رمضان

تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵
۳۵۴ ص.

مجموعه نسخ خطی مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان به نام ابوریحان بیرونی از لحاظ علمی و تعداد نسخ یکی از غنی‌ترین و مشهورترین مخازن نسخ خطی شرقی محسوب می‌گردد. آثار ابونصر فارابی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، یوسف حاجب، علامه زمخشی، فردوسی، نظامی، سعدی، امیر خسرو دهلوی، الغ‌بیک، عبدالرحمن جامی، علی‌شیرنوازی و غیره جزو شاهکارهای ادب دنیا بوده و با

عظمت اولیه خود قرون مت마다 را پشت سر گذاشته تا به امروز رسیده و موجب وجود و شعف ما شده است.

این فهرست حاوی معرفی بسیار اجمالی نسخه‌های فارسی فهرستهای ۶ جلدی این مجموعه است.



فهرست نسخه‌های فارسی موجود در کتابخانه عمومی دولتی سالتیکوف - شدرین

به اهتمام: کاستیکووا، گ. ی

مترجم: عارف رمضان

تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵
۱۹۹ ص.

نسخ خطی کتابخانه عمومی سالتیکوف - شدرین سن پترزبورگ یکی از مخازن غنی جهان محسوب می‌شود. نسخ خطی این کتابخانه را می‌توان با نسخه‌های خطی مؤسسه شرق‌شناسی سن پترزبورگ، مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، کتابخانه بریتانی در لندن و کتابخانه ملی پاریس در یک ردیف قرار داد.

این فهرست شامل معرفی بسیار اجمالی ۱۳۶۹ نسخه در کلیه رشته‌های علوم اسلامی می‌باشد که در لابلای آنها نسخه‌های منحصر به فرد و اهدایی مؤلفان نیز به چشم می‌خورد.





برگزیده آثار بیرونی

سنگ فیروزه چگونه زندگی می کند؟

مردم به سنگ فیروزه توجهی ندارند و ارزشی برای آن قائل نیستند. زیرا متعاقب درخشندگی و تیرگی آسمان و نیز بر اثر باد زود تغییر رنگ می دهد. بعلاوه عطایات از اثر آن می کاهند. آب گرمایه به جلای آن لطمه وارد می آورد و روغن طبی یا مرهم آن را کاملاً کدر می سازد. به همین جهت آن را جزو سنگهای قیمتی نمی شمرند. مردم گمان می برند که فیروزه از «گلی که به سنگ مبدل گشته است» بوجود می آید. فیروزه را با چربی و دنبه گوسفند جلا و صیقل می دهند. از این رو این سنگ در دستهای یک قصاب و بویژه در دست کسی که پوست کشtar را با دست خود گرفته و آن را سلخ می کند، درخشندگی خاصی دارد.

[الجمahir fi al-jawahir، ص ۲۷۸]



آهن ربا: دامی برای کشتی‌ها، فواید و مزایای آن



تصویر بالا که غرق شدن یک کشتی را در نزدیکی یک صخره مغناطیسی نشان می دهد از آثار مربوط به قرن پانزدهم میلادی است و از «هورتوس سانیاتیس» که به سال ۱۴۹۱ در ماینز آلمان منتشر گشت استخراج شده است.

دریانوردی می کنند به وسیله میخ‌های آهنی به یکدیگر متصل شده‌اند.

علت اینکه در کشتی‌های نوع اول میخ وجود ندارد آن است که در دریایی اخضر صخره‌های آهن ربا هست که زیر آب پنهان شده‌اند و این صخره‌ها برای کشتی‌هایی که با میخ‌های آهنی ساخته شده‌اند خطر بزرگی را بوجود می آورند. ولی این توجیه و تفسیر درست نیست. زیرا کشتی‌هایی که از دریای اخضر می گذرند نمی توانند از لنگر صرف نظر کنند و بار آنها همیشه وسایل آهنی و به ویژه تیغه‌های آهنی مربوط به سلاح‌های هندی است.

[الجمahir fi al-jawahir، ص ۳۴۶-۳۴۸]

سنگ آهن ربا مانند کهربا خاصیت جذب کنندگی دارد ولی وقتی می خواهد یک تیغه فلزی را از زخمی، نوک نیشتری را از رگی یا یک حلقه آهنی را که بلعیده شده از معده بیرون بیاورند خدمت بزرگی به انسان می کند. به عقیده دیوسکورید بهترین سنگ آهن ربا به رنگ سنگ لا جورد است. وقتی آنرا می سوزانند به شکل سنگ هماتیت (معنی تحت اللفظی آن سنگ خون است) در می آید. ولی ما این سنگ را هرگز ندیده ایم و هیچکس آنرا برای ما توصیف نکرده است. در کتابی که نویسنده آن معلوم نیست گفته شده است که بهترین آهن ربا رنگ سیاه مایل به سرخ است و پس از آن آهن ربا بی قرار دارد که رنگ آن سرخ فام است.

بعضی مردم می گویند مرغوب‌ترین سنگ‌های آهن ربا، در ناحیه زابتارا که در مرزهای امپراتوری روم شرقی واقع است، فراوانتر از هر ناحیه دیگری در دنیا یافت می شود. هم چنین می گویند که برای ساختن کشتی‌هایی که باید از دریای اخضر بگذرند ابتدا در تخته‌های بدنه کشتی سوراخهایی ایجاد می کنند و سپس این تخته‌هارا به کمک الیاف درخت خرما بهم می پیونندند و حال آنکه تخته‌های بدنه کشتی‌هایی که در آبهای مدیترانه

صیادان مروارید

در ازای لوله با ژرفای آبی که صیاد ناگزیر است در آن فرو رود، باید مطابقت داشته باشد. انتهای فوقانی لوله باید به ظرف بزرگی وصل گردد که در ته آن سوراخی برای این منظور ایجاد شده است. به این ظرف یک یا چند مشک پراز هوا وصل می‌کنند تا روى آب شناور گردد. هوا یی که صیاد تنفس می‌کند از داخل لوله می‌گذرد. غواص به کمک این دستگاه قادر است تا زمانی که می‌خواهد در زیر آب بماند.

[الجماهر فی الجواهر، ص ۲۵۰]

در قسمت بالای شکم خود روی دندنهای محکم می‌بندد و سپس در آب فرو می‌رود و هوا یی را که در داخل آن هست تنفس می‌کند. وزنۀ سنگین هم لازم است تا غواص را با دستگاه ذخیره هوا زیر آب به سوی پایین بکشد و او را در قعر دریا نگهدارد. برای اینکه بتوان از این دستگاه به آسانی استفاده کرد، باید یک لوله چرمی که شکل آستین پیراهن داشته باشد و درزهای آن به وسیله موم و قیر کاملاً بسته شده باشد، به قسمت بالای آن متصل کرد.

کسی از اهالی بغداد به من خبر داد که غواصان وسیله‌ای کشف کرده‌اند که به آنان امکان می‌دهد تا بر رنج و نارحتی ناشی از فقدان هوای قابل تنفس در زیر آب فایق آیند. بنابر این آنان قادرند که از بامداد تا حوالی غروب آفتاب هر قدر که می‌خواهند در آب فرو روند. وسیله‌ای که غواصان کشف کرده‌اند عبارت از یک دستگاه چرمی است که غواص آن را از سر خود می‌گذراند. این دستگاه تا پایین سینه بدن او را می‌پوشاند. غواص این دستگاه را

عقاب، پرنده‌ای که قطعات الماس را جمع آوری می‌کند



بیرونی داستان عقابی را که الماس جمع آوری می‌کند در آثار خود شرح داده است. در خاور زمین راجع به عقابی که سنگهای قیمتی را گرد می‌آورد، افسانه‌های دیگری نیز شایع بود. کتاب هزار و یک شب بسیاری از این افسانه‌ها را در بر دارد. مطالعه این کتاب در باختر زمین سبب شد که نقاشان اروپایی تصاویری مثل تصویر بالا بوجود آورند. این تصویر از «هورتوس سانیتاپیس» که به سال ۱۴۹۱ در ماینر آلمان منتشر شده است خراج گردیده است.

در باره معادن الماس و طرز بدست آوردن این سنگ گرانبهای داستان‌های دور از حقیقت و شگفت انگیز فراوانی نقل کرده‌اند. مثلاً می‌گویند که الماس سنگ عقاب نامیده می‌شود. برای اینکه منشأ این وجه تسمیه روشن گردد گفته می‌شود که جویندگان الماس آشیانه عقاب را که جوجه‌های این پرنده در پناه آن جای گرفته‌اند با شیشه می‌پوشانند. عقاب بچه‌های خود را می‌بیند ولی چون نمی‌تواند نزد آنها بیاید از این رو می‌رود و به جستجوی الماس می‌پردازد و آنها را روی شیشه می‌گذارد. پس از آنکه عقاب تعداد زیادی الماس می‌آورد و روی شیشه می‌گذارد، جویندگان الماس آنها را تصاحب می‌کنند و سپس شیشه را از روی آشیانه عقاب بر می‌دارند و بدینسان به پرنده می‌فهمانند که او در سایه الماسهایی که آورده، موفق گردیده است که بچه‌های خود را باز یابد. بعد شیشه را مجدداً روی آشیانه می‌گذارند و عقاب دوباره به جستجوی الماس‌های دیگری می‌رود.

[الجماهر فی الجواهر، ص ۱۸۲]

تمام مطالب این بخش، برگرفته از کتاب ابو ریحان بیرونی پدر داروسازی، گرد آوری علی اکبر مهدی پور است.



هزار صندوق مگس کوه گیلو

به عطا طاهری و یعقوب غفاری
دو دانشمند کوه گیلویی

که به حکمت آفریدگار همه به استان آبدار و ناوک آتشبار از ما در فطرت در وجود آمده اند. کوکبه ایشان چون موکب سلیمان در میدان هوا، جولان کردی، حشمی نامدار و حشری فرمانبردار تابع امر و نهی و مشرف به الهام و وحی در سکون مسالک «فاسلکی سبل ریک ذللاً» هریک مخصوص به هدایتی و در باب شیرین کاری آیتی. هر فردی از افراد مشتمل بر امور متضاد از نوش و نیش، و مرهم و ریش، و داء و دواء، و رنج و شفا. فوئات ایشان زهاب چشمۀ «وانهار من عسل مصقی» مدتی است تابو اسطه هجوم یا و گیان آفات سماوی از مفرد خانه های [ی] ارضی جلا کرده «کأنهم جراد منتشر» در اطراف متفرق گشته اند.

شعر

دخل الزمان عليهم فتبددوا و تستتو و تفرقوا أيدى سبا
و محرر دار و خانة «ويخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء
للناس» که به حقیقت دار الشفاء عموم خلائق بود معطل گذاشته، بنا بر
فرط اتحاد اعلام رفت اگر نواب نامدار اشارت فرمایند و یک هزار صندوق
مگسها [ی] گزیده «کاندرین ملک چو طاوس نگارند مگس» از نحلات
کوه گیلو روانه گردانند به سوابق الطاف ملحق و مضاف گردد. و السلام
علی جنابه العالی.

* * *

توضیحی دیگر اینکه در صفوۀ الصفای ابن بزاز تفصیلی درباره «نحل» دارد که به دنبال متن مذکور در فوق به یکبار خواندن ارزش دارد.

ایرج افشار، [مجلة كلک، شماره ۷۶ - ۷۹]

۵۵

در خور ذکر است که گزیده هایی از بیاض تحت عنوان نخب بیاض به گزینش و تصحیح آقای جویا جهانبخش در عدد آثار این دفتر قرار گرفته و در آینده به زیور طبع آراسته خواهد شد.

در بیاض تاج الدین احمدوزیر مورخ ۷۸۲ که از پرمطلب ترین سفینه های قدماست و فوایدی در بر دارد که هر یک منحصر به همان جاست، چند نامه و شعر آمده است که نام منشی و نویسنده آنها به علت افتادگی و درهمی اوراق بیاض مکتوم است. ولی آنقدر که مشخص است این است که نویسنده آن نامه ها در زمان کتابت آن مجموعه در گذشته بوده است. به همین مناسبت به دنبال چند نامه ای که از او نقل شده جمله «عليه الرحمة» به تحریر درآمده است.

این چند نامه و شعرها که در صفحات ۸۸۱ تا ۸۹۲ نسخه چاپی بیاض (اصفهان ۱۳۵۳) درج شده ممکن است به خط محمد بن محمود بن محمد محرر شبانکاره ای باشد.

آنچه از میان آن چند نامه، اهمیت خاص دارد، مکتوبی است که منشی مذکور در طلب زنبور عسل نوشته و از مخاطب خود خواسته بود «یکصد هزار صندوق مگس کوه گیلو» به جانب او روانه کند. پس مشخص است که در قرن هشتم در کوه گیلو زنبور عسل آنقدر بوده است که یکهزار صندوق آن را کسی از محلی دیگر خواسته بوده است تا برای او بفرستند. زیرا با نزول آفات سماوی، زنبورهای آن «ولايتها» که آن منشی و احتمالاً امیری که منشی مذکور از اتباع او بوده است از میان رفته و پراکنده شده بوده اند. این است متن نامه مذکور:

و من منشأته - عليه الرحمة - في طلب النحل

انها می کند که در ولايت اين مملكت امرا و لشکريانی که به منشور «و أوحى ربک الى النحل أن اتخذی من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون» پيوسته بر شواهد کوهسار و شماريغ اغصان و اشجار در خزان و بهار خيمه های مسدس و مثمن از خزان ادکن در یکديگر می پيوستند و در بيلاغ و قيشلاق از لطایف زهرات «ثمَّ كلى من كلَّ الثمرات كالطير يقع على الشجر و يأكل من الثمر ولا يدرى ما الخبر» علقووار می کردن لشکری جرار



فهرست نسخه‌های خطی فارسی انسنتیتوی ملل

آسیایی فرهنگستان علوم روسیه

به اهتمام آد. ف. آکیموشکین ... [ودیگران]؛ فهرست مختصر الفبایی زیر نظرن. د. میکلوخو- ماکلای؛ مترجم: عارف رمضان - تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۵، ۴۸۶ ص.

نسخه‌های خطی فارسی و تاجیکی مؤسسه خاورشناسی (ملل آسیایی) فرهنگستان علوم روسیه روسیه یکی از مخازن غنی جهان بشمار می‌رود. مؤسسه مذکور در سال ۱۸۱۸ میلادی بنیانگذاری شده، اوّل موزه آسیایی فرهنگستان علوم، سپس مؤسسه شرق‌شناسی و بعد مؤسسه

فهرست نسخه‌های خطی فارسی
انسنتیتوی خاورشناسی (ملل آسیایی)
فرهنگستان علوم روسیه

لایه بزرگ
دیگران
لایه بزرگ
میکلوخو- ماکلای
لایه بزرگ
لایه بزرگ
لایه بزرگ
لایه بزرگ

۱۵۶

ملل آسیایی نامیده شد.

بنیان مؤسسه
مذکور را نسخه‌های
خطی روسسو که در
حدود ۵۰۰ نسخه بوده
تشکیل داده که از آنها
۱۵۲ نسخه به زبان

فارسی بوده است.

نسخه‌های فارسی این مؤسسه از آسیای
میانه، شهرهای ساحلی رودخانه ولگا، ایران،
ترکستان شرقی و قفقاز جمع آوری شده است.
فهرست حاضر حاوی معرفی بسیار موجز
۲۸۹۷ کتاب و حدود ۴۶۸۰ عنوان می‌باشد.

گنجینه بهارستان

(مجموعه رسائل مكتوب)

جدول

ردیف

دکتر

دانش هزار

میرزا محدث

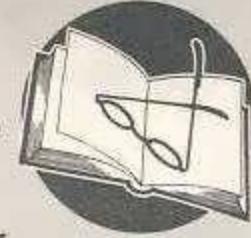
عینیة الوجود اوحدالدین
بلیانی، فضل الشبان وتقدم
اکثرهم علی ذوی الاسنان و
معرفی یکصد نسخه خطی
پزشکی در کتابخانه دانشگاه
بوعلی سینای همدان.

توفیق روزافزون محققان
و مصححان آن کتابخانه وزین
را در شناسایی و ارائه هرچه
بهتر و مطلوبتر میراث مكتوب از خداوند متعال خواستاریم.

* قابل ذکر است که این رساله در ضمن کتاب رسائل فارسی
جرجانی به تصحیح و تحقیق دکتر معصومه نور محمدی، زیر نظر
دفتر نشر میراث مكتوب، سال ۱۳۷۵ منتشر شده است.

گنجینه بهارستان نام مجموعه‌ای از رسائل کوچک خطی است
که زیر نظر دکتر غلامرضا فدائی عراقی رئیس کتابخانه، موزه و
مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و تهیه و تنظیم از آقای
میرزا محدث و به کوشش جمعی از محققان در سال جاری،
مجلد اول آن به چاپ رسیده و مشابهه میراث اسلامی ایران
مطبوع کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی (ره) می‌باشد.

فهرست مندرجات این مجموعه عبارتند از: پیشگفتار،
اختناق کاشان در انتخابات دوره ششم مجلس، اعتقادات
الشيخ الطوسي او ثلاثة مسألة في معرفة الله تعالى، دور ساله
در باره ایلات کردستان، روزنامه سفر تبریز، روزنامه سفر عشق
آباد، سفرنامه تبریز، سفرنامه شیراز به طهران، سرگذشت
اسماعیل میرزا قاجار، شکاریه (در بیان انواع حیوان و آداب
صید و ذبح و کیفیت آن)، العقائد الدينية سید الدین
جرجانی *، العقائد المنصورية الجزائری، رساله عرفانی



گذری بر رسائل حزین لاھیجی

علی اوجبی

شریفه « شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ » است که به شیوه عرفان و به زبان عربی تألیف شده است.

در بازنویسی این اثر از میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن استفاده شده است.

۳. المذاکرات فی المحاضرات: رساله‌ای است فارسی در یکی از صنایع منطقی موسوم به صنعت جدل. مصنف در این رساله پیرامون ماهیت جدل و آداب مناظره بتفصیل سخن رانده و آن را مزین به سخنان گهربار حضرت امیر(ع) و اقوال بزرگان و حکما و لطائف حکایات نموده است.

دستنوشتی که به عنوان نسخه اساس در تصحیح این رساله به کار رفته، نسخه شماره ۳۷۳۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.

۴. رساله در حقیقت نفس و تجرد آن: رساله‌ای است فلسفی

در بیان ماهیت نفس، همراه با ادله‌ای که تجرد آن را به اثبات می‌رساند.

این نوشتار در عین اختصار حاوی نکات بدیعی نیز هست که از آن جمله می‌توان به تقسیم جوهر به اقسام شش گانه اشاره کرد. از جمله بخش‌های خواندنی و جذاب این رساله فارسی مقدمه آن است که در آن ارزش و اهمیت معرفت نفس به زیبایی تبیین شده است. فصل پایانی این اثر نیز به ماهیت علم اختصاص دارد.

این رساله بر اساس میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن تصحیح و بازنویسی شده است.

علامه ذوفنون، شیخ محمد علی حزین لاھیجی، از اندیشمندان بزرگ اما گمنام قرن دوازدهم هجری، در ۲۷ ربیع الآخر ۱۱۰۳ هـ. ق در دارالسلطنه اصفهان دیده به جهان گشود. و به سال ۱۱۸۰ هـ. ق. در سن هفتاد و هفت سالگی چشم از جهان فروبست و پیکر مطهرش در باگی که خود احداث کرده بود، دفن شد.

او از معدود نوادر و نوابع اندیشمند جهان اسلام بود که در تمامی علوم و معارف زمانه خویش حتی در علوم طبیعی تبحری خاص داشت. برخلاف آنچه که بدان اشتهر دارد، شاعر صرف نبود بلکه در زمینه فقه، اصول، تفسیر، فلسفه، منطق، تاریخ، اخلاق، علوم غریبه، انساب، پزشکی و شعبه‌های گونه گونه علوم طبیعی اطلاعات چشمگیری داشت، و در تمامی آنها از خود اثری برجای گذاشت.

مجموعه حاضر که به کوشش گروهی از محققان و مصححان زیر نظر دفتر نشر میراث مکتب تصحیح و بازنویسی شده است، شامل ۱۲ رساله ذیل می‌باشد:

۱. شجرة الطور فی شرح آیة النور: تفسیر مختصری است بر آیه ۳۵ سوره نور که صبغه عرفانی فلسفی دارد و به زبان عربی نگاشته شده است.

این رساله بر اساس میکروفیلم شماره ۱۸۱۲ موزه لندن تصحیح شده است.

۲. مرآة الله فی شرح آیة شهدالله: تفسیر بسیار موجزی بر آیه



رسائل حزین لاھیجی

محمد علی بن ابی طالب حزین لاھیجی

پژوهش

عسه اوجبی ناصر اقری بیدعندی

اسکندر افغانیاری عبد الحکیم بن مددی

نیز نظر

مژتیریاث تکب

آنیلیک

سه گانه استماع صوت حسن سخن گفته در پایان به اجمال آداب سمع را متذکر شده است.

تصحیح این رساله بر اساس دستنوشت شماره ۴۰۵۷ کتابخانه ملک صورت گرفته است.

۱۰. رساله واقعات ایران و هند: این رساله گزیده‌ای است از کتاب تاریخ حزین. مصنف در این رساله فارسی کوشیده تا به اجمال پیرامون وقایعی چون حمله افغانها و تهاجمات دولت عثمانی - که خود نیز ناظر آنها بوده - تا سقوط سلسله صفویه و به سلطنت رسیدن نادرشاه افشار، سخن گوید.

بازنویسی این متن بر اساس میکروفیلم شماره ۱۷۱۴ موزه لندن صورت گرفته است.

۱۱. رساله در جرثیقیل: رساله‌ای است فارسی با نشری بسیار مغلق و متکلفانه همراه با افتادگیهای فراوان در بیان آلات و ابزاری که در نقل و انتقال اشیای سنگین به کار می‌روند.

این اثر بر اساس نسخه شماره ۷۹۱ مجلس شورای اسلامی بازنویسی شده است.

۱۲. رساله خواص الحیوانات: رساله فارسی مبسوطی است در بیان انواع حیوانات، و خواص دارویی و احکام فقهی آنها از دید مذاهب چهارگانه اهل سنت و امامیه.

این رساله بر اساس میکروفیلم شماره ۱۴۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تصحیح شده است.

این مجموعه بدست چاپ سپرده شد و بزودی منتشر می‌شود.



۵. رساله در بشاراتی بر ظهور حضرت محمد(ص): رساله‌ای فارسی است در اثبات نبوت حضرت ختمی مرتب(ص) با استناد به تورات، انجیل اربعه و دیگر کتب آسمانی.

این نوشتار بر اساس نسخه Khatak 163 تصحیح شده است.

۶. شرح قصیده لامیه: شرح و ترجمه‌ای است فارسی بر قصیده لامیه‌ای که مصنف خود سروده. او در این رساله پس از ذکر هر بیت به ترجمه عربی واژگان آن پرداخته، سپس آن را به فارسی ترجمه و شرح کرده است.

تصحیح این اثر بر اساس دستنوشت شماره ۷۷۹۶/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران صورت گرفته است.

۷. رساله اوزان و مقادیر: رساله‌ای است به زبان فارسی در تبیین اوزان و مقادیری چون: مثقال، دینار، درهم، صاع، مده، رطل و کر، که در کتب فقهی و روایات اهل بیت(ع) به کار رفته است. این اثر بر اساس میکروفیلم شماره ۱۴۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بازنویسی شده است.

۸. رساله در چگونگی صید مروارید: رساله‌ای فارسی است در بیان ماهیت مروارید و رنگها، اشکال، آفات، منافع و خواص و چگونگی محافظت و صید مروارید.

این اثر نخست به کوشش سرفرازخان ختک و اوتو اشپیس تصحیح و در سال ۱۹۵۴ میلادی در بن به خط نستعلیق چاپ شد؛ که اینک پس از ویرایش و بازخوانی به پیشگاه مشتاقان عرضه می‌شود.

۹. رساله فواید استماع صوت حسن / رساله در سمع و آداب آن: مصنف در این رساله فارسی به ایجاز پیرامون فواید

نازههای
نشر

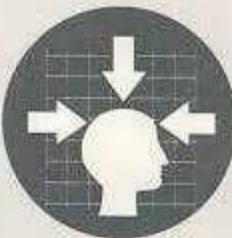


۱. دیوان طبیب اصفهانی / عبدالباقي بن محمد رحیم طبیب اصفهانی؛ گردآورنده کیوان سمیعی؛ مصحح مجتبی برزآبادی فراهادی. - تهران: سنا، اسفند ۱۳۷۶، ۱۶۲ ص، ۵۰۰ ریال، چاپ دوم ۳۰۰ نسخه

۲. رساله سه اصل / صدرالدین شیرازی؛ مصحح محمد خواجه. - تهران: مولی، ۲۲۴ ص، ۱۳۷۶، ۱۲۰۰۰ ریال، چاپ اول ۱۵۰۰ نسخه
۳. مجموعه اشعار فیلسوف کبیر صدرالدین شیرازی / مصحح محمد خواجه. - تهران: مولی، ۱۳۷۶، ۱۲۸ ص، ۶۵۰۰ ریال، چاپ اول ۱۵۰۰ نسخه

۴. شروح سوانح / محمود بن عزالدین کاشانی؛ به اهتمام احمد مجاهد. - تهران: سروش، اسفند ۱۳۷۶، ۱۶۲ ص، ۱۰۰۰ ریال، ۳۳۰ نسخه

۵. مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالحسین انصاری / مصحح محمد سرور مولایی. - تهران: توس، اسفند ۱۳۷۶، ۶۴۲ ص، ۴۲۰۰۰ دوره، ۲ مجلد، ۳۳۰۰ ریال، چاپ دوم ۳۳۰۰ نسخه
۶. از جام شیخ جام (گزیده آثار شیخ جام) / به اهتمام علی فاضل. - تهران: سخن، اسفند ۱۳۷۶، ۱۵۰۰ نسخه



علامه محمد قزوینی

جبریل شادان

او خود موفق شد هر زبان نامه سعدالدین و راوینی و المعجم فی معايیر اشعار العجم شمس قیس رازی و چهارمقاله نظامی عروضی را طی سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ ه. ق. منتشر سازد و درین روزگار وی ساکن پاریس بود.

سه جلد جهانگشای جوینی را که تصحیح و طبع آن سالها به طول انجامید، در ایام حضور در پاریس و سپس آلمان به طرزی اعجاب‌انگیز و وسوس آمیز آماده نشر ساخت و برای این کار دشواریهای بسیار به جان خرید.

در سالهای سکونت در فرنگ با ارسال عکس برخی نسخ نفیس خطی - که نشرشان مفید به نظر می‌رسید - به ایران، مایه خدمات شایسته‌ای به فرهنگ این بوم و بر گردید. این سالها که با جنگ جهانی هم قرین بود، هرچند بر قزوینی آسان نگذشت، به سبب آشناییش با خاورشناسان و خاورشناسی‌نوین، برکت فراوان داشت و در شکلگیری شخصیت علمی وی سخت مؤثر واقع گردید.

به سال ۱۳۵۸ ه. ق. قزوینی به تهران آمد و با فعالیتهایی چون تصحیح و نشر دیوان حافظ - با همکاری دکتر قاسم غنی - و تصحیح شده‌لاzar - با کمک عباس اقبال - به روند پژوهشگرانه کار خود ادامه داد. او همچنین مقدمه شاهنامه ابو منصوری را - که از قدیمترین نمونه‌های بر جای مانده نثر فارسی دری است - تصحیح و منتشر کرد.

سرانجام در روز جمعه ششم خردادماه ۱۳۲۸ ه. ش. در تهران پیش چشم زن و یگانه دخترش جان سپرد و روز یکشنبه هشتم خرداد در مقبره شیخ ابوالفتوح رازی (مجاور زاویه حضرت عبدالعظیم) به خاک سپرده شد. به قول

اگر چه فرایند ورود شیوه‌های جدید نقد و تصحیح متون به ایران، فرایندی در درازنای زمان و منوط به همت کسان بوده و نمی‌توان بازگشت آن را به یک تن تنها فرض نمود، براستی علامه محمد قزوینی را می‌توان «سرسلسله مصححان معاصر» نامید؛ مردی که به سبب دقیق عادتش در کار علمی، به یک اسطوره در اذهان نسلها بدل گردیده است.

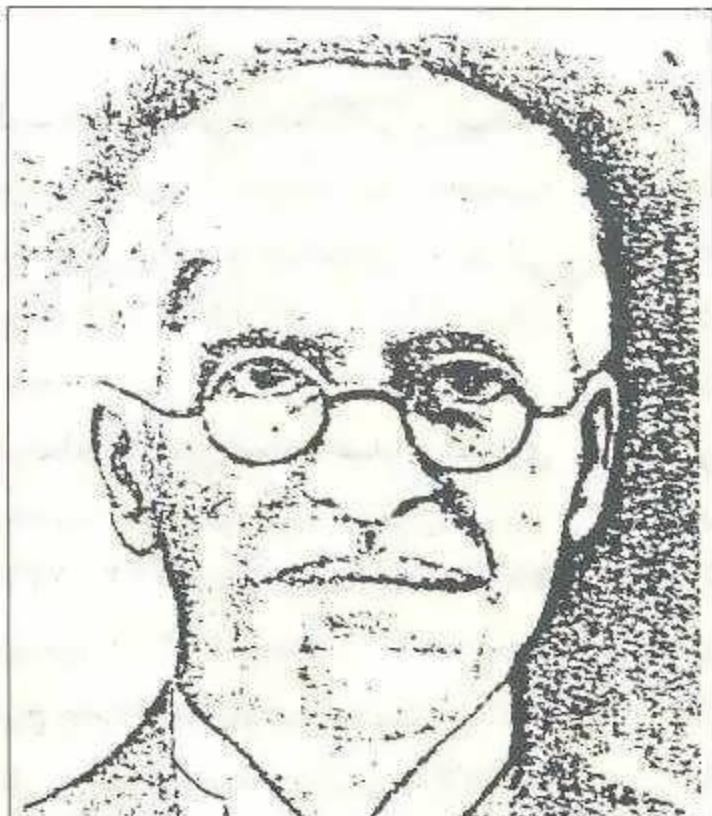
وی در پانزدهم ربیع الاول سال ۱۲۹۴ ه. ق در محله دروازه قزوین تهران زاده شد. پدرش عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی از گردآورندگان چهارگانه نامه دانشوران ناصری بود که تا سال ۱۳۰۶ ه. ق در حیات بود و محمد قزوینی در ایام تحصیل از مختصر مستمری که پدر از بابت عضویت دارالتالیف و دارالترجمه عهد ناصری داشت، معیشت می‌کرد.

محمد قزوینی از خردی به تحصیل دانش‌های طلبگی همت گماشت و محضر بزرگانی چون شیخ فضل الله نوری و شیخ هادی نجم آبادی را در کرد. بدین ترتیب توفیق یافت ادبیات تازی و فقه و اصول و کلام و حکمت قدیم را بیاموزد و بویژه دانش فراوان در زبان و ادب تازی بیندوزد و تا آخر عمر

به تازی دانی و تازی پژوهی نامور باشد.

در ۲۸ سالگی از راه روسیه و آلمان و هلند به لندن رفت، و حضورش در فرنگ، مقدمه‌ای برای پیشرفت‌ها و آوازه کم ماندش در میان اهل پژوهش گردید.

نخستین کار متن شناسانه جدی او را، نگارش مقدمه‌ای بر تذکرة الالباء عطار نیشابوری در ۱۳۲۳ ه. ق.، باید دانست و سپس نگارش مقدمه‌ای بر دفتر یکم لباب الالباء عوفی که ادوارد براون تصحیح کرده بود.



دکتر لطفعلی صورتگر:

ادب معاشر، به ماتم ستاده

نه سوکش، هنر زار و پیژمان نشسته

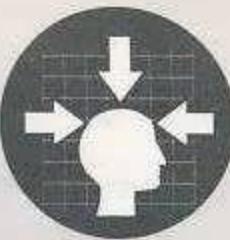
کارنامه قزوینی - چه متونی که تصحیح و تحشیه کرده و
چه مقالاتی که تألیف و منتشر نموده - گواه راستین فضل و دانش
بیکران اوست و آینه بی زنگار قلم زدن در مكتب دقت. از خود او
نقل کرده اند که اگر می خواست سوره «قل هو الله» را جایی
بنویسد، قرآن رامی گشود و رونویس می کردا

البته نباید پنداشت که بدین ترتیب کارنامه او، از هرگونه سهو و زلت بری است! چه در همین دیوان حافظاً پرآوازه تصحیح آن فقید دهها اختلاف خرد و کلان با نسخه اساس تصحیح (نسخه خلخالی) یافته اند! به هر روی، محمد قزوینی، در ابعاد انسانی حیاتش، و بی آنکه بخواهیم از وی چهره‌ای افسانه‌ای بسازیم، آیتی از دقت و حوصله در کار بوده است؛ چنان که تصحیح و تحشیه و طبع تاریخ جهانگشای جوینی به دست او، ۲۵ سال به درازا کشید. از ثمرات همین وسوس اعالمنه او بود که بیشترینه متون تصحیح شده بر دست وی، از بهترین و ممتازترین نمونه‌های نقد و تصحیح

حنین شد!

آثار علامه قزوینی

- | | | |
|--|--|--|
| ١. طبع و تصحیح مرزبان نامه | الى الترسّل، عتبة الكتبة، زین | ٧٩١ محمود شیرازی در حدود سنه |
| ٢. طبع و تصحیح المعجم فی معايير اشعار العجم | الاخبـار، تتمـة صوان الحکمة، موسـس الاحـرار، دواوـین شـعـرـاء ستـهـ حدودـالـعالـمـ، سـمـطـالـعـلـیـ، منـافـعـ حـیـوانـ | ٧. بيست مقاله جلد اول ٨. بيست مقاله جلد دوم ٩. مقدمه تذکرة الشـعـرـاء عـوـفـی مـوـسـوـمـ بـهـ لـبـابـ الـلـبـابـ |
| ٣. طبع و تصحیح چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی | ٢٤. طبع و تصحیح مقدمة قدیم شاهنامه ٢٥. مقاله تاریخی و انتقادی راجع به کتاب نفته المصدور | ١٠. رساله‌ای در شرح حال مسعود سعد سلمان شاعر معروف معاصر غزنویه ١١. مقدمه تذکرة الاولیاء شیخ عطار |
| ٤. طبع و تصحیح تاریخ جهانگشای جوینی | ٢٦. رساله ممدوحین سعدی ٢٧. رساله در شرح احوال شیخ ابوالفتوح راذی | ١٢-٢٣. مقدمه‌های دوازده کتاب ذیل: مجمل التواریخ، کتاب الابنیة عن حقایق الادویة، تاریخ بیهق، التوسل |
| ٥. طبع و تصحیح دیوان حافظ شیرازی | | شیراز تأليف معین الدین جنید بن |
| ٦. طبع و تصحیح کتاب شد الازار فی خط الاوزار عن زوار المزار در مزارات | | |



یک شاخهٔ گل

محمد اسفندیاری



استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب ادیب، مورخ، ایران‌شناس، محقق و نویسنده بزرگ معاصر در ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۱ شمسی در بروجرد چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان برد. سپس وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و به تدریس تاریخ و ادبیات در دبیرستانها پرداخت. در سال ۱۳۳۴ شمسی از دانشکده ادبیات به اخذ درجهٔ دکتری نایل آمد. از ۱۳۳۵ با عنوان دانشیاری و از ۱۳۳۹ با سمت استادی به تدریس اشتغال داشت.

زندگی استاد را کتاب، درس، تحقیق، تألیف و سفرهای متعدد تشکیل می‌دهد. موضوعات اساسی تحقیقات ایشان تاریخ ایران، ادبیات ایرانی، تاریخ فرهنگ و ادب اسلامی، تصوف و عرفان، نقد ادبی و ادبیات تطبیقی است.

دھها و دھها کتاب و مقاله که در رشته‌های مختلف از استاد نشر یافته، نشان می‌دهد که این دانشور بی‌ملال و خستگی ناپذیر، هرگز از راهی که برگزیده منحرف نشده است. سفرهای متعدد استاد به کشورهای مختلف به تحقیق و پژوهش و دیدار از کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مؤسسات علمی و تهیه عکس از بعضی از نسخه‌های خطی فارسی و عربی، آشنایی با برخی از دانشمندان و نویسنده‌گان بزرگ و شرکت در کنگره‌ها و مجامع علمی معطوف شده است.

ذهن خلاق، حافظه فوق العاده، دانش وسیع و حیرت‌آور، و قلم توانای استاد برای دانشمندان و پژوهشگران خارجی نیز بخوبی شناخته شده است، تا آنجا که از ایشان برای تألیف فصلی از تاریخ ایران، دانشگاه کمبریج (ج۴) و تهیه مقالات متعدد برای ویرایش جدید دایرة المعارف اسلام (چاپ هلند) دعوت شد. به علاوه، استاد به عنوان پژوهشگر بزرگ آثار مولانا جلال الدین در کنگره مونیخ که برای بزرگداشت این عارف و شاعر بزرگ ایرانی برگزار شده بود (۱۳۷۴ ش) به سمت دبیر ایرانی کنگره انتخاب شد.

حوزه وسیع مطالعات استاد در تاریخ، فلسفه، ادبیات، تصوف و عرفان و تاریخ ادیان خلاصه نمی‌شود. آشنایی با معارف قدیم و جدید، علوم اسلامی و روش‌های تحقیق جدید از او یک دانشمند جامع الاطراف ساخته است.

آنچه در پیش رو دارید مقاله‌آقای محمد اسفندیاری است که به بیان ویژگیهای علمی استاد زرین‌کوب پرداخته و عیناً درج می‌گردد.

عبدالحسین زرین‌کوب نامی آشنا برای پژوهشگران و دانشوران و کتابخوانان است. این نام بر پشت دھها کتاب علمی و بر بالای صدھا مقالهٔ پژوهشی ثبت شده و در حافظهٔ هزاران فرهنگ‌دوسٽ این جامعه ضبط گردیده است. صاحب این نام از قله‌های علمی جامعهٔ ما و در کانون توجه محافل علمی جهان است و بیش از پنجاه سال است که هزاران دانشدوست برخوان دانش او نشسته‌اند و دل و دماغ خویش را از آن فربه کرده و به او دست مریزاد گفته‌اند.

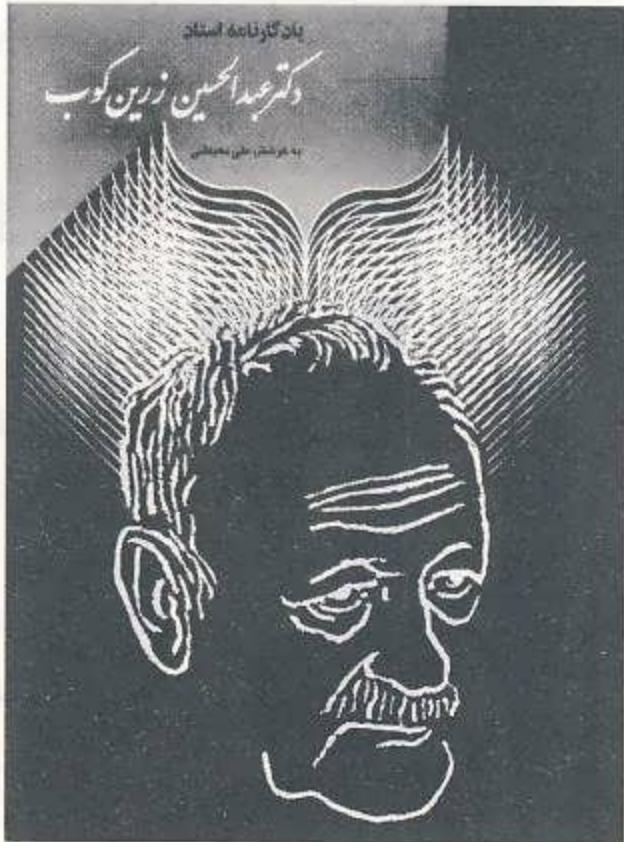
زرین‌کوب را ویژگیهایی است که همهٔ آنها در کمتر دانشوری یافت می‌شود: یکی، و مهمتر، اینکه او «روح علمی» را با علم به یکدیگر آمیخته است. وی نه تنها

مترجم، و دست آخر اینکه داستان نویس و شاعر است. و اگر بخواهیم او را در یک جمله وصف کنیم، باید بگوییم که «مرجع تحقیق دانشوران» است. کتابها و مقاله‌های او، که همگی خواندنی و آموختنی و ماندنی است، در حوزه ادبیات (۱)، تاریخ (۲)، تصوف‌شناسی (۳)، شرح حالتگاری (۴) و اسلام‌شناسی (۵) است و او در این پنج موضوع هرچه نوشته، تأمل برانگیز و جدی است، البته، خالی از سهو نیست که «الانسان محل السهو و النسیان».

در «یادداشتها و اندیشه‌ها»^۶ و «دفتر ایام» این مرد «نه شرقی، نه غربی، انسانی» بنگرید که چه سان «تاریخ در ترازو» نهاد و «بحر در کوزه» کرد. روزی «با کاروان حله»، «سیری در شعر فارسی» کرد و «از گذشته ادبی ایران» گذشت و نشان داد که «شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب» چیست. روز دیگری با در کف داشتن «فلسفهٔ شعر» به «شرح قصیدهٔ ترسائیهٔ خاقانی» پرداخت و داشت آموزان این سرزمین را «فارسی و دستور زبان» و «قرائت فارسی و تاریخ ادبیات» آموخت. همچنین در سایه «آشنایی با نقد ادبی» و سالها تدریس «نقد ادبی» از «زندگی و اندیشهٔ سعدی» گفت و دُر سفت. رفته رفته «در قلمرو وجودان» سکونت گزید و «جستجو در تصوف ایران» را آغاز کرد و چون به مقصد نرسید، به «دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران» پرداخت تا «ارزش میراث صوفیه» را شناخت و شناساند. آنگاه در «فرار از مدرسه»، «از کوچه رندان» گذشت و به «سرنی» گوش سپرد و با «از نی‌نامه» به گوش دیگران رساند. «از چیزهای دیگر» هم گفت: از «متافیزیک» و «ارسطو و فن شعر» و از «ادبیات فرانسه در دوران کلاسیک» و

تألیف کنند و لذا به تألیف بیش از تحقیق اهمیت می‌دهند و تأثیراتشان چندان متکی به تحقیق و آکنده از آن نیست. اما زرین کوب استثنای این قاعده است، نخست محقق و سپس مؤلف است، و بدین رو، تأثیراتش مشحون از تحقیق و بس مايه و پر ملاط است.

به دیده من، که هزاران کتاب را از دیده گذرانده‌ام، هیچ محققی، که مؤلف



هم باشد، و هیچ مؤلفی، که محقق هم باشد، در جمع تحقیق و تأثیف به پایه زرین کوب نمی‌رسد. شاید محققانی یافت شوند که بیش از زرین کوب تحقیق کرده باشند، اما کمتر از او تأثیف کرده‌اند و در نتیجه، جامعه علمی ما کمتر از تأثیراتشان سودمند شده است. و شاید مؤلفانی یافت شوند که بیش از زرین کوب تأثیف کرده باشند، اما کمتر از او تحقیق کرده‌اند و در نتیجه، جامعه علمی ما کمتر از تأثیراتشان سودمند شده است. اما زرین کوب با جمع تحقیق و تأثیف، جامعه علمی مارا هم از تأثیراتش و هم از تأثیراتش سود رسانده است.

باری، زرین کوب نخست محقق، سپس مؤلف، آنگاه منتقد، بعد از آن

عالی است، که روح علمی نیز دارد و همین ویژگی است که او را مقبول همگان کرده است. از تعصب، پیشداوری، قشریگری، یکسونگری، شخصیت‌زدگی، بیگانه‌زدگی و دیگر آفتها و حجابهای علم، که مخالف روح علمی است، پیراسته و رسته است. ویژگی دیگر او شناخت فرهنگ‌های مختلف است و این ویژگی نیز موجب شده که طیف گوناگونی از خوانندگان به کتابهای او اقبال کنند. او هم با فرهنگ اسلامی آشناست و هم با فرهنگ ایرانی و هم با فرهنگ غربی. از این رو در مقام مقایسه این فرهنگ‌ها و داد و ستد آنها سخنهای نغزو پرمغزی دارد.

ویژگی دیگر او این است که «کثرت تحقیق» و «کثرت تأثیف» را، که جمع‌شان مشکل و نزدیک به محل است، با یکدیگر جمع کرده است. او نه مانند محققانی است با کارنامهٔ تأثیفات «کم برگ» و نه مانند مؤلفانی با کارنامهٔ تحقیقاتشان «کم بار»، بلکه با جمع کثرت تحقیق و تأثیف، آثاری پربرگ و بار فراهم ساخته است. هیچ تأثیفی از اوی را نمی‌توان یافت که متکی به تحقیق عمیق نباشد و سرسی و سردستی تهیه شده باشد.

زرین کوب پیش از آنکه مؤلف، مترجم و منتقد و... باشد، محقق است. وی نخست محقق است و دغدغهٔ حقیقت‌جویی و دانستن دارد، آنگاه مؤلف و مترجم و... است. این ویژگی، او را از بسیاری از مؤلفان معاصر، متمایز می‌کند. فاش می‌گوییم: بسیاری از مؤلفان معاصر ما، نخست، و بیشتر، مؤلف هستند و سپس محقق. - بگذریم از عدهٔ زیادی که فقط مؤلف هستند و هرگز محقق نیستند. - دلمنقولی این عدهٔ فقط تأثیف است و اگر هم تحقیق می‌کنند برای آن است که

حجاب معاصرت را بزدایند و با بزرگداشت مقام علمی استادان و پیشکسوتانی که در قید حیات هستند، نشان دهند که به بلوغ فکری رسیده‌اند و تنها به قدردانی از گذشتگان بسته نمی‌کنند. آری، اگر امروز یک شاخه‌گل به دانشوران و فرزانگان تقدیم کنیم، بهتر است که فردا یک دسته‌گل بر گور آنها بگذاریم.

پی‌نوشت:

۱. آنچه در داخل گیومه گذاشته شده، عنوان کتابهای زرین کوب است. در چند جمله به همه کتابهای او - مطبوع و مخطوط و مفقود - اشاره شده است. البته خواننده توجه داشته باشد که این «جمله‌های ساختگی» از عنوان کتابهای زرین کوب، «گزارش واقعی» از سلوک علمی و اخلاقی اوست.

۲. مقاله «روایت یک شاهد عینی»، مندرج در یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، ص ۶۰ - ۶۱، با اندکی تصرف و تلخیص. مشخصات این کتاب در بعد خواهد آمد.

۳. ا. ح. آریان‌پور، پژوهش. چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸. ص ۲۳، با اندکی تصرف، به نقل از کتاب *Science and the Planned State*.

۴. نخستین کتاب به اهتمام حمید ایزدپناه و با عنوان «معانی برای زرین کوب: مجموعه مقالات اهدایی به دکتر عبدالحسین زرین کوب به مناسب مجلس بزرگداشت وی منتشر شد. انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر لرستان، ۱۳۵۵. دومین کتاب از آن علی اصغر محمد خانی است و با عنوان درخت معرفت: جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب. تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶. و سومین کتاب ذیل عنوان یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی منتشر شد. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶.

اوقات ممکن استفاده می‌کند. این استغراق باعث می‌شود که در کار خود کمتر دچار اشتباه یا شتابزدگی شود.^۳

آری، این است علت موققیت زرین کوب. حال به آنچه نقل شد، این سخن را هم بیفزایید و در آنها تأمل کنید:

دانشجویان بشوخی از استاد خود پرسیدند که در کار علم چگونه می‌توانند به مقام بزرگانی چون پاولوف رستند. استاد بعد پاسخ داد: بامداد در آغوش مسئله مطلوب خود از خواب بیدار شوید، با آن به



آزمایشگاه بستابید، به هنگام ناهار خوردن همراه آن باشید، پس از ناهار آن را نزد خود نگه دارید، با آن به بستر بروید و آن را به خواب بینید.^۴

در پایان این نوشته بصراحت می‌گوییم جامعه علمی ما آنقدر که به زرین کوب مدیون است، دین خود را ادا نکرده و از این جهت سزاوار ملامت است. البته تاکنون سه کتاب در بزرگداشت مقام علمی زرین کوب منتشر شده است^۵، اما مقام علمی او، چنانکه باید شناسانده نشده واز او، آن گونه که شاید، قدردانی نشده است.

انتظار می‌رود مراکز علمی میهن ما

هکذا از «ادبیات فرانسه در قرون وسطی و رنسانس». «با کاروان اندیشه» به «تاریخ ایران بعد از اسلام» نقب زد و در «تاریخ مردم ایران» غوطه خورد و سپس خود را در «روزگاران ایران» غرق کرد. باز هم دست از طلب برنداشت و در طلب «دبالة روزگاران ایران» بود تا به «روزگاران دیگر» رسید. البته با «دو قرن سکوت»، «نقش برآب» زد؛ وای دریغ! اما با تصفّح «کارنامه اسلام» و سفر در «بامداد اسلام» به «اسلام در نقش فرهنگ و سیاست» دست یازید؛ دست میریزاد و آفرین! «با پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد» رفت و «شعله طور» را به دست آورد و با «نرdban آسمان» می‌خواست... که ناگهان نرdban شکست؛ نه، دلش شکست. و چون خدایش گفته بود من به نزد شکسته دلنم (أنا عند المنكسرة قلوبهم)، با همان «نرdban شکسته»، «پله پله تا ملاقات خدا» رفت و «انسان الهی» را دید و «حکایت همچنان باقی».

براستی زرین کوب چه سان توانست این همه توفیق یابد و به قله‌های افتخار دست یازد؟ پاسخ این پرسش را از قلم شریک زندگی زرین کوب بخوانیم که پنجاه سال با او زیسته است؛ دکتر قمر آریان: درباره کارهای او چیزی که برای من جالب است حوصله فوق العاده او در جستجوست. زرین کوب ماهها و سالها با آنچه موضوع کار اوست زندگی می‌کند. همه چیز را در آن باره می‌خواند و بررسی می‌کند. و در هر چه به آن مربوط است مدت‌ها فکر و تأمل می‌کند و با هر عبارت که می‌نویسد حسابی جداگانه دارد. عادت او استغراق شدید در کارهای است. وقتی در یک موضوع مشغول کار است از تمام وسائل و تمام



عصیان

در دل ظلمتها مدفون کنم
غرقه در این لجه بی بون کنم
تخت خدایان را وارون کنم
هرچه در آن خانه، به هم برزنم
کاوم زیر وزبر آسمان
راز جهان را به کف آرم کلید
اینت گران کاری نفز و سره
چون ندهد دست مرا اینقدر
گردم خستوبه زبونی بشر
در خم عزلت بنشینم چومی
وز غم لیلی صفتی در جهان
خود را افسانه چو مجنون کنم

دانی اگر دست دهد چون کنم
شیشه رنگین فلک بشکنم
بر درم این پرده تیلوفری
سرد کنم کوره خورشید را
تیره کنم چشم مهتاب را
تابنگزاید به ستم جان خلق
پیرهن زهره به صابون کنم

نازههای
نشر



جمهوری تاجیکستان از سال ۱۹۹۳ نگاهداری، تنظیم و آموختن آن به عهده پژوهشگاه آثار خطی آکادمی علوم و اگذار گردیده بیشتر از ۵۷۵۰ جلد نسخ خطی و ۶۳۴۰ مجلد کتابهای چاپ سنگی محفوظ است که اکثریت آنها را نسخه های خطی که به زبان فارسی نگاشته شده تشکیل می دهد.

در بخشی از این مدخل به قدیمیترین نسخه های این انسیتو اشاره شده از جمله: تاریخ طبری ترجمه و تکمیل فارسی ابوعلی بن ابوالفضل محمد بلعمی (وفات ۳۶۳ هـ / ۹۷۴ م)، التفہیم لاوایل صناعة التجیم ابو ریحان بیرونی (وفات ۴۳۰ هـ / ۱۰۳۸ م)، کیمیای سعادت ابو حامد غزالی (وفات ۵۰۶ هـ / ۱۱۱۱ م)، کلیات سعدی شیرازی (وفات ۶۹۰ هـ / ۱۲۹۱ م) و

و نیز بعضی از این نسخه ها، از آن جهت مهم و در خور توجه اند که در زمان زندگی مؤلفان و یا کمی بعد از فوت آنها استنساخ شده اند مانند: نفحات الانس من حضرات القدس در زمان حیات عبدالرحمن جامی (وفات ۸۹۸ هـ / ۱۴۹۲ م)، نسخه های خطی چهار دیوان و لسان الطیب علی شیر نوائی (وفات ۹۰۶ هـ / ۱۵۰۱ م) در هنگام زندگی او، کلیات عبید زاکانی (وفات ۷۷۱ هـ / ۱۳۶۹ م) که ۳۵ سال بعد از وفات مؤلف، کتابت گردیده است، سه دیوان مولانا عبدالرحمن جامی که جزو کتب در دست طبع دفتر نشر میراث مکتوب بوده و نیز آثار دیگری که چند سالی بعد از فوت مؤلفانشان به رشته تحریر در آمده اند.

باید یادآور شد که دانشمند معروف تاجیک شادروان آکادمیسین عبدالغنى میرزايف در خصوص تأسیس ذخیره دستنویسهای شرقی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان خدمات شایانی را انجام داده اند.

فهرست نسخ خطی فارسی انسیتوی آثار خطی تاجیکستان زیر نظر سید علی موجانی، امریزدان علی مردان [برای] مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز وزارت امور خارجه تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶. ج ۱: بیست و یک، ۳۶۷ ص.

در این کتاب پس از مقدمه به قلم دکتر علی اکبر ولایتی و پیشگفتار سید علی موجانی و مدخلی از جوزه بیک نذری و امریزدان علی مردان و ذکر اسامی پدیدآورندگان این مجموعه به معرفی نسخ خطی فارسی موجود در انسیتوی آثار خطی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان در زمینه های مختلف علوم و فنون پرداخته است.

در معرفی نسخ سعی شده تا اطلاعات زیر به ترتیب قرار گیرد: نام اثر، شماره اثر، نام مؤلف، تاریخ تألیف، موضوع و ترکیب اثر، نوع خط، نوع کاغذ، نام کاتب، تاریخ و محل کتابت، تعداد اوراق و قطع نسخه، تزئینات اثر، نوع جلد و توضیحات ضروری.

باید اشاره کرد که همکاران تاجیک به منظور آگاه ساختن خوانندگان از وضعیت انسیتوی آثار خطی، مدخلی را در ابتدای کتاب با گویش مرسوم دری، نگاشته اند که عنوان آن «گنجینه نسخ خطی فرهنگستان علوم جمهوری تاجیکستان و اهمیت آن برای آموختن تاریخ تمدن فارسی و تاجیک» می باشد.

در این مدخل با ذکر اینکه ماوراء النهر و خراسان در قدیم الایام از جمله بزرگترین مراکز تمدن ایرانی بوده و در طی قرون نسخه های دستنویس متعدد آثار فارسی زبان در این مناطق آفریده شده اند می نگارد: در گنجینه دستنویسهای ما، که طبق فرمان حکومت



روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی

دکتر عبدالحسین زرین کوب

که مصنف و مؤلف اصل نوشته است به نهایت درجه نزدیک است. این کار البته در موارد مختلف از جهت سهولت و صعوبت تفاوت دارد. در بعضی مواقع نسخ قدیم و مضبوط و معتبر از یک کتاب در دست هست. در این صورت منتقد و مصحح کار زیادی ندارد، اماً مواردی هم هست که نسخ موجود تمام جدید و نامضبوط یا مغلوط و مغشوش است و محقق منتقد باید از بین این نسخ مغشوش نامضبوط نسخه‌ای را ترتیب و تدوین نماید که آن را بتوان تا حد امکان عین و یا قریب به نسخه‌ای دانست که ممکن بود از اصل کتاب بدست آید.

هر قدر منتقد و مصحح در این کار احتیاط و دقت به کار ببرد و رسم و راه کار را بهتر و دقیق‌تر بداند، البته بهتر و بیشتر موفق می‌شود، اماً اگر از ذوق نقادی و قریحة نکته سنجی بکلی عاری باشد، البته با تمام دقت و احتیاط نمی‌تواند این کار را چنانکه باید انجام بدهد.

بنابراین شرط اول برای کسی که به کار نقد و تصحیح متون می‌پردازد آن است که فقط متکی به قواعد و رموز، و به اصطلاح فقط متکی به تکنیک، نباشد بلکه ذوق و قریحة نقادی داشته باشد و از جمیع معلومات و مطالعات تاریخی و ادبی و فلسفی هم که برای فهم و نقد و تصحیح و تدقیق مطالب و مندرجات متن لازم است به قدر کفايت بهره داشته باشد. چون اگر کسی که فی المثل در عرفان یا حکمت معلوماتش متوسط و یا پایین‌تر از متوسط است، در صدد برآید کتابی را که در این گونه مسائل است نقد و تصحیح کند، هر چند نسخ مناسب و اسباب مساعد را همه جمع کند و قواعد و رموز کار را هم با نهایت دقت بکار ببرد، از خط و خطا ایمن نمی‌ماند. چرا که ممکن است بسیاری از معایب عبارات نسخ را که مربوط به دقایق مطالع کتاب است، به سبب عدم احاطه کافی به مطالع کتاب در نیابد و فی المثل مرجوح و مفوضول را

خانمها و آقایانی که دعوت انجمن فلسفه و علوم انسانی را به لطف خویش اجابت کرده‌اند و در این مجلس حاضر شده‌اند، از گوینده نباید شورانگیزی و سخن‌پردازی خطبا را توقع داشته باشند. چون در این سلسله سخنرانی‌ها غرض و هدف نشر مطالب علمی و فلسفی است که بیانش به زبان آوری و سخن‌پروری محتاج نیست بلکه تحقیق و تعمق می‌خواهد، اماً باید از هم اکنون شمارا مطمئن کنم که عرایض بندۀ گذشته از آنکه مزیّت ادب و فصاحت را ندارد، از تحقیق و تعمق هم چندان بهره‌مند نیست و با این همه از فسحت میدان محبتی که در این مجلس هست امید آن را دارم که عرایضم پر بیفایده و ملال انگیز نباشد.

صحبت از نقد متون ادبی است که امروز در ایران آن را تصحیح متون می‌گویند و کسانی هم که نمی‌خواهند مسئولیت عنوان نقد و تصحیح را برعهده بگیرند، کاری را که به عنوان نقد و تصحیح انجام می‌دهند تحت کلمهٔ محجوب نشر و اهتمام می‌پوشانند.

در هر حال اهمیت نقد متون در تحقیق و انتقاد آثار ادبی حاجت به تأکید ندارد. زیرا هر محققی که بخواهد آراء و عقایدش در باب آثار ادبی بی اعتبار و پا در هوای نباشد، باید آن عقاید و آراء را متکی بر متون صحیح معتبر و اصیل بنماید و الا تبع و تحقیق و نقد و بحث او به منزلهٔ حرکت و سعی کسی است که بر روی شن و ماسهٔ نرم و لیز و لغزان قدم بر می‌دارد و البته اطمینان نمی‌توان داشت که رهروی چنان در راهی چنین به مقصد برسد.

هدف و غایت نقد و تصحیح متون ادبی آن است که از روی نسخ خطی موجود، نسخهٔ اصلی یا قریب به اصل یک اثر را احیاء و مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خوانندهٔ اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که به صورت اصلی و شکلی

به افراط در دقت متهم کرده‌اند و به خشک مفرزی و کم ذوقی منسوب داشته‌اند. غیر از آریستارکس دو تن دیگر از فضلای اسکندریه به کار نقد متون عنایتی ورزیدند که هر دو نیز بر روی از حیث زمان مقدم بوده‌اند، اما از حیث شهرت و اهمیت هیچکدام مقام اوراندارند.

یکی «زنودوت» بود از اهل «افسوس» که یک چند هم رئیس کتابخانه معروف اسکندریه بود و در آنجا به تصحیح متون و دواوین شуرا همت گماشت و آثار پیندار (Pindare) و آناکرئون (Anacréon) و همچنین ایلیاد و اویدیسه را به طریق مقابله با نسخه قدیم تصحیح و اصلاح نمود. دیگر «آریستوفانس» نامی بود از اهل بیزانس که نیز کتابدار کتابخانه اسکندریه بود. او نیز در نقد و تصحیح آثار افلاطون و ارسسطو و همچنین در تنقیح و تصحیح ایلیاد و اویدیسه رنج برد.

اما این طریقه نقد متون که در اسکندریه رایج بود، دقت و قطعیت نقد علمی امروز را نداشت و از تصحیحات قیاسی و تصحیف خوانی البته ایمن نبود. با این همه اندک همین کار نیز متروک و منسخ شد و قرن‌های دراز نظری و مانندی پیدا نکرد.

در بین مسلمین، کتب درسی چون از استادان صاحب اجازت تلقی می‌شد، کمتر دچار تصرف نسخه نویسان بود. بعضی کتب را هم که بر مؤلفان یا بر شاگردانشان قرائت می‌کردند مضبوط می‌بود. اما کتب دیگر خاصه متون شعر و ادب این مزیت را نداشت. چون جامعین قدیم خاصه ادبی عرب در جمع و تدوین اشعار و اخبار شуرا بر نقل روات متكی بودند و البته این اتكا مبنای علمی و اصولی نداشت. جعل و وضع و اغاره و انتحال و اسقاط و الحق هم حتی بین جامعین و مؤلفین رواج داشت تا چه رسد به کتاب و نسخه نویسان.

البته بعضی فضلا و محققان هم، مانند ابن النديم و رائق و ابو عیسی و رائق و جوهری مؤلف صحاح، ظاهراً کارشن کتابت و رائقی بوده است اما البته تعداد اینگونه اشخاص زیاد نبوده است و با این همه رویه مرفت نسخ خطی قدیم عربی مضبوطتر و بهتر از نسخ خطی فارسی است. چون کتب قصص و تواریخ و دواوین شуرا در ایران واقعاً دستخوش بی‌رسمی و تصرف عجیبی بوده است. مخصوصاً الحق اشعار دیگران به کتب نظم و نثر تداول داشته است و نسخه نویسان و قرائت کنندگان کتب هرجا شعری از کسی به خاطرشان می‌گذشته است، آن را در حاشیه یا بین سطور و یا حتی در متن کتاب الحق می‌کرده‌اند. از همین راه است که شعر

ترجم و تفضیل بددهد و کلمه یا عبارتی را از کلمه یا عبارتی که منظور و مطلوب مؤلف اصل بوده است بدل بگیرد.
باری نقد متون در حقیقت عبارت از این است که منتقد از طریق علم ببیند و تحقیق کند که صورت و شکل اصلی و واقعی هر کلمه و هر عبارت در کتاب چه بوده است، نه اینکه فقط صورتی را که صحیح و قابل قبول است پیدا کند. و البته بین این دو امر تفاوت هست. چون ممکن است نسخه نویسان از بی‌دقیقی یا فضولی یک کلمه را به کلمه مترادف آن تبدیل کرده باشند و یا یک عبارت را که گمان می‌کرده اند حذف آن خللی به مطلب وارد نمی‌آورده است، حذف نموده باشند.

در این صورت اگر محقق و منتقد غایت همتش این باشد که فقط عبارت کتاب درست و مفهوم باشد، شاید نتواند کلمه اصلی را که بوسیله نسخه نویسی تبدیل شده است، پیدا کند و یا عبارت محدود را که از روی تصادف حذف آن خللی هم به مطلب وارد نیاورده است، معلوم نماید و با این ترتیب هرگز نمی‌توان اطمینان یافت و یقین کرد که آنچه وی نقد و تصحیح نموده است، عین و یا خود قریب و شبیه نسخه‌ای باشد که ممکن بود از زیردست مؤلف بیرون آمده باشد. و البته نقد و تصحیح متون با این شکل و با این صورت کاری است دقیق و علمی. قواعد و اصولی هم البته دارد که از قدیم فضلا و محققان بیش و کم بنوعی آن اصول و قواعد را مراعات کرده‌اند.

باری نقد متون اساس هر نوع دیگر از انواع نقادی است و در حقیقت خشت اول و رکن اعظم نقد ادبی است. چون بی‌آن هیچ نکته‌ای را نمی‌توان از آثار قدمما استنباط کرد و هرگز نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار قدمما بشود تا بر متون صحیح معتبر متكی نباشد، سندیت و اعتبار ندارد.

به سبب همین ضرورت و اهمیت نقد متون است که فضلا و محققان عالم از خیلی قدیم بدان توجه کرده‌اند و بعضی اصول و قواعد را هم در آن به کار برده‌اند.

قدیمترین موردی که از نقد متون اطلاع درستی دردست هست، تحقیقات فضلای مکتب اسکندریه است علی‌الخصوص «آریستارکس» متوقی در ۲۰۰ ق.م که از اجله فضلا و ادبی قرن سوم قبل از میلاد بشمارست. این شخص که نام او در تاریخ ادبیات یونان قدیم همواره مرادف و مساوی مفهوم دقت و وسوس در نقد ادبی است، در نقد و تصحیح نسخ ایلیاد و اویدیسه رنج فراوان برد و مقدار زیادی ابیات الحقی را از متن این دو کتاب خارج کرد. وی در این کار به قدری دقت و وسوس بخرج داد که متأخران اورا

نبود.

در اروپا نیز دیرنشینان قرون وسطی نسخه‌هایی که رونویس می‌کردند، پر از تصحیف و تحریف بود. هومانیستها هم که در عهد تجدید حیات علم و ادب (رناسانس) به نشر و احیای متون قدیم دست زدند، کارشان تصحیح اغلات کتابتی و اصلاح معایب انشائی نسخ، از طریق تصحیح قیاسی بود و پیداست که این امر خود از موجبات مزید اغتشاش نسخ می‌شد.

تا اواسط قرن نوزدهم نیز نقد و تصحیح متون عبارت بود از اینکه محقق و نقاد به جستجوی نسخ خطی صحیح و بی‌غلط بپردازد و در صورت لزوم، بهترین نسخه را از بین آنگونه نسخ به مدد تصحیحات قیاسی و استحسانات شخصی تهیه کند و چنین نسخه‌ای در عین آنکه البته از اغلات املائی و انشائی خالی بود، اساس علمی نداشت و از تصرفات کتاب خالی و مأمون نبود.

اما طریقه جدیدی که در قرن نوزدهم کارل لاخمان بکار برده و ناسخ طریقه قدما گشت این مشکل را رفع کرد و نقد متون را به صورتی درآورد که اساس علمی یافت و این اساس آن درجه از قوت و اعتبار را پیدا کرد که بتوان بر روی آن تحقیقات تاریخی و لغوی کرد و استنباطات مربوط به سبک انشاء و اسلوب فنی را برآن بنانهاد. این طریقه را لاخمان نخست در تصحیح دقیقی که از متن «عهد جدید» به سال ۱۸۴۳ منتشر کرد، به کار بست و سپس در طبعی که به سال ۱۸۵۰ از آثار لوکرسيوس (Lucretius) نمود، آن طریقه را کاملتر و دقیق‌تر و مهدّب‌تر نمود.

نقد متون به عقیده لاخمان دارای دو مرحله است: یکی مرحله ضبط و دیگر مرحله تصحیح.

در مرحله اول که عبارت از ضبط باشد محقق باید تمام نسخ خطی موجود از یک اثر را فراهم بیاورد و اگر ممکن نیست لااقل باید جمیع نسخ خطی ای را که گمان می‌رود نسخه بدلهای اصیل و قدیم را می‌توان در آنها سراغ کرد، جمع آورد. بعد این نسخ را با یکدیگر مقابله و تمام اختلافاتی را که در جزئی‌ترین موارد بین آنها هست ثبت کند. حتی مواردی هم که مثلاً کلمه‌ای را کاتب یا مالک نسخه خط‌زده یا حک کرده و کلمه‌ای دیگر به جای آن نوشته است، به اسم و رسم ذکر نماید و در این باب تا آن درجه رعایت دقیقت و امانت را لازم بداند که مطمئن شود نسخه‌ای که او به طریق مقابله تهیه کرده است، می‌تواند رونویس کامل و درست بی‌عیب تمام نسخه‌های اصلی بشمار آید؛ و به عبارت دیگر تمام نسخه بدلهای اختلاف قرائات را داشته باشد.

البته این اندازه دقیقت و احتیاط که لاخمان توصیه کرده است

سعدي در کتاب قابوشنامه وارد شده است و در لغت فرس اسدی شعر معزی درج گردیده است.

سنائی غزنوی شاعر و عارف معروف که بدون ادنی تردید آدم خوش‌ذوق نکته‌یاب و سخن‌شناصی بوده است، دیوان مسعود سعد را مرتب کرد، چون بدو یا به شعر او علاقه‌ای داشت. اما از بی‌دقیقی مقداری هم از اشعار دیگران را سهواً در دیوان مسعود ثبت کرد. وقتی این دیوان - که در واقع به اصطلاح امروز ما به اهتمام سنائی غزنوی تصحیح و تدوین شده بود - انتشار یافت، معلوم شد که در آن دیوان، سنائی مقداری هم از اشعار دیگران الحق کرده است.

وقتی سنائی ملتفت اشتباه خود شد، قطعه‌ای سرود و نزد مسعود فرستاد و عذر خواست و خلاصه عذری هم که آورد این بود که: «وقتی من خواستم اشعار تو را جمع و تدوین کنم، از بس دیوانی که ساختم زیبا و بدیع و آراسته بود، اشعار دیگران هم برای آنکه خوب و لطیف جلوه نمایند، خود را در بین اشعار تو پنهان کرده وارد دیوان تو شدند.» ملاحظه می‌کنید چه عذر شاعرانه نامقبول عجیبی برای بی‌مبالاتی و کم‌دقیقی خویش آورده است. می‌گوید:

چون بدید این رهی که گفتة تو
کافران را همی مسلمان کرد
کرد شعر جمیل توجمله
چون نبی را گزیده عثمان کرد

شعرها را بجمله در دیوان

چون فراهم نهاد دیوان کرد

لیک معذور دار از آنکه مرا

معجز شعرهات حیران کرد

زانکه بهر جوار شعر تورا

شعر هر شاعری که دستان کرد

بهر عشق پدید کردن خویش

خویشتن در میانه پنهان کرد

وقتی حال آدم باذوق سخن‌شناصی چون سنائی چنین باشد، وضع کار جامعان و کاتبان دیگر پیداست که چه باید باشد؟ عبیث نیست که حتی یک دیوان و یک کتاب هم در زبان فارسی دیده نشده است که به خط مؤلف نباشد و نسخ آن از اغلات کتابتی و تصرفات کتاب بی‌امانت مشحون نباشد و این همه به سبب آن است که نقد متون در بین فضلای ما هیچ متدالو نبوده است و اگر هم بوده است، اساس نداشت و از تصرفات کتاب خالی و مأمون

از جانب خود او در کتاب رخ داده باشد؟

وقتی از این بابت هم اطمینان کامل قطعی یا نسبی حاصل کرد، آن وقت می تواند نسب نامه یا شجرة النسب (généalogie) نسخ را تهیه و ترسیم بنماید و نسخ معتبر را که دارای اصلی قدیم و موثق هستند - هر چند احیاناً خود آن نسخ تاریخ تحریرشان چندان قدیم نباشد - معلوم بنماید و آن نسخ معتبر را ملاک و اساس کار خود قرار دهد و مرحله اول کار خود را که ضبط نسخ باشد، تمام و کامل فرض کند و به مرحله دوم که عبارت از مرحله تصحیح باشد، قدم بگذارد.

این مرحله از کار منتقد را که مرحله تصحیح اصطلاح کرده ایم و لاخمان و اصحاب او (Emendation) می گویند، محققان آن را تشییه کرده اند به تعبیه پلی که گویی باید نسخه اصیل موجودی را با ام النسخ که در واقع همان نسخه اصلی خط مؤلف کتاب بوده است، ارتباط و اتصال بدهد. در اینجاست که مخصوصاً محقق منتقد باید از حدس و ظن و قیاس و یا لااقل از افراط در آن خود را بکلی بر کنار دارد و با نظم و دقّت و وسوسات کافی به کار تصحیح بپردازد.

مثلاً اگر به عبارتی برخورد می کند که معنی محصلی ندارد و یا به شعری مواجه می شود که از جهت وزن و قافیه معیوب است و یا لفظی می بیند که از لحاظ قواعد دستوری صحیح نیست و یا با استعمال عصر مؤلف تفاوت دارد، با کمال دقّت و وسوسات در صدد اصلاح برآید و با دقّت ریاضی جمیع وجوده احتمالی را که در تصحیح آن لغت و آن عبارت ممکن است، به خاطر آورده و همه را بر روی کاغذی جداگانه یادداشت کند و با کمک کتب لغت و الفاظ مترادف و با مراجعه به استعمالات عصر و با دقّت در طرز تداول لغت و عبارت و معنی مزبور در آثار مشابه معاصر یا متقدم و متاخر، وجه صحیح عبارت یا لغت مشکوک مجھول را پیدا و معلوم نماید. در حقیقت این مرحله تصحیح که مشکلترين و دقیقترین مراحل نقد متون است، گذشته از دقّت ریاضی، ذوق سليم و سلیقه مستقیم لازم دارد و مخصوصاً همین جاست که تا منتقد محقق در مطالب و مسائل علمی و فنی مندرج در مطاوی کتاب کاملاً وارد نباشد، نمی تواند برای آنچه مشکوک و مردّ است و غلط و نارواست، صورتی صحیح و مناسب نزدیک بدانچه مورد نظر مؤلف و مصنّف بوده است، بیابد و در همین مرحله است که بسیاری از تصحیحات قیاسی مضحك و غلط و در حقیقت تصحیفات جلوه می کند و مخصوصاً در این مرحله کسانی که زیاده به حدت ذهن و قوت قریحة خود مغروف و متکی هستند، بیشتر گرفتار خبط و

و بعضی از منتقدان و مصححان قرن نوزدهم نیز رعایت آن را واجب می دیده اند، برای یک تصحیح بدوى در حال حاضر چندان علمی نیست و حتی محققان امروز مکرر اتفاق می افتند که بدون آنکه اصل نسخه ای را ببینند از روی عکس آن به مقابله می پردازند و این اندازه مسامحه را در مقابل فوایدی که از جهت تسهیل کار و تسريع در نشر اثر دارد، قابل اغمض می شمند. اما این مسامحه اگر در مورد نسخ نادر و منحصر به فرد قابل قبول باشد، در مورد آثاری که نسخ متعدد مختلف النسب از آن در دست هست، به هیچ وجه روا نیست و باید حد اعلای دقّت و وسوسات در آن بکار بسته شود و الا فوایدی که در همان تصحیح و مقابله دقیق و تدوین نسخه ای که اعتبار علمی داشته باشد هست، بکلی فائت می شود و طبعی که بدون این دقّت انجام بیابد، ارزش و اعتبار علمی حاصل نمی کند و چاپی بازاری بیش نخواهد بود.

وقتی جمیع نسخ مفید و معتبر موجود جمع شد و با دقّت تمام با یکدیگر مقابله گردید، محقق از طریق تطبیق و مقایسه اغلات و اشتباها مشترک و زیادتها و نقصانهای مشابه به طبقه بندی آن نسخ می پردازد.

نخست معلوم می کند که از آن میان کدام نسخ از یک اصل واحد هستند، و کدام نسخ، اصلی قدیم تر دارند و همچنین در صورت امکان معلوم می نماید که هر نسخه تا چند پشت ممکن است به نسخه اصل مؤلف برسد؛ و این مرحله از تحقیق و انتقاد اگر با دقّت کافی و کامل اجرا شود، بسا که محقق ملتفت می شود چند نسخه از یک نسخه رونویس شده اند و در این صورت مقابله با یک یک آن نسخ ضرورت ندارد و کافی است که آن نسخه اصل بdest آید.

در بعضی موارد از این نوع تفتيش و تحقیق معلوم می شود که چند نسخه مختلف از روی نسخه واحدی رونویس شده اند، اما آن نسخه واحد که اصل آنها بوده است، اکنون در دست نیست و از بین رفته است، در این صورت آن چند نسخه مشابه حکم یک نسخه را دارند و آنکه مضبوط تر و محقق تر و منقح ترست، باید مناط و ملاک قرار بگیرد.

به هر حال وقتی تحقیق درباره طبقه بندی نسخ با کمال دقّت به پایان رسید، منتقد باید با یک تحقیق دقیق از این دغدغه هم خاطر آسوده کند و معلوم بنماید که آیا مؤلف در حیات خود کتاب را به دو روایت و دو عبارت مختلف ننوشته است؟ و آیا لااقل نسخه ای را که قبل از کتاب خود انتشار داده، چند سال بعد در آن تجدید نظر نکرده است تا الحالات و اسقاطات از قلم خود او و

بوده است حذف کرده و چه بسا که اشعار و ابیاتی سست و بی‌مایه هم در مدح ائمه شیعه بدانها الحق نموده است. منتقدی که در تصحیح یک کتاب تاریخ به عبارتی از اینگونه بر می‌خورد که «عمر در نشر آیات اسلام و نصر رایات خیرالانام جهدی تمام داشت» و ملاحظه می‌کند که در متن نسخه بعد از نام عمر عبارتی زنده و زشت مانند «لعنہ اللہ» آمده است، البته تردید نمی‌کند که کاتب نسخه در تشیع تعصّب تمام داشته است و ناچار تکلیفش این است که در مقابله و تصحیح کتاب دقّت و مراقبت خود را مضاعف کند تا نسخه‌ای که از زیر دستش بیرون می‌آید به الحالات و اسقاطات غرض‌آلود کاتبان آلوده نباشد.

وشک نیست که گذشته از تعصّب مذهبی چندین گونه هواها و تعصّب‌های دیگر نیز هست، مثل تعصّب قوم و نژاد و شهر و دیار و خط و زبان و مصلحت شخصی، که تمام اینها ممکن است سبب شود کاتبی به قصد و عمد در نسخه کتابی تصرف کند و بر آن چیزهایی الحق کند یا چیزهایی از آن اسقاط نماید.

اینها البته مواردی است که غلط و تحریف ناشی از قصد و غرض باشد، اما بسا غلطها و تحریفها هست که از بی‌دقّتی و بی‌سوادی کاتب پیش می‌آید.

مهمنترین اینگونه تحریفات و اغلاط، تصحیف است که در خط فارسی به سبب مشابهت اشکال حروف و سهولتی که تبدیل نقطه‌های آن هست، مکرر پیش می‌آید. این تصحیف را ادبای قدیم ما از صنایع بدیع شمرده‌اند و آن را به بازی گرفته‌اند و الحق هم بازی خطرناکی است، چون تفنتی که ادبای این صنعت کرده‌اند، اهمیت زیانی را که رواج و شیوع آن ممکن است به کارهای جدی و غیر تفریحی اهل علم وارد کند، مخفی داشته است! عبث نیست که کتب نظم و نثر ما پر از تصحیفات عجیب و مضحك شده است. درباره تصحیف، علمای قدیم ما تحقیقات جالب کرده‌اند و کتابهایی نوشتند، از جمله حمزه اصفهانی کتابی به نام التنبیه علی حدوث التصحیف دارد که نسخه آن در کتابخانه مدرسه مروی بود و در این اوآخر از آن فواید عظیم حاصل آمد. نیز دارقطنی و ابو احمد عسکری و سیوطی هم در باب تصحیف کتابها تصنیف کرده‌اند. کتابی هم رسیدالدین وطوات در تصحیف داشته است که معلوم نیست باقی مانده باشد. کثرت رواج بی‌سوادی و بی‌دقّتی نسبب شده است که حتی در قرآن هم تصحیف خوانی می‌شده است و گاه در تلاوت قرآن از بی‌دقّتی با بی‌سوادی کسانی دچار تصحیف خوانی می‌شده‌اند. در کتاب الفهرست از ابن‌الراوندی معروف نقل شده است که گفت: بر پیر مردی گذشتم

خطا می‌شوند و غالباً اشتباههای مضحك می‌کنند. معهذا باید اعتراف کرد که در این مرحله از نقادی قوت حدس و حدّت ذوق گاهی از اوقات تأثیر مفید و مطلوبی دارد و کسانی که ذوق سليم خود را با مطالعه و ممارست و تحقیق و تدقیق عادت و ریاضت داده باشند، در این مراحل از فواید حدس صائب بهره‌های بربند، اما البته اعتماد کلی بر حدس صائب خطاست و محقق می‌باشد در استفاده از ظن و حدس خویش مقتضد و معتدل باشد و بر آنچه به طریق حدس به خاطر وی می‌رسد حتی المقدور با سوء‌ظن نگاه کند و تا صحت آن را از طریق به دست آوردن شواهد و نظایر دیگر امتحان نکند، اعتماد کلی بر حدس خویش ننماید.

بهر حال مرحله تصحیح که به مثابه تعبیه پل و عبور از آن است، مرحله‌ای خطیر است و منتقد اگر در آن مرحله، تمام شرایط و دقایق تأمل و دقّت و امعان نظر را به کار نبندد، تمام زحمات و مشقّاتی را که در مرحله ضبط کشیده است ممکن است در یک آن بر باد بدهد و کاری که با آن دقّت و زحمت مقدماتش فراهم گشته، بر اثر اندک سهل‌انگاری و شتابزدگی بكلی بی‌اعتبار و فاقد ارج و ارزش بنماید. به همین سبب در این مرحله عبور از پل، محققان هیچ‌گونه شتاب و عجله را جایز نمی‌شمارند و با دقّت و حوصله تمام بسا که کاری را چندین سال مستمر و مداوم ادامه بدهند و دنبال بکنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

تحریفها و ناروایی‌ها که رفع و اصلاح آنها در این مرحله تکلیف عمده محقق منتقد هست، همه از یک گونه نیست؛ بعضی اسقاطات یا الحالاتی است که نسخه‌نویس غالباً از روی قصد و غرض در نسخه وارد می‌کند. بعضی دیگر تغییرات و تصحیفاتی است که از بی‌سوادی یا بی‌دقّتی او ناشی می‌شود. توجه به نوع این غلطها و تحریفات برای محقق کمال لزوم را دارد. چون از این راه معلوم می‌کند که کاتب اهل غرض است یا نیست و دقّت و مبالغات دارد یا ندارد؟ وقتی این مطلب معلوم شد، البته منتقد تکلیف خود را بهتر می‌فهمد و بهتر می‌داند که با چنین نسخه‌ای و چنین کاتبی چه معامله باید کرد.

آنچه اسقاط یا الحال است غالباً از روی قصد و غرضی است. درست است که گاه ممکن است کاتب سهواً عبارتی را یا حتی چندین جمله و یا خود صفحه‌ای را هنگام کتابت از قلم بیندازد یا عبارتی و حتی قسمتی و صفحه‌ای از مطالب کتاب را تکرار کند. اما اسقاط و الحال در اغلب موارد از قصد و غرض کاتب ناشی است؛ چه بسیار که کاتب شیعی هنگام رونویسی از کلیات سعدی و خمسه نظامی اشعار و ابیاتی را که در آنها مدح اصحاب پیغمبر

کمال توجه و دقّت را بدان داشته باشد و البته عنایت به موجبات و اسباب تصحیف از اموری است که به تصحیح و انتقاد متون کمک می‌کند و این اسباب را که عبارت از قلب و ابدال حروف و یا حذف هجای مکرر در کلمات و امثال آنهاست، محققان معلوم کرده‌اند؛ و توجه به این اسباب و علل در مرحله تصحیح بر بصیرت و دقّت منتقد و مصحح می‌افزاید و بساکه اورا موفق می‌دارد که تصحیفات مکتوم و مستور را بروشنى ذهن دریابد و متن نسخ را از وصمت این تصرفات بکلی و یا تا حد مقدور پاک بنماید.

باری بی‌دقّتی نسّاخ بساکه کلمات را تحریف و تصحیف می‌کند. حروف مشابه و حروفی که تفاوت آنها در نقطه است، بسهولت و با اندک بی‌دقّتی ممکن است به یکدیگر اشتباه شوند، اما از بی‌سوادی و فضولی نسخه‌نویسان اشتباهاتی وخیم‌تر و عظیم‌تر پدید می‌آید. بساکه ناسخ بواسطه بی‌سوادی املای کلمات را عوض می‌کند و یا کلمه‌ای را که در نظرش غریب و نامائوس می‌نماید تبدیل به کلمه ساده‌تری می‌کند. در این فضول یا فضولی هم غالباً چنان بی‌اختیار بوده‌اند که در قرآن هم چنانکه معروف است بساکه «خرّ موسی» را «خرّ عیسیٰ» کرده باشند. بیهوده نیست که شعرا و نویسنده‌گان غالباً از دست نسخه‌نویسان خویش شکایت کرده‌اند و بعضی هم مثل شیخ آذری و جامی شاید خواسته‌اند گناه سخافت و بیمزگی شعر خود را به گردان کتاب بیندازند.

شیخ آذری در یک قطعه از کاتبی به نام امینا شکایت می‌کند:

دیوان بندۀ را که امینا سواد کرد
تنها درونه شعر مجرد نوشته است

از نظم و نثر هرچه به فکرش خوش آمدہ است

دیوان بندۀ پر ز خوش‌امد نوشته است

هرجا که لفظ ید مثلاً دیده در سخن

دست تصرفش همه را بد نوشته است

حالی شریک غالب دیوان بندۀ اوست

زیرا که بیشتر سخن خود نوشته است

و جامی به تعریض از نبودن نسّاخ امین و دقیق شکایت

می‌کند:

غلام خامه آن کاتبم که شعر مرا

چنانکه بود رقم زدن هرچه خواست نوشت

و گرچه شعر، فروع از دروغ می‌گیرد

دروغ و راست درو هرچه بود راست نوشت

باری تحریفات و غلط کاریهای نسخه‌نویسان را که موجبات و

که مصحّفی در دست داشت و می‌خواند: «وَلِلَّهِ مِيزَابُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» گفتم: «مِيزَابُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» چه معنی دارد؟ گفت: مِيزَاب همین باران است که دیده باشی، گفتم: تا چون تو کسی قرآن نخواند، در آن تصحیف پدید نیاید؛ درست آنکه بخوانی «وَلِلَّهِ مِيراثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».^۱

در احادیث نیز چه در متن و چه در استناد، تصحیفات مکرر روی می‌داده است و به قدری در این موارد حفاظ و محدثین گرفتار تصحیف می‌شده‌اند که از امام احمد بن حنبل معروف نقل است که گفته است: کیست از خطأ و تصحیف بر کنار مانده باشد؟ همچنین سیوطی در المزهّر و ابن الصلاح در مقدمه هر کدام شرحی در باب تصحیف علماء دارند که بسیار خواندنی است. ابن الصلاح و دارقطنی در باب منشأ تصحیفات احادیث، تحقیقاتی هم کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که تصحیفات بطور کلی بعضی بصری است و بعضی سمعی، بعضی از طریق لفظ پیش آمده است و بعضی از طریق معنی روی داده است.

به حال وقتی در قرآن و احادیث امکان تصحیف باشد، متون ادبی و تاریخی البته از آن بر کنار نمی‌ماند و بیهوده نیست که در کتب ادب و تاریخ کمتر صفحه‌ای هست که تصحیفی در کلمات رخ نداده باشد. این تصحیفات گاه بعضی از لغت نویسان را نیز به اشتباه انداخته است، چنانکه فرهنگ جهانگیری تصحیفات بسیار دارد و از اغلاط زیاد مشحون است، مثل آنکه «مارچوبه» را که معروف است به تصحیف «تارچوبه» خوانده و در باب تاء آورده است و «ناگاج» به معنی ناگاه را هم «تاگاج» خوانده و در باب تاء ضبط کرده است. برهان قاطع نیز از این گونه تصحیفات فراوان دارد، مثل آنکه «من» عربی را که به معنی منت است، به تصحیف «هن» خوانده است و «بهیزک» را که کبیسه سال است به تصحیف «بهترک» خوانده است.

باری از این قبیل تصحیفات که لغت نویسان کرده‌اند، اشتباهات و غلط کاریهای بزرگ برخاسته است؛ چون این لغات مصحف را بعضی متأخران به خیال آنکه صحیح است در نظم و نثر خویش بدون تحقیقی به کار برده‌اند، نمونه‌ای از این گونه تصحیفات را در الجاسوسن علی القاموس که نقدی است بر قاموس فیروز آبادی و در قاطع برهان اسدالله غالب دهلوی که ردی است بر برهان قاطع می‌توان یافت و در مقدمه فرهنگ انجمان آرای ناصری هم نمونه‌ای چند از اینگونه تصحیفات نقل شده است.

به هر حال تصحیف از آفات و بلیات کتابت است و مکرر در خط فارسی پیش می‌آید و از اموری است که محقق منتقد باید

به گمان آنکه تعلق به متن دارد، در متن وارد کرده‌اند، کلمات و عبارات و حتی سطوری را که ابتدای آنها با هم شباهت داشته و یکی بوده است بساکه از بی‌دقّتی حذف کرده‌اند.

باری البته خطاهای تحریفات نسخه‌نویسان بسیار است. اما ذهن ثاقب و حدس صائب لازم است تا در مرحله تصحیح متوجه این تحریف - که گاهی از بس جزئی هستند، از نظر مخفی و مستور می‌مانند - بشود و از اینجاست که کار تصحیح متون دشوار و پردرد سر و مستلزم دقّت و حوصله بسیار است و از عهده هر کس برنمی‌آید، و دقّت و تعمّق و حوصله و معلومات لازم دارد.

البته نقد متون، خود نقدی عالی که متضمّن تحقیق در اسالیب و طرق و محاسن و معایب کلام یا تأمل در احوال و افکار و محیط و احساسات نویسنده و شاعر باشد نیست، اما این مزیّت را دارد که اثر شاعر و نویسنده را به صورتی که عین و یا قریب به اصل آن اثر باشد، عرضه می‌کند و اصل و اساس هرگونه نقدی را تهیّه می‌نماید و در واقع بدون آنکه متن اثری را درست نقد نمایند، مجعلوں و منحول را از آنچه اصیل و صحیح است، نمی‌توان بازشناخت و بدین سبب نقد متون مهمترین و دقیق‌ترین و به یک تعبیر علمی‌ترین و اصیل‌ترین اقسام نقد ادبی است. طرق و قواعدی هم دارد که البته متعدد است و از آن میان بعضی هست که متروک و منسوخ شده است. بعلاوه از این طرق و قواعد، تمامشان اصالت و اعتبار علمی ندارند و از این رو متونی که به این طرق مختلف، نقد و تصحیح شده است، به یک درجه اعتبار ندارد.

بطور کلی با وجود اهمیت و دقّت و متنانتی که روش و شیوه نقد لاخمان و اصحاب او دارد، برای نقد و تصحیح تمام متون نمی‌توان آن را به کار برد و از آن یک قاعدة کلی پیشنهاد کرد. حقیقت آن است که هر کتابی و هر متن ادبی خود مسئله‌ای تازه است که حل آن را از وضع خاص خود کتاب باید جست. چون هر کتابی و هر نویسنده‌ای وضع خاصی دارد و در آن آثار دیگران طور دیگری اخذ و نقل شده است و از جهت سبک انشا و طرز استعمال لغات شیوه‌ای مخصوص داشته است، ناچار نقد و تصحیح متن آن هم باید با وسایل و طرقی مناسب انجام بیابد.

به هر حال آنچه نزد محققان مسلم است این است که در نقد متون باید قطعاً و حتماً از تصحیحات قیاسی و اصلاحات استحسانی جز به گاه ضرورت خودداری کرد و نباید توقع داشت که اجتهادات شخصی و احتمالات فردی و ذوقی منتقد را همه خوانندگان کتاب با چشم بسته در حکم وحی منزل بشمارند، بلکه باید با روش معقول دنیاپسندی که امروز مقبول جمیع محققان

اسباب مادی یا نفسانی دارند، می‌توان تتعديل کرد و این کاری است که محققان و منتقدان کرده‌اند و توجه بدان را نهایت درجه لازم و ضروری شمرده‌اند.

از این خطاهای آنچه بیشتر متداول است، آنهاست که به نحوی از انحصار مربوط به نقل و رونویسی متن می‌باشند و بیشتر آنها هم مربوط به خطای حواس، خاصه حس باصره است. مثلاً هنگامی که کاتب نظر از متن نمونه برمی‌دارد و به نسخه‌ای که خود می‌نویسد نظر می‌اندازد و یا بر عکس موقعی که چشم را از روی نسخه‌ای که خود می‌نویسد برمی‌دارد و به متن نمونه نظر می‌افکند، ممکن است دچار خطاهایی بشود، چنانکه فی المثل بعضی حروف را مکرر بنویسد یا بعضی کلمات و حروف را از قلم بیندازد و یا حتی عبارتی و سطری را بکلی فراموش کند.

در بعضی موارد این خطاهای کتابتی ناشی از این است که کاتب کلمه‌ای یا عبارتی را نمی‌تواند بخواند و آن را ناچار نقاشی می‌کند و یا اصلاً بواسطه بی‌دقّتی و بی‌سواندی به نوعی دیگر می‌خواند و کلمه‌ای دیگر می‌پندارد.

در بعضی موارد که گویا کتابی را به سمعای املاء تلقّی کرده‌اند، خطاهایی است که می‌توان آنها را به سامعه منسوب داشت و البته در این موارد تحقیق و اطلاع از اینکه کدام حروف و کلمات در اثر خطای سامعه ممکن است به یکدیگر اشتباه شوند، برای محقق خالی از فایده نیست و ممکن است اورا در تشخیص و انتخاب صورت صحیح اصیل یک کلمه مدد و راهنمایی بکند. اما البته تعداد نسخی که بتوان مدعی شد به طریق سمع و املأة تلقّی شده باشد، زیاد نیست و به همین جهت اکثر خطاهای نسخه‌نویسان خطای باصره است.

نیز از خطاهایی که نسخه‌نویسان غالباً بدان دچار گشته‌اند، اغلاط املائی است، مثل آنکه کلمات را نابجا متصل یا منفصل نوشته‌اند و موجب ابهام و ایهام گشته‌اند. در بعضی موارد کلمات یا عبارتی را که در متن نبوده است و به سببی در حین تحریر به خاطر خود آنها گذشته است، در متن بی‌سببی آورده‌اند و داستان «آرد نماند» که در «چهار مقاله» آمده است نمونه‌ای از این گونه موارد است.

در موارد دیگری جای عبارات و خاصه اشعار را جابجا کرده‌اند و یا چون شعری را فراموش کرده‌اند در جای خود بنویسند، بعد چون به خاطر آورده‌اند، آن را تدارک کرده‌اند و بکلی نابجا نوشته‌اند. گاه نیز حواشی و شروحی را که کسی از مطالعه کنندگان نسخه در هامش صفحات یادداشت کرده بوده، و بعدها

قوم ایرانی از متون معمولی بدون تنقیح و تصحیح استنباط شود، ارزش و اعتبار علمی نخواهد داشت.

شاید این اندازه بحث و فحص و دقّت و وسوس است که محققان اهل فضل در نقد متون توصیه کرده‌اند، دشوار باشد، اما کسانی که به اهمیت و غور این کار واردند، دقّت و وسوس را به هیچ‌وجه زاید ولاطائل نمی‌شمارند و تمام این دقایق را در تصحیح متون به کار می‌دارند.

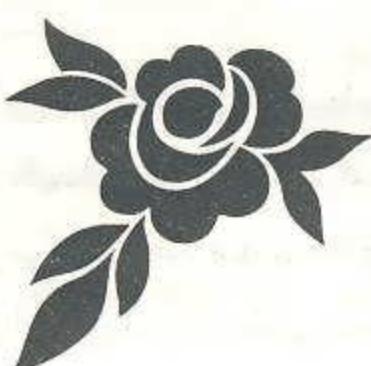
از عالی‌ترین نمونه‌های این نوع نقد متون - که البته در اروپا هم زیاد نظری ندارد - می‌توان نقد و تصحیح متن کتاب ژرمانیا (Germania) اثر تاسیتوس - مورخ معروف رومی - را نام برد که روبنسون (Robinson) به سال ۱۹۳۵ میلادی با نهایت دقّت و با رعایت جمیع قواعد و اصول نقد و نقادی آن را منتشر کرده است و این کتاب شاهکار طبع انتقادی است و وسوسی که در تهیه آن به کار رفته است، حد اعلای دقّت و وجودان علمی است.

البته این مایه دقّت و وسوس علمی - چنانکه عرض کردم - در حد و حوصله هر کس نیست و از این رو بساکه امروز هر کس در صدد نقد متون قدیم بر می‌آید، غالباً متعدد به این عذر می‌شود که نسخ مختلف آن در اقصی عالم پراکنده است و دسترسی بدانها نیست و مقابله و رونویسی و حتی تهیه عکس آنها دشوار است. اما کدام کار دشواری هست که برای کاهلی در اتمام آن نتوان بهانه تراشید و اگر همه‌جا حتی در کارهای علمی نیز عذر و بهانه مسموع و مقبول باشد، کار درست و کامل را چگونه و از که می‌توان انتظار داشت؟

(متن سخنرانی در تالار دانشکده ادبیات، ۳۰ آبان ۱۳۳۵)
[یادداشت‌ها و اندیشه‌ها از مقالات، نقدها و اشارات / تألیف دکتر عبدالحسین زرین کوب - تهران: اساطیر، ۱۳۷۱ - چاپ چهارم (اول اساطیر).]

پی‌نوشت:

۱. الفهرست (تکمله)، ص ۵، چاپ مصر.



عالی است در احیای متون قدیم، نخست تا حد محدود جمیع نسخ خطی معتبر قدیم آن متن را در هرجا و هر کتابخانه که هست جمع آورد و از طریق مقابله و مقایسه بدوى، شجره‌نامه آنها را معلوم داشت و سپس از آن میان نسخه‌ای را که قطعاً اصلی‌تر است، اساس تشخیص قرارداد و از سایر نسخ آنها یک را که نسبتاً اصلی و معتبر هستند و به جهاتی در خور توجه و اهتمام می‌باشند، نگاهداشت و اختلافات قرائات و نسخه‌بدل‌های آنها را هرقدر جزئی و ناچیز هم به نظر بیاید، با کمال دقّت ضبط کرد. این کار البته باید با دقّت و وسوس تمام انجام بپذیرد، معهذا این کار البته یک عمل حرفه‌ای و تکنیک ساده نیست.

تشخیص نسخه اصلی اساس، ذوق سليم و طبع لطیف می‌خواهد و کافی نیست که فقط تاریخ تحریر و نوع قلم و جنس کاغذ را ملاک قدم نسخه‌ای و اصالت کتابی دانست و به صرف اینکه نسخه‌ای از جهت ظاهر قدیمتر به نظر می‌آید، آن را بر جمیع نسخ متأخر ترجیح داد. چون هیچ بعید و یا لااقل محال نیست که یک نسخه جدیدتر، از اصلی متقن‌تر و معتبرتر نقل شده باشد و از نسخ قدیمتری که کتاب فضول و بی‌سجاد و بی‌امانت نوشته‌اند، اصلی‌تر باشد.

با این همه در این کار هم بدون عجله و با کمال دقّت قدم باید برداشت و نباید بهانه به دست بوالفضولان داد که به این دستاویز نسخ جدید متأخر را به صرف اینکه از جهت املاء و انشاء مضبوط‌تر و مربوط‌تر است، بر نسخ قدیمتر که تحصیل آنها خالی از اشکالاتی نیست، ترجیح دهنند. و در هر حال مرحله عمده کار نقد متون، مرحله ضبط نسخ و تحقیق در انساب نسخ است که اگر مدغیان و نااهلان بدان دست بزنند، هرقدر هم قواعد و رموز فنی را درست مراعات کنند، به واسطه فقدان تجربه ذوقی و مایه علمی از عهده تشخیص نسخه‌ای که می‌تواند اساس قرار بگیرد، بر نمی‌آیند.

البته در موارد نادری هم که حل مشکلات متن جز به مدد حدس صائب میسر نیست و تصحیح قیاسی مقرن با احتیاط ضرورت پیدا می‌کند، باز ذوق درست و سجاد کافی اساس کار است و بنابراین در نقد متون هر قدر دقّت و احتیاط به کار برود و هر قدر ذوق و معلومات و تجربه با دقّت و احتیاط مقرن و توأم باشد، مفیدتر است و البته امروز هر چه بیشتر به احیا و تصحیح انتقادی متون قدیم فارسی توجه بشود، ضرورت دارد. چون تا جمیع متون مهم نظم و نثر فارسی با دقّت کافی تصحیح و نقد دقیق نشود، هرچه در باب زبان و تاریخ و ادبیات و احوال اجتماعی



آشنایی با « مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامي»



مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامي

۱. آماده ساختن وسائل تحقیق در نسخه های خطی؛
۲. کوشش در حفظ و ترمیم نسخه های خطی؛
۳. تهیه وسائل برای فهرست کردن مجموعه هایی که تاکنون فهرست نشده است؛
۴. تهیه میکروفیلم از مخطوطاتی که به طریق عادی دست یافتن به آن دشوار است، و در اختیار دانشمندان قرار دادن آنها برای تحقیق؛
۵. ثبت کردن نسخه های خطی جهان در یک مرکز با وسائل تکنولوژی جدید؛
۶. چاپ و انتشار نسخه های خطی که دارای اهمیت تاریخی و علمی است؛
۷. برگزاری کنگره ها و سمینارها و سخنرانیهای علمی به منظور ترغیب پژوهشگران برای شناسایی و تحقیق در نسخه های خطی؛
۸. به وجود آوردن کتابخانه ای مجهز به وسائل تحقیق و دعوت از اهل علم برای انجام طرحهایی که باید از منابع خطی هم استفاده شود.

این مؤسسه از سال ۱۹۸۹ دو تن متخصص در شناسایی نسخ خطی را به ۸۰ کشور گسیل داشته که مشخصات مجموعه های نسخه های خطی اعم از آنهاست که فهرست شده و یا نشده، ثبت و ضبط کنند. این تحقیق تا سال ۱۹۹۲ پایان می یابد و در خلال همین زمان مؤسسه برای تعداد بسیاری از کتابخانه های خصوصی که تاکنون فهرست نشده فهرست تفصیلی آماده می سازد و شرکت انتشاراتی بریل واقع در لیدن از بلاد هلند عهد دار نشر این تحقیق در سه مجلد شده است.

این مؤسسه بر طبق اولویت شروع به چاپ تحقیقی و نشر این نسخه های خطی می کند و گذشته از اینکه اسلوب و روش

نسخه های خطی آثار دانشمندان اسلامی نه تنها در بلاد اسلام و یا بلادی که اقلیت مسلمان در آن ساکن است، بلکه در اروپا و آمریکا و زاپن و استرالیا و حتی کشورهای آفریقای سیاه، به حد وفور یافت می شود و به ندرت کشوری را می توان یافت که مجموعه ای از نسخه های خطی در آن وجود نداشته باشد. این گنج سرشار و بحر زخار علم و معرفت که دین و آیین و فرهنگ و تمدن و سنن و رسوم و آداب ملل مسلمان در آن نهفته است اکنون با خطرهای گوناگونی مواجه گشته است. در بعضی از کشورهای سانند کشورهای شبه قاره هند و پاکستان و بنگلادش و سیلان، عوامل جوی نسخه های خطی را در معرض موریانه خوردگی و پوسیدگی قرار داده، در فلسطین اشغالی نسخه های خطی اسلامی همچون مصحفی در سرای زندیقان در ابیارهای قفل زده نهان شده و مسلمان و غیر مسلمان به آن دسترسی ندارند، در ترکیه آنقدر نسخه های خطی فراوان است که نیروی انسانی موجود آنان، قادر بر فهرست نویسی و طبقه بندی و معرفی آنها نیست. در بسیاری از کشورهای اسلامی به جهت حوادث سیاسی و اجتماعی استفاده متقابل از نسخه های خطی موجود در آن کشورها متعسر بلکه متعدد است، و در برخی از کشورهای به جهت تهاجم فرهنگ غربی به آن میراث گرانها فقط به عنوان آثار باستانی می نگرند و استشعار به این نکته ندارند که هر نسخه ای خطی، «جهانی از علم است که در گوشه ای آرمیده است.»

احساس نیاز به این میراث علمی گرانها برای استوار ساختن حیات معنوی، حفظ و نگهداری آن برای آیندگان و آسان گردانیدن مراجعه و بحث در آن موجب ایجاد مؤسسه ای در لندن به نام مؤسسه الفرقان برای احیای میراث علمی اسلامی گردید که در سال ۱۹۸۸ رسماً افتتاح شد و هدفهای زیر را وجهه همت خود قرار داد:

- دکتر صلاح الدین المنجد (کتابشناس مشهور و مدیر سابق مجمع المخطوطات العربية قاهره)
- دکتر ناصر الدین الاسد (رئیس فرهنگستان علوم اسلامی اردن)
- دکتر عبدالهادی التازی (مشاور عالی علمی سلطان مراکش)
- پروفسور مونتگمری وات (استاد اسلامشناسی دانشگاه ایدینبورو)
- دکتر سید حسین نصر (استاد اسلامشناسی دانشگاه جورج واشینگتن) در کمیته تخصص نیز دانشمندانی چند شرکت دارند از جمله:
- دکتر هانین (رئیس مؤسسه مطالعات شرقی آلمانی در بیروت)
- دکتر جان جاست ویتمکام (مدیر مجله نفیس مخطوطات خاورمیانه که در بریل از بلاد هلند منتشر می شود)
- آقای ایرج افشار (محقق و کتابشناس مشهور ایرانی) خط مشی و سیاست گذاری علمی مؤسسه به دکتر سیدحسین نصر و اگذار شده است و دکتر هادی شریفی در اداره مؤسسه ایشان رایاری می کنند.

نشانی مؤسسه الفرقان:

Al-Furqan Islamic Heritage Foundation Eagle House,
High street, Wimbledon. London. SW 19 5EF
Tel: [44] (0) 181 944 1233
Fax: [44] (0) 181 944 1633

تحقیق علمی در آنها صورت می گیرد همه این نشریات مقدمه ای به زبان انگلیسی خواهد داشت تا دانشمندان جهان از اهمیت و ارزش محتوای این کتابها آگاه شوند.

مؤسسه از ۱۹۹۱ هر سال کنگره ای در سطح بین المللی تشکیل می دهد و متخصصان و آگاهان نسخ خطی را از اقطار عالم دعوت می کند تا نتیجه تجربه ها و آگاهیهای خود را در آن کنگره در معرض شور و بحث و گفتگو بگذارند.

برای مؤسسه عمارتی مجلل در یکی از نواحی لندن موسوم به ویمبLEDون Wimbledon برگزیده شده که دارای کتابخانه ای منظم و مجهز به دستگاههای قرائت نسخ و سایر لوازم و ادوات تحقیقاتی است. هزینه مؤسسه از منبع مالی متعلق به آقای شیخ احمد زکی یمانی، وزیر نفت سابق عربستان سعودی، که برای این طرح وقف شده تأمین می شود.

اداره مؤسسه الفرقان به وسیله یک شورای بین المللی و یک کمیته تخصصی انجام می گیرد. در شورای مشورتی افراد زیر و چند تن دیگر شرکت دارند:

■ دکتر اکمل الدین احسان اوغلو (رئیس مرکز پژوهش تاریخ و فرهنگ و هنر استانبول)

■ دکتر جورج عطیه (مدیر بخش کتابهای اسلامی کتابخانه کنگره آمریکا)

■ شیخ حمد الجاسر (لغوی مشهور جهان عرب و عضو مجمع اللغة العربية قاهره)

■ دکتر آن ماری شیمل (استاد تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه هاروارد)

■ دکتر هاتری دوفوش کور (رئیس بخش ایرانشناسی دانشگاه پاریس)

فهرست انتشارات

در ذیل عناوین کتابهای منتشر شده مؤسسه جهت اطلاع علاقه مندان درج می شود:

Worldwide Survey of Islamic Manuscripts:
Inaugural Volume
(1991), 159pp, 1 873992 00 9, pb 12.00 £
World Survey of Islamic Manuscripts (Vols I-IV), edited by Geoffrey J Roper
vol I (1992): 569pp; vol II (1993): 724pp; vol III(1994): 716pp;
vol IV (1994): 489pp [£ 100 per volume], hb
400.00(set) £

Ālam, a translation of 'al- Al- Makhtūtāt World Survey of Islamic al-Islāmiyyah fi [Ithīyūbīyā-al-Brāzīl], 1 873 992 22 X, [£60 per by into Arabic, Abd al-Sattār al-Ḥalwājī (expected 5 vols), vol I (1997):766pp 60.00(vol I) £ 'volume], hb Manuscripts

The Significance of Islamic Manuscripts:
Proceedings of the Inaugural Conference of

Al-Furqān Islamic Heritage Foundation,
edited by John Cooper
(1992), 181pp, 1 873992 05 X, pb 9.00 £

al-Islāmiyya:A al-Makhtūtāt māl al-mu'tamar
al-ifṭitāḥī 'Ahammiyyat li-mu'assasat al-Furqān lil-turāth al-islāmi
(1992), 250pp, 1 873992 06 8, pb 10.00 £

| | | |
|---|---|--|
| Catalogue of Arabic Manuscripts in the SS Cyril & Methodius Library | Fihris Makhtūtāt Markaz Ahmād Bābā lil-Tawthiq wa-'l-Buhūth al-Tārikhiyyah bi Tunbuktū, vol. I [Islamic Manuscripts Handlists Series V: African Collections-Mali], compiled by Sidi Amar Ould Ely, and edited by Julian Johansen (vol. I in a six-volume set) (1995), 592pp, 1 873992 14 9, hb 24.00 £ | edited by Ayman Fuad Sayyid (1995), 664pp, 1 873992 16 5, hb 24.00 £ |
| Fahrās Makhtūtāt Maktabat Makkah al-Mukarramah | | |
| Ulūmīh. [Islamic Manuscripts Handlists 'Series I: wa al-Qur'ān -Qism Asian Collections-Saudi Arabia] by Muhammad al-Habīb al-Hīla (1994), 145pp, 1 873992 09 2, hb 18.00 £ | Fihris Makhtūtāt Markaz Ahmād Bābā lil-Tawthiq wa-'l-Buhūth al-Tārikhiyyah bi Tunbuktū, vol. II [Islamic Manuscripts Handlists Series VI: African Collections-Mali], compiled by Librarians of the Centre, Abd'Abbās (vol. II in a six-volume set) and edited by 'al-Muhsin al- (1996), 680pp, 1 873992 20 3, hb 24.00 £ | Les mathématiques infinitésimales du IX ^e au XI ^e siècle, vol I Fondateurs et Commentateurs: Banū Mūsā, Ibn Qurra, Ibn Sinān, al-khāzin, al-Qūhi, Ibn al-Samh, Ibn Hūd, by Roshdi Rashed [vol I in a 3-volume set] (1996), 1, 125pp, 1 873992 18 1, hb 80.00 £ |
| Fahrās Makhtūtāt Maktabat Makkah al-Mukarramah | | |
| -Qism al-Tārīkh, [Islamic Manuscripts Handlists Series II: Asian Collections-Saudi Arabia] by Muhammad al-Habib al-Hila (1994), 145pp, 1 873992 10 6, hb 18.00 £ | Fihris Makhtūtāt Markaz Ahmād Bābā lil-Tawthiq wa-'l-Buhūth al-Tārikhiyyah bi Tunbuktū, vol. III [Islamic Manuscripts Handlists Series X: African Collections-Mali], compiled by Librarians of the Centre, Abd'Abbās (vol. III in a six-volume set) and edited by 'al-Muhsin al- (1996), 866pp, 1 873992 26 2, hb 24.00 £ | Les mathématiques infinitésimales du IX ^e au XI ^e siècle, vol II Ibn al-Haytham [Travaux en mathématiques infinitésimales], by Roshdi Rashed (1993), 598pp, 1 873992 07 6, hb [vol II in a 3-volume set] 80.00 £ |
| d al-Maktabāt al-Khāṣṣah fi 'l-Yaman, Fihris Makhtūtāt Ba'[Islamic Manuscripts Handlists Series III: Asian Collections-Yemen] compiled by Abd Allāh Muhammād al-Hibshi, and edited by Julian Johansen (1994), 506pp, 1 873992 12 2, hb 24.00 £ | The Codicology of Islamic Manuscripts: Proceedings of the Second Conference of Al-Furqān Islamic Heritage Foundation, edited by Yāsin Dutton (1995), 160pp, 1 873992 15 7, pb 9.00 £ | The Conservation and Preservation of Islamic Manuscripts: Proceedings of the Third Conference of Al-Furqān Islamic Heritage Foundation, edited by Yusuf Ibish, co-edited by George Atiyeh (1996), 160pp, 1 873992 19 X, pb 12.00 £ |
| [Fihris] makhtūtāt Dār al-Wathā'iq al-Qawmiyyah al-Nijriyyah bi Kādūnā vol. I [Islamic Manuscripts Handlists Series IV: African Collections-Nigeria] compiled by Baba Yunus Muhammād, and edited by John Hunwick (1995), 357pp, 1 873992 13 0, hb 24.00 £ | Dirāsat 'ibārāt al-Māddah wa-al-Bashar: al-Makhtūtāt al-Islāmiyyah bayna I māl al-mu'tamar al-thāni li-mu'assasat A 'al-Furqān lil-turāth al-islāmi, edited by Rasheed el-Enani (1997), 227pp, 1 873992 21 1, pb 12.00 £ | Fihris Makhtūtāt Shinqit wa-Wādān, [Islamic Manuscripts Handlists Series VII: African Collections-Mauritania], compiled by Ahmād Wuld Muhammād Yaḥyā, and edited by Ulrich Rebstock (1996), 500pp, 1 873992 23 8, hb 24.00 £ |
| Fihris makhtūtāt Dār al-Wathā'iq al-Qawmiyyah al-Nijriyyah bi Kādūnā vol. II [Islamic Manuscripts Handlists Series IX: African Collections-Nigeria] compiled by Baba Yunus Muhammād, and edited by John Hunwick (1997), 360pp, 1 873992 25 4, hb 24.00 £ | Abd al-Qādir Taqī al-Dīn 'Abbās al-Maqrīzī's Ahmād ibn 'Alī ibn 'Abū al-tibār fi dhikr al-khiṭāṭ "Musawwadat Kitāb | Fihris Makhtūtāt Maktabat al-Shaykh Mūr Mbāy Sīsī wa-Maktabat al-Hājjī Mālik Sīh wa-Maktabat al-Shaykh Ibrāhīm Niyyās fi al-Singhāl, [Islamic Manuscripts Handlists Series VIII: African Collections-Senegal], compiled & edited by ousmane Kane, (1997), 482pp, 1 873992 24 6, hb 24.00 £ |



مجله‌های نسخه‌های خطی

این نشریه به کمک و مراقبت مدرسه مطالعات عالی علوم تاریخی و زبانی دانشگاه پاریس و همکاری بنیاد ماکس فان برخم (Max van Berchem) انتشار می‌یابد و با زحمات اعضای مؤسسه Institut de Recherches et d'Histoire des Textes (Deroche) در پاریس منتشر می‌شود و آقای دروش (Deroche) گرداننده واقعی آن است.

از کارهای با ارزش این نشریه نشر «فیشیه» نسخه‌های خطی تاریخدار از کتابخانه‌های مختلف است. بدین صورت که خاتمه هر نسخه تاریخداری را روی یک ورقه چاپ می‌کنند و مشخصات و



کیفیات آن نسخه را پشت آن با دقت بسیار به ضبط می‌رسانند.
این خدمت گرانقدر را F. I. M. Waley (فرانسوی) و Richard F. Deroche (انگلیسی) و J. J. Witkam (فرانسوی) و (هلندی) مباشرت می‌کنند.

از فوایدی که در ورق زدن عکس خاتمه نسخه‌های چاپ شده

به دستم آمد آگاهی یافتن بر وجود نسخه خطی فرهنگ عربی به فارسی که نسخه اش به کتابخانه ملی پاریس تعلق دارد و مورخ به سال ۶۰۶ هجری و شماره این نسخه در کتابخانه مذکور ۴۲۹۳ عربی است. چون توسط «دسلان» جزء فهرست نسخ عربی معرفی شده بوده است محققان رشته زبان فارسی آن را نشناخته‌اند. پس سزاوار چنان است که دانشمندی چون غلامرضا طاهری یا هادی عالمزاده آن را تصحیح و چاپ کنند. نسخه به خط اسماعیل بن عبدالجلیل بن یعقوب است.

آن را تا جایی که امکان داشت با مرقاة و البلغة و السامي مقابله کردم. معلوم شد کتابی دیگرست. برای آنکه آگاه دلبندی مانند محمد دبیر سیاقی آن را بشناساند عکس همان صفحه‌ای را

مجله معهد المخطوطات العربية

بر تعداد مجله‌های مربوط به مطالعات نسخه‌های خطی اسلامی روز به روز افزوده می‌شود. شاید نخستین آنها را باید مجله معهد المخطوطات العربية دانست که به ابتکار و همت دانشمند نسخه‌شناس صلاح الدین المنجد و از سال ۱۹۵۵ در قاهره انتشار یافت و ۲۶ سال در آن کشور منتشر می‌شد (۱۹۸۰) و با توقفی کوتاه از سال ۱۹۸۲ به مدیریتی دیگر در کویت به چاپ رسید و هنوز هم سالانه یک یا دو شماره، نشر می‌شود.

نسخه‌های خطی

پس از آن نشریه نسخه‌های خطی فارسی بود که [در سال ۱۳۳۷ با همکاری مرحوم محمد تقی دانش پژوه] از سوی دانشگاه تهران آغاز به نشر کرد و کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دوازده جلد آن را به چاپ رسانید. افسوس که این نشریه مفید را قابل ادامه و چاپ ندانسته و کوشش‌های پایه گذارانش را نادیده گرفته قلم نسخ بر آن کشیده‌اند.

manuscripts of Middle East

پس از آن باید از مجلة ممتازی یاد کرد که به قطع بزرگ و کاغذ خوب و مقالات مرغوب به اهتمام ژ. ژ. ویتمان کتابدار و نسخه‌شناس مشهور هلندی در لیدن به چاپ می‌رسد و تاکنون شش مجلد از آن عرضه شده است. این مجله که از سال ۱۹۸۶ شروع به انتشار کرد نامش Manuscripts of Middle East است.

Nouvelles des Manuscrits du Moyen-Orient

پس از آن باید از نشریه پرفایده Nouvelles des Manuscrits du Moyen-Orient نام آورد که از سال ۱۹۹۲ سالی دو بار به چاپ می‌رسد.

عالم المخطوطات والنواودر

نخستین شماره مجله عالم المخطوطات و النواودر با چاپی زیبا و کاغذ فرد اعلا از سوی کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز (شهر ریاض) به مدیریت یحییٰ محمود بن جنید الساعاتی در دویست و پنجاه صفحه در پائیز ۱۹۹۶ منتشر یافت. همه اوضاع و احوال مجله حکایت دارد از اینکه هر سال دو شماره با مطالبی کاملاً علمی و تخصصی به دسترس علاقه مندان خواهد رسید و امید است که نسبت به چاپ رنگی عکس نسخه ها دقیق بیشتری مبذول شود که دور از اصل نباشد. چه بسا بهتر و شکیل تر خواهد بود که عکس همه نسخه ها به رنگ یکدست سیاه آورده شود. ورنه از رنگهای پریده و ناجور چه نکته ای می توان به دست آورد.

طبعی است که مقاله های چنین مجله ای درباره نسخ عربی و بیشتر مرتبط با سرزمینهای کاملاً عربی خواهد بود و کوشش نویسندها و پژوهندگان مجله این است که مطالب آشنا به ذهن و مفید به حال تاریخ اعراب را عرضه کنند.

مطلوب مجله در بخش های «مخطوطات»، «الاختام» (مهر)، «المسکوكات»، «النقوش»، «الوثائق»، چاپ شده است. ملاحظه می کنید که خوشبختانه کتابداران از عالم نسخه خطی به درآمده و بادیدی جهانی تر به آثار گذشته پرداخته و ضمن عنوان «نواودر» به مخطوطات غیر کاغذی هم توجه نشان داده اند.

از جمله مقالات مربوط به نسخ خطی مقاله اول نظری کلی است به مجموعه های مخطوط عربی در عالم اسلامی به قلم یحییٰ محمود. ایشان کوشیده است که نمایی کلی و نمودی اجمالی از آنچه درباره مجموعه های خطی عربی قابل گفتن است درین مقاله بیاورد ولی سخن دامنه دارتر ازین است کما اینکه در مورد ایران Survey اگر چه بحق به بررسی همه جانبی دکتر هادی شریفی در... توجه داشته است ولی استناد به نوشته سی و چند سال پیش دکتر حسینعلی محفوظ (به عربی) هدایت کننده نیست. در حالی که اکنون فهرست نسخه های عربی کتابخانه مرعشی در شش مجلد توسط دکتر محمود مرعشی به زبان عربی منتشر یافته است و عربها به آسانی می توانند بدانند که در کتابخانه مشهور قم چه آثار یا نواودری موجود است.

آقای عبدالرحمن المزینی در مقاله ای راجع به مجموعه نسخ خطی بازمانده از شیخ محمد ابراهیم ختنی (متوفی ۱۳۸۹) پنجاه و دو نسخه را شناسانده است. در این مجموعه نسخه ای جدید از تألیفات خواجه محمد پارسا (نه بارسار) و رساله ای در طب از جامی (?) به عنوان گلشن زاده (?)، شرح کولستان (که باید شرح گلستان

که در ورقه های مورد ذکر چاپ کرده اند در اینجا می آورم، همراه با جدول مشخصات آن.

آفاق الثقافة والتراث

نشریه دیگری که اغلب به مباحث مربوط به نسخ خطی عربی می پردازد آفاق الثقافة و التراث نام دارد. این نشریه زیبا را مؤسسه مشهود «جامعة الماجد» در «دبي» که جمعة الماجد بنیانگذار آن است به چاپ می رساند. مجله ای است که فصلی چاپ می شود و اگرچه مربوط به دنیای عرب است اما از نظر شناخت نسخه های خطی دور از فایده نیست.

Manuscripta Orientalia. International Journal for Oriental Manuscript Research

بالآخره تازه ترین مجله ای که خاص اطلاعات نسخ خطی اسلامی انتشار پیدا کرده نشریه ای است نسبتاً مجلل و البته پرفایده که به همت کتابشناسان و نسخه یاران روس در پترزبورگ تهیه می شود ولی در هلسینکی به سرمایه و همت Dekadi Publishing به چاپ می رسد و پخش می شود. مجله خوش چاپ و بر روی کاغذ برقی است و تصاویر خوبی از نسخه ها در آن ارائه می شود.

دانشمندان روس پس از رهایی از قید و بندهای حکومتی توانسته اند روابط فرهنگی خود را گسترش دهند. در رشته ای که من مختصراً از آن آگاهی دارم می بینم همکاریهای ارزنده ای را با فضای غرب آغاز کرده اند.

نام نشریه مذکور برای کسانی که علاقه مندند نقل می شود:
Manuscripta Orientalia. International Journal for Oriental Manuscript Research

غافل نمانم از این نکته که فضای غربی نسخه شناس پترزبورگ فهرست نسخه های خطی فارسی موجود در آکادمی آن شهر را که تحریر روسی داشت به انگلیسی درآورده و به نام Norman Ross *Tajik Manuscripts* در دو جلد توسط Publishing در نیویورک نشر کرده اند. اگر چه آن را ندیده ام مشخصاتش را از روی اعلانی که در مجله مذکور در فوق چاپ کرده اند، نقل کردم.

دیگر در خاتمه نسخه تاریخ الخلفای سیوطی مورخ ۸۸۷ دیدم که کاتب نوشته است «فی اليوم المبارک الخامس من شهر الله المحرم افتتاح عام سبع و ثمانیة و ثمان مائة.»

اطریشی است. پدرش «فرهاد و شیرین» را در مجموعه‌ای که زیر نظر هلموت ریتر انتشار می‌یافت چاپ کرده است. دختر او امروز از متخصصان نسخه‌شناسی و آشنا به زبان ترکی است. مقاله‌اش دربارهٔ نسخه‌ای است زیبا در تعلیم رسم الخط اسلامی از کارهای عثمانی و به اسلوب آن سامان.

دیدن این مجله مرا متوجه کرد که چه مقدار درباره اصول نسخه‌شناسی اروپایی در زبان آلمانی کار شده است. این مجله را که نمی‌شناختم شناختم و با نام Otto Mazal که پیر رشته نسخه‌شناسی در اطربیش است و از مدیران این مجله آشنا شدم. ضمناً مقاله خانم دودا برای من یادآور نام آن اطربیشی است که نخستین بار از سوی یونسکو برای تعلیم رشته کتابداری به ایران آمده بود و من تلفظ و ضبط درست نامش را از یاد برده بودم. از حواشی مقاله دودا در یافتم نام او *J. Stummvoll* بوده است و چون گرددآورنده جشن نامه *Bick* در سال ۱۹۴۸ بوده است نام او به مناسبتی درین مقاله آورده شده. نامش را از این رو آوردم که در دسترس نویسنده‌گان تاریخ کتابداری نوین ایران باشد. یاد باد آن روزگاران که الفبای کتابداری فنی را ازو می‌شنیدیم.

ایرج افشار [مجله کلک، شماره‌های ۷۳ - ۷۵ و ۸۵ - ۸۸]

منظور باشد) مورخ ۹۵۷، شرح نزهۃالارواح از عبدالواحد ابراهیم،
 کتاب فارسی فی الموعظ که مؤلفش شناخته نیست (توضیحی
 دیگر هم نداده اند که مشکل گشا باشد)، مرادالعارفین که مؤلفش
 شناخته نیست، نزهۃالارواح حسین بن عالم خط ۷۲۱ از جمله
 نسخه های فارسی آن مجموعه است ولی مقدار مشخصات فهرست
 نگار، کفایت به شناخت کامل آنها ندارد.

در بخش المراجعات معرفی مبسوط نسخه‌های عربی «التشويق البطئی»، «التنبيه»، «الزهور المقتطف من تاريخ مکة المشرفة»، «السيف المحدود»، «غاية البيان»، «الكتيبة الكامنة» دیده می‌شود. باید دانست که پیش ازین در سال ۱۴۰۰ هجری مجله عالم الكتاب به اهتمام پردازندگان مجله کنونی شروع به انتشار کرد.

نسخه‌شناسی در اتریش

نسخه‌ای از دفتر پانزدهم مجله Codices Manuscripti را معاون بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی وین به مناسبت مقاله‌ای که از خانم دروتا دودا Dorothea Duda در آن درج شده است به من لطف کرد. این بانو، دختر هربرت دودا مستشرق معروف



مؤسسه دار المصطفی (ص) لایحه التراث با بیان اهمیت میراث مکتوب و احیای آن، اهداف تأسیس این مؤسسه را بطور خلاصه منعکس نموده و همچنین کتابهای مطبوع و در دست چاپ و تحقیق خود را معرفی کرده است. از اهداف این مرکز گردآوری نسخه‌های خطی و مقالات تحقیقی، شناساندن منطقه، احیای آثار مکتوب منطقه، تشویق به احیای نسخه‌های خطی و انتشار فصلنامه می‌باشد.

التراث

العدد ١ - السنة الأولى - مطبعة دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان

نـ المـرأـيـ الـأـخـمـدـيـ بـهـادـعـ فـيـ الزـرـنـ مـنـ الـمـسـبـدـ

نـ هـرـكـيـةـ الـصـورـ فـيـ شـفـرـ الـخـطـرـ

نـ الشـيـعـ إـلـىـ قـيـمـ الـقـلـبيـنـ

نـ هـلـيـاءـ مـقـابـاـ = ١

نـ الـمـنـظـبـةـ فـيـ تـحـقـيقـ أـنـوـارـ الـبـرـزـينـ

نـ لـهـ وـلـعـبـ كـتـابـ درـوسـ فـيـ فـلـلـ الـأـمـامـةـ

نـ تـقـيـيـمـ الـشـكـمـ بـالـلـامـ بـهـ

نـ مـصـافـ الـبـعـثـ فـيـ الـقـلـيـفـ وـ الـقـلـيـبـينـ = ٢

نـ مـلـفـوـطـاتـ الشـيـعـ أـمـمـ الـأـشـنـيـ = ٣

نـ رـسـالـةـ الصـحـاحـ عـلـىـ الـزـهـرـ

نـ وـسـالـةـ فـيـ أـقـامـ الـعـقـلـ



التراث مجله‌ای است به زبان عربی که دار المصطفی (ص) لاحیاء التراث به صورت فصلنامه منتشر نموده و ویژهٔ میراث مکتوب در منطقه قطیف، احساء و بحرین می‌باشد. تاکنون دو شماره از این مجله با عنوانیں: ادب، اعلام، دراسات، فهارس، مخطوطات و مکتبة‌المجله به چاپ رسیده است که حاوی مقالات اندیشمندان و محققان

در سرمهقاله شماره اول التراث،



خبرنامه «الفرقان»

شده)، انتشارات تازه و آینده بنیاد، اسمای بازدید کنندگان، معرفی معهد المخطوطات العربية و تاریخچه فعالیت آن، خبرهایی از کانادا، دوبی، مصر، استونی، ایران (آگاهیهای مربوط به کتابخانه آیت الله مرعشی در قم)، ایرلند، اردن، لبنان، مراکش، عمان، عربستان سعودی، اسپانیا، سوریه، انگلستان، یمن که همه گزارشها حکایت از فعالیتهای دلپسند درباره حفظ نسخه‌های خطی و فهرست‌نویسی و تشکیل مجموعه‌ها و نظایر آنها دارد.

اهم اخبار مندرج در این بخش عبارت است از اینکه: آدم گاچک A. B Gacek مدیر کتابخانه مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل مجموعه‌ای از ۱۳۷۳ اصطلاح عربی مربوط به نسخ خطی را جمع و نشر کرده است. نام این دفتر که در لیدن (هلند) انتشار یافته به شرح زیر است:

Glossary of the Arabic Manuscript Book (Leiden, Ter Lught Press)

از بخش مرمت و صيانت کتابخانه مؤسسه «جمعه الماجد» (دوبی) نوشته‌اند در مدت دو سال بیش از هفت‌صد نسخه خطی را ترمیم کرده‌اند و این بخش توانایی آن دارد هر گونه نسخه آسیب دیده و معیوب را مرمت کند. حتی گفته‌اند انواع کاغذهای قدیمی و سنتی را می‌توانند باسازند.

مؤسسه RITSEC (قاهره) متن هفتاد و پنج نسخه خطی معتبر و مهم عربی را که در کتابخانه دانشگاه پرینستون نگاهداری می‌شود بر روی CDRom منتشر کرده است. نام این مجموعه را «گنجینه‌های تمدن اسلامی» (Treasures of Islamic Civilisation) گذارده‌اند.

بخش نسخ خطی و کتابهای نایاب در دانشگاه تارتو (استونی) یادآور شده است که در آن بخش چهل و نه نسخه خطی اسلامی هست (۲۹ عربی - ۱۰ فارسی - ۱۲ ترکی) و قدیمی‌تر از همه نسخه فارسی شعری را دانسته‌اند که از قرن نهم هجری است (کاش نام آن را داده بودند). نیز گفته‌اند اغلب نسخه‌ها آرایشی

دومین خبرنامه الفرقان - که سالیانه خواهد بود - به درآمد. مندرجات این دفتر متنوع تر و بهتر از نخستین دفتر آن است. چون مقدار زیادی از منابع ایرانشناسی در زبان عربی است و بخش عظیمی از نوشهای بزرگان دانشمندان ایران به آن زبان است ناچار از آنیم که هماره از وضع متون و نصوص عربی آگاه باشیم و به نشریات خبررسان عربی نگاهی بیفکنیم. پس این چند بند درین شماره آورده می‌شود. حق آن است کتابخانه ملی ایران ازین دست اخبار که مربوط به فعالیتهای کتابخانه‌های ایران باشد گردآورد و به آگاهی دیگران برساند. «نشر دانش» در دوره انتشار می‌کوشید که چنین خدمتی را انجام دهد. مباحثی که درین شماره آمده، بجز یادداشت مؤسس و رئیس عبارت است از اطلاعات تازه درباره فهرست‌نگاری، کنفرانس نگاهداری نسخ خطی (که در نوامبر ۱۹۹۵ برگزار کرده‌اند)، دائرة المعارف مکه و مدینه (که به اهتمام مؤسسه در جده آغاز به کار کرده است و مدیران دو دائرة المعارف اسلامی ترکیه و دائرة المعارف بزرگ اسلامی ایران اعلام همکاری ویاری بدان کرده‌اند)، طرح تشکیل اتحادیه نگاهبانی نسخ خطی اسلامی، نمایشگاهها، اعلام سخنرانی عمومی خانم آن ماری شیمل درباره محمد اقبال لاہوری، گزارش سخنرانیهای عمومی پیشین (از پروفسور یوسف ابیش درباره تعاون میان ارباب حرف در دمشق عصر عثمانی - محمود صالح المهدی درباره موسیقی در تمدن اسلامی همراه نواختن عود و قانون و طبله - محمود فهمی حویدی درباره دموکراسی در اسلام)، کتابخانه بنیاد و گسترش آن با خبر دادن از وصول فهرستها و مراجع جدید به زبانهای مختلف و از جمله فهرستهای ایران (مانند فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه استانبول تألیف توفیق سبحانی و حسام الدین آق سو و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله فاضل خوانساری در خوانسار در دو جلد که من هنوز در تهران ندیده‌ام و از خبر نشرش در این خبرنامه بر نشر آن مطلع

است. مؤسسه زبان‌شناسی مادرید (اسپانیا) در صدد انتشار مجموعه Spanish Srah Sources برآمده، برای آنکه میراث اندلسیان پیشین را محفوظ نگاه دارد و در این راه می‌کوشد متون تاریخ و لغت و پژوهشی و کشاورزی و نجوم و قواعد فقه را منتشر کند. اکنون نوزده متن را برای نشر به چاپ داده است.

مسئول عمومی «عتیقات یمن» گفته است تا کنون از هزار نسخه خطی کتابخانه‌های مختلف یمن میکروفیلم گرفته‌اند و فهرست نسخه‌های خطی مسجد بزرگ (کبیر؟) صنعاً را در ده جلد که با همکاری متخصصان یونسکو نسخه‌های فرسوده و پریشیده را مرمت می‌کنند. دولت هلند با قراری دو جانبی متعهد شده است که وسائل و لوازم تجدید حیات کتابخانه «احقاف» را فراهم سازد. شاید خواندنی‌ترین بخش خبرنامه آگاهی‌هایی است که از دوره دیدگان نسخه‌شناسی الفرقان در خبرنامه آمده است. الفرقان در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۵ سه دوره تدریس فوق لیسانس تنظیم کرد (قاهره، استانبول، لندن). شصت نفر در این دوره‌ها شرکت کردند. این شصت تن از ممالک مختلف بودند و در بازگشت به کشورهای خود پیوندان با الفرقان نگاه داشته و اطلاعاتی جسته گریخته فرستاده‌اند.

ایرج افشار [مجله کلک، شماره ۸۰-۸۳]

وزارت فرهنگ و میراث ملی نخستین جلد فهرست مجموعه خطی موجود در «دار الوثائق و المخطوطات» را منتشر کرد (۱۹۹۵). این جلد خاص معرفی نسخ عربی مربوط به علوم است. جلد دوم به معرفی نسخ ادبی اختصاص خواهد داشت.

دانشگاه اسلامی مدینه (الجامعة الإسلامية) درین سالها پنج فهرست نشر کرده است با نامهای: فهرس کتب القراءات القرآنية - فهرس کتب السيرة النبوية والصحابة - فهرس کتب القواعد الفقهية وأصول الفقه - فهرس کتب التراجم - فهرس کتب التاريخ والرحلة والجغرافية.

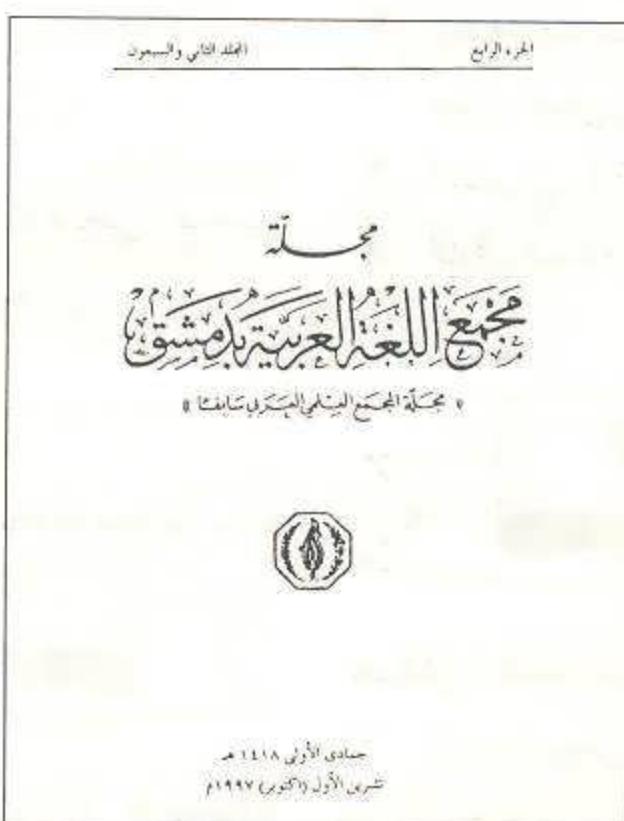
کتابخانه عمر بن ملک عبدالعزیز در ریاض که در سال ۱۹۸۸ بخش نسخ خطی تأسیس کرد اکنون داری ۲۳۷۰ نسخه خطی و ۲۵۰ میکروفیلم و ۱۳۵ عکس است. ازین تعداد یکهزار و ششصد و بیست نسخه فهرست و در دو مجلد نشر شده است. ضمناً گفته‌اند نسخه‌های خطی متعلق به کتابخانه ملک فهد و وزارت آموزش به کتابخانه ملی منتقل و تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه بالغ بر ۲۹۴۲ نسخه و حدود چهارده هزار میکروفیلم شده است.



مجمع اللغة العربية

در بخش معرفی و نقد نیز به بررسی
دیوانهای ابوالفتح بستی و عبیدبن ابرص،
پرداخته شده است.

- آثار مطبوع این مجمع عبارتند از:
- تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر،
(مجلدات ۴۱-۴۵) تحقیق سکینه شهابی
- الوان من التصحیف و التحریف فی کتب التراث، تأليف دکتر صالح اشتر قصيدة فی مشکل اللغة و شرحها،
ابوبکر محمدبن قاسم انباری، تحقیق عزالدین بدوى نجار
- کشف المشکلات و ایضاح
المعضلات، باقولی، تحقیق د. محمد
احمد دالی و...



- حرکة التأليف فی الكتابة و الكتاب و
مصادرنقد الترسل و الكتابة (حتى
القرن الرابع الهجري) و...

در پی ارسال برخی از کتابهای مطبوع دفتر به فرهنگستان زبان عربی سوریه، از سوی آقای دکتر شاکر الفحام جزء سوم و چهارم مجله مجمع اللغة العربية (۱۴۱۸ هـ. ۱۹۹۸) به دفتر اهدا شد.

این مجله شامل سه بخش؛ مقالات، معرفی و نقد و گزارش‌های مربوط به مجمع می‌باشد. عنوانی بعضی از مقالات جزء ۳ و ۴ عبارتند از:

- الحسن بن احمدالهمدانی و کتابه الإكليل
- کشف العم فی معانی لاسیما،
- المصطلح النحوی بین الصفة و
النعت،
- نواہ لمعجم الموسيقی،



نمایه آثار دفتر نشر میراث مکتوب

به فروع؛ تصحیح ایرج افشار

٤. القند فى ذكر علماء سمرقند / تأليف ابو حفص نجم الدين محمد النسفي؛ تصحیح یوسف الهاذی

زبان و ادبیات فارسی

١. تذكرة نشر عشق / تأليف حسینعلی خان عظیم آبادی؛ تصحیح دکتر سید کمال حاج سید جوادی
٢. نخب بیاض / تأليف تاج الدین وزیر؛ تصحیح جویا جهانبخش

علوم و فنون

١. جوهر نامه نظامی / تأليف ناشناخته؛ تصحیح ایرج افشار
٢. رساله نور العيون / تأليف محمد بن منصور جرجانی؛ تصحیح دکتر عبدالحسین مهدوی
٣. روضة المنجمین / تأليف شهمردان بن ابی الخیر؛ تصحیح جلیل اخوان زنجانی
٤. کشاورزی ۱۲ بابی / تأليف ناشناخته؛ تصحیح ایرج افشار
٥. آثار الباقیة / تأليف ابو ریحان بیرونی؛ تصحیح دکتر پرویز اذکائی

آثار در دست حروفچینی

عرفان و فلسفه

١. شرح فصوص الحكم جامی / تأليف عبدالرحمان جامی؛ تصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی

زبان و ادبیات فارسی

١. خرابات (به شیوه گلستان) / تأليف فقیر شیرازی، تصحیح دکتر

آثار در دست تصحیح و تحقیق

تفسیر و علوم قرآنی

١. جواهر التفسیر / تأليف ملا حسین کاشفی سبزواری؛ تصحیح جواد عباسی
٢. خزان الأنوار و معادن الأخبار / تأليف میرزا محمد خاتون آبادی؛ تصحیح اکبر ایرانی
٣. لطائف التفسیر / تأليف ابونصر احمد درواجکی؛ تصحیح دکتر علی رواقی - احمد شریعتی
٤. بخشی از گزاره کهن قرآن شریف / تأليف ناشناخته؛ تصحیح جویا جهانبخش

کلام و عقاید

١. محبوب القلوب / تأليف قطب الدین شریف لاھیجی؛ تصحیح دکتر سید ابراهیم دیباچی و دکتر حامد صدقی

تاریخ اسلام

١. مقتل فارسی امام حسین(ع) / تأليف ناشناخته (حدود سده ششم و هفتم)؛ تصحیح کمیل مهدویان

تاریخ و جغرافیا

١. بازسازی و تحقیق تاریخ نیشابور (٣ جلد) / تأليف حاکم نیشابوری؛ تصحیح علی رفیعی علام روبدشتی
٢. عالم آرای امینی / تأليف روزبهان خونجی؛ تصحیح اکبر عشیق
٣. فروغستان / تأليف محمد مهدی بن باقر اصفهانی (متخلص

کلام و عقاید

1. معتقد‌الإمامية / تأليف عماد الدين طبری؛ تصحيح استاد محمدتقی دانش پژوه و به کوشش دفتر نشر میراث مكتوب

تاریخ اسلام

1. بهجه المباحث / تأليف حسن بن حسين شیعی سبزواری؛ تصحيح مالک محمودی

اخلاق

1. مکارم الأخلاق / تأليف میرخواند هراتی، تصحيح اکبر عشیق

زبان و ادبیات فارسی

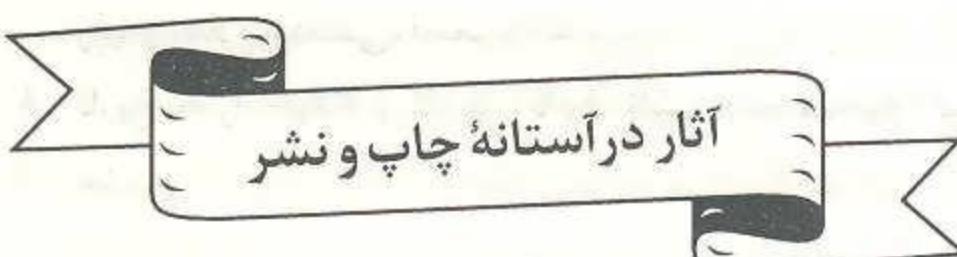
1. دیوان الہامی کرمانشاهی / تأليف الہامی کرمانشاهی؛ تصحيح امید اسلام پناه
2. دیوان نجیب کاشانی / تصحيح دکتر اصغر دادبه
3. شرح دیوان منسوب به حضرت امیر المؤمنین (ع) / تأليف حسن بن معین الدین میبدی؛ تصحيح سید ابراهیم اشک شیرین و حسین رحمانی
4. شرح نظم الدر / تأليف صائب الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی؛ تصحيح اکرم جودی نعمتی
5. مقاصد اللغة / تأليف ناشناخته؛ تصحيح دکتر علی رواقی
6. کشیک خانه / تأليف نجیب کاشانی؛ تصحيح دکتر اصغر دادبه و دکتر صدری

تاریخ و جغرافیا

1. ظفرنامه خسروی / تأليف ناشناخته؛ تصحيح دکتر منوچهر ستوده

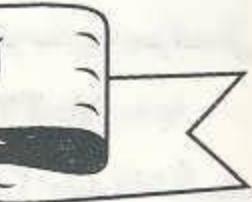
چند دانشی

1. سلم السماوات / تأليف ابوالقاسم بن ابی حامد کازرونی؛ تصحيح عبدالله نورانی



فلسفه

1. حکمت خاقانیه / تأليف فاضل هندی؛ تصحيح دفتر نشر میراث مكتوب، با مقدمه استاد دکتر ابراهیمی دینانی



تفسیر و علوم قرآنی

1. بصائر یمینی / تأليف محمد بن محمود نیشابوری؛ تصحيح دکتر علی رواقی با همکاری دفتر نشر میراث مكتوب
2. ترجمة قرآن از تفسیر میبدی / تأليف ابوالفضل میبدی، تصحيح دکتر ملک ثابت
3. دقائق التأویل و حقائق التنزیل / تأليف ابوالمکارم محمد بن محمد حسنی؛ تصحيح جویا جهانبخش
4. شافع حشر / تأليف محمد بن منصور دشتکی؛ تصحيح اکبر ایرانی قمی

نهج البلاغه و حدیث

1. شرح نهج البلاغه / تأليف ملا محمد باقر لاهیجانی؛ تصحيح دکتر سید محمد مهدی جعفری
2. منهاج الولاية في شرح نهج البلاغة / تأليف ملا عبد الباقی تبریزی؛ تصحيح حبیب الله عظیمی
3. الأربعون في شرح الأحاديث المشكلة / تأليف قاضی سعید قمی؛ تصحيح دکتر نجفقلی حبیبی

عرفان و فلسفه

1. رسائل قاضی سعید قمی / تأليف قاضی سعید قمی؛ تصحيح رضوان عبدالی

تاریخ اسلام

1. تحفة الأزهار و زلال الأنهاres فى نسب ابناء الأئمة الأطهار / تأليف سید ضامن بن شدقم الحسینی المدنی؛ تحقيق و تعلیق کامل سلمان الجبوری.

تاریخ اسلام

۱. مناقب الطاهرين / تأليف عمادالدین حسن بن علی مازندرانی طبری؛ تصحیح علی اوجبی

اخلاق

۱. روضة الأنوار عباسی / تأليف ملام محمد باقر سبزواری؛ تصحیح اسماعیل چنگیزی

زبان و ادبیات فارسی

۱. مجموعه آثار جامی: دیوان، (۲۱و۲) / تأليف عبدالرحمن جامی؛ تصحیح اعلاخان افصح زاد، با همکاری دفتر نشر میراث مکتب

۲. مجموعه آثار جامی: هفت اورنگ (۴و۳) / تأليف عبدالرحمن جامی؛ تصحیح جابلقا دادعلیشاه، اصغر جانفدا، ظاهر احراری، حسین احمد تربیت و اعلاخان افصح زاد، با همکاری دفتر نشر میراث مکتب

۳. مجموعه آثار جامی: نامه‌ها و رسائل (۵) / تأليف عبدالرحمن جامی؛ تصحیح اعلاخان افصح زاد، ابوبکر ظهور الدین، محمد جان عمراف و جویا جهانبخش، با همکاری دفتر نشر میراث مکتب

۴. بررسی آثار و احوال جامی / تأليف اعلاخان افصح زاد

۵. رسائل حزین لاهیجی / تأليف حزین لاهیجی؛ تصحیح و تحقیق علی اوجبی، ناصر باقری بیدهندی، اسکندر اسفندیاری، عبدالحسین مهدوی، بها: ۱۲۰۰۰ ریال / ۲۵ دلار

۶. دیوان غالب دهلوی / تأليف غالب دهلوی؛ تصحیح دکتر محمد حسن حائری

۷. تذكرة الشعرا / تأليف محمد مطربي سمرقندی، تصحیح علی رفیعی علام روبدشتی، اصغر جانفدا

۸. تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر / تأليف ناشناخته؛ تصحیح اکبر عشیق

زبان و ادبیات عرب

۱. خریدة القصر و جريدة العصر / تأليف عماد کاتب؛ تصحیح دکتر عدنان محمد آل طعمه

آثار منتشر شده

تفسیر و علوم قرآنی

۱. بخشی از تفسیری کهن به پارسی / از مؤلفی ناشناخته (حدود قرن چهارم هجری)؛ تحقیق و تصحیح دکتر سید مرتضی آیة الله زاده شیرازی؛ بها: ۱۷۰۰۰ ریال / ۳۷ دلار

۲. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم (۳ جلد) / تأليف ابوالمظفر شاهفورین طاهربن محمد اسفراینی؛ تصحیح نجیب مایل هروی - علی اکبر الهی خراسانی؛ بها دورة: ۴۶۵۰۰ ریال / ۱۰۳ دلار

۳. تفسیر شهرستانی المسمی مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار / تأليف الامام محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛ تحقیق و تعلیق дکتور محمد علی آذرشپ؛ بها: ۱۲۰۰۰ ریال / ۲۵ دلار

حدیث

۱. شرح دعای صباح / تأليف مصطفی بن محمد هادی خوئی؛ به کوشش اکبر ایرانی قمی؛ بها: ۹۰۰۰ ریال / ۲۰ دلار

۲. مصابیح القلوب / تأليف حسن بن حسین شیعی سبزواری؛ تصحیح محمد سپهری؛ بها: ۱۸۰۰۰ ریال / ۴۰ دلار

۳. نزهۃ الراہد / از مؤلفی ناشناخته؛ تصحیح رسول جعفریان؛ بها: ۱۴۰۰۰ ریال / ۳۱ دلار

کلام و عقاید

۱. تحفة الأبرار فی مناقب الأئمۃ الأطهار / تأليف عمادالدین حسن بن علی مازندرانی طبری؛ تصحیح سید مهدی جهرمی؛ بها: ۱۲۰۰۰ ریال / ۲۵ دلار

۲. ترجمة انجیل اربعه / ترجمه، تعلیقات و توضیحات میر محمد باقر خاتون آبادی؛ تصحیح رسول جعفریان؛ بها: ۱۳۵۰۰ ریال / ۱۷ دلار

۳. تسلیة العباد در ترجمة مسکن الفؤاد شهید ثانی / مترجم میرزا اسماعیل مجdaladباء خراسانی؛ تصحیح محمد رضا انصاری؛ بها: ۴۸۰۰ ریال / ۱۰ دلار

۴. رسائل فارسی / تأليف حسن بن عبدالرزاق لاهیجی؛ تصحیح

٧. نبراس الضياء وتسوء السوء في شرح باب البداء وإثبات جدوى الدعاء /تأليف المير محمد باقر الداماد؛ تعليلات الملا على النورى؛ تحقيق حامد ناجي اصفهانى؛ بها: ٥٦٠٠ ریال ١٢ دلار

- تاریخ اسلام**
١. آثار احمدی /تأليف احمد بن تاج الدين استرآبادی؛ تصحيح میرهاشم محدث؛ بها: ١٦٠٠٠ ریال ٣٥ دلار
 ٢. راحة الارواح و مونس الاشباح /تأليف ابوسعید حسن بن حسين شيعی سبزواری؛ تصحيح محمد سپهری؛ بها: ٧٥٠٠ ریال ١٥ دلار
 ٣. فرائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد /تأليف محمد زمان بن كلبعلی تبریزی؛ تصحيح رسول عجفريان؛ بها: ٩٨٠٠ ریال ٢٠ دلار
 ٤. فیض الدموع /تأليف محمد ابراهیم نواب تهرانی بدایع نگار؛ تصحيح اکبر ایرانی؛ بها: ٧٠٠٠ ریال ١٥ دلار

اخلاق

١. کیمیای سعادت (ترجمة طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه رازی) /ترجمة میرزا ابوطالب زنجانی؛ تصحيح دکتر ابوالقاسم امامی؛ بها: ١١٥٠٠ ریال ٢٥ دلار

زیان و ادبیات فارسی

١. انوار البلاغه (در فنون معانی و بیان و بدیع) /تأليف محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی؛ تصحيح محمد علی غلامی نژاد؛ بها: ١٧٠٠٠ ریال ٣٧ دلار
٢. تذكرة المعاصرین /تأليف حزین لاهیجی؛ تصحيح معصومه سالک؛ بها: ١٥٠٠٠ ریال ٣٣ دلار
٣. دیوان حزین لاهیجی /تأليف حزین لاهیجی؛ تصحيح ذبیح الله صاحبکار؛ بها: ٢٠٠٠٠ ریال ٤٤ دلار
٤. لطائف الأمثال و طرایف الأقوال /تأليف رشید الدين وطوات؛ تصحيح حبیبة دانش آموز؛ بها: ١١٠٠٠ ریال ٢٤ دلار
٥. تائیه عبدالرحمان جامی ترجمة تائیه ابن فارض به انضمام شرح محمود قیصری بر تائیه ابن فارض؛ تصحيح دکتر صادق خورشا؛ بها: ١٧٠٠٠ ریال ٣٧ دلار
٦. منشآت میبدی /تأليف حسین بن معین الدين میبدی؛

٥. رسائل فارسی جرجانی /تأليف ضیاء الدین بن سید الدین جرجانی؛ تصحیح و تحقیق دکتر معصومه نور محمدی؛ بها: ٩٠٠٠ ریال ٢٠ دلار
٦. فتح السبل /تأليف محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی؛ تصحیح ناصر باقری بیدهندی؛ بها: ٥٠٠٠ ریال ١١ دلار
٧. قاموس البحرين /تأليف محمد ابوالفضل محمد؛ تصحیح علی اوجبی؛ بها: ٨٠٠٠ ریال ١٧ دلار
٨. النظامية في مذهب الامامية /تأليف محمد بن احمد خواجه شیرازی؛ تصحیح علی اوجبی؛ بها: ٩٥٠٠ ریال ٢٠ دلار
٩. شرح منهاج الكرامة في معرفة الأمامة علامه حلی /تأليف سید علی میلانی؛ بها: ٢٣٠٠٠ ریال ٥٠ دلار

عرفان

١. رسائل دهدار /تأليف محمد بن محمود دهدار شیرازی؛ تصحیح محمد حسین اکبری ساوی؛ بها: ١٣٥٠٠ ریال ٣٠ دلار

٢. عقل و عشق /تأليف صائب الدين علی بن محمد ثرکه اصفهانی؛ تصحیح اکرم جودی نعمتی؛ بها: ٨٠٠٠ ریال ١٧ دلار

فلسفه

١. احیای حکمت /تأليف علیقلی بن قرقغای خان؛ تصحیح و تحقیق فاطمه فنا؛ بها: ٥٥٠٠٠ ریال ١٢٠ دلار
٢. عیار دانش /تأليف علینقی بن احمد بهبهانی؛ تصحیح و تحقیق دکتر سید علی موسوی بهبهانی؛ بها: ١٦٥٠٠ ریال ٣٥ دلار
٣. تقویم الإیمان /تأليف میر محمد باقر الداماد؛ شرح سید احمد علوی؛ تصحیح علی اوجبی؛ بها: ٣٠٠٠٠ ریال ٦٥ دلار
٤. شرح القبسات المیر محمد باقر الداماد /تأليف میر سید احمد علوی؛ تحقيق حامد ناجی اصفهانی؛ بها: ٣٠٠٠ ریال ٦٥ دلار
٥. عین الحکمه /تأليف میر قوام الدين محمد رازی تهرانی؛ تصحیح علی اوجبی؛ بها: ٥٢٠٠ ریال ١٠ دلار
٦. مرآت الاکوان /تأليف احمد بن محمد حسینی اردکانی؛ تصحیح عبدالله نورانی؛ بها: ١٨٠٠٠ ریال ٤٠ دلار

تألیف یعقوب بن حسن سراج شیرازی؛ به اشراف محمد تقی
دانش پژوه، به کوشش کرامت رعناء حسینی و ایرج افشار؛ بها:

تصحیح دکتر نصرت الله فروهر، بها: ۱۶۵۰۰ ریال / ۳۵ دلار

۱۹۰۰۰ ریال / ۴۲ دلار

۲. ترجمة المدخل إلى علم أحكام النجوم / تأليف ابونصر حسن
بن على قمي؛ تصحیح وتحقيق حلیل اخوان زنجانی؛ بها:
۱۱۵۰۰ ریال / ۲۵ دلار

۳. التصريف لمن عجز عن التأليف (بخش جراحی وابزارهای
آن) / تأليف ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی؛ ترجمة احمد
آرام - دکتر مهدی محقق؛ بها: ۶۰۰۰ ریال / ۱۴ دلار

۴. تغییرات وترقیات در وضع و حرکت و مسافت و حمل اشیا و
فواید راه آهن / تأليف محمد کاشف؛ تصحیح محمد جواد
صاحبی؛ بها: ۳۴۰۰ ریال / ۷۱ دلار

۵. الجماهر فی الجواهر / تأليف ابوریحان محمد بن أحمد
البيرونی؛ تحقیق یوسف الہادی؛ بها: ۱۱۵۰۰ ریال / ۲۵ دلار

۶. طب الفقراء والمساكين / تأليف ابوجعفر احمد الجزار؛ تحقیق
وجیهه کاظم آل طعمة؛ بها: ۷۰۰۰ ریال / ۱۵ دلار

فهرست نسخه های خطی

۱. فهرست نسخه های خطی مدرسه خاتم الانبیاء (صدر) بابل /
به کوشش صدرائی خوئی، محمود طیار مراغی و ابوالفضل
حافظیان بابلی؛ بها: ۷۰۰۰ ریال / ۱۵ دلار

۲. فهرست نسخه های خطی مدرسه علمیه نمازی خوی / به
کوشش علی صدرائی خوئی؛ بها: ۱۲۰۰۰ ریال / ۲۶ دلار

زبان و ادبیات عرب

۱. دیوان ابی بکر الخوارزمی / تأليف ابوبکر خوارزمی؛ تصحیح
دکتر حامد صدقی؛ بها: ۱۵۰۰۰ ریال / ۳۳ دلار

تاریخ و جغرافی

۱. ترجمة تقویم التواریخ / تأليف عبدالله چلبی معروف به حاجی
خلیفه؛ تصحیح میرهاشم محدث؛ بها: ۲۲۰۰۰ ریال / ۴۸ دلار

۲. التعريف بطبقات الأمم / تأليف القاضی صاعد الأندلسی؛
تحقیق دکتر غلامرضا جمشید نژاد اوّل؛ بها: ۱۳۰۰۰ ریال / ۲۸ دلار

۳. جغرافیای حافظ ابرو (ج ۱) / تأليف شهاب الدین عبدالله
خوافی؛ تصحیح صادق سجادی؛ بها: ۱۲۰۰۰ ریال / ۲۵ دلار

۴. جغرافیای نیمروز / تأليف ذوالفقار کرمانی؛ تصحیح عزیز الله
عطاردي؛ بها: ۶۰۰۰ ریال / ۱۳ دلار

۵. مجلل رشوند / تأليف محمدعلی خان رشوند؛ تصحیح دکتر
منوچهر ستوده - عنایت الله مجیدی؛ بها: ۱۵۰۰۰ ریال / ۳۳ دلار

علوم و فنون

۱. تحفة المحبین (در آئین خوشنویسی و لطایف معنوی آن) /

قابل توجه متقارضیان آثار منتشر شده این دفتر



خواستاران این کتابها می توانند بهای آنها را با ۱۰٪ تخفیف به حساب شماره ۳۰۴۳۰ بانک ملی
شعبه صبا (کد ۵۴۶) به نام آینه میراث واریز کنند. (قابل واریز از همه شعب بانک ملی) و اصل
رسید راه را با برگه تکمیل شده ذیل به این دفتر ارسال دارند تا کتابها با پست سفارشی برای آنها
فرستاده شود. (لطفاً تصویر رسید را نزد خود نگهداشید).

تهران، ص. پ: ۱۳۱۸۵ - ۵۶۹ • تلفن: ۶۴۱۴۸۳۴ • دورنگار: ۶۴۱۵۰۵۲

پیام نگار: MirasMaktoob@apadana.com http://www.apadana.com/MirasMaktoob

- اینجانب به نشانی
شناسه پستی تلفن با ارسال اصل رسید بانکی شماره
به مبلغ ریال درخواست می نمایم نسبت به ارسال کتاب(های)
اقدام فرمایید.



تازه‌های میراث مکتوب

آثار ذیل در سه ماهه اول سال جاری به این دفتر پیشنهاد شده و در هیئت علمی به تصویب رسید. سه عنوان نخست حروفچینی شده و در دست نمونه خوانی است.

و فرهنگ ایرانی در این دو خطه می‌باشد.

۳. خرابات / تألیف فقیر شیرازی (۱۲۹۶ - ۱۳۵۱ ه. ق)

این اثر مشتمل بر یک دیباچه و چهار باب - بر اساس چهار فضیلت اخلاقی - متفق[ُ] علیه حکمای بزرگ یونان از سقراط به بعد - حکمت، شجاعت، عفت و عدالت، و یک فصل پایانی بنام پیمانه می‌باشد. مؤلف خرابات را - به پیروی گلستان سعدی - از حکایات، مواعظ و حکم، همراه با قطعات منظوم با بیانی شیوا پرداخته است.

۴. اخلاق جلالی / تألیف جلال الدین دوانی

این کتاب که مانند کتاب خواجه نصیر طوسی دارای یک تقدیم، یک مقدمه و سه بخش (لامع) است، تحریر جدیدی از اخلاق ناصری و عاری از عبارات غیر متعارفه و اشعار غریبه آن است. در این کتاب شواهد و دلایل از آیات قرآن و احادیث نبوی و سخنان صحابه و تابعین و مشایخ و ائمه دین و ذوقیات اهل کشف و شهود برگزیده شده است.

۵. شرح ثمره بطلمیوس / شارح خواجه نصیر طوسی

متن کتاب عربی است. این کتاب شروح عربی فراوانی دارد. خواجه نصیرالدین به دستور یکی از امراهی زمان در عصر هولاکو خان این کتاب را که حدود صد بند دارد به فارسی شرح کرده است. مقدمه این کتاب در کنگره خواجه نصیرالدین توسط محقق آن آقای جلیل اخوان زنجانی قرائت شد. این کتاب با اصلاحات و اضافات و در حدود ۲۰۰ صفحه بزودی به دست حروفچینی سپرده خواهد شد.

۱. مجموعه آثار و رسائل حسن بن عبدالمؤمن ملقب به حسام الدین خوئی (نیمة دوم قرن هفتم) مشتمل بر رساله‌های :

- نصیب الفتیان و [نصیب] التبیان، که فرهنگنامه منظوم عربی به فارسی است مانند نصاب الصبیان ابونصر فراہی.
- ملتمسات: حاوی صد و اند قطعه و رباعی در باب ملتمسات متفرق از سلطان عصر.
- نزهه‌الکتاب: مشتمل بر صد آیت قرآنی در اغراض متفاوت، صد کلمه از احادیث پیامبر(ص)، صد کلمه از نصایح خلفا و موجزات الفاظ فصحا و صد بیت تازی مترجم به صد بیت پارسی.

• غنیةالكاتب: در شیوه مکاتبات و معرفت ترتیب مخاطبات، حاوی دعوات و عنوانات و مصطلحات متفرقه رایج در آن عصر.

- قواعد الرسائل: در قواعد رسائل موافق استعمال عهد.
- رسوم الرسائل: در مقدمات فن مراسلات، مکاتبات اخوان، تقریرات دیوانی به مناسب مختلف و تقریرات شرعی.

۲. بلبلستان / تصحیح میر انصاری

محمد فوزی موستاری (۱۱۶۰ ه. ق) ادیب فرزانه کشور بوسنی هرزگوین، بلبلستان را به سال (۱۱۵۲ ه. ق) در یک مقدمه و شش خُلد فراهم آورده و به مجموعه بوستان و گلستان سعدی، بهارستان جامی، نگارستان کمال پاشازاده و سنبلستان شیخ شجاع افزوده است.

خلد چهارم بلبلستان که مشتمل بر تذکرہ شاعران پارسی گوی قلمرو عثمانی در آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان است، گویاترین سند بر مقبولیت و گسترش زبان و ادب فارسی



سفر به ازبکستان و تاجیکستان

اکبر ایرانی قمی

الجماهر فی الجواهر بیرونی، دیوان ابی بکر خوارزمی، جغرافیای حافظ ابروی خوافی، لطایف الامثال رشید الدین و طوطاط، تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر، هنرها و قاضی حسین میبدی، تائیه عبدالرحمان جامی، تقویم التواریخ حاجی خلیفه ترک، تاریخ عالم آرای امینی روزبهان خنجی، مکارم الاخلاق خواندمیر هراتی، ظفرنامه خسروی، تذکرة الشعرای مطری مطری سمرقندی، القند فی ذکر علماء سمرقند، التعريف بطبقات الامم قاضی صاعد اندلسی، قاج الترائم ابوالمظفر اسفراینی، مفاتیح الاسرار شهرستانی، جواهر التفسیر ملاحسین کاشفی سبزواری و ... اینها بخشی از میراث مشترک ایران و اسلام است که این مرکز تاکنون افتخار نشر یا تحقیق آنها را داشته است.

با توجه به استقلال کشورهای آسیای مرکزی و گشوده شدن ابواب تبادل فرهنگی و امکان آشنایی و دستیابی به هزاران رساله و دستنویس ارزشمند و نفیس موجود در انسنتیتوهای خطی تاجیکستان و ازبکستان، به نظر رسید که شایسته است از نزدیک با این مراکز و محققان آنها آشنازی حاصل آید که اگر نسخه‌ای ارزشمند را تصحیح نموده یا در دست تحقیق دارند و در راستای اهداف این دفتر است، در نشر



خیرالله یف رئیس مؤسسه خاورشناسی
ابوریحان بیرونی

اثر ارزشمند قدیمی را منتشر سازد حوزه کار خود را منحصر به ایران ندانست، بلکه از یک سو، ایران بزرگ وازویی قلمرو زبان فارسی در کشورهای همسایه، کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، کشورهای پاکستان و شبه قاره هند و دیگر سو، جهان اسلام و کشورهای عربی، همه دارای گنجینه‌های ناشناخته و گرانقدری هستند که می‌بایست از طریق احیا و انتشار آثار برگزیده و در دسترس، این زنجیره ناپیدای زرین را متجلی و نمایان ساخت. نمونه‌ای از آثاری که اکنون دفتر نشر میراث مکتوب منتشر کرده و یا در دست انتشار دارد، برگ سبزی است از میراث گرانستگی که شاید تنها درویشان احیا گر میراث را تحفه‌ای باشد و زر شناسان را زر و گوهربان را گوهر.

اهداف این سفر

ماوراءالنهر یا ورارود نامی آشنا برای ایرانیان است. تاریخ فرهنگ و دانش و هنر ایرانی ریشه در تاریخ سرزمین پهناور ماوراءالنهر یا با اندک تسامح آسیای مرکزی امروزی دارد. بزرگترین شخصیتهای علمی، ادبی، عرفانی و فلسفی در این حوزه پرورش یافته‌اند. ابن سینا، فارابی، بیرونی، خوارزمی، رودکی، جامی، علیشیر نوایی، حبیش تفلیسی، بلخی، امام بخاری، ترمذی، فرغانی، نسفی، شهرستانی و ... جمعی از فرهنگ سازان بنام ورارودند. از این رو، مدتی بود که دل به دیدار دیار آشنای دیرین بسته، عزم سفر جزم، راهی آنجا که ورارودش گویند، شدم تا از نزدیک با میراث گرانبهای اسلام و ایران بزرگ و با گنجینه‌های ماندگاری که صاحبان آنها در ساختن فرهنگ و تمدن ایران، نقش عظیم داشته‌اند آشنا شوم. وجود بیش از چهل هزار رساله و هجرده هزار نسخه خطی موجود در انتستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی شهر تاشکند که بسیاری از آنها به خط مؤلفان و وارثان آنهاست، گواه این مدعاست. با توضیح بیشتر به تبیین اهداف این سفر می‌پردازم.

دفتر نشر میراث مکتوب، پس از آنکه توانست در کمتر از سه سال بیش از ۴۰



شاه نیاز موسایف کارشناس مؤسسه خاورشناسی
ابوریحان بیرونی

خوارزمی، فارابی، بیرونی، میرعلیشیر نوایی و ... از مفاخر تاریخ ساز این حوزه هستند. در خیوه نجم الدین کبری فرقه گُبرویه را تأسیس کرد. بهاء الدین نقشبند در بخارا مسلک صوفی نقشبندیه یا طریقت خواجه‌گان را بنیان نهاد.

مراکز علمی و فرهنگی ازبکستان

۱. مؤسسه خاورشناسی ابوریحان بیرونی از مهمترین مراکز علمی ازبکستان آکادمی علوم ازبکستان است که در سال ۱۹۴۳ تأسیس شد. از مؤسسه‌های وابسته به این آکادمی، مؤسسه شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی است که در آن بیش از چهل هزار رساله و هجده هزار نسخه خطی نگهداری می‌شود.

مدیر فعلی این مؤسسه آقای خیرالله یف و رئیس بخش ایران‌شناسی آن آقای عصام الدین ارونبایف می‌باشد. آقای خیرالله یف آمادگی خود را برای همکاری احیای این آثار اعلام کرد و از این که این آثار برای اولین بار به زیور طبع و زینت تحقیق آراسته و به دست محققان آن مرکز و زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب منتشر می‌شود، اظهار خوشوقتی کردند.

در این مؤسسه تاکنون تعدادی از نسخ و دستنویس‌ها به صورت فاکسیمیلی

مقدمه آقای خیرالله یف، رئیس مؤسسه، به فارسی و روسی چاپ می‌شود و مجموعه‌ای که از مؤسسه شرق‌شناسی و میراث خطی تاجیکستان استفاده شده و با همکاری محققان آن مرکز تصحیح و تحقیق شده زیر نظر این دفتر و با مقدمه آقای جو ربیک نذریوف منتشر خواهد شد.

۱. ازبکستان

ازبکستان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق است. این کشور از لحاظ جغرافیای سیاسی در قلب آسیای میانه قرار دارد و محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق است. از شمال به روسیه و از جنوب به ایران و افغانستان متصل است. لذا از موقعیت استراتژیک برخوردار است. این کشور زمانی مسافت بسیاری از جاده مهم و تاریخی موسوم به «جاده ابریشم» را در بر می‌گرفت. شهرهای مهم این کشور، تاشکند با ۲/۵ میلیون جمعیت است که از لحاظ صنعتی و اقتصادی از بهترین شهرهای آسیای میانه است. سمرقند و بخارا در جنوب این کشور قرار دارد که اغلب مردم این دو شهر به فارسی سره سخن می‌گویند. خوقند و خیوه و ترمذ و نمنگان و اندیجان از دیگر شهرهای ازبکستان است. زبان ازبکی شاخه‌ای از ترکی جغتایی است. اغلب مردم این شهرها زبان روسی را می‌فهمند و حاکمیت هفتاد ساله شوروی تأثیر بسیاری در فرهنگ و زبان این مردمان داشته است، ولی با وجود ۸۵٪ مردم مسلمان و پیرو مذهب حنفی نتوانسته است چندان خلی به هویت ملی و ریشه‌های مذهبی آن وارد کند.

دانشمندان و شعرای بزرگی در این مرز و بوم پرورش یافته و تاریخ مشترک ایران و مأموران النهضه تشکیل داده‌اند. ابوعلی سینا،

آنها با این افراد و مؤسسه‌ها مشارکت و همکاری شود یا حمایت لازم انجام گیرد. در این سفر، حدود ۱۰ نسخه ارزشمند که مربوط به ادبیات و تاریخ سه چهار قرن اخیر این سرزمین است شناسایی و بررسی و قرار شد با همکاری مؤسسه ابوریحان بیرونی در یک مجموعه‌ای با شکل و صورتی هماهنگ و یکدست در ایران منتشر شود. با احیای این آثار، محققان ما در ایران قادر خواهند بود با تاریخ و زبان و فرهنگ ۵۰۰ ساله بخارا و خوقند و فرغانه و بدخشان و بلخ و مرو و سمرقند و تاشکند و خیوه و ... آشنا شوند. این اظهار و اثبات صداقت و حسن نیت ما موجب می‌شود که ما در آینده امکان بیشتری برای دسترسی به گنجینه‌های مهم این مناطق داشته باشیم.

آثار شناسایی شده که قرارداد آنها منعقد شد در دو مجموعه یکی مربوط به ادبیات و تاریخ شهرهای تاریخی ازبکستان و دیگری مربوط به ادبیات و تاریخ و فرهنگ تاجیکستان که هر دو نمایانگر زبان و ادبیات و فرهنگ گرانمایه مشترک ایران بزرگ است، تحت عنوان «میراث و رارود» و هر مجموعه در پنج تا ده جلد منتشر خواهد شد. مجموعه‌ای که از مؤسسه شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی استفاده شده و محققان آن مرکز به تصحیح و تعلیق بر آن اقدام می‌کنند زیر نظر این دفتر و با





تاریخ شہزادی

و تکمیل صد و اطیاف دارد و دو آیت نثار بارگاه شنسته ایشان
در تکمیل رسالت انسانیت نهشت بعزم زناش پس پرورد و میر
گردید و از صد و هر فرع و حصه اخطله شوکت شد که نسبت اندیک
بگوچیه بیعت زمانی مهر جشن کشیده شد جان از
اسری شاهد هادق و بخلدت سکانه عینیت خبر صحیحی می شد
وقت که اهل لاین قلعه رشت دایر ماهه بی شک بی ریب
و تو سچپر و کشاید به نزد اهل خرد، اشارت است به قرب
مکان آن سرورهای زبانات پاک خداوند پاک نهاده
ربا عکوئید که در حی بررسول باذل مشد بعدی می سال نزد
نمازیل بر مزرت که کیم میم خزانی باشد که در احمد و ابر
پاک شاخصی و قدرات امداد ارجمند است این بروج معلم حی
یا عظیم او اولاد کرام و اصحاب ایام است زام او با اولی
یوم ایام از ایشان در و خدمتی جان بزرگان بر وحی که
شد شایع شد جان مسنه شد اتفاق کرد

تحفه شاهی

قسم المدارج من الأقسام

کتب این مرکز می‌توان کتاب الحدیث
محیی الدین نسفی با تاریخ ۱۲۷۶ م
قاموس المحيط فیروزآبادی با تاریخ کتابت
۱۳۵۹ م را ذکر کرد. رئیس فعلی مؤسسه
حمید سلیمان آقای عزیز پولاد تویج قیوم
اف است که از سال ۱۹۷۹ م تاکنون
عهده دار این منصب بوده و خود یکی از
بر جسته‌ترین شخصیتهای ادبی ازبک به
شمار می‌رود و دارای درجه آکادمیسیون
می‌باشد و به شایستگی به زبان فارسی
تكلّم می‌کند.

منتشر شده و بعضی از آثار به روسی ترجمه شده اند. اغلب آنها در مسکو چاپ شده است. از آثار چاپ شده این مرکز که از نفایس آن نیز به شمار می‌رود می‌توان از سرالاسرار، بابرنامه، همایون نامه، تاریخ جهان نمای، سفرنامه هند عبدالرزاق سمرقندی، تاریخ بخارا از نرشخی، نامه‌های جامی به امیر علی‌شیر نوازی، میهمان نامه از فضل بن روزبهان و ... یاد کرد.

فهرست اجمالی نسخه‌های فارسی و ترکی این مرکز پیشتر توسط چمی از ایرانشناسان تنظیم شده ولی جلد اول فهرست تفصیلی نسخه‌های فارسی آن در موضوع تاریخ با دقت نظر بیشتر به همت آقای سید علی موجانی تهییه و انتشارات دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه آن را منتشر کرده است.

برگزاری نمایشگاه کتاب

در ازبکستان یک تفاهمنامه فرهنگی بین این دفتر و مسئول محترم رایزنی فرهنگی ایران در تاشکند آقای بهمن اکبری برای برگزاری نمایشگاه کتاب از کتب منتشر شده این دفتر به مناسبت کنگره بین المللی امام بخاری امضا شد.^۱ سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران آقای محسن پاک آیین فروتنانه آمادگی خود را بر همکاری و حمایت از این نمایشگاه و برگزاری آن در محل سفارت اعلام کردند. البته بدون توجه و عنایت ایشان و نیز کارشناس گرامی دفتر مطالعات سیاسی دستیابی به اهداف این سفر ممکن نبود. در شهر تاشکند با برخی از محققان و کارشناسان مؤسسه خاورشناسی ابو ریحان بیرونی در زمینه مقابله و تصحیح، قراردادهایی منعقد شد که ذیلأً به ذکر نام آنها و کتب مورد قرارداد با اشاره‌ای به محتواه، آنها می‌پردازیم.

کتب توافق شده در ازبکستان

۱. تاریخ شیبانی، از مؤلفی نامعلوم (شاید امیر حسین توره) می‌باشد. مؤلف اثر

۲. مؤسسه حمید سلیمان
مؤسسه حمید سلیمان که از دیگر مراکز تحقیقاتی وابسته به آکادمی علوم ازبکستان در شهر تاشکند است در سال ۱۹۸۷ به همت حمید سلیمان از شعرای نامدار ازبک تأسیس شد. در حال حاضر بیش از ۷۵۰۰ نسخه خطی فارسی، عربی و ترکی و حدود ۸ هزار نسخه چاپ سنگی و نزدیک به ۵۰ هزار سند که بیشتر دستنوشته‌های ادبی ازبک است در آنجانگهداری می‌شود. این اسناد و مدارک، کتب و رسائل به ترتیب به زبانهای فارسی، عربی، ازبکی، تاجیکی، اویغوری و سُعدی و برخی گویش‌های محلی مد مأو، ااءالنجه است.

در این مرکز ترجمه‌های با ارزشی از متون مهمی چون دو ضمہ الصفا و الکامل ابن اثیر به زبان ازبکی که در سده‌های پیشین انعام شده وجود دارد. همچنین از نفایس

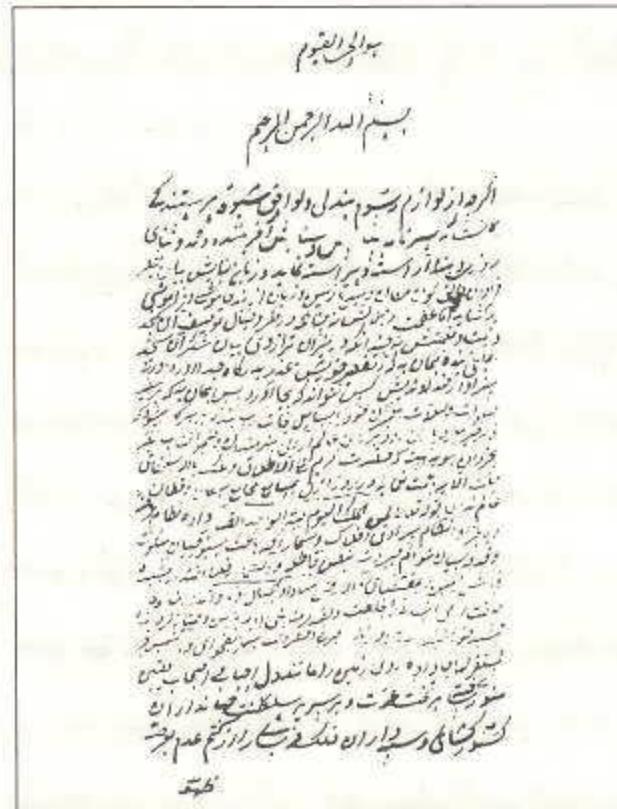
مولانا عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ. ق) این کتاب را در اثبات نبوت و رسالت پیغمبر اکرم (ص)، مشتمل بر یک مقدمه در بیان معنی بنی و رسول و هفت رکن در بیان شواهد و دلایل ظاهر شده در: پیش از ولادت آن حضرت، از ولادت تا بعثت، از بعثت تا هجرت، از هجرت تا وفات، و بعد از وفات. نیز شواهد و دلایل منقول و مروی از اصحاب کرام و ائمهٔ دوازده گانهٔ شیعه (ع)، و تابعین و تبع تابعین و صوفیه، و سرانجام یک خاتمه در عقوبات اعدا فراهم آورده است.

این اثر از روی دستخط مؤلف و با مقدمهٔ جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی در دفتر نشر میراث مکتب چاپ خواهد شد.

۸. المطالع الفاخرة و المطالب الظاهرة، تأليف تمكين بخاري، تصحیح جلیل حضرت قلی اف

۲. تاجیکستان

تاجیکستان یکی از پنج کشور آسیای مرکزی است. پایتخت آن شهر دوشنبه است. این کشور چهار استان دارد. استان خُجند، کولاب، فرقان تپه و ولایت خود مختار بدخشنان. زبان فارسی تاجیکی دارای چهار گویش است: گویش سمرقند و بخارا و فرغانه، گویش مرکزی (زرافshan و رستا)، گویش جنوبی (بدخشنان و کولاب) و گویش جنوب شرقی. رسم الخط تاجیک خط سیریلیک است که خط رسمی تاجیکستان و ازبکستان باشد که اختلافی شبیه خط روسی است. مذهب این کشور سنی حنفی است و البته در ولایت بدخشنان طرفداران فرقه اسماعیلیه حاکم هستند.



تاریخ جهان نمای

حوادث بخارا در طی سالهای ۱۲۲۶ تا ۱۲۷۶ هـ. ق ضبط کرده است.

۵. تاریخ جهان نمای، تأليف ملا عوض محمد عطار مورخ، شاعر و کاتب قرن نوزدهم میلادی است. مؤلف که خود شاهد تخت نشینی یازده خان بوده، کتاب را در دو جلد فراهم آورده است. جلد اول از تاریخ آدم (ع) تا حکمرانی منغیت‌ها در بخارا و بابریان در هند را شامل می‌شود. جلد دوم نیز مشتمل بر تاریخ و شرح حال خوانین خان نشین خوقدن از ابتدای تاسال ۱۸۶۸ میلادی می‌باشد.

۶. دیوان اشعار عبیدی، عبیدالله خان عبیدی فرمانروای شاعر و فرهنگ‌پرور سلسلهٔ شیبانی در قرن شانزدهم میلادی است. دربار این حاکم فرزانه در بخارا مجمع ادبیان، دانشمندان و شعراء بود. وی که حافظ قرآن نیز بود در عهد خود، علم و معرفت را رواج و رونق بخشید. دفتر نشر میراث مکتب در پی عقد قرارداد چاپ دیوان عبیدی می‌باشد.

۷. شواهد النبوة لتفویة یقین اهل الفتوى،

کوشیده است تا تصویری از جدالهای موجود در مaura النهر را که منجر به روی کار آمدن دولت شیبانی شد (۹۰۶-۹۹۱ هـ. ق)، ارائه بدهد. او شرح وقایع راتا اواخر عهد حکمرانی اسکندرخان شیبانی است.

۲. تحفهٔ شاهی، تأليف میرزا عبدالعظیم سامی، دربارهٔ تاریخ بخارا و چگونگی اوضاع داخلی و خارجی آن خان نشین در دورهٔ حکمرانی منغیتی‌ها می‌باشد. این اثر از ابتدای حکومت امیر محمد رحیم تا سال چهاردهم حکومت امیر عبدالواحد خان را شامل شده و قیام و شورش‌های اقوام مختلف در اطراف بخارا را شرح داده به روابط امرای منغیت بخارا با دولت روسیه پرداخته و اسناد و مکاتیب مبادله شده را بازگویی کند.

۳. تاریخ رشیدی، تأليف میرزا محمد حیدر بن محمد حسین گورکانی دو غلات، مشتمل بر تاریخ آسیای مرکزی، هند، کاشغر، افغانستان و تبت است که در دو دفتر گرد آورده است و وقایع تاریخ را از تغلق تیمورخان (قرن ۹ هـ. ق) تا سال ۹۵۳ هـ. ق شامل بوده، از منابع مهم تاریخ آسیای مرکزی به شمار می‌رود.

۴. سنبلاستان، تأليف سید محمد خواجه بن سید احمد خواجه بن آخوند میرک خواجه میرعبدالباقی خواجه (متخلص به الناظم)، مشتمل بر تاریخ ماوراء النهر، خصوصاً بخارا، است و در دو بخش فراهم آمده است. بخش اول دارای مقدمه و بیست و شش حکایت دربارهٔ آیین و سنت مردم بخارا به نظم و نثر است، و بخش دوم بنام «الرموز الغیبية» که در بیست و نه قسمت

انجام شد، امضای تفاهم نامه فرهنگی بین دفتر نشر میراث مکتوب و مسئول محترم رایزنی فرهنگی ایران در شهر دوشنبه آفای جعفری برای برگزاری نمایشگاه کتاب در انتستیتوی خاورشناسی و آثار خطی است. آقای جوربیک نذریف ضمن اعلام آمادگی برای این کار، پیشنهاد کردند، آماده‌اند تا محلی را برای برگزاری نمایشگاهی دائمی ویژه آثار ایران‌شناسی اختصاص دهند که امیدوارم از سوی مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مراکز ذیربسط مورد استقبال قرار گیرد.

عقد قرارداد شش اثر

در راستای اهداف یاد شده برای این سفر، آثاری چند پیشنهاد و مورد بررسی قرار گرفت. در این میان با انتشار شش عنوان کتاب موافقت شد که ذیلاً به ذکر نام آنها و مصححان گرانقدر آنها بسنده می‌شود و در آینده به معرفی تفصیلی هر یک خواهیم پرداخت:

۱. تذکرهٔ ملیحای سمرقندی / تصحیح ظاهر احراری و امریزدان علی مردان
۲. همایون نامه / تألیف خواجه گلشنی؛ تصحیح امریزدان علی مردان
۳. تاریخ فرغانه / تصحیح سید انور شاه خماروف
۴. سلک گوهر ریز / تألیف گوهر ریز ولد خواجه صالح یمگی؛ تصحیح قدرت بیگ ایلچی بیگ
۵. زمزمهٔ وحدت / تألیف باقیای نائینی؛ تصحیح علی عسگر رجبزاده
۶. مجموعهٔ رسائل موسیقی شش مقام / تصحیح علی عسگر رجبزاده

پی‌نوشت:
۱. مفاد این تفاهمنامه در آخر این گزارش آمده است.

سامی، تاریخ همایون خواجه گلشنی، تاریخ فرغانه اسحاق خان و ...
یادآوری می‌شود در گنجینهٔ دستنویس‌های انتستیتوی خاورشناسی حدود ۳۰۰ میکروفیلم و عکس از نسخه‌های ارزشمندی نگهداری می‌شود که از مردم کوهستان بدخشان تاجیکستان جمع آوری شده که بیش از ۳۵ اثر آن به قلم مؤلفان آنهاست و اغلب مربوط به تعلیمات و عقاید فرقه اسماعیلیه و مذهب شیعه می‌باشد. این فهرست اخیراً بدست انتشارات کتابخانه مرعشی قم منتشر شده است.

هر چند فهرست اجمالی آثار این مرکز طی ۵۰ سالهٔ اخیر در ۱۱ جلد فارسی و ترکی که ۶ جلد آن منتشر شده و ۵ جلد فهرست نسخ خطی عربی به زبان سیریلیک تهیه شده ولی تاکنون به خط فارسی برگردان نشده لذا جا دارد در اینجا به تلاش ستودنی آقای سید علی موجانی اشاره کرد که با همت بلند خود جلد اول فهرست تفصیلی آثار فارسی این مرکز را در تهران منتشر کردند و این بندۀ توفیق داشتم برای اولین بار نسخه‌هایی از این کتاب را برای مؤلفان آنها آقایان امریزدان علی مردان و ایلچی بیک و سید انور شاه خماروف و نیز برای آقای جوربیک نذریف رئیس آن مرکز مهم به ارمغان برده، حضوراً تقدیم نمایم و از نزدیک شاهد شادمانی و خوشحالی ایشان بودم. امیدوارم باقی مجلدات این فهرست که قرار است به همت انتشارات کتابخانه آیة‌الله مرعشی (ره) در قم وزیر نظر آقای موجانی منتشر شود بزودی به دست چاپ سپرده شود.

برگزاری نمایشگاه کتاب در دوشنبه
از جمله فعالیتهایی که در این سفر

مراکز علمی و فرهنگی تاجیکستان

آکادمی علوم تاجیکستان

این مرکز مشتمل است بر چند مؤسسه:
۱. مؤسسهٔ خاورشناسی و آثار خطی
۲. مؤسسهٔ مردم‌شناسی
۳. مؤسسهٔ زبان و ادبیات رودکی
۴. مؤسسهٔ فلسفهٔ حقوق و فلسفهٔ شرق.
حدود ۷۰۰ نفر در این آکادمی با درجه دکترا و ۴۵۰۰ نفر کارمند علمی مشغول به کارند. کتابخانه آکادمی علوم ۱/۵ میلیون کتاب دارد. انتستیتوی خاورشناسی و آثار خطی که رئیس آن آقای جوربیک نذریف است از پنج بخش خطی، متن‌شناسی، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی و تمدن‌شناسی تشکیل شده است.

گنجینهٔ دستنویس‌ها و آثار خطی آکادمی تاجیکستان از غنی‌ترین کتابخانه‌های آسیای مرکزی است. پیدایش این مرکز با تاریخ تأسیس آکادمی علوم که در سال ۱۹۵۱ م صورت گرفته مقارن است. بیش از ۵۷۵۰ نسخه خطی و ۶۳۴۰ جلد کتاب چاپ سنگی در این بخش نگهداری می‌شود. ۸۰٪ آن به زبان فارسی و کمتر از ۲۰٪ آن به زبانهای عربی و ترکی و زبانهای دیگر است. قدیمی‌ترین کتابت آثار این مرکز مربوط به سده‌های ششم و هفتم هجری است. از جمله تاریخ طبری، تکمیل ابوعلی بلعمی، التفہیم بیرونی، کیمیای سعادت غزالی، کلیات سعدی، شرح الکافیة فی النحو رضی الدین استرابادی و ...

همچنین در این انتستیتو نسخه‌های منحصر به فرد و بعضاً به خط مؤلفان آنها نگهداری می‌شود از آن جمله‌اند: ظفر نامه بدرالدین کشمیری، تذکرۃ الشعرا حاجی نعمت الله محترم، تحفه شاهی میرزا عظیم

امضای دو تفاهمنامهٔ فرهنگی

میراث مکتب، دو تفاهمنامه دربارهٔ برگزاری نمایشگاه کتابهای منتشر شده این دفتر را با همکاری رایزنیهای فرهنگی ایران در تاشکند و شهردوشنبه، امضا کرد. متن این دو تفاهمنامه به شرح زیر است:

اندیشمندان، دربارهٔ تصحیح و تحقیق بیش از ده متن چاپ نشده با آنان به گفت و گو پرداخت و قرارداد چاپ و انتشار آن آثار با همکاری دفتر نشر میراث مکتب با ایشان منعقد شد.

همچنین آقای ایرانی، مدیر دفتر نشر

در سفری که مدیر دفتر نشر میراث مکتب در نیمهٔ دوم فروردین سال جاری به دو کشور ازبکستان و تاجیکستان داشت، ضمن دیدار از مرکز فرهنگی، مؤسسه‌های شرق‌شناسی و کتابخانه‌های خطی این دو کشور و ملاقات با برخی از محققان و

۱۱. هزینهٔ ایاب و ذهاب و اقامت به عهدهٔ رایزنی می‌باشد.

۱۲. نشر میراث بروشوری شامل معرفی آثار ارائه شده در همایش بیرونی تهیه و توسط رایزنی ترجمه و با نام مشترک نشر خواهد یافت.

۱۳. رایزنی نسبت به همکاریهای لازم جهت اخذ روادید و تهیه محل اقامت برای نماینده فروش یا مدیر دفتر، اقدام مقتضی مبدول خواهد نمود. البته هزینه محل اقامت بر عهده این دفتر خواهد بود.

۱۴. این تفاهم نامه در ۱۴ بند و دو نسخه به امضای طرفین رسید.

* * *

بسمه تعالیٰ

تفاهمنامهٔ همکاریهای رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهردوشنبه و دفتر نشر میراث مکتب

به موجب این تفاهمنامه همکاریهای فرهنگی، پژوهشی طرفین فوق الذکر بدین شرح مقرر می‌گردد:

۱. امکانات لازم جهت اجرای نمایشگاه کتاب در شهردوشنبه جهت عرضهٔ آثار دفتر نشر میراث مکتب توسط رایزنی فرهنگی تهیه خواهد شد.

۲. مکان برگزاری در محل انسنتیتوی شرق‌شناسی و میراث خطی وابسته به آکادمی علوم تاجیکستان خواهد بود.

۳. زمان برگزاری نمایشگاه ترجیحاً ۵ شهریور سال ۱۳۷۷ مصادف با سالگرد استقلال تاجیکستان خواهد بود.

۴. رایزنی فرهنگی متعهد می‌شود حداقل پنج نسخه (در حدود ۵۵ عنوان) از آثار ارائه شده این دفتر که تناسب با تاریخ و ادبیات و فرهنگ ماوراءالنهر دارد تا سقف ۳۰۰ دلار خریداری کند.

۵. همچنین حداقل دو نسخه از (حدود ۲۰ عنوان) کتاب ارائه شده این دفتر تا سقف ۲۰۰ دلار خریداری کند.

تبصره: نسبت به باقیمانده آثار با توافق طرفین اقدام خواهد شد.

۶. رایزنی نسبت به همکاری لازم جهت تهیه اقامت برای مدیر این دفتر یا نماینده آن اقدام مقتضی مبدول خواهد کرد. البته هزینه محل اقامت بر عهده این دفتر خواهد بود.

این تفاهمنامه در شش بند و یک تبصره در دونسخه به امضای طرفین قرارداد رسید.

بسمه تعالیٰ

تفاهمنامهٔ همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاشکند و دفتر نشر میراث مکتب

به موجب این تفاهم نامه همکاریهای فرهنگی، پژوهشی طرفین فوق الذکر بدین شرح مقرر می‌گردد:

۱. امکانات لازم جهت اجرای نمایشگاه در تاشکند و یا دیگر شهرهای ازبکستان جهت عرضه آثار دفتر نشر میراث توسط رایزنی فرهنگی مهیا خواهد شد.

۲. مکان برگزاری ترجیحاً خارج از محل سفارت جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اما اینک سالن سفارت جهت نمایشگاه مقرر می‌گردد.

۳. زمان برگزاری نمایشگاه تیرماه سال جاری مقرر می‌گردد و در صورت توافق اوخر شهریور، همزمان با کنگره امام بخاری در تاشکند نیز اجرا خواهد شد.

۴. نشر میراث متعهد می‌گردد کتب و سایر اقلام فرهنگی نمایشگاه شامل بروشور معرفی آثار و ... را حداقل یک هفته قبل از نمایشگاه به رایزنی فرهنگی تحويل نماید.

۵. حداقل پنج نسخه از آثار ارائه شده که مربوط به ماوراءالنهر است (حدود ده عنوان) توسط رایزنی و سفارت خریداری خواهد شد که مبلغ آن تا سقف سیصد دلار (۳۰۰) خواهد بود.

۶. حداقل دو نسخه دیگر از آثار ارائه شده (حدود بیست عنوان) توسط رایزنی و سفارت خریداری خواهد شد که مبلغ آن تا سقف دویست دلار (۲۰۰) خواهد بود.

۷. نشر میراث متعهد می‌گردد در حد توان، مجموعه آثار تحقیق شده در ایران را که مربوط به ابوریحان بیرونی است جهت همایش بیرونی در شهر کات که بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال جاری برگزار می‌گردد، تهیه و ارسال نماید.

۸. هزینه مربوط به خرید و ارسال به عهده رایزنی خواهد بود.

۹. حق کتاب یابی از رایزنی دریافت خواهد شد.

۱۰. در صورت درخواست رایزنی از یکی از اساتید بیرونی شناس (واز کارشناسان علمی دفتر نشر میراث مکتب) جهت همایش دعوت خواهد نمود.



آینهٔ خبر

- ۳ - عرضه آثار عربی دفتر در بخش عربی نمایشگاه.
- ۴ - قرارداد پخش و توزیع کتاب با انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۵ - دیدار آقای جمال محمد ناصیف، ناشر دمشقی - دار ناصیف - از غرفهٔ واعلام آمادگی جهت توزیع کتاب در دمشق.
- ۶ - انتشار پوستر تبلیغاتی دفتر در کتاب راهنمایی که به وسیلهٔ روابط عمومی یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران منتشر شد.
- ۷ - دیدار استاد و محققانی چون دکتر پرویز اذکائی، الهی خراسانی، دکتر ابوالقاسم امامی، نجیب مایل هروی، دکتر سلیمان اختر، موسوی گرمارودی، حجت‌الاسلام عبدالله نورانی و سایر پژوهشگران از غرفهٔ دفتر.
- ۸ - دیدار خانم نجاح عطار وزیر فرهنگ سوریه به همراهی آقای دکتر مهاجرانی از غرفهٔ دفتر. خانم عطار در نمایشگاه به ایراد سخنرانی پرداخت و با بکاربردن تعبیر «الخليج العربي» اعتراض حضار را برانگیخت. از این رواز سوی مدیر دفتر، کتاب الجماهر فی الجواهر ابویحان بیرونی (از منشورات دفتر) به ایشان اهداء گردید. زیرا ابویحان بیرونی در این کتاب تعبیر خلیج فارس (ص ۲۳۷) را بکار برده و این نکته به ایشان یادآوری شد!
- ۹ - دیدار شخصیتها و مسئولینی چون: دکتر مهاجرانی - وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی - حجت‌الاسلام محمدی عراقی - سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی - صباح زنگنه - سفیر و نماینده دائم کشورمان نزد سازمان کنفرانس اسلامی - مهندس یحیوی - نماینده مردم تهران در مجلس - دکتر فریدزاده - مشاور عالی رئیس جمهور - آیت‌الله جنتی - از استاد حوزه علمیه - حجت‌الاسلام محمد مسجدجامعی - نماینده سابق ایران در واتیکان - و دهها شخصیت علمی و فرهنگی کشور.

دفتر نشر میراث مکتوب در یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

سال گذشته دفتر نشر با حدود ۲۰ عنوان کتاب و با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در یازدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در غرفه‌ای مشترک حضور یافتند.

و امسال دفتر با حدود ۵۰ عنوان کتاب مستقلًا غرفه‌ای را بنام آینه میراث که عنوان انتشارات این دفتر است به خود اختصاص داده بود.

این دوره زمان مناسبی برای ارزیابی و سنجش مخاطبان و علاقه‌مندان به میراث مکتوب و منشورات

دفتر بود، بگونه‌ای که مراجعهٔ محققان، استادی و دانشجویانی که با آثار این دفتر آشنایی داشتند، این نوید را به اعضای دفتر

داد که آثار منتشر شده از سوی دفتر توانسته بخشی از مخاطبان خود را پیدا نموده و علاقه‌مندان به میراث مکتوب و مراکز تحقیقی که در زمینه احیای متون فعالیت می‌کنند را به خود جلب نماید. در این نمایشگاه این شناخت تبلور عینی پیدا کرد و دفتر از نزدیک با برخی از مخاطبان به گفتگو نشست و پیشنهادات و انتقادات ایشان را به گوش جان شنود.

نکته قابل توجه در این نمایشگاه، دیدار مقام معظم رهبری از نمایشگاه بود که در ضمن فرمایشات ارزشمند خود، ضرورت چاپ و احیای متون خطی و سنگی را مذکور شدند.

در حاشیهٔ نمایشگاه

۱ - دیدار محققان آلمانی آقایان: دکتر برت فراگنر (استاد دانشکده ایران‌شناسی دانشگاه بامبرگ)، دکتر آندریاس درشلر (رئیس کتابخانه شرق‌شناسی دانشگاه بامبرگ) و محقق رویی آقای سرگئی تورکین از انسیتیتوی شرق‌شناسی سن پترزبورگ از غرفه دفتر نشر میراث مکتوب.

استاد نجیب مایل هروی

محقق و مصحح آثاری چون تاج التراجم فی
تفسیر القرآن للاعاجم

برای رسیدن به رنسانس اسلامی در سده پانزدهم هجری، و بازسازی نظام مند تمدن اسلامی، احیای نگارش‌های پیشینیان یک ضرورت بسیار جدی عصر است و دفتر نشر میراث مكتوب خوشبختانه جامعه فرهنگی ما را برای رسیدن به رنسانس اسلامی بسیار کمک شایان توجه کرده‌اند. خداوند همه سرورانی را که در نمودن فرهنگ اسلامی / ایرانی اهتمام دارند نگهدارد. ان شاء الله تعالى العزيز.

حجت الاسلام عبدالله نورانی نیشابوری
محقق و مصحح آثاری چون مرآت الاکوان زیارت دفتر نشر میراث مكتوب، مایه شادی و نشاط است. نشر کتب اسلامی به زبان عربی و فارسی در ترویج معارف اسلامی وسیله‌ای مثمر ثمر است. آرزو است که روزی به یاری پروردگار تعالی یک میلیون کتاب اسلامی در نمایشگاهها چشم و دل مراجعان را روشن کند. ای طالبان علم بستابید برای آماده سازی میراث مكتوب اسلام. خداوند عزّشانه شما را یاری فرماید.

آقای دکتر پریز اذکائی

غرفه دفتر نشر میراث مكتوب را بازدید نمودم، دفتر نشری که به اشراف و اهتمام بلیغ آقای اکبر ایرانی - ایده الله تعالی - شماری از مواريث مكتوب گرانبار ملی - مذهبی ما را به زیور طبع آراسته، مصدر خدمات عظیم و ثمین فرهنگی بوده و ان شاء الله - تعالی - همچنان خواهد بود، مزید توفیقات ایشان را همراه با نشاط علمی مدام از درگاه حق تعالی مسئلت دارم.

امضای دفتر یادبود در نمایشگاه کتاب

شخصیتها و محققان بزرگوار ضمن دیدار از غرفه دفتر نشر میراث مكتوب در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دفتر یادبود مرقوم فرمودند:

و پایه‌ای محسوب می‌شود. خداوند توفیق دهد تمامی آثار مكتوب کشورهای اسلامی احصا و ثبت و ترمیم و معرفی گردد.

آقای موسوی گرمارودی
شاعر و پژوهشگر
حوالحق

روئی که نگرددز کسی روی کتاب است روز آدینه در غرفه روح‌بخش میراث مكتوب شرف حضور یافت. از آرزوهای بزرگ هر کتابدوستی یکی همین است که مجموعه‌های گرانقدر از مواريث ادبی ما، به شیوه‌ای علمی و بر و روی امروزین و وزین، به آرایش چاپ زیور یابند؛ و این مهم در این مؤسسه (شیدالله ارکانها) به منصة ظهور و بروز رسیده است.

سعیتان مشکور و پای پویستان از دست سنگ اندازان دور باد!

آقای الهی خراسانی
مدیر عامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس‌رضوی

بازدید از غرفه دفتر نشر میراث مكتوب برای هر بیننده‌ای مایه مسرت و موجب امیدواری به آینده درخشنان میراث مكتوب کشور ایران اسلامی است.

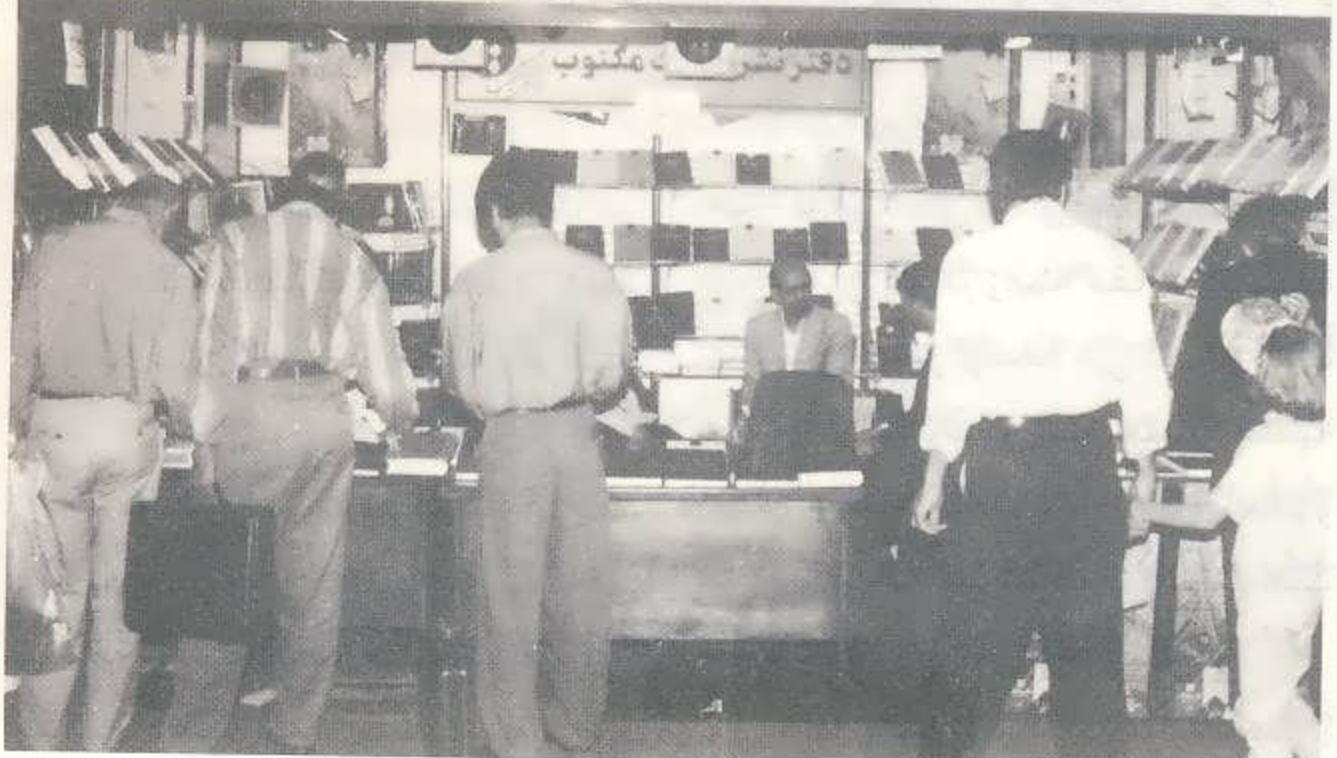
حجت الاسلام محمدی عراقی
سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی

از تلاش دفتر نشر میراث مكتوب بخاطر احیا و نشر میراث فرهنگی و علمی و دینی، تشکر نموده و آرزوی توفیق نمودند.

آقای صباح زنگنه
سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان کنفرانس اسلامی

احیاء، تصحیح و نشر و تحقیق آثار مكتوب ایران اسلامی از خدماتهای ارزشمند

آیینه میراث واسمه: دفتر نشر میراث مكتوب



در عداد آثار در دست انتشار قرار داد:

۱. در تصحیح حاضر، در استنساخ و مقابله دقت و وسوسای بیشتر بکار رفته و اغلات املایی و محتوایی موجود در چاپ پیشین اصلاح شده است.
۲. تعلیقات افزوده مصحح، مشتمل بر شرح و معرفی اجمالی اعلام، شهرها، اماکن و مؤسسات تاریخی و کتب نیز از مشخصات این تصحیح می باشد.
۳. از دیگر ویژگیهای تصحیح حاضر استعمال آن بر فهارس متنوع شامل: «واژه‌نامه، فهرست نامهای خاص، جایها و مؤسسات، گروههای مذهبی، شهری و تاریخی، نام پیشنهادی، کتابها و رساله‌ها، آیات، احادیث، اخبار و اقوال، ابیات و مصraigاهای فارسی، عربی و ترکی، ماده تاریخها، معماها و مراجع و مأخذ» می باشد.
۴. مقدمه مصحح که به بررسی دوران طلایی تیموریان هرات در روزگار امیر علیشیر نوایی و همچنین شرح حال نویسنده مکارم الاخلاق می پردازد، بررسی بالنسبه جامع و مفید از آن دوره می باشد.

چاپ دوم مکارم الاخلاق

در چهارمین دفتر (۱۳۷۴) از «مجموعه رسائل فارسی» که زیر نظر آقای نجیب مایل هروی با حسن سلیقه به چاپ رسیده متن مکارم الاخلاق خواند میر که در احوال و مناقب امیر علیشیر نوائی است به اهتمام آقای محمد اکبر عشیق (افغانی) بر اساس نسخه موزه بریتانیا (مورخ ۹۶۵) و دیگر نسخه مستنسخ از روی نسخه مورخ ۱۰۷۸ به چاپ رسیده است.

به این مناسبت ضرورت دارد گفته شود که استاد تورخان گنجه‌ای چاپ عکسی نسخه موزه بریتانیا را با مقدمه و فهرستهای اشخاص و اماکن و کتب در سال ۱۹۷۹ در سلسله انتشارات اوقاف گیب منتشر ساخته بود.

[مجله کلک، شماره ۸۰-۸۳]

از آنجا که چاپ پیشین کتاب مکارم الاخلاق خواند میر هراتی فاقد ویژگیهای تصحیحی خوب و کارآمد می باشد، از این رو چاپ این اثر به شکل دقیق و علمی تصحیحی درخور و شایسته را می طلبید. دفتر نشر میراث مکتب کتاب مکارم الاخلاق به تصحیح آقای محمد اکبر عشیق که دارای ویژگیهای زیر می باشد،



جغرافیای نسخه‌های خطی

درین موارد بغدادی، شاماتی، حجازی، مغربی، یمنی ختایی). البته هر یک مظہر مکتب و اسلوب خاصی است و در هر یک از آن شیوه‌ها در قرون متفاوت خطوط متنوع نوشته می شده است.

۳. به اعتبار آنکه نسخه‌ها اکنون کجاست و هر یک به چه مناسبی و به چه ملاحظه یا چه واقعه و ترتیبی به آن مراکز رسیده است.

۴. به اعتبار موضوع نسخه‌ها از این حیث که فی المثل در موارد النهر نسخه‌های صوفیانه آن هم در زمینه عقاید سلسله نقشبندی بیشتر نوشته می شد تا کتب دیگر، یا در هندوستان نسخ سلسله چشتیه بیشتر به رشتة کتابت در آمده یا آنکه قم و مشهد و عتبات از مراکز اصلی کتابت کتب فقه و کلام شیعی می بوده است.

ایرج افسار، [مجله کلک، شماره ۷۶ - ۷۹]

نسخه‌های خطی فارسی، عربی و ترکی که اساس مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی را دربر می گیرد با پیشامدهای گونه گون امروزه در پنج قاره جهان پراکنده است. اکثریت این نسخه‌ها در آسیاست (بیشتر در ترکیه، ایران، هند، پاکستان و مأموراء النهر). پس از آن در اروپا، سپس در آمریکا و در آفریقا. مقداری هم در کشورهای عربی و بیش از همه در مصر است. محدودی هم از نسخه‌ها در این نیم قرن اخیر به استرالیا برده شده است. بهترین بررسی در این زمینه فهرستی است که براساس نام کشورها توسط مؤسسه «الفرقان» به انجام رسیده و در چهار مجلد چاپ شده و در دسترس عموم است و بخوبی وضع آنها را در حدود یکصد و پنجاه کشور جهان توصیف کرده است.

تقسیم جغرافیایی نسخه‌ها گواه گویا و

نشانه‌ای است از تاریخ مدنیت و جویاگی در راه علم در کشورهایی که نگاهبان نسخه‌ها می باشند.

اما تقسیم جغرافیایی متنها ای آثار پیشینیان و نسخه‌های آنها به چند مناسبت تواند بود:

۱. به اعتبار تألیف متن نسخه‌ها، هر یک در کدام منطقه انجام شده و در کدام سرزمین بیش از همه کتاب تألیف شده است.

۲. به اعتبار کتابت نسخه‌ها، هر یک در کدام منطقه و به کدام نوع از شیوه‌های شناخته کتابت انجام شده است (مثلاً کشمیری، هندی، هراتی، شیرازی، تبریزی

گلزار کشمیر

شده است:

چمن اوّل:

گلبن اوّل: وجه تسمیه و حد و حدود

گلبن دوم: عجائب

گلبن سوم: چشميه‌های مشهور

گلبن چهارم: انها کلان

گلبن پنجم: از هار معروف

گلبن ششم: گل اوّل: مندرها و

نیايشکده‌ها، گل دوم: در عمارت و

باغات

چمن دوم:

گلبن اوّل: حکومت راجها

گلبن دوم: فرمانروایان اسلامیه

گلبن سوم: حکمرانی سنگان

گلبن چهارم: فرماندهی شری سرکار

مهاراجه والی جمون

چمن سوم: در ذکر پیداوار (به معنی
محصول است)

گلبن اوّل: در پیداوار غلات

گلبن دوم: در پیداوار متفرقه

گلبن سوم: گل اوّل: درختان باگی، گل
دوم: درختان جنگلی، گل سوم:

میوجات گل

چهارم: پیداوار ادویه

از کتابهای نادری که در هند چاپ سنگی شده است (۱۹۱۳) و من نسخه‌ای از آن را در کتابخانه مدرسهٔ السنّه شرقیهٔ دانشگاه لندن دیده‌ام گلزار کشمیر یا تواریخ ملک کشمیر تألیف کریپارام (در ۱۸۵۷) است. نسخهٔ کتاب مذکور به شمارهٔ PM954.6(18722) در آن کتابخانه محفوظ است.

چون بسیاری از مضمونین این تألیف برای تاریخ فرهنگ ایرانی مفید و مهم است و فرهنگستان ایران تألیف دائرةالمعارفی خاص برای چنان مضمونینی را در دست تهیه دارد، فهرست مندرجات آن را نقل می‌کنم.

«... بیشتر تواریخ کشمیر فارسی،
شااستری و انگریزی غالباً همگی احوال کشمیر را در بر ندارد و در تاریخهای خود از پیداوار کشمیر و انواع صنایع و فرق اهل حرفةٔ خود ذکر نکرده و بسا قصص بعيد از عقل در تواریخ خود تحریر نموده‌اند که فسحت آباد تحقیق به صد منزل دورتر می‌نمایند.» کتاب به شش چمن تبویب

چمن چهارم:

گلبن اوّل: جانوران پرنده

گلبن دوم: جانوران چرند

گلبن سوم: اقسام ماهی

چمن پنجم:

گلبن اوّل: صنایع اهل حرفة

گلبن دوم: آلات و طریق ساختن

مصنوعات

چمن ششم:

گلبن اوّل: کیفیت زعفران

گلبن دوم: کیفیت ابریشم

گلبن سوم: کیفیت خطوط مروجہ

گلبن چهارم: کیفیت اوزان مقررہ

گلبن پنجم: اوقات تخم افکندن اجناس

در زمین

گلبن ششم: معدنیات

گلبن هفتم: مال تجارت، گل اوّل: آنچه

از لداکه به کشمیر می‌رسد. گل

دوم: آنچه از کشمیر به لداکه

می‌رود. گل سوم: آنچه از کشمیر به

طرف هند می‌رود. گل چهارم: آنچه

از هند به کشمیر می‌رسد.

[ایرج افسار، مجلهٔ کلک، شمارهٔ ۷۶-۷۹]

هزاران نسخهٔ خطی در یمن در حال نابودی است

۲. کتابخانهٔ عمومی وابسته به وزارت فرهنگ یمن شامل حدود شش هزار نسخهٔ خطی فهرست شده.

۳. کتابخانهٔ الاحقاف در شهر نزیم حضرموت با بیش از پنج هزار نسخهٔ خطی فهرست شده.

در خور ذکر است که طبق تحقیقات انجام شده، هشتاد درصد نسخه‌های خطی موجود در یمن هنوز فهرست برداری نشده که در میان این نسخه‌ها کمیابترین و نفیس‌ترین کتب خطی مربوط به تمدن اسلامی یافت می‌شود و نسخه‌های مذکور در معرض آفات گوناگون قرار گرفته‌اند.

حفظ میراث فرهنگی ملت‌ها یکی از مهمترین و ارزشمندترین اموری است که باید دست‌اندرکاران امور فرهنگی به آن توجه کنند.

حدود ۱۵۰ هزار نسخهٔ خطی که برخی از آنها از نفیس‌ترین و قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی در جهان است و قدمت آنها به دوران صدر اسلام می‌رسد، به علت عدم توجه کامل و فهرست برداری علمی در آستانهٔ تهدید جدی قرار گرفته است. این نسخه‌های خطی هم اکنون در سه مرکز فرهنگی نگهداری می‌شوند:

۱. کتابخانهٔ اوقاف یمن در صنعا شامل حدود پنج هزار نسخهٔ خطی فهرست شده.

دکتر الدسوقي شتا به ديار باقى شتافت

جامعة القاهرة
كلية الآداب
قسم اللغات الشرقية

السيد مدیر / دفتر نشر میراث مكتوب
تحية طيبة وبعد ...

نشكر سعادتكم على إهدائكم الكتب الآتية بياناتها :

* قاموس البحرين

* تاج الترجم في تفسير القرآن للأعاجم (المجلد الأول والثاني والثالث)
التي أرسلت إلى قسم اللغات الشرقية بكلية الآداب جامعة القاهرة .
ونشكر سعادتكم على حسن تعاونكم معنا ونتمنى له الدوام .

وتفضلاً سعادتكم بقبول وافر الاحترام ...

رئيس مجلس قسم اللغات الشرقية

أ.د. ابراهيم الدسوقي شتا

دکتور ابراهیم الدسوقي شتا مؤلف،
متزجم و استاد زبان و ادبیات فارسی که
سالها در مصر و سایر بلاد عربی در
زمینه زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ
ایرانی به خدمت اشتغال داشت،
درگذشت. فرهنگ بزرگ دوزبانه فارسی
و عربی از آثار ارزشمند این محقق و
مؤلف عظیم الشأن است.

دفتر نشر میراث مكتوب ضایعه
درگذشت این پژوهندۀ بزرگ و دوستدار
زبان و ادبیات و استاد فقید دانشکده
ادبیات دانشگاه قاهره را به تمامی
اساتید زبان و ادبیات فارسی دو کشور
ایران و مصر تسلیت گفت، از درگاه
ایزدی برای شادی و آرامش روانش
طلب مغفرت می نماید.

نکوداشت غالب دهلوی

خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در
lahor با همکاری آکادمی ادبیات پاکستان
غربی و دانشگاه‌های پنجاب و لاہور به
مناسبت دویستمین سالگرد ولادت غالب
دهلوی شاعر پارسی گوی هندی، همایشی
را در شهر لاہور برگزار کرد. در این همایش
تعدادی از صاحب‌نظران در بحث‌های خود به
بررسی آثار و احوال غالب غالب دهلوی
پرداختند.

در خور ذکر است که دیوان غزلیات
فارسی غالب دهلوی به تصحیح دکتر
محمد حسن حائری و به همت دفتر نشر
میراث مكتوب بزودی به حلیه طبع آراسته
خواهد شد.

اخبار انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

1. مراسم نکوداشت استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب در تاریخ چهارشنبه،
بیستم اسفندماه ۱۳۷۶ ه. ش، از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با
همکاری مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی و با حضور تنی چند از محققان و
شخصیتهای بر جسته کشور در محل این انجمن برگزار شد.
در این مراسم آقای بجنوردی (رئیس کتابخانه ملی و رئیس دایرة المعارف بزرگ
اسلامی)، دکتر فتح الله مجتبایی، دکتر مهدی محقق، آقای احمد مسجد جامعی قائم
مقام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنرانی کردند و در انتهای نیز با اهدای لوح یادبود و
هدایایی به استاد زرین کوب و سخنرانی ایشان مراسم خاتمه یافت.
2. برگزاری مراسم بزرگداشت حضرت آیت الله لاری در استان فارس در شهرستان لار
در تاریخ ۲۷/۲/۳ توسط شبه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در استان فارس و همکاری و
همیاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مرکز انجام شد.
3. برگزاری مراسم بزرگداشت استاد گلچین معانی در تاریخ ۲۷/۲/۶ در استان خراسان
شهر مشهد مقدس توسط این انجمن انجام شد.



نامه‌های رسیده

نامه تعدادی از دانشجویان و مدرسان دانشگاه آزاد اسلامی

در شماره دوم خبرنامه آینه میراث مقاله‌ای با عنوان «فلسفه اقتصاد و اجتماع موضوع اصلی کتاب الجماهر بیرونی» به قلم دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول به چاپ رسیده بود که حدود پنجاه تن از دانشجویان رشته اقتصاد نظری و اقتصاد بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران طی نامه‌ای خطاب به مدیریت دفتر نشر میراث مکتب در مدتی بسیار کوتاه موفق شده که سهم بسزایی در این وظیفه مقدس داشته باشد.

و همچنین خانمهای لیلا اسعده‌نیا و منیژه دشتیان، دو تن از مدرسان و محققان دروس اقتصاد خرد و کلان و اقتصاد بخش عمومی این دانشگاه طی نامه‌ای به دفتر نشر میراث مکتب با ضمن تشکر از مدیریت دفتر بخاطر چاپ این مقاله اعلام داشتند: این مقاله در زمینه‌های اقتصاد کلان و پول و بانک و اقتصاد دولت (بخش عمومی) مطالبی را ارائه کرده که در صورت ترجمه متن اصلی می‌توان بخشی از مطالب درسی دانشجویان را از آن انتخاب نمود. علاوه بر این ترجمه کامل این متن برای غنای فرهنگی دانشجویان اقتصاد و اعلای فرهنگ اسلامی بسیار مفید و باعث فخر و مباحثات دانشجویان خواهد شد. چرا که در هزار سال قبل یک دانشمند ایرانی مسلمان مطالبی در اقتصاد ارائه کرده که اکنون پایه تئوری‌های امروزی است.

دیدگاه دکتر مهدی محقق مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی درباره دفتر نشر میراث مکتب

مدیر محترم دفتر نشر میراث مکتب

اعضای علمی این مؤسسه همت و کوشش دفتر نشر میراث مکتب را به اولیای آن دفتر تبریک می‌گویند. نشر آثار درجه یک دانشمندان اسلامی - ایرانی که همه آنها استوار کننده مبانی فرهنگ و ملیت مردمان این سرزمین است از اوج و اجلات است که خوشبختانه دفتر نشر میراث مکتب در مدتی بسیار کوتاه موفق شده که سهم بسزایی در این وظیفه مقدس داشته باشد.

توفيق اولیای آن دفتر و اعضای علمی کوشان و پرتوان آن را از خداوند بزرگ خواستار است.

مهدی محقق

مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

دیدگاه استاد محمد روشن درباره دومین خبرنامه آینه میراث

با سلام و تحييت و افتخار فرست برای شادباشهاي نوروزي و مسائل مزيد توفيقات برای آن جناب و هيأت محترم تحريريه آينه ميراث از درگاه خداوند بزرگ، شماره دوم نشريه بس سودمند شمارا زيارت كردم و بسیار بهره مند گشتم، خواستم استدعا كنم در صورت امكان شماره نخستین آينه ميراث و ديگر شماره هاي آن را به نشانى من بنده محمد روشن پژوهشگر بازنشسته فرهنگ ادب و هنر و مدرس کنونی دانشگاه تهران مرحومت داريد، از پيش از عنایات شامل شما سپاسگزاری می‌کنم.

محمد روشن

محمد روشن

در پی ارسال بعضی از کتابهای منتشر شده دفتر، به انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، خانم زیو و سل طی نامه‌ای مورخ ۲۵/۲/۷۷ تشكير و سپاس خود را ابراز داشته و اعلام نمودند که این کتابها از طرف دفتر برای مؤسسه مطالعات ایرانشناسی دانشگاه سوربن (پاریس ۳) ارسال خواهد شد. و در پایان نامه موفقیت روزافزون و تحقق همکاری فیعالیت را خواستار شدند.

VV, O, V

توفیق و عنایت دادار همراحتان باشد.
ان شاء الله
با احترام فروهر

شد نمشی توان از این توجه به کاری گستردۀ و پر تلاش چشم پوشید و آفرین نگفت. امید است که در این راه فرهنگی کامیاب باشید و در راهی که در پیش دارید

در کنار نشر آثار ارزشی زبان فارسی به متون
بسیار سطح بالای ادب و فرهنگ عربی
معطوف بوده و آثاری نظیر خریده القصر را
در برنامه خود قرار داده است. از خدای
منان توفیق روزافزون همه مسئولین و
دست اندر کاران آن وزارت خانه را در این راستا
خواهانم. من جاهد فینا فلنده دینهم سبلنا

محمدعلی محبوبی

دیدگاه آقای محبوبی مشاور فرهنگی وزارت بهداشت

علوم و فنون پیشگام بوده و بخصوص در علوم اسلامی و آثار عربی استاد مسلم و پیشتاز قافله علم و ادب بوده‌اند مانند زکریای رازی، پورسینا، ابوريحان بیرونی و تعالبی نیشابوری، باحرزی و بالآخره عماد کاتب اصفهانی، الحمد لله ما یه خوشبختی است که عنایت اولیای امر در وزارت ارشاد

بسمه تعالى
از باب من لم يشكر المخلوق لم يشكر
الخالق باید بدون مقدمه عرض کنم دست
شما درد نکند و خدا یاور و معین تان باشد.
در نشر این آثار عظیم و احیای آنها که
موجب سر بلندی ایران اسلامی است،
ایرانی که همواره دانشمندانش در تمامی

مرآة التراث الفصلية

السنة الأولى، العدد الأول، ١٤٢٧ هـ. ش ١٤١٩ هـ. ق ١٩٩٨ م

تقدمة

الأهداف

- داخل البلاد وخارجها، والمساهمة أيضاً في جميع مشاريع البحوث والدراسات التي يحتاج إليها المركز.
 - تعاون الثقافي والعلمي في إقامة المؤتمرات لتكريم النخبة من العلماء والمنقبين والمحفظين وإحياء ونشر آثارهم.
 - إنشاء وتأسيس مراكز وشبكات تقديم المعلومات عن الآثار الخطية والدراسات والتحقيقات التراثية إلى المحققين والمصححين وتسهيل الوصول إليها بأبسط الطرق وأسرعها.
 - ترجمة المخطوطات الفارسية القيمة إلى العربية وغيرها من اللغات العالمية.
 - القيام بنشاطات النشر وتقديم الخدمات الفنية وتأسيس مركز لنشر وطبع الكتب والدوريات والمطبوعات وإنشاء مطبعة واتخاذ الإجراءات اللازمة لذلك.
 - إقامة معارض ومراكز لعرض وبيع الكتب الصادرة من المركز، وفتح مكتبات تنوب عن المركز في سائر أنحاء البلاد.
- وقد وفق مكتب نشر التراث المخطوط، خلال ٤ أعوام من نشاطاته العلمية الثقافية وبمشاركة من المحققين والمصححين الأفضل المشهورين والناشرين البارزين إلى أن يقدم للمجتمع الثقافي ما يقرب من ١٠ أثراً مخطوطاً في ١٠ مجموعات من العلوم والمعارف الإسلامية، اللغة الفارسية وآدابها، تراث ماوراء النهر، التاريخ والجغرافيا، العلوم والفنون، بليوغرافية الكتب والمخطوطات. وهناك ما يربو على ٤٠ أثراً تحت الطبع أو في صدد تنضيد الحروف والنشر.
- وقد دعت الحاجة الماسة إلى مجلة متخصصة باللغة الفارسية للإعلام وتقديم المعلومات في
- التعرف على المخطوطات القيمة في مجالات الثقافة والحضارة الإسلامية والإيرانية والتعريف بها.
 - تحقيق ونشر المخطوطات القيمة من المتون الإسلامية والإيرانية.
 - تحقيق ونشر الرسائل الخطية والنصوص المطبوعة طبعة حجرية.
 - دعم جهود المحققين والمصححين ودور النشر في الخارج والداخل لإحياء النصوص.
 - الإسهام في توسيع مجالات تعليم الأسس العلمية في تحقيق النصوص، وتأليف وترجمة النصوص المتخصصة.
 - الإسهام في توسيع شبكات تقديم المعلومات عن النسخ الخطية.
 - المساهمة في نشر وتنظيم فهارس المخطوطات التي لم تفهرس مجموعاتها بعد.
 - طبع النشريات الدورية المتخصصة في تقديم المعلومات عن المخطوطات والتحقيقات التي تمت في هذا الصدد.

المهام

- إقامة العلاقات وتبادل المعلومات مع المراكز والمؤسسات المتخصصة بالنصوص الخطية وسائر المراكز العلمية في داخل البلاد وخارجها للتعرف على الآثار الخطية والتعريف بها، والقيام بتبادل الخدمات والانتاجات الثقافية (مثل الكتب و...) إعداد الميكروفيلم والصور واستنساخ المخطوطات في داخل البلاد وخارجها.
 - المساهمة والمشاركة مع سائر المراكز والمؤسسات المتخصصة بتحقيق النصوص وتصحيحها
- كما أن الكثير من متون التراث رغم طبعه عدة مرات إلا أنه لم يرق إلى المستوى العلمي الأمثل في النشر والطبع وبحاجة ماسة إلى إعادة تحقيقه وتصحيحه.
- و انطلاقاً من هذه الضرورات الملحة، فقد أ始建 وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي «مكتب نشر التراث المخطوط»، عام ١٤٢٢ هـ. ش ١٩٩٤ م
- لتقوم من خلله وبدعم منها لجهود العلماء والباحثين وإنجازات المحققين والمصححين وبمشاركة المراكز العلمية والدراسية دور النشر والطبع في الخارج والداخل، بالمساهمة في نشر التراث المخطوط، ولتقديم للنخبة المتقدمة وتصنيف إلى المكتبات التراثية مجموعة قيمة من المتون المحققة والنصوص المصححة المنقحة.
- وللتعرف أكثر على هذا المكتب نذكر بإجماله أهدافه ومهامه،

المكتب أو سيسندرها -بمشيئة الله- فيما بعد، التعريف بالمحققين والمصححين، التعريف بالمراكم العلمية المختصة بالتراث، إعلان الأخبار الخاصة بالنصوص التراثية وموضوعاتها ومحاتوياتها، وما إلى ذلك من أمور في هذا المجال.

والمكتب يأمل في مزيد من التواصل الثقافي والعلمي بتزويده بالمقالات النقدية والدراسات والبحوث التراثية وأراء المحققين والمصححين الأفضل، والله الموفق والمعين.

ومن بين الموضوعات المحورية التي ستدور حولها هذه الدورية الفصلية، الحديث عن نشر تحقيقات ودراسات المحققين في العالم الإسلامي عن المخطوطات وخاصة ببليوغرافيتها وتصحيفها وتحقيقها الأكاديمي والعلمي، معالجة الأساليب العلمية والصحيحة في تحقيق التراث، التعريف بالكتب المحققة المطبوعة وما هو تحت الطبع للإشادة بإنجازات المحققين والدارسين والгиوله دون تكرار الطبع، التعريف بما جد من مقالات ومواضيعات تخصصية في مجال الدراسات والتحقيقات التراثية، التعريف بالكتب التي أصدرها

مجال تحقيق التراث، ليقدم «مكتب نشر التراث المخطوط» إلى جانب نشاطاته الثقافية الأخرى، على إصدار دورية باسم «مرأة التراث الفصلية»، ينصب اهتمامها على ببليوغرافية الكتب ونقدتها، وتقديم المعلومات المتخصصة عن النصوص التراثية ومناهج تحقيقها وتصحيفها. وقد كان المكتب قد أصدر سابقاً عددين من مرأة التراث في صورة دورية شهرية، وها هو الآن يقدم للمهتمين بالتراث ونحوه دورية فصلية في شكل جديد ونطاق أوسع ومعلومات متخصصة أوفر.



الطبيعية والإلهية.

وقد عالج فيه مؤلفه آراء من سبقوه من الفلاسفة والحكماء وتناولها بالفقد والدراسة. فهو فضلاً عن اطلاعه الوافر على آراء وآثار الملاصدرا، فقد كان يخالفه في بعض مسائل الوجود والحركة الجوهرية.

وقد بذل المؤلف قصارى جهده في تدعيم آرائه الفلسفية بالأيات القرآنية الكريمة والأحاديث النبوية الشريفة وأقوال الأنمة (ع). ولهذا نرى الكتاب وقد تجلت فيه الحكمة الشيعية بوضوح وشكلت سداً ولحمة.

الدكتور سيد جعفر سجادي

لعلنا بقبس

مقال أكد فيه كاتبه على أنه هناك من يعد كتاب القبسات أبدع وأروع وأهم ما خلفه ميرداماد من كتب ورسائل وآثار، وأن موضوعه الأساس هو كون العالم قد يبدأ أو ينتهي. وقد دون ميرسید أحمد العلوی صهره وتلميذه ميرداماد وابن خالته كتابه شرح القبسات نزواً على رغبة الأخير نفسه.

ويذهب كاتب المقال إلى أن شرح القبسات ليس شرحاً كاملاً لكل ما ورد في القبسات من موضوعات، إذ لم ينحو الشارح فيه إلى توضيح كل ما انطوى عليه الكتاب من مسائل وقضايا. ويرى أن هذا الشرح عبارة عن مجموعة من التعاليق والحواشى المتواлиة التي سعى فيها الشارح إلى تبسيط وتسهيل ماصعب واستغلق من عبارات ومفاهيم أوردتها ميرداماد في كتابه القبسات. وهي تعقيبات فرضتها طبيعة المادة الفلسفية المطروحة، واستغلقات عهدناها فيما دونه ميرداماد من آثار.

وبدا، فإن هذا الشرح يعدّ معيناً سائغاً كماً وأفراً من الفرائد الأدبية واللغوية التي استطاع الشارح أن يمدنا بها.

جواهريخ

الاكتارات بالتراث المخطوط

مقال سعى فيه كاتبه أن يلقي الضوء أولاً على الدوافع والدواعي التي ساقت شريحة القراء الإيرانيين إلى الإبحار صوب آثار علماء الغرب والتطلع إلى ماقذفه مطابعه من كتب وصنفات، دون الاكتارات بتراثهم التليد المخطوط، وكذا النتائج المترتبة على مثل هذه الفعال.

كما أكد الكاتب في مقاله هذا على ضرورة إحياء التراث المخطوط وآخرجه من سباته بنشره وطبعه. ثم تناول فيه الوسائل العملية والسبل المتاحة لتحقيق هذه الضرورة الماسة.

جواهريخ

نظارات حول تفسير الشهريستاني

الإمام محمد بن عبد الكريم الشهريستاني (ت ٥٤٨ هـ . ق)، من كبار علماء القرن السادس الهجري. وقد انطوى كتابه على مقدمة قيمة في علوم القرآن الكريم تتنظم في فصول متعددة، وتشتمل على مباحث شتى مثل: كيفية جمع القرآن، واختلاف الرواية في ترتيب نزول السور، ترتيب سور القرآن حسب القراءات السبعة، أسماء المفسرين من الصحابة، نشأة العلوم القرآنية، والمصاحف المختلفة، طبقات المفسرين ، ..

أما الإيرانيات الدخلية في هذا التفسير، ففضلاً عن دلالتها الأساسية من حيث الألفاظ والمعاني، فهي ليست بقليلة أيضاً.

الدكتور برويز أذكائي

نقد و دراسة إحياء الحكمة

يعود كتاب إحياء الحكمة لمؤلفه على قلى بن قرجاعي خان إلى القرن الحادي عشر للهجرة. وهو كتاب فلسفى ينظم في دورة كاملة من مباحث الحكمة

١١٠٢ هـ) واحداً من نوادي ونواذر علماء الإسلام. فقد كانت له يد طولى في جميع علوم عصره من فقه وأصول وتفسير وفلسفة ومنطق وتاريخ وآداب. كما نال تنصيبه الوافر من العلوم الطبيعية أيضاً.

تنطوى هذه الرسائل على ١٢ رسالة في شتى المعارف والعلوم. وقد قام بتحقيقها وتصحيحها مجموعة من المحققين والمصححين تحت إشراف ورعاية مؤسسة نشر التراث المخطوط.

على أوجي

العلامة محمد القزويني

«رائد مدرسة التحقيق والتصحيح»

مقال وضع فيه كاتبه العلامة محمد القزويني على رأس قائمة المصححين المعاصرين، وعدة رائد مدرسة تقويم النص المعاصرة الواقدة إلى إيران. كما اعتبر سجله العلمي في مجالات تصحيح النصوص وتحقيقها لها وتدبيتها بالحواشى والتعاليق وتدوينه للمقالات العلمية والكتب التخصصية في هذا الصدد وتدبيجها بالمقدمات الواقية، دليلاً بارزاً على سعة علمه وطول باعه وبراعة قلمه في مدرسة التقويم والتصحيح والتدقيق.

ولا شك في أن منهجه العلمي في تقييم النصوص وتصحيحها قد ترك بصماته الواضحة على نتاج أساندته كبار أمثال، فروزانفر وبهار ودهمداد واقبال الآشتيني ومينوي و... فله حقاً وافر الفضل على الجميع في مجال تثمين النصوص وتقويمها.

جبرائيل شداد

الأسلوب العلمي في نقد النصوص الأدبية وتصحيحها

كلمة القاما الأستاذ الدكتور عبدالحسين زرين كوب في رابطة الفلسفة والعلوم الإنسانية، وورقة عبر من خلالها عن الاهداف المرجوة من تصحيح المتنون أو بالأحرى - وعلى حد قوله - نقد النصوص الأدبية و تقويمها. فيرى أن الهدف الأساس من تثمين النصوص و تصحيحها هو إحياء و تدوين و تنسيق أثر اعتماداً على ما يتتوفر من مخطوطاته، والقول بأن هذا الآخر المحقق والمصحح الذي بين يدي القراء المتخصصين ينطبق كل الإنطباق مع مادونه مؤلفه أو قريب منه إلى حد بعيد، ونظمتهم على أن ما بين دفتري هذا الآخر هو نفس ما أورده كاتبه و مصنفه فيه أو قريب منه كل القرب.

ويؤكد صاحب الكلمة على أن من بين ضروريات نقد النصوص الأدبية و تصحيحها العلمي هو جمع كل ما تحتفظ به المكتبات سواء في الداخل أو الخارج من الخطوطات القديمة و القيمة من الآخر المقصود تحقيقه، وإعداد ببليوغرافية لجميعها، وتعيين النسخة الأ原 منها، و الامتناع عن التقويمات الاستحسانية و التصويبات القياسية إلا عند الضرورة المطلحة.

الدكتور عبدالحسين زرين كوب



مفيدة خوارزم

أبوياكر محمد بن عباس الخوارزمي (ت ٢٨٢ هـ . ق)، عالم وأديب وشاعر إيراني نظم بالعربية. وقد بذل نجمه في سماء الأدب العربي وذاع صيته في القرن الرابع الهجري العصر الذهبي للحضارة الإسلامية.

وقد جمع كاتب المقال أشعار الخوارزمي المنتشرة بين طيات المصادر والمراجع العديدة، وصنع له هذا الديوان الفاخر الذي يعدّ حقاً إضافة جديدة إلى مكتبة التراث الأدبي، وإحياء وكشفاً لهذا الجانب الأدبي الراهن الذي لم يحظ بعناية الباحثين وخاصة المعاصرين منهم. فقد أ Mata كاتب المقال أو بالأحرى محقق الديوان، اللئام عن وجه مشرق من هذه الشخصية الفذة والقوى الأضواء على جواب من حياة هذا الأديب كادت تخفي على مر الزمن.

الدكتور حامد صدقى

جولة في رياض ديوان غالب الدهلوى

جال كاتب هذا المقال في رياض غزليات و رباعيات ديوان غالب الدهلوى - وهو بتحقيقه و تصحيحه - فطرب لأنغام و تغاريد كلامه و سحر بيانه، و غاص في أمواج بحور موسيقى شعره، و حار في أحناه أفكاره الفلسفية و تطلعاته العرفانية.

وهو يرى أن غالب الدهلوى في أشعاره قد يزأفراه و فاقهم في أغلب فنون الشعر وأغراضه. و يذهب إلى أن تأثيره بشعراء إيران أمثل ، نظير النيسابوري و ظهوري التبريزى و صائب التبريزى و عرفى الشيرازى و حزین الاهیجی و حافظ الشیرازی و مولانا المولوي و ... وكذا نهلة من معين الفولكلور الإيرانية و اساطيره ما هو إلا دليل واضح على ارتباطه الوثيق و صلته الحميمة بتراث إيران و ثقافتها و حضارتها الضاربة في أعماق التاريخ.

الدكتور محمد حسن حاتري

نظرة إلى قاموس البحرين

عد كاتب المقال هذا الكتاب واحداً من أدق المتنون الكلامية في اللغة الفارسية. عاش مؤلفه السنى المذهب في أوائل القرن التاسع الهجري، ولم تتوفر ترجمة وافية أو معلومات كافية عنه.

كما يرى صاحب المقال أن مؤلف الكتاب قد اقتبس كثيراً من كتب فخر الدين الرازي نقل عنها في مواطن عديدة مشيراً إليها بتصريح العبارة تارة وبالإشارة والإيماء تارة أخرى. و يذهب إلى أن هذا الكتاب كثير الفائدة لمن يروم التعرف على الفلسفة والكلام.

يمتاز هذا الكتاب بعبارة الفارسية السلسلة و نثره الرائق. كما تخلله نصوص عربية تبلغ أحياناً الصفحة الواحدة أو أكثر. وقد اعتمد مصححه على مخطوطة فريدة محفوظة بمكتبة «گنج بخش» في باكستان.

احمد عابدي

إطالة على رسائل حزین الاهیجی

بعد العلامة المتعدد المواهب الشيخ محمد علي حزین الاهیجی (١١٨٠ -

background remain obscure. The book statements are affected by Faxr Razi books, frequently quoting Razi by allusion or explicity, usually accepting him.

However, it is helpful to study the book because of including free-riding Persian statements at times as well as over one page of eloquent Arabic words some other times, in order to get acquainted with philosophy and discourse. Correction of the book has been done according to the only existing version in the library of Ganj of Pakistan.

By Ahmad Abedi

An Overview of *Rasā'l Hazin Lāhiji*

Allameh Zofnūn Šeik mohammad Ali Hazin Lahiji (1103-1180 L.H.) had been of rare genuises and thinkers of muslim world, particularly full-fledged in all sciences of his time even in physical sciences.

The present collection which is re-written and corrected by the industrious team of researchers and proof readers sponsored by the Written Heritage Publication Bureau contains twelve treatises.

By Ali Owji

Allameh Mohammad Qazvini

He can be called as "the progenitor of contemporary proof readers" in the entry process of new methods in criticism and correction of texts in to Iran.

Qazvini's working report-The texts he has corrected and the articles he has published can be defi-

nately proofs of his infinite knowledge and virtue as well as verdigris-free mirror of penning in the school of delicacy.

Surely, Qazvini and the scholarly manner he had in textology influenced the great men such as Furuzanfar, Bahar, Dehxoda, Eqbal Aštiyani, Minavi and..., for the very reason Persian textology research owes a lot to him.

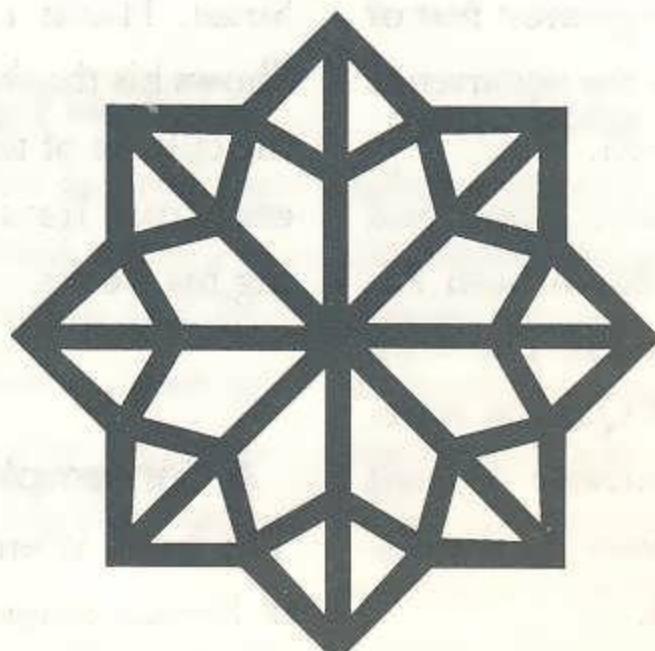
By Gabriel Šādān

The Scientific Method in Criticizing and Correcting the Literary Texts

The finality of criticizing and correcting the literary texts is that one can revive and compile the original or near-original version of a work out of the existing manuscripts, presenting it in a way that the scholarly reader is able to make certain if he has no access to the original work, instead he has got script of a sort that has been written by the original author which is to be close to original.

Of the necessary devices for scientific correction and criticism of literary texts are the collecting of all old authentic manuscripts of the existing text in every library wherever, preparing a pedigree for the scripts, distinguishing the original script, refusing to make comparative corrections and praising amendments unless necessary.

By Dr. Abdolhossein Zarrinkoob



The chapters of one through seven from preface contain discussions on how Quran is gathered up, on the narrators conflict in the descending order of Suras, on the order of Suras according to seven forms of Suras readings of Quran as well as enumerating peer interpreters, how Quranic knowledge have come to genesis, different books and the strata of interpreters.

Persian words embedded in this work apart from basic implications in respect of words and expressions are legion.

By Dr. Parviz Azkāie

A Critical Approach to Ehyāye-Hekmat (Revival of Wisdom)

The book, written by Aliqoli, son of Qarčegai Xān, is to be of the works belonging to 11 A.H. It includes a series of divine and natural wisdom, with the specific feature of dealing with the ideas of renowned sages in the past critically. While being well familiar with Mullasadra's thoughts and works, he has stayed opposed to some matters of ontology as well as motion of Essence with him.

The author has tried hard to pair the philosophical issues with divine verses purport and the Infallible Imams(a) Hadiths and teachings; henceforth, a shi'ite wisdom is well shining in it.

By Dr. Seyyed Jafar Sajjādi

In the Hope of Qabasi

As it is said, the book, Qabasat is the greatest feat of Mirdamad. The fundamental issue is the occurrence of the universe and the oldness as well.

Mir Seyyed Ahmad Alavi, the cousin, groom and apprentice of Mirdamad has put down Šārh Al-Qabasat upon the request of mir himself. The work is not the analytic concatenation of Qabasat statements, but a collection of consecutively ordered annotations and suspensions that open up the discrepancies with Qabasat statements.

Mir Seyyed Ahmad's expository benefits and lexi-

cal literary explications deserve attention and this is a return to language intricacy of Mir Damad's works, and special lexical variety of his texts.

By Juya Jahānbaxš

Gomšodeh Xwārazm (The Lost Pieces of Xwārazm)

Abubakr Xwarazmi-Mohammad ibn Abbas (passed a way in 383 L.H.), scientist, man of letters and an Arabic speaking Iranian poet turning up in the golden age of Islamic civilization won a great saliency in the world of Arabic Literature.

The poet's sporadic compositions orientation out of various sources in the way provided is an effort to revive and introduce the poetic image of Xwarazmi that has gradually been cleared off the memory of Arabic Literature in the lapse of time and in the wake of his poetic collection being lost.

By Dr. Hāmed Sedqi

A Pleasant Turn Around Čāleb Dehlavi Poetic Collection

Čāleb Dehlavi (1212-1285 L.H.), As most people say has over come his peers. His words are overfilled with music, raison d'être, he has applied singing rhythms. His poetic sensations smell out mysticism and gnosticism and his gnostic queries as well as philosophical thinkings are visibly colored with amazement. Being dominantly influenced by poets as Nazir Neyšāburi, Zohuri Torsizi sab Tabrizi, Eraqi Širazi, Hazin Lahiji, Hafiz Širazi, Molavi, et all. Shows his thinking reliance on Iranian territory and the culture of the land. Also, He has received influence from Iranian mythologists, with which coloring his works.

By Dr. M.H. Ha'i

A Contemplation Over Qāmus Al-Bahrain

The book is one of the concise discourse contexts in Persian language. The sunni author lived in early 9th century, regret fully his biography and life-style

- tated conditions of use for scholars and proofreaders under the prescribed norms and rules
- ◆ Translating the valuable Persian manuscripts into Arabic or other languages
- ◆ Performing all technical services and setting up center of publication for issuing books, Journalistic reviews and equipped printing centers with the work permit.
- ◆ Upholding special exhibitions of the publications as well as bookshops, agencies in other parts

It has been a great success for our office, in its fourth year of operation, to present approximately sixty written works in six collections of Islamic culture and science, Persian Language and Literature, Heritage of Transoxania, History and

Geography, sciences and crafts, Bibliographies, and catalogues of manuscripts to the cultural community, also having forty works under processing for publication.

The necessity of information-sending and an absence of a specific Forum on manuscripts in Persian led the office to issue a Quarterly titled the Heritage Mirror, special for criticism of books, bibliography and information - sending within the domain of texts. After the two monthly issues, the first Quarterly issue, very novel, expansive and more specialized, comes out for the attention of the interested readers.

Included issues in the Quarterly would be:

- ◆ Publishing the Islamic scholars surveys on manuscripts, particularly about manuscriptology and critical

proofreading of texts.

- ◆ Looking into the scientifically efficacious methods of research and correction
- ◆ Introducing the researched books and the works pending publication in order to honor the scholars
- ◆ Scholarly criticism
- ◆ Preventing from research
- ◆ Presenting the latest editions of books and scholarly articles
- ◆ Listing out the published and in-print books by the office
- ◆ Identifying the proofreaders and researchers with the scholastic centers
- ◆ Casting the news of relevant cultural scientific studies

We kindly look forward to receiving the articles, criticisms and views of respectable scholars and proofreaders to make the Forum more fruitbearing.



A Conscious Approach to Ancient Heritage

In this article, the author first clarifies in brief the reasons for the book readers tilt toward the works of western thinkers versus the inattention and disregard to ancient legacy with its outcomes, then after having proved the necessary revival of predecessors works, he has dealt with elucidating the practical strategies in this regard.

By Juyā Jahānbaxs

Some Notes on Šahrestāni interpretation

Šaherestāni (died, 548 A. H.) an eminent scholar-exist of Islam in The 6th century A.H., His most famous work is Al-melal va Al-Nehal which is an authoritative study of various religious sects and theological and philosophical schools of his own time. The present book, Mafātiyh al-Asrār (keys to secrets) is an incomplete commentary on The Holy Koran.

The Heritage Mirror Quarterly

First Year, first Issue, spring 1377 (1998)

MEMO

The Islamic manuscripts, in fact, are the record of great scientists and the thinking genuises of world of Islam as well as the identity of muslims in the world including the Iranians. It is up to every generation to safeguard this more honorable heritage, trying to revive it in order to recognize history, culture, literature and its own scientific background.

With all attempts made in the recent years to identify these written reserves with their research as well as hundreds of valuable treatises and books published, we still have a lot to do, thousands of books and manuscripts available in the libraries both outdoors and indoors have not yet been identified and issued. Many of the texts, though printed at many times, are not based on a scientific mode, thus they are in need of being re-checked.

As to this need, "The written Heritage publication office," came to be founded under the effort of Ministry of Culture and Islamic Guidance in the late

1373 (1994) to contribute to the publication of the written heritage with the support of researchers, and proofreaders, the partnership of scientific centers, and with the publication companies internally and externally, thus presenting a valuable compendium of texts and research sources to scholars and culture-lovers.

To further know this office, the objectives and functions are briefly given hereunder:

OBJECTIVES

- ◆ Identifying and introducing the worthy manuscripts within the Islamic culture and civilization and Iran
- ◆ Researching and issuing the Islamic Iranian valuable scripts.
- ◆ Researching and issuing the manuscribed treatises and lithographic texts
- ◆ Supporting the scholars, proofreaders and internal-external publishers in remaking the texts.
- ◆ Contributing to the expanded training of principles of critical proofreading of

texts, as well as compiling and translating the specific texts.

- ◆ Contributing to the expansion of manuscripts communication networks
- ◆ Taking part in regulating and publishing the catalogues of the uncataloged collections manuscripts
- ◆ Issuing the informative periodicals that are specific for manuscripts with relevant research

FUNCTIONS

- ◆ Preparing microfilms, pictures and copies of the internal-external manuscripts
- ◆ Taking partnership in investments with other institutes both at home and abroad for the research and correction of texts as well as other required studies
- ◆ Collaborating with commemoration congresses on the scientific and cultural men of distinction in renovating their works
- ◆ Establishing research and information centers for manuscripts with the facil-

دفتر نشر میراث مکتوب

در حوزهٔ فلسفهٔ اسلامی منتشر کرد



عيار دانش

(مشتمل بر طبیعت و طبیعت)

تأثیر

علی‌قی بن احمد سجیانی

مقدمه و تحقیق

دفتر نشر میراث مکتوب

دانشگاه

تقویم الایمان

حاوی آراء و اندیشه‌های
میرداماد، حکیم نامدار
عصر صفوی درباره
 مهمترین مسائل فلسفه

اسلامی بويژه علم الها



احیای حکمت

(مشتمل بر طبیعت)

علی‌قلی بن قاسم خان
دیگر شیخ زاده از اهل حق

جلداًول

پاسخ کفر و اسناد جهیزی
تصویر تحقیق: نادر

عيار دانش

تنها اثر شناخته شده
بهبهانی، حکیم مشهور
عصر صفوی و از شاگردان
محقق خوانساری، شامل
یک دوره فشرده طبیعت و
الهیات



تقویم الایمان

المعلم الثالث المير حسنه بن داود الداماد

و شرحه

کشف الحقائق

الحکیم الاعلی العادلۃ الشیخ احمد العلوی العاملی

مع علیفه

المعلم الاعلی العادلۃ الشیخ احمد العلوی العاملی

حکم و قلمه

علی‌افجهی

احیای حکمت

از امتهات آثار فلسفی شامل
دوره کامل مباحث حکمت
طبیعی و الهی

مراکز عرضه آثار دفتر میراث مکتوب

۱. دفتر مرکزی، مؤسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صای جنوبی و فلسطین، (تلفن: ۰۶۴۱ ۴۸۳۴)

۲. دفتر قم: میدان شهداء، خیابان حاجتیه، روبروی مدرسه حاجتیه، تلفن: ۰۷۴۰ ۸۸۵ = انتشارات طهوری، خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران



ĀYENE-YE MİRĀS

(MIRROR of HERITAGE)

Quarterly Journal of Book Review, Bibliography and Text Information

Volume 1, No. 1, Summer 1998

Some Notes on Šahrestāni interpretation/ Dr. Parviz Azkāie

A Critical Approach to Ehyāye-Hekmat/ Dr. Seyyed Jafar Sajjādi

Gomšodeh Xwārazm(The Lost Pieces of Xwārazm)/ Dr. Hāmed Sedqi

A Pleasant Turn Around Ğāleb Dehlavi

Poetic Collection/Dr. M.H. Hā'ri

Allameh Mohammad Qazvini/ Gabriel Šādān

The Scientific Method in Criticizing and

Correcting the Literary Texts/ Dr. Abdolhossein Zarrinkoob

مرآة التراث

فصلية تعنى بشؤون نقد النصوص و البلايوغرافية

السنة الأولى، العدد الأول، ١٢٧٧ هـ. ش/ ١٤١٩ هـ. ش

نظارات حول تفسير الشهريستاني / د. برويز أذكائي

نقد و دراسة إحياء الحكمة / د. سيد جعفر سجادي

مفرودة خوارزم / د. حامد صدقى

جولة فى رياض ديوان غالب الدهلوى / د. محمد حسن حائرى

العلامة محمد القزويني / جبرائيل شادان

الأسلوب العلمى فى نقد النصوص

الأدبية و تصحيحها / د. عبدالحسين زرين كوب

